

رساله‌ی آموزشی

۱

احکام عبادات

مطابق با فتاواي
مرجع عالیقدر حضرت آية الله العظمی خامنه‌ای «مدّظله العالی»

"فقه روز"

وابسته به انتشارات انقلاب اسلامی

مقدمه

مجموعه ای که در اختیار دارید، حاوی مسائل مهم و مورد ابتلاء در ابواب عبادات و معاملات است که مطابق با فتاوی مرجع عالی قدر حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (دام ظلّه العالی) می باشد که بنا به درخواست های مکرر از سوی علماء و فضلاء و مقلدین، توسط انتشارات فقه روز به طبع رسیده و در اختیار عموم مؤمنین و علاقه مندان قرار می گیرد.

در این مجموعه آموزشی، علاوه بر موارد موجود در رساله «أجوبه الإستفتائات»، استفتائات جدید نیز اضافه گردید و در دروس مربوط به احکام معاملات از جزوه های مربوط به دروس خارج فقه^۱ معظّم له نیز بهره گرفته شد تا بر غنای آموزشی مجموعه، بر طبق اسلوب و بیان معظّم له افزوده گردد.

مجلد اول این مجموعه شامل احکام عبادات در ابواب تقلید، طهارت، نماز، روزه، خمس، انفال، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر و در ضمن ۷۷ درس و مجلد دوم آن شامل احکام معاملات جایز و حرام و در ضمن ۸۲ درس می باشد. تدوین دروس مزبور به نحوی انجام گرفته است که نفع آن عام و بهره گیری از آن برای همگان آسان باشد.

شایان ذکر است که دفتر استفتائات معظّم له این رساله آموزشی را مورد تأیید و عمل به آن را مجزی اعلام نموده اند.

از تمامی عزیزانی که ما را در تهیه این مجموعه یاری نموده اند صمیمانه تشکر می کنیم. خداوند متعال به همه ما توفیق عمل به احکام اسلام و قرآن و سنت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه طاهرین (علیهم السلام) را عنایت فرماید.

و من الله التوفیق

۱. در متن کتاب منظور از (ج) جزوه درس خارج فقه مقام معظم رهبری (دام ظلّه العالی) می باشد.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
فصل اول - تقلید (۹)	
۱۰	درس ۱- تقلید (۱).....
۱۴	درس ۲- تقلید (۲).....
۱۷	درس ۳- تقلید (۳).....
۲۰	درس ۴- ولایت فقیه و رهبری.....
فصل دوم - طهارت (۲۳)	
۲۴	درس ۵- آبها.....
۲۸	درس ۶- تخلی.....
۳۱	درس ۷- نجاسات (۱).....
۳۵	درس ۸- نجاسات (۲).....
۳۸	درس ۹- نجاسات (۳).....
۴۱	درس ۱۰- مطهرات (۱).....
۴۴	درس ۱۱- مطهرات (۲).....
۴۷	درس ۱۲- مطهرات (۳).....
۵۰	درس ۱۳- وضو (۱).....
۵۴	درس ۱۴- وضو (۲).....
۵۷	درس ۱۵- وضو (۳).....
۶۰	درس ۱۶- وضو (۴).....
۶۳	درس ۱۷- وضو (۵).....
۶۷	درس ۱۸- غسل (۱).....
۷۰	درس ۱۹- غسل (۲).....
۷۲	درس ۲۰- غسل (۳).....
۷۵	درس ۲۱- غسل (۴).....
۷۸	درس ۲۲- احکام درگذشتگان (۱).....
۸۱	درس ۲۳- احکام درگذشتگان (۲).....

۸۴	درس ۲۴ - احکام درگذشتگان (۳)
۸۸	درس ۲۵ - تیمم (۱)
۹۲	درس ۲۶ - تیمم (۲)

فصل سوم - نماز (۹۵)

۹۶	درس ۲۷ - اقسام نمازها
۹۹	درس ۲۸ - لباس نمازگزار (۱)
۱۰۳	درس ۲۹ - لباس نمازگزار (۲)
۱۰۶	درس ۳۰ - مکان نمازگزار (۱)
۱۰۹	درس ۳۱ - مکان نمازگزار (۲)
۱۱۲	درس ۳۲ - احکام مسجد (۱)
۱۱۶	درس ۳۳ - احکام مسجد (۲)
۱۱۸	درس ۳۴ - قبله
۱۲۰	درس ۳۵ - نمازهای یومیه (۱)
۱۲۳	درس ۳۶ - نمازهای یومیه (۲)
۱۲۶	درس ۳۷ - نمازهای یومیه (۳)
۱۲۸	درس ۳۸ - نمازهای یومیه (۴)
۱۳۱	درس ۳۹ - نمازهای یومیه (۵)
۱۳۵	درس ۴۰ - نمازهای یومیه (۶)
۱۳۸	درس ۴۱ - نمازهای یومیه (۷)
۱۴۲	درس ۴۲ - نمازهای یومیه (۸)
۱۴۶	درس ۴۳ - نمازهای یومیه (۹)
۱۵۱	درس ۴۴ - نمازهای یومیه (۱۰)
۱۵۵	درس ۴۵ - نمازهای یومیه (۱۱)
۱۵۸	درس ۴۶ - نمازهای یومیه (۱۲)
۱۶۱	درس ۴۷ - نمازهای یومیه (۱۳)
۱۶۴	درس ۴۸ - نمازهای یومیه (۱۴)
۱۶۷	درس ۴۹ - نمازهای یومیه (۱۵)
۱۷۰	درس ۵۰ - نمازهای یومیه (۱۶)
۱۷۵	درس ۵۱ - نمازهای یومیه (۱۷)
۱۸۰	درس ۵۲ - نمازهای یومیه (۱۸)

- درس ۵۳- نمازهای یومیه (۱۹)..... ۱۸۴
- درس ۵۴- نمازهای یومیه (۲۰) - نماز قضای پدر و مادر..... ۱۸۷
- درس ۵۵- نماز آیات - نماز عید فطر و قربان..... ۱۹۰
- درس ۵۶- نماز جماعت (۱)..... ۱۹۳
- درس ۵۷- نماز جماعت (۲)..... ۱۹۶

فصل چهارم - روزه (۲۰۱)

- درس ۵۸- روزه (۱)..... ۲۰۲
- درس ۵۹- روزه (۲)..... ۲۰۶
- درس ۶۰- روزه (۳)..... ۲۱۰
- درس ۶۱- روزه (۴)..... ۲۱۴
- درس ۶۲- روزه (۵)..... ۲۱۹
- درس ۶۳- روزه (۶)..... ۲۲۳
- درس ۶۴- روزه (۷)..... ۲۲۷
- درس ۶۵- روزه (۸)..... ۲۳۲

فصل پنجم - خمس (۲۳۵)

- درس ۶۶- خمس..... ۲۳۶
- درس ۶۷- خمس درآمد (۱)..... ۲۳۹
- درس ۶۸- خمس درآمد (۲)..... ۲۴۳
- درس ۶۹- خمس درآمد (۳)..... ۲۴۷
- درس ۷۰- خمس درآمد (۴)..... ۲۵۳
- درس ۷۱- خمس درآمد (۵)..... ۲۵۷
- درس ۷۲- خمس درآمد (۶)..... ۲۶۱
- درس ۷۳- خمس معدن- گنج - مال حلال مخلوط به حرام- مصرف خمس - مسایل متفرقه‌ی خمس ۲۶۴

فصل ششم - انفال (۲۶۹)

- درس ۷۴- انفال..... ۲۷۰

فصل هفتم - جهاد (۲۷۳)

درس ۷۵ - جهاد..... ۲۷۴

فصل هشتم - امر به معروف و نهی از منکر (۲۷۷)

درس ۷۶ - به معروف و نهی از منکر (۱)..... ۲۷۸

درس ۷۷ - به معروف و نهی از منکر (۲)..... ۲۸۳

۶ مسایل متفرقه‌ی امر به معروف و نهی از منکر
۲۸۶

برای مشاهده‌ی فهرست کامل به انتهای کتاب مراجعه فرمایید.



تقلید



تقلید (۱)

مقدمه - راههای شناخت احکام - اقسام تقلید -
اعمال بدون تقلید

۱. مقدمه

مكلف بايد مسایلی را که انجام تکالیف شرعی روزمره وابسته به دانستن آن است فرا بگیرد، مانند مسایل اصلی نماز و روزه و طهارت و برخی معاملات و غیر آن، و اگر یاد نگرفتن احکام به ترک واجب یا ارتکاب حرام بیانجامد گناهکار خواهد بود.
(اجوبه الاستفتاءات، س ۶ و استفتا از دفتر معظم له، باب تقلید، م ۶)

توجه

مكلف به کسی گفته می شود که واجد شرایط تکلیف باشد.

- شرایط تکلیف از
- ۱. بلوغ.
 - ۲. عقل.
 - ۳. قدرت.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۸۹۲)

- نشانه های بلوغ یکی از
- ۱. روییدن موی درشت زیر شکم بالای عورت (شرمگاه).
 - ۲. احتلام (بیرون آمدن منی).
 - ۳. تمام شدن ۱۵ سال قمری در پسر و تمام شدن ۹ سال قمری در دختر.
- سه چیز است

(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۸۹۱)

(اجوبه الاستفتاءات، س ۷۳۲ و ۱۸۸۷ و ۱۸۸۹)

تا زمانی که یکی از نشانه های بلوغ در فردی تحقق پیدا نکرده شرعاً حکم به بلوغ او نمی شود و مكلف به احکام شرعی نیست.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۸۹۱)

صرف احتمال این که انبات (رویش موی درشت زیر شکم) یا احتلام زودتر از سن تکلیف ظاهر شده اند برای حکم به بلوغ کفایت نمی کند.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۸۹۰)

خونی که دختر قبل از اتمام نه سالگی می بیند علامت شرعی بلوغ نیست.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۸۹۴)

□ همانطور که گفتیم معیار در سن بلوغ، سال قمری است و در صورتی که تولد بر اساس سال شمسی معلوم باشد می توان آن را بر اساس سال قمری از طریق محاسبه اختلاف بین سال قمری و سلا شمسی به دست آورد. (هر سال قمری ۱۰ روز و ۲۱ ساعت و ۱۷ ثانیه کمتر از سال شمسی است).

(اجویة الاستفتاءات، س ۱۸۸۸)

۲. راههای شناخت احکام

۱. اجتهاد.

۲. احتیاط.

۳. تقلید.

مكلف برای شناخت احکام دین و عمل به آنها سه راه دارد

(استفتا از دفتر معظم له، باب تقلید، م ۱)

۱. اجتهاد

اجتهاد یعنی استنباط و استخراج احکام شرعی و قوانین الهی از مدارک و منابع قطعی که نزد فقهای اسلام مقرر و ثابت شده است.

۲. احتیاط

احتیاط یعنی عمل کردن به طوری که مطمئن شود وظیفه‌ی شرعی خود را انجام داده است، مثلاً کاری را که بعضی از مجتهدین حرام می‌دانند و بعضی دیگر حرام نمی‌دانند به جا نیاورد و کاری را که بعضی واجب می‌دانند و بعضی دیگر واجب نمی‌دانند، انجام دهد.

(اجویة الاستفتاءات، س ۱ و ۳ و استفتا از دفتر معظم له، باب تقلید، م ۱)

۳. تقلید

تقلید یعنی در احکام دین به مجتهد جامع‌الشرائط مراجعه کردن، و به عبارت دیگر بر طبق تشخیص و فتوای او اعمال شرعی را به جا آوردن.

(اجویة الاستفتاءات، س ۱ و ۳ و استفتا از دفتر معظم له، باب تقلید، م ۱)

توجه

□ تقلید، علاوه بر این که ادله‌ی لفظی دارد، عقل نیز حکم می‌کند که شخص ناآگاه به احکام دین باید به مجتهد جامع‌الشرائط مراجعه کند.

(اجویة الاستفتاءات، س ۱)

□ مكلف اگر در احکام دین مجتهد نیست باید از کسی که مجتهد است تقلید کند و یا به احتیاط رفتار نماید.

(استفتا از دفتر معظم له، باب تقلید، م ۱)

□ از آن جایی که عمل به احتیاط مستلزم شناسایی موارد و چگونگی احتیاط و صرف وقت بیشتر است، بهتر آن است که مكلف در احکام دین از مجتهد جامع‌الشرائط تقلید کند.

(اجویة الاستفتاءات، س ۲)

۱. مکلف باشد.
۲. مجتهد نباشد.
۳. محتاط نباشد.
- تقلید بر کسی واجب است که واجد سه شرط باشد
- (استفتا از دفتر معظم له، باب تقلید، م ۱)

۳. اقسام تقلید

تقلید از یک نظر بر دو قسم است:

۱. ابتدا ایی: (یعنی تقلید کردن از مجتهد مرده بدون آن که قبلاً در زمان حیات وی از او تقلید کرده باشد) که بنا به احتیاط (واجب) جایز نیست.
۲. بقایای: (یعنی باقی بودن بر تقلید از مجتهد مرده‌یی که در زمان حیات وی از او تقلید کرده است) که در همه‌ی مسایل حتی در مسایلی که تا کنون مکلف به آنها عمل نکرده جایز و مجزی است.
- (اجوبه الاستفتاءات، س ۲۲ و ۴۱ و استفتا از دفتر معظم له، باب تقلید، م ۴)

توجه

- در تقلید بقایی، فرقی نیست بین آن که مجتهد میت، اعلم باشد یا نباشد، در هر صورت جایز است، ولی سزاوار است که احتیاط در بقا بر تقلید میت اعلم ترک نشود. (اجوبه الاستفتاءات، س ۳۵)
- تقلید ابتدایی از مجتهد میت یا بقا بر تقلید او و حدود آن، باید به تقلید از مجتهد زنده و بنابر احتیاط واجب اعلم باشد. بلی در صورتی که جواز بقا بر تقلید میت، مورد اتفاق فقهای عصر حاضر باشد اجازه از اعلم واجب نیست. (اجوبه الاستفتاءات، س ۲۳ و ۳۶ و ۴۰ و استفتا از دفتر معظم له، باب تقلید، م ۴)
- افرادی که در زمان حیات مجتهد جامع‌الشرائط غیر بالغ بوده‌اند ولی به نحو صحیح از او تقلید کرده‌اند، می‌توانند بعد از فوت آن مجتهد همچنان بر تقلید وی باقی بمانند. (اجوبه الاستفتاءات، س ۴۲)
- شخصی که از مجتهدی تقلید می‌کرده و بعد از فوت او در بعضی از مسایل از مجتهد دیگری تقلید کرده است و این مجتهد نیز وفات نموده، می‌تواند مانند گذشته بر تقلید از مجتهد اول در مسایلی که از او عدول نکرده باقی بماند، همچنان که مخیر است در مسایلی که عدول نموده بر فتوای مجتهد دوم باقی بماند و یا به مجتهد زنده عدول کند. (اجوبه الاستفتاءات، س ۳۷)

۴. اعمال بدون تقلید

اعمال افرادی که تقلید نمی‌کنند یا تقلید صحیح ندارند در صورتی محکوم به صحت است که:

۱. موافق احتیاط باشد.
۲. یا مطابق واقع باشد.
۳. یا مطابق با نظر مجتهدی باشد که وظیفه دارند از او تقلید کنند.
- (اجوبه الاستفتاءات، س ۷)

تمرین ۳

۱. آیا کسی که در آموختن احکام دینی مورد نیاز خود کوتاهی می‌کند گناهکار است؟
۲. نشانه‌های بلوغ کدامند؟
۳. راههای شناخت احکام را برشمرد؟
۴. عمل به احتیاط بهتر است یا تقلید؟ چرا؟
۵. اقسام تقلید را توضیح دهید؟
۶. حکم اعمال بدون تقلید چیست؟



تقلید (۲)

شرایط مرجع تقلید - تبعیض در تقلید

۵. شرایط مرجع تقلید

توجه

□ از کسی باید تقلید کرد که شرایط آن را داشته باشد.

۱. مرد باشد.
۲. بالغ باشد.
۳. عاقل باشد.
۴. شیعه‌ی ۱۲ امامی باشد.
۵. حلال زاده باشد.
۶. بنابر احتیاط (واجب) زنده باشد.
۷. عادل باشد.
۸. با توجه به حساسیت و اهمیت منصب مرجعیت در فتوا، بنابر احتیاط واجب، قدرت تسلط بر نفس سرکش را داشته و حرص به دنیا نداشته باشد.
۹. مجتهد باشد.
۱۰. بنابر احتیاط واجب اعلم باشد.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۱۲ و ۱۵ و ۱۶ و ۲۱ و ۲۲ و استفتا از دفتر معظم له، باب تقلید، م ۲)

۷. عادل باشد

۱. عدالت عبارت از حالت نفسانی است که باعث می‌شود انسان همیشه تقوایی داشته باشد که مانع از ترک واجبات یا انجام محرمات شرعی بشود. (اجوبة الاستفتاءات، س ۵۶۲)
۲. عادل کسی است که عدالت داشته باشد، و به عبارت دیگر کسی است که پرهیزکاری او به حدی رسیده باشد که از روی عمد مرتکب گناه (ترک واجب یا انجام حرام) نشود.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۱۳ و استفتا از دفتر معظم له، باب تقلید، م ۲)

۳. برای اثبات و احراز عدالت، حسن ظاهر کافی است.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۵۶۲)

۹. مجتهد باشد

۱. اجتهاد از یک نظر بر دو قسم است:

۱. اجتهاد مطلق: اجتهادی را گویند که صاحب آن در تمام ابواب فقهی دارای فتوا و نظر اجتهادی است. صاحب اجتهاد مطلق را «مجتهد مطلق» نامند.

۲. اجتهاد متجزی: به اجتهادی گفته می‌شود که صاحب آن در برخی از ابواب فقهی، مثل نماز و روزه دارای فتوا و نظر اجتهادی است. صاحب اجتهاد تجزی را «مجتهد متجزی» می‌گویند.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰)

۲. فتوای مجتهد مطلق برای خودش حجت است و دیگران هم می‌توانند از او تقلید کنند، و همچنین فتوای مجتهد متجزی، گرچه احتیاط مستحب در ترک تقلید از مجتهد متجزی است. (اجوبه الاستفتاءات، س

۱۰)

۱۰. بنا بر احتیاط واجب اعلم باشد

۱. اعلم یعنی کسی که بر استنباط احکام دین توانا تر باشد، و به عبارت دیگر کسی است که نسبت به سایر مراجع، قدرت بیشتری بر شناخت احکام الهی داشته باشد و بهتر بتواند احکام شرعی را از ادله، استنباط کند، و همچنین نسبت به اوضاع زمان خود به مقداری که در تشخیص موضوعات احکام و ابراز نظر فقهی مؤثر است آگاهتر باشد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۶ و استفتا از دفتر معظم له، باب تقلید، م ۲)

۲. دلیل وجوب تقلید از اعلم، بنای عقلا و حکم عقل است.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۲۰)

۳. وجوب تقلید از اعلم بنا به احتیاط واجب در مسایلی است که فتوای اعلم با فتوای غیر اعلم اختلاف دارد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۶)

۴. به صرف احتمال عدم وجود شرایط معتبر در اعلم، جایز نیست بنا به احتیاط واجب در مسایل مورد اختلاف از غیر اعلم تقلید کرد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۷)

چند نکته در ارتباط با شرایط مرجع تقلید

□ در صحت تقلید از مجتهد جامع الشرائط، تصدی مرجعیت یا داشتن رساله‌ی عملیه شرط نیست، لذا اگر برای مکلف ثابت شود مجتهدی که متصدی مقام مرجعیت نبوده و رساله‌ی عملیه هم ندارد جامع الشرائط است می‌تواند از او تقلید کند.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۹)

□ در تقلید از مجتهد جامع الشرائط شرط نیست که مجتهد اهل کشور مکلف و یا ساکن در محل سکونت او باشد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۱)

□ پدران و مادران وظیفه دارند فرزندان تازه به سن تکلیف رسیده‌ی خود را که باید مرجع تقلیدی انتخاب کنند و به خاطر دشوار بودن درک مسأله‌ی تقلید نمی‌توانند به تنهایی وظیفه‌ی شرعی خود را در این باره

تشخیص دهند، ارشاد و راهنمایی نمایند.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۴)

۶. تبعیض در تقلید

۱. تبعیض در تقلید یعنی تقلید را قسمت قسمت کردن و در هر قسمت از احکام، از مجتهد آن قسمت تقلید کردن.

۲. مقلد می‌تواند هر قسمت از احکام شرعی را از مجتهدی که در آن قسمت تبحر و مهارت بیشتری دارد تقلید کند، مثلاً عبادات را از مجتهدی و معاملات را از مجتهد دیگری تقلید نماید یا احکام فردی را از یکی و احکام اجتماعی و سیاسی و اقتصادی را از دیگری تقلید کند، بلکه اگر علمیت هر یک از مجتهدین در مسایلی که مکلف بنا دارد در آن مسایل از او تقلید کند محرز شود، بنا بر احتیاط (واجب)، تبعیض در تقلید در صورت اختلاف فتوا در مسایل مورد نیاز مقلد واجب است.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۱۸ و استفتا از دفتر معظم له، باب تقلید، م ۵)

تمرین

۱. شرایط مرجع تقلید کدامند؟
۲. عدالت چیست؟ و عادل کیست؟
۳. آیا فتوای مجتهد متجزی برای خودش و دیگران حجت است؟
۴. چرا باید از علم تقلید کرد؟
۵. آیا می‌توان از مجتهدی که رساله‌ی عملیه ندارد تقلید کرد؟ چرا؟
۶. تبعیض در تقلید یعنی چه؟ و چه حکمی دارد؟



تقلید (۳)

راههای شناخت مجتهد جامع الشرائط - راههای به دست آوردن
فتوای مجتهد - احکام عدول - مسایل متفرقه‌ی تقلید

۷. راههای شناخت مجتهد جامع الشرائط

۱. اطمینان، چه از راه شهرت فراگیر میان مردم و چه از راه تجربه‌ی شخصی و چه از راه دیگر.
 ۲. شهادت دو نفر عادل از اهل خبره، هر چند موجب اطمینان نشود.
- از دو راه می‌توان مجتهد
حایز شرایط را شناخت

(اجوبه الاستفتاءات، س ۲۵ و استفتا از دفتر معظم له، باب تقلید، م ۳)

توجه

□ اگر بینة شرعی (مثل شهادت دو نفر عادل و اهل خبره) بر صلاحیت و جامع الشرائط بودن مجتهدی اقامه شود، تا زمانی که بینة شرعی دیگری که معارض آن باشد پیدا نشود، آن بینة حجت شرعی است و به آن اعتماد می‌شود، اگر چه موجب حصول اطمینان نباشد، و در این صورت جستجو از بینة معارض و احراز عدم وجود آن لازم نیست.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۲۴ و ۲۷)

۸. راههای به دست آوردن فتوای مجتهد

۱. شنیدن از خود مجتهد.
 ۲. شنیدن از دو یا یک نفر عادل.
 ۳. شنیدن از یک نفر مورد اطمینان.
 ۴. دیدن در رساله‌ی مجتهد در صورتی که رساله‌ی وی مصون از اشتباه باشد.
- راههای دستیابی به
فتوای مجتهد

(اجوبه الاستفتاءات، س ۲۵)

توجه

□ در تصدی نقل فتوای مجتهد و بیان حکم شرعی، اجازه داشتن از مجتهد شرط نیست، ولی کسی که دچار خطا و اشتباه می‌شود جایز نیست متصدی این کار شود، و اگر در موردی اشتباه کرد، چنانچه متوجه اشتباه خود شد، بر او واجب است شنونده را از آن اشتباه آگاه نماید. به هر حال، بر مستمع جایز نیست تا اطمینان به صحت گفتار گوینده پیدا نکرده، به نقل او عمل کند.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۲۸)

۹. احکام عدول

۱. در مسایلی که مجتهد اعلم، فتوا ندارد و غیر اعلم در آن مسأله احتیاط نکرده و فتوای صریح دارد. (البته با رعایت ترتیب الاعلم فالاعلم بنا بر احتیاط واجب).

۱. مواردی که عدول به غیر اعلم جایز است

۲. در مسایلی که فتوای غیر اعلم مخالف فتوای اعلم نباشد.

۳. در مسایلی که فتوای اعلم مخالف احتیاط است و فتوای غیر اعلم موافق احتیاط.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۸ و ۱۹ و ۲۰)

۱. عدول از مجتهد زنده به مجتهد دیگر بنا به احتیاط واجب جایز نیست مگر این که وی فاقد یکی از شرایط مرجعیت باشد، مثلاً مرجع دوم، اعلم از مرجع اول و فتوای او در مسأله‌ی مخالف فتوای مجتهد اول باشد.

۲. مواردی که عدول جایز نیست

۲. رجوع به مجتهد میت بعد از عدول از او به مجتهد زنده در مسایلی که عدول

(اجوبه الاستفتاءات، س ۳۱ و ۳۸ و ۳۹ و ۴۵ و استفتا)

شده جایز نیست.

توجه

□ صرف گمان به ناهماهنگی فتاوی مرجع تقلید با زمان و شرایط حاکم بر آن و یا دشواری عمل به فتاوی او، سبب جواز عدول از مجتهد اعلم به مجتهد دیگر نمی‌شود.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۴۵)

۱۰. مسایلی متفرقه‌ی تقلید

۱. هرگاه برای مکلف در اثنای نماز مسأله‌ی پیش بیاید که حکم آن را نمی‌داند، جایز است به یکی از دو طرفی که احتمال آن را می‌دهد عمل کند و نماز را به آخر برساند، ولی پس از نماز باید مسأله را

بپرسد و اگر آنچه عمل کرده موجب بطلان نمازش شده باشد، نماز را دوباره بخواند. (استفتا از دفتر معظم له، باب تقلید، م ۴)

۲. جاهل از یک نظر بر دو قسم است:

۱. جاهل قاصر: کسی است که اصلاً متوجه جهل خود نیست و یا راهی برای برطرف کردن جهل خود

ندارد.

۲. جاهل مقصر: به کسی گفته می‌شود که متوجه جهل خود بوده و راههای رفع جهالت خود را هم می‌داند ولی در آموختن احکام کوتاهی می‌کند.
(اجوبة الاستفتاءات، س ۴۶ و ۴۷)
۳. احتیاط واجب یعنی وجوب انجام یا ترک فعلی از باب احتیاط. در احتیاط واجب مقلد می‌تواند به مجتهد دیگر که احتیاط نکرده و فتوای صریح دارد با رعایت ترتیب الاعلم فالاعلم رجوع کند.
(اجوبة الاستفتاءات، س ۸ و ۴۸)
۴. همه‌ی عبارت‌های «فیه اشکال»، «مشکل»، «لا یخلو من اشکال» که در کتب فقهی به کار می‌روند، دلالت بر احتیاط دارند مگر عبارت «لا اشکال فیه» که فتوی است.
(اجوبة الاستفتاءات، س ۵۰)
۵. در مقام عمل فرقی بین «جایز نیست» و «حرام است» وجود ندارد.
(اجوبة الاستفتاءات، س ۵۱)

تمرین ۳

۱. راههای دستیابی به فتوای مجتهد را ذکر نمایید.
۲. آیا کسی که اجازه از مجتهد ندارد جایز است متصدی نقل فتوای مجتهد و بیان احکام شرعی شود؟
۳. مواردی که عدول به غیر اعلم جایز نیست را توضیح دهید؟
۴. در چه موردی عدول واجب است؟
۵. اقسام جاهل کدامند؟
۶. فرق بین جایز نبودن و حرام چیست؟



ولایت فقیه و رهبری

معنای ولایت فقیه - ضرورت ولایت فقیه - قلمرو ولایت فقیه - اختلاف نظر ولی فقیه با نظر مرجع تقلید

۱. معنای ولایت فقیه

ولایت فقیه یعنی حکومت فقیه عادل و دین شناس.

توجه

- ولایت فقیه در رهبری جامعه‌ی اسلامی و اداره‌ی امور اجتماعی ملت اسلامی در هر عصر و زمان از ارکان مذهب حقه‌ی اثنی عشری است که ریشه در اصل امامت دارد. (اجوبه‌ی الاستفتاءات، س ۶۱)
- عدم اعتقاد به ولایت فقیه، اعم از این که بر اثر اجتهاد باشد یا تقلید، در عصر غیبت حضرت حجت(عج) موجب ارتداد و خروج از دین اسلام نمی‌شود، و اگر کسی به نظر خود بر اساس استدلال و برهان به عدم لزوم اعتقاد به آن رسیده باشد معذور است، ولی ترویج اختلاف و تفرقه بین مسلمانان برای او جایز نیست. (اجوبه‌ی الاستفتاءات، س ۵۹ و ۶۱)

۲. ضرورت ولایت فقیه

از آن جا که دین حنیف اسلام که آخرین دین آسمانی است و تا روز قیامت استمرار دارد و دین حکومت و اداره‌ی امور جامعه است، لذا همه‌ی طبقات جامعه‌ی اسلامی ناگزیر از داشتن ولی امر و حاکم و رهبر هستند تا امت اسلامی را از شر دشمنان اسلام و مسلمین حفظ نماید، و از نظام جامعه‌ی اسلامی پاسداری نموده و عدالت را در آن برقرار و از ظلم و تعدی قوی بر ضعیف جلوگیری نماید، و وسایل پیشرفت و شکوفایی فرهنگی، سیاسی و اجتماعی را تأمین کند. (اجوبه‌ی الاستفتاءات، س ۶۳)

توجه

- ولایت فقیه، حکم شرعی تعبدی است که مورد تأیید عقل نیز می‌باشد، و در تعیین مصداق آن روش عقلایی وجود دارد که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان شده است. (اجوبه‌ی الاستفتاءات، س ۵۶)

۳. قلمرو ولایت فقیه

۱. اوامر ولایی ولی فقیه

همه‌ی مسلمانان باید از اوامر ولایی و دستورات حکومتی ولی فقیه اطاعت نموده و تسلیم امر و نهی او باشند. این حکم شامل فقهای عظام هم می‌شود چه رسد به مقلدین آنان. (اجوبه الاستفتاءات، س ۶۲ و ۶۵)

توجه

□ برای هیچ کسی جایز نیست که با متصدی امور ولایت به این بهانه که خودش شایسته تر است، مخالفت نماید. این در صورتی است که متصدی منصب ولایت از راههای قانونی شناخته شده به مقام ولایت رسیده باشد. (اجوبه الاستفتاءات، س ۶۵)

۲. احکام ولایی ولی فقیه

احکام ولایی و انتصابات صادره از طرف ولی امر مسلمین اگر هنگام صدور، موقت نباشد، همچنان استمرار دارد و نافذ خواهد بود، مگر این که ولی امر جدید مصلحتی در نقض آنها ببیند و آنها را نقض کند. (اجوبه الاستفتاءات، س ۶۴)

۳. اجرای حدود

اجرای حدود (مثل حد زنا و سرقت) در زمان غیبت هم واجب است، و ولایت بر آن اختصاص به ولی امر مسلمین دارد. (اجوبه الاستفتاءات، س ۶۶)

۴. مقدم بودن اختیارات ولی فقیه بر اختیارات آحاد امت

تصمیمات و اختیارات ولی فقیه در مواردی که مربوط به مصالح عمومی اسلام و مسلمین است، در صورت تعارض با اراده و اختیار آحاد مردم، بر اختیارات و تصمیمات آحاد امت، مقدم و حاکم است. (اجوبه الاستفتاءات، س ۶۳)

۵. اداره‌ی رسانه‌های گروهی

اداره‌ی رسانه‌های گروهی باید تحت امر و اشراف ولی امر مسلمین باشد و در جهت خدمت به اسلام و مسلمین و نشر معارف ارزشمند الهی به کار گمارده شود، و نیز در جهت پیشرفت فکری جامعه‌ی اسلامی و حل مشکلات آن و اتحاد مسلمانان و گسترش اخوت و برادری در میان مسلمین و امثال این گونه امور از آن استفاده می‌شود. (اجوبه الاستفتاءات، س ۵۸)

سه نکته در ارتباط با قلمرو ولایت فقیه

□ اطاعت از دستورات نماینده‌ی ولی فقیه: نماینده‌ی ولی فقیه در صورتی که دستورات خود را بر اساس

قلمرو صلاحیت و اختیاراتی که از طرف ولی فقیه به او واگذار شده است صادر کرده باشد مخالفت با آنها جایز نیست.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۶۹)

□ **ولایت اداری:** در مفاهیم اسلامی چیزی به عنوان ولایت اداری (به معنای لزوم اطاعت از دستورات مقام بالاتر بدون حق اعتراض) وجود ندارد، ولی مخالفت با اوامر اداری که بر اساس ضوابط و مقررات قانونی اداری صادر شده باشد جایز نیست.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۶۸)

□ **ولایت تکوینی:** ولی فقیه، ولایت تکوینی ندارد. این امر اختصاص به معصومین (ع) دارد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۶۸)

۴. اختلاف نظر ولی فقیه با نظر مرجع تقلید

در مواردی که نظر ولی فقیه با نظر مرجع تقلید مختلف است، اگر این اختلاف، در مسایل مربوط به اداره‌ی کشور و اموری که به عموم مسلمانان ارتباط دارد باشد، مثل دفاع از اسلام و مسلمین بر ضد کفار و مستکبران متجاوز، باید نظر ولی امر مسلمین اطاعت شود و اگر در مسایل فردی محض باشد، هر مکلفی باید از فتوای مرجع تقلیدش پیروی نماید.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۵۲ و ۵۴)

تمرین

۱. ولایت فقیه یعنی چه؟ و چرا ضروری است؟
۲. وظیفه‌ی شرعی مسلمانان در برابر اوامر ولایی ولی فقیه را بیان نمایید؟
۳. آیا اوامر ولایی که از رهبر متوفی صادر شده است بدون اذن رهبر زنده، خود به خود استمرار و نافذ خواهد بود؟
۴. آیا مجتهد جامع‌الشرائط در عصر غیبت، ولایت بر اجرای حدود دارد؟
۵. آیا اطاعت از دستورات نماینده‌ی ولی فقیه در مواردی که داخل در قلمرو نمایندگی اوست، واجب است؟
۶. مکلف در مواردی که نظر ولی فقیه با نظر مرجع تقلید متفاوت است چه وظیفه‌ی دارد؟

۱. ولایت بر دو قسم است:

۱. ولایت تشریحی: یعنی حاکمیت و سرپرستی قانونی و الهی، مانند ولایت و جد پدری بر کودک نابالغ یا ولایت حاکم اسلامی بر تمام مسائل مربوط به حکومت و اداره کشور اسلامی.

۲. ولایت تکوینی: یعنی توانایی تصرف کردن در جهان تکوینی (آفرینش) به فرمان و اذن خداوند و قدرت به وجود آوردن حوادث بر خلاف عادت و جریان طبیعی عالم اسباب، مانند شفا دادن بیماران غیر قابل علاج یا زنده کردن مردگان.



طهارت

دین اسلام به طهارت و پاکیزگی اهمیت زیاد داده است. بعضی از اعمال و تکالیف شرعی در صورتی درست است که با طهارت انجام داده شود، و بعضی چیزها از نظر شریعت مقدس اسلام، ناپاک است و از آن باید همیشه یا در مواقع خاصی اجتناب شود. در فقه اسلام به جز پاکیزگی و تمیزی و طهارت که همواره چیز مطلوبی است، نوعی شستشوی خاص (وضو و غسل) نیز وجود دارد که به آن طهارت می‌گویند و گاه واجب و گاه مستحب است. احکام طهارت و چیزهای پاک‌کننده و کیفیت پاک‌کردن بدن و لباس و اشیای دیگر و چیزهایی که نجس و ناپاک است و هر چه به این مسایل ارتباط می‌یابد در این فصل که به نام «طهارت» نامیده می‌شود بیان می‌گردد.

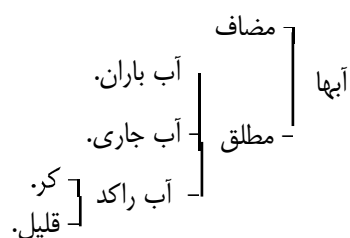
(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، ۲م)



آبها

اقسام آبها - آب مضاف - آب مطلق - احکام آبهای
مطلق - احکام شک در آب

۱. اقسام آبها



۲. آب مضاف (آب ناخالص و عصاره‌یی)

۱. معنای آب مضاف

آب مضاف آبی است که اطلاق کلمه‌ی آب بر آن به تنهایی و بدون قید و اضافه صحیح نباشد، خواه از چیزی گرفته شود، مانند آب هندوانه، گلاب و مانند آن، یا با چیزی مخلوط شود به طوری که دیگر به آن آب نگویند، مانند شربت، آب نمک و مانند آن.
(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱)

۲. احکام آب مضاف

۱. آب مضاف، چیز نجس را پاک نمی‌کند (از مطهرات نیست).
۲. با برخورد به نجاست، نجس می‌شود (هر چند نجاست کم باشد و بسو یا رنگ یا مزه‌ی آب عوض نشود و هر چند آب مضاف به اندازه کر باشد).
۳. وضو و غسل با آب مضاف باطل است.
(اجوبه الاستفتاءات، س ۷۴ و استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱)

توجه

□ گاهی به آب، موادی اضافه می‌کنند که آن را به رنگ شیر در می‌آورد، این آب، حکم آب مضاف را ندارد، (بنابراین می‌توان با آن چیزهای نجس را شست و وضو گرفت و غسل کرد).
(اجوبه الاستفتاءات، س ۷۷)

۳. آب مطلق (آب خالص)**۱. معنای آب مطلق**

آب مطلق آبی است که اطلاق کلمه‌ی آب بر آن به تنهایی و بدون هیچ قید و شرطی صحیح باشد، مانند آب باران و آب چشمه و مانند آن.
(اجوبه الاستفتاءات، س ۷۴ و استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱)

۲. اقسام آب مطلق

از آسمان می‌بارد (باران). از زمین می‌جوشد (جاری). نه می‌بارد و نه می‌جوشد (راکد)	}	آب مطلق
تقریباً ۳۸۴ لیتر است (کر). کمتر از این مقدار است (قلیل).	}	

توجه

□ آب یا از آسمان می‌بارد یا از زمین (مخزن زیر زمینی) می‌جوشد و یا نه می‌بارد و نه می‌جوشد. به آبی که از آسمان می‌بارد «آب باران» گویند، و آبی که از زمین می‌جوشد «آب جاری» است. آبی که از زمین نمی‌جوشد و از آسمان نمی‌بارد «آب راکد» است که اگر حجم آن $\frac{42}{8}$ (تقریباً ۳۸۴ لیتر) باشد «آب کر» و اگر کمتر از آن باشد «آب قلیل» خواهد بود.
(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۲)

۳. احکام آب مطلق

۱. آب مطلق چیز نجس را پاک می‌کند (از مطهرات است).
۲. آب مطلق به جز آب قلیل، تا زمانی که بر اثر برخورد با نجاست، رنگ یا بو یا مزه‌ی نجاست نگرفته باشد پاک است.
۳. وضو و غسل با آب مطلق صحیح است.
(اجوبه الاستفتاءات، س ۷۴ و استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱)

توجه

□ برای ترتب آثار شرعی آب مطلق، صدق عنوان آن در نظر عرف کافی است، بنابراین از آن جا که صرف غلظت آب به سبب وجود املاح، مانع از صدق عنوان آب مطلق بر آن نمی‌شود، از این رو می‌توان با آب دریایی که بر اثر وجود املاح فراوان غلیظ شده است، مثل دریاچه‌ی ارومیه چیزهای

نجس را شست و وضو گرفت و غسل کرد.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۷۴)

۴. احکام اقسام آبهای مطلق

۱. آب باران

آب باران اگر به چیزی که نجس شده است بیارد آن را پاک می‌کند.

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۲)

۲. آب کر و جاری

۱. اگر چیزی را که نجس شده در آب کر و جاری فرو ببرند آن را پاک می‌کند و خود نجس نمی‌شود.

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۲)

۲. آب کر و جاری اگر با ریخته شدن چیزهای نجس در آن، رنگ یا بو یا مزه‌ی آن تغییر کند، نجس می‌شود و در این صورت چیزهایی را که نجس شده‌اند، پاک نمی‌کند.

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۴)

توجه

□ آب کر و جاری در تطهیر هیچ تفاوتی با هم ندارند.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۷۸)

۳. آب قلیل

۱. اگر چیز نجسی در آب قلیل فرو برده شود نجس می‌شود و چیزی را که نجس شده پاک نمی‌کند.

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۲)

۲. اگر آب قلیل را بر روی چیزهایی که نجس شده است بریزند آنها را پاک می‌کند^۱، ولی آن مقدار آبی که پس از ریخته شدن بر روی نجس، از آن سرازیر می‌شود، نجس است.

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۳)

۳. آب قلیلی که به طور سرازیر و بدون فشار به پایین می‌ریزد و قسمت پایین آن با نجاست برخورد می‌کند، در صورتی که سرازیری آب به گونه‌ی باشد که جریان از بالا به پایین بر آن صدق کند قسمت بالای آن پاک است.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۷۰)

^۱ جهت توضیح بیشتر به صفحه ۴۳ رجوع شود.

۴. آب قلیل اگر به کر یا جاری متصل باشد در حکم کر و جاری است.

(استفنا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۶)

۵. احکام شک در آب

۱. آبی که نمی‌دانیم پاک است یا نجس شرعاً پاک است، ولی آبی که نجس بوده و نمی‌دانیم بعداً پاک شده یا نه، در حکم نجس است.

(استفنا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۷)

۲. آبی که به اندازه‌ی کر بوده اگر انسان شک کند که از کر کمتر شده یا نه، در حکم آب کر است.

(استفنا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۵)

توجه

□ برای ترتب آثار کر بودن آب، علم به کر بودن آن واجب نیست، بلکه اگر حالت سابقه‌ی کر بودن آب احراز شود بنا گذاشتن بر کر بودن آن جایز است (مثلاً اگر بدانیم آب موجود در دستشویی های قطار و غیره قبلاً به اندازه‌ی کر یا بیشتر بوده است و شک کنیم از کر افتاده می‌توانیم بنا را بر کر بودن آن بگذاریم).

(اجوبه الاستفتاءات، س ۷۵)

۳. آبی که کمتر از کر بوده تا انسان یقین نکند که به مقدار کر شده، حکم آب قلیل را دارد.

(استفنا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۵)

تمرین

۱. اقسام آبها را نام ببرید؟
۲. آب مضاف و مطلق را تعریف کنید؟
۳. احکام آب مطلق را توضیح دهید؟
۴. حکم وضو و غسل با آب دریایی که به سبب وجود املاح غلظت پیدا کرده چیست؟
۵. در تطهیر، چه فرقی بین آب کر و آب جاری است؟
۶. حکم آبی که نمی‌دانیم پاک است یا نجس چیست؟



تخلی

احکام تخلی - استبرا - استنجا

۱. احکام تخلی (بول و غایط کردن)

۱. رعایت قبله

انسان در هنگام تخلی باید رو به قبله و پشت به قبله نباشد. (استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۳۳)

۲. پوشش

واجب است انسان در هنگام تخلی - و مواقع دیگر - عورت (شرمگاه) خود را از دیگران غیر از همسر خود بپوشاند، چه مرد باشد و چه زن، و چه محرم و چه نامحرم، حتی از بچه‌ی نابالغ که دارای قدرت تشخیص می‌باشد. (استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۳۴)

توجه

□ زن و شوهر لازم نیست عورت خود را از یکدیگر بپوشاند. (استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۳۴)

۳. برخی از مکروهات تخلی

۱. ایستاده ادرار کردن.
۲. ادرار کردن در زمین سخت و سوراخ جانوران.
۳. ادرار کردن در آب، مخصوصاً آب ایستاده.
۴. خودداری از دفع بول و غایط.
۵. تخلی در جاده‌ها و معابر و زیر درخت میوه دار.

۲. استبرا

۱. مردان پس از ادرار، اگر کاری که به آن «استبرا» می‌گویند انجام دهند در صورتی که پس از آن

رطوبتی از مجرای ادرار خارج شود که نداند بول است یا چیز دیگر، آن رطوبت محکوم به طهارت خواهد بود و بررسی و جستجو در این باره لازم نیست. (اجوبة الاستفتاءات، س ۹۲ و استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۳۸)

۲. استبرا واجب نیست و اگر موجب ضرر شود جایز هم نخواهد بود، مثل وقتی که در مجرا زخمی وجود دارد که هنگام استبرا بر اثر فشار از آن خون جاری می‌شود و بهبودی زخم را به تأخیر می‌اندازد.

البته اگر استبرا نکند و بعد از بول کردن، رطوبت مشتبه خارج شود حکم بول را دارد. (اجوبة الاستفتاءات، س ۹۱)

۳. بهترین شیوهی استبرا این است که بعد از قطع شدن ادرار، اگر مخرج مدفوع نجس شده، ابتدا آن را تطهیر کنند، بعد سه بار انگشت میانه‌ی دست چپ را از مخرج مدفوع تا بیخ آلت بکشند، و بعد شست را روی آلت و انگشت پهلوی شست را زیر آن بگذارند و سه بار تا سر آلت بکشند و پس از آن سه بار سر آلت را فشار دهند.

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۳۸)

۴. تفاوتی بین استبرا قبل از تطهیر مخرج غایط و بعد از تطهیر آن، از نظر کیفیت وجود ندارد.

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۳۸)

۵. هرگاه فردی بعد از خروج بول، استبرا کند و وضو بگیرد، و سپس رطوبتی که مردد بین بول و منی است از او خارج شود واجب است برای تحصیل یقین به طهارت از حدث، هم غسل کند و هم وضو بگیرد.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۱۴۵)

توجه

۱. رطوبتی که گاهی بعد از خروج منی از انسان خارج می‌شود و «وَدّی» نام دارد.

۲. رطوبتی که بعضی از اوقات بعد از بول خارج می‌شود و «وَدّی» نام دارد.

۳. رطوبتی که بعد از ملاعبه‌ی زن و مرد با یکدیگر خارج می‌شود و «مَدّی» نام دارد.

□ اقسام رطوبتهایی که گاهی از انسان خارج می‌شود

□ همه‌ی رطوبتهای فوق پاک است و باعث نقض (از بین رفتن) طهارت نمی‌شود.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۹۳)

۳. استنجا (تطهیر مخرج بول و غایط)

۱. چگونگی تطهیر مخرج بول

(اجوبة الاستفتاءات، س ۸۹)

۱. مخرج بول (محل دفع ادرار) جز با آب پاک نمی‌شود.

۲. مخرج بول بنا بر احتیاط واجب با دو بار شستن پاک می‌شود.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۹۰ و ۹۸ و استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۳۵)

۲. چگونگی تطهیر مخرج غایط

۱. مخرج غایط را به دو گونه می‌توان تطهیر کرد:

۱. آن که با آب بشوید تا نجاست از بین برود، و پس از آن آب کشیدن لازم نیست.
۲. آن که با سه قطعه سنگ یا پارچه‌ی پاک و امثال آن، نجاست را پاک کنند و اگر با سه قطعه، نجاست زایل نشد با قطعات دیگر، آن را کاملاً پاک نمایند، و به جای سه قطعه می‌توانند از سه جای یک قطعه سنگ یا پارچه استفاده کنند. (اجوبۃ الاستفتاءات، س ۹۰ و ۹۹ و استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۳۶)
۲. مخرج غایط در سه صورت فقط با آب پاک می‌شود و با سنگ و امثال آن نمی‌شود آن را تطهیر کرد:

۱. آن که با غایط نجاست دیگری، مثل خون بیرون آمده باشد.
 ۲. آن که نجاستی از خارج به مخرج غایط رسیده باشد.
 ۳. آن که اطراف مخرج بیش از مقدار معمول آلوده شده باشد (به عبارت دیگر غایط از محل مخرج به جاهای دیگر رسیده باشد).
- (استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۳۷)

تمرین ۳

۱. آیا پوشاندن عورت از کودک نابالغ واجب است؟
۲. برخی از مکروهات تخلی را بر شمرید؟
۳. حکم استبرا چیست؟
۴. استبرا چه فایده‌ی دارد؟
۵. اقسام رطوبتهایی که گاهی از انسان خارج می‌شود را توضیح دهید؟
۶. مخرج بول و غایط را چگونه می‌توان تطهیر کرد؟



نجاسات (۱)

۱. نجاسات

- | | |
|--|----------|
| ۱. بول. | } نجاسات |
| ۲. غایط. | |
| ۳. منی انسان. | |
| ۴. مردار. | |
| ۵. خون. | |
| ۶. سگ. | |
| ۷. خوک. | |
| ۸. مشروبات مست کننده بنا بر احتیاط (واجب). | |
| ۹. کفاری که به دینی آسمانی متدین نیستند. | |

(اجوبة الاستفتاءات، س ۲۷۰ و استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۹)

توجه

□ تمام اشیا، محکوم به طهارت هستند مگر آنهایی که شارع، حکم به نجاستشان کرده است.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۳۱۱)

۲. بول و غایط

- | | | |
|--|-------|--------------|
| ۱. انسان. | } نجس | } بول و غایط |
| ۲. هر حیوان حرام گوشتی که خون جهنده دارد، مانند موش و گربه به جز پرندگان. | | |
| ۱. حیوانات حلال گوشت، خواه پرنده باشد مانند گنجشک و کبوتر یا غیر پرنده مانند گاو و گوسفند. | } پاک | |
| ۲. حیوانات حرام گوشتی که خون جهنده ندارند، مانند مار و ماهی بی پولک. | | |

۳- پرنندگان حرام گوشت، مانند کلاغ و طوطی.

۱. بول و مدفوع انسان و هر حیوان حرام گوشتِ دارای خون جهنده (خونگرم) نجس است، مگر پرنندگان حرام گوشت که فضله‌ی آنان پاک باشد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۲۷۹ و ۲۸۰ و استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۹)

۲. بول و مدفوع حیوانات حلال گوشت از پرنندگان و غیره پاک است.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۲۷۹ و ۲۸۰ و استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۹)

۳. منی

۱. منی انسان نجس است.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۲۷۷ و استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۹)

۲. کسی که پس از بول استبرا کند و همراه آن مایعی خارج شود که نداند منی است یا نه، چنانچه به منی بودن آن یقین پیدا نکند و خروج آن همراه با علامتهای شرعی خروج منی نباشد، حکم منی ندارد و پاک است.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۲۷۸)

توجه

۱. شهوت (حالت خوشایند جنسی که در هنگام ارضای کامل غریزه به

وجود می‌آید).

۲. دفق (فشار، جستن).

۳. فتور (سست شدن بدن).

در مردها

□ علایم منی

در زنها: تنها شهوت.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۷۱ و ۱۷۷ و ۱۸۰ و ۱۸۶)

۴. مردار (جسد مرده)

اجزای بی روح او، مانند ناخن و مو و دندان.

شهادت معرکه باشد.

او را غسل داده باشند.

مسلمان: نجس است به جز

کافر: کتابی (اهل کتاب): نجس است به جز اجزای بی روح او

غیر کتابی: تمام اجزای وی نجس است.

انسان:

مردار

سگ و خوک: تمام اجزای آن نجس است.

اجزای روح دار، مانند گوشت و پوست:

نجس است، مگر حیوانی که به دستور شرع

کشته شده باشد.

خون جهنده دارد

غیر سگ و خوک

حیوان

اجزای بی روح، مانند مو و شاخ: پاک است.
 خون جهنده ندارد: تمام اجزای آن پاک است.

۱. مردار انسان و هر حیوان دارای خون جهنده نجس است، چه حرام گوشت و چه حلال گوشت.

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۹)

۲. حیوانی که به دستور معین در شرع مقدس، کشته شده باشد و نیز جسد مرده‌ی انسان پس از غسل میت از حکم مردار، مستثنی هستند و نجس نیستند.

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۹)

توجه

□ منظور از غسل میت، سه غسل آن است، بنابراین بدن میت تا زمانی که غسل سوم آن کامل نشده باشد محکوم به نجاست است.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۲۷۱)

۳. چیزهایی از مردار که روح ندارد، مثل پشم و مو و دندان و شاخ و غیره پاک است مگر در مورد سگ و خوک و کافر و غیر کتابی.

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۹)

دو نکته در ارتباط با مردار

□ پوست نازکی که خود به خود از دستها، لبها، پاها و سایر قسمت‌های بدن جدا می‌شود محکوم به طهارت است.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۲۷۲)

□ گوشت و چرم و سایر اجزای حیوانات که در محیط‌های اسلامی فروخته می‌شود پاک است، همچنین هرگاه این چیزها در اختیار مسلمان باشد محکوم به پاک بودن است. اما در صورتی که این چیزها از کشورهای غیر مسلمان تهیه شود، اگر یقین به عدم تزکیه‌ی شرعی آن نباشد پاک است. به عبارت دیگر در صورتی نجس است که یقین داشته باشیم حیوان، ذبح اسلامی نشده است، اما اگر بدانیم یا احتمال دهیم که ذبح اسلامی شده، پاک است.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۲۷۵ و ۲۷۶ و استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۲)

۵. خون

۱. خون انسان و هر حیوان دارای خون جهنده (خونگرم) نجس است، چه حرام گوشت باشد و چه حلال گوشت.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۲۶۶ و ۲۶۷ و استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۹)

۲. خونی که پس از ذبح حیوان در بدن او می‌ماند پاک است.

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۴)

۳. لکه‌ی خونی که گاهی در تخم مرغ یافت می‌شود محکوم به طهارت است، ولی خوردن آن حرام است.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۲۶۹ و استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۴)

۷ و ۶. سگ و خوک

سگ و خوک نجس است و در این حکم، فرقی میان اجزای روح دار و بی روح آنها نیست.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۲۷۴ و استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۹)

یک نکته در ارتباط با سگ و خون

□ استفاده از موی (سگ و) خوک در اموری که مشروط به طهارت است، مثل ظرف آب وضو و غسل جایز نیست، ولی استفاده از آن در امری که مشروط به طهارت نیست اشکال ندارد. (اجوبۃ الاستفتاءات، س ۲۷۴)

تمرین

۱. نجاسات کدامند؟
۲. آیا فضله‌ی پرندگان حرام گوشت، مانند کلاغ و عقاب و طوطی نجس است؟
۳. علایم شرعی منی را توضیح دهید؟
۴. بدن میت چه زمانی پاک می‌شود؟
۵. اجزای حیوانی از قبیل پوست و گوشت که از بلاد غیر اسلامی تهیه می‌شود در چه صورتی پاک است؟
۶. لکه‌ی خونی که گاهی در تخم مرغ یافت می‌شود پاک است یا نجس؟



نجاسات (۲)

۸. مشروبات مست کننده

مشروبات مست کننده بنا بر احتیاط (واجب) نجس است.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۳۰۱ و استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۹)

توجه

□ اگر ماده‌ی مست کننده از مایعات نباشد، مانند بنگ و حبشیش و با مخلوط شدن در آب یا مایع دیگر، به صورت مایع درآید نجس نیست.

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۵)

□ آب انگوری که با آتش، جوشیده شده و دو سوم آن کم نشده است ولی مست کننده نیست نجس نمی‌باشد، ولی خوردن آن حرام است.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۳۰۲)

□ هرگاه همراه مقداری غوره، دانه‌هایی از انگور باشد و آب همه‌ی آن را بگیرند، چنانچه حبه‌های انگور بسیار کم باشد و آب آن در آبغوره مستهلک شود به طوری که آب انگور بر آن صدق نکند، با جوشیدن، حرام نمی‌شود، ولی اگر حبه‌های انگور به تنهایی به وسیله‌ی آتش جوشانده شود خوردن آن حرام است.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۳۰۳)

۹. کافر

۱. کسی که توحید یا نبوت یا یکی از ضروریات دین اسلام، مانند نماز و روزه را انکار کند یا معتقد به نقضی در رسالت رسول اکرم(ص) باشد کافر و نجس است مگر اهل کتاب باشد.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۳۱۳ و ۳۱۶ و ۳۳۶)

توجه

□ انکار هر یک از ضروریات دین در صورتی باعث کفر می‌شود که به انکار رسالت یا تکذیب پیامبر اکرم(ص) یا وارد کردن نقضی به شریعت منجر شود.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۳۳۶)

۲. کافر اهل کتاب محکوم به طهارت است.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۳۱۲ و ۳۲۲)

توجه

□ مقصود از اهل کتاب هر کسی است که اعتقاد به یکی از ادیان الهی داشته و خود را از پیروان پیامبری از پیامبران الهی(ع) بداند و دارای یکی از کتاب‌های الهی که بر انبیاء(ع) نازل شده است باشد، مانند یهود، نصاری، زرتشتی‌ها و همچنین صابئین (که ادعای پیروی از پیامبر خدا حضرت یحیی(ع) را دارند و می‌گویند کتاب او نزد ما موجود است).
(اجوبه الاستفتاءات، س ۳۱۶ و ۳۲۲)

۳. صرف اعتقاد به رسالت خاتم النبیین □ برای اجرای حکم اسلام کافی نیست، بنابراین آن دسته از اهل کتاب که از جهت اعتقادی، ایمان به رسالت خاتم النبیین(ص) دارند، ولی بر اساس روش و عادت نیاکان خود عمل می‌کنند مسلمان به حساب نمی‌آیند. بلی اگر از اهل کتاب محسوب شوند محکوم به طهارت هستند.
(اجوبه الاستفتاءات، س ۳۱۴)

۴. مسلمان مرتد، کافر و نجس است، نجس هم خواهد بود، ولی صرف ترک نماز و روزه و سایر واجبات شرعی باعث ارتداد مسلمان و کافر شدن و نجاست وی نمی‌گردد، و تا زمانی که ارتداد وی احراز نشده است حکم سایر مسلمانان را دارد.
(اجوبه الاستفتاءات، س ۳۱۵)

۵. فرقه‌ی «علی‌اللهی‌ها» اگر اعتقاد داشته باشند که امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب(ع) خدا است «تعالی الله عن ذلک علوا کبیرا» یا او را شریک خداوند بدانند کافر و نجس‌اند.
(اجوبه الاستفتاءات، س ۳۱۷ و ۳۱۸)

۶. کسی که به یکی از امامان معصوم دشنام دهد و اهانت کند کافر و نجس است.
(اجوبه الاستفتاءات، س ۳۲۰)

۷. تمام پیروان فرقه‌ی گمراه بهائیت محکوم به نجاست هستند.
(اجوبه الاستفتاءات، س ۳۲۸)

۱۰. در کتاب وجود نداشت، حذف گردید.

چند نکته در ارتباط با نجاسات

□ عرق جنب از حرام پاک است، ولی احتیاط واجب این است که با این عرق نماز خوانده نشود.
(اجوبه الاستفتاءات، س ۲۷۰)

□ عرق بدن و آب دهان شخصی که گوشت حرام و نجس (مثل گوشت خوک) خورده، پاک است
(اجوبه الاستفتاءات، س ۲۷۳)

□ اثر کم رنگ خون که بعد از شستن لباس باقی می‌ماند، اگر عین خون نباشد و فقط رنگ آن باقی مانده باشد پاک است.
(اجوبه الاستفتاءات، س ۲۶۸)

□ استفراغ پاک است، خواه از طفل شیرخوار باشد یا از طفلی که هم شیر می‌خورد و هم غذا و یا از انسان بالغ.
(اجوبه الاستفتاءات، س ۲۹۷)

تمرین ۳

۱. ملاک نجاست الکل چیست؟

۲. در چه صورتی انکار ضروری دین باعث کفر می‌شود؟
۳. مقصود از اهل کتاب کیست؟ و از نظر طهارت و نجاست چه حکمی دارد؟
۴. حکم بهایی‌ها را از جهت طهارت و نجاست بیان کنید؟
۵. عرق جنب از حرام چه حکمی دارد؟
۶. آیا اثر کم رنگ خون که بعد از شستن بر لباس باقی می‌ماند نجس است؟



نجاسات (۳)

راههای ثابت شدن نجاست - چگونگی نجس شدن چیزهای پاک - احکام نجاسات - وسواس و درمان آن

۲. راههای ثابت شدن نجاست

۱. خود انسان، یقین کند چیزی نجس است.
 ۲. ذوالید یعنی کسی که چیزی در اختیار اوست (مانند صاحبخانه، فروشنده و خدمتکار) خبر دهد که آن چیز نجس است.
 ۳. دو شخص عادل گواهی دهند.
- نجس بودن چیزی از سه راه ثابت می‌شود
- (استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۱)

توجه

□ هرگاه کودکی که در آستانه‌ی بلوغ است از نجاست چیزی خبر دهد که در اختیار اوست باید قبول کرد، و به عبارت دیگر گفته‌ی وی در این باره معتبر است.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۷۶)

۳. چگونگی نجس شدن چیزهای پاک

۱. چیز پاک با چیز نجس ملاقات کند.
 ۲. هر دو یا یکی از آن دو رطوبت داشته باشد.
 ۳. رطوبت به قدری باشد که سرایت کند.
 ۴. ملاقات در داخل بدن نباشد.
- برای این که چیز پاک نجس شود چهار شرط لازم است
- (اجوبه الاستفتاءات، س ۲۷۷ و ۲۸۶ و ۲۸۷ و استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۰)

توجه

□ ملاک رطوبت مسریه (سرایت کننده) این است که به مقداری باشد که رطوبت، هنگام برخورد از جسم مرطوب به جسم دیگر سرایت کند.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۲۹۰)

□ پارچه و امثال آن اگر مرطوب باشد و یک نقطه‌ی آن با نجس ملاقات کند، فقط همان نقطه نجس می‌شود و بقیه‌ی جاهای آن پاک است.
(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۶)

□ آبی که وارد دهان شده و به اجزای خون منجمد شده در لثه رسیده و سپس از دهان خارج شده محکوم به طهارت است، هر چند احتیاط (مستحب) اجتناب از آن است. همچنین غذایی که با آن اجزا تماس پیدا کرده نجس نیست و فرو بردن آن غذا اشکال ندارد و فضای دهان نیز پاک است.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۲۸۶ و ۲۸۷)

□ متنجس اول (چیزی که با عین نجس تماس یافته و نجس شده است)، اگر باز با چیزی که پاک است تماس پیدا کند و یکی از آنها تر باشد، آن چیز پاک را نجس می‌کند، و باز متنجس دوم (این چیزی که بر اثر ملاقات با متنجس، نجس شده است)، اگر با چیز پاکی برخورد نماید بنا بر احتیاط واجب آن را نجس می‌کند، ولی این متنجس سوم هیچ چیزی را با ملاقات خود، نجس نمی‌کند.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۲۸۳ و استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۹)

۴. احکام نجاسات

۱. خوردن و آشامیدن چیز نجس حرام است. همچنین خوراندن آن بر کسی که از نجاست آن خبر ندارد، نیز جایز نیست، ولی اگر انسان ببیند کسی غذایی نجسی را می‌خورد یا با لباس نجس نماز می‌خواند، لازم نیست نجس بودن آن را به او بگوید.
(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۸)

۲. آگاه کردن کسی که لباس را می‌شوید از نجاست لباس، لازم نیست، ولی صاحب لباس تا یقین به طهارت آن حاصل نکند نمی‌تواند آثار طهارت بر آن مترتب سازد.
(اجوبه الاستفتاءات، س ۲۷۷)

۳. هرگاه مهمان یکی از اثاثیه‌های میزبان را نجس کند اطلاع دادن به میزبان در غیر از خوردنی و آشامیدنی و ظرفهای غذا، لازم نیست.
(اجوبه الاستفتاءات، س ۲۸۲)

۵. وسواس و درمان آن

افراد وسواسی که دارای حساسیت نفسانی شدیدی در مورد نجاست هستند لازم است برای رهایی خود از بیماری وسواس به توصیه‌های زیر عمل کنند:

۱. از نظر شرع مقدس، در طهارت و نجاست، اصل بر طهارت اشیا است یعنی در هر موردی که کمترین تردیدی در نجس شدن آن برایشان حاصل شد واجب است حکم به عدم نجاست کنند.

۲. اگر گاهی یقین به نجاست هم پیدا کردند باید حکم به عدم نجاست کنند، مگر در مواردی که نجس شدن یک شیء را با چشمان خود ببینند به طوری که اگر فرد دیگری هم آن را ببیند یقین به سرایت نجاست پیدا کند، فقط در این موارد باید حکم به نجاست کنند. استمرار اجرای این حکم در مورد افراد مزبور تا زمانی است که این حساسیت به طور کلی از بین برود.

۳. هر شیء یا عضوی که نجس می‌شود برای تطهیر آن یکبار شستن با آب لوله کشی بعد از زوال عین نجاست کافی است. تکرار در شستن یا فرو بردن آن در آب لازم نیست، و اگر شیء نجس از قبیل پارچه و مانند آن باشد باید به مقدار متعارف فشار داده شود تا آب از آن خارج گردد.

۴. دین اسلام دارای احکام سهل و آسان و منطبق با فطرت بشری است، لذا آن را بر خود مشکل نکنند و با این کار باعث وارد شدن ضرر و اذیت به جسم و روحشان نگردند. حالت دلهره و اضطراب در این موارد، زندگی را بر ایشان تلخ می‌کند و خداوند راضی به رنج و عذاب ایشان و کسانی که با آنها ارتباط دارند نیست. شکر گزار نعمت دین آسان باشند و شکر این نعمت، عمل بر اساس تعلیمات خداوند تبارک و تعالی است.

۵. این حالت، یک وضعیت گذرا و قابل‌علاجی است. رهایی از آن، احتیاج به رؤیا و معجزه ندارد، بلکه باید ذوق و سلیقه‌ی شخصی خود را کنار گذاشته و متعبد و مؤمن به دستورات شرع مقدس باشند. افراد بسیاری بعد از ابتلا به آن با روش مذکور از آن نجات یافته‌اند. به خداوند توکل کنید و نفس خود را با همت و اراده آرامش بخشید.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۳۱۲ و ۳۱۱)

تمرین

۱. آیا می‌توان به قول کودکی که در آستانه‌ی بلوغ است و از نجاست چیزی که در اختیارش هست خبر می‌دهد اعتماد کرد؟
۲. برای این که چیز پاکی نجس شود چند شرط لازم است؟ توضیح دهید؟
۳. ملاک رطوبت مسریه چیست؟
۴. متنجس با چند واسطه نجس کننده است؟
۵. آیا اگر مهمانی یکی از اثاثیه‌های میزبان را نجس کند، مطلع کردن میزبان واجب است؟
۶. هرگاه افراد وسواسی یقین به نجاست چیزی پیدا کنند چه وظیفه‌ی دارند؟



مطهرات (۱)

۱. مطهرات

- | | |
|-----------------------------|--------|
| ۱. آب. | مطهرات |
| ۲. زمین. | |
| ۳. آفتاب. | |
| ۴. استحاله. | |
| ۵. انتقال. | |
| ۶. اسلام. | |
| ۷. تبعیت. | |
| ۸. بر طرف شدن عین نجاست. | |
| ۹. استبرای حیوان نجاستخوار. | |
| ۱۰. غایب شدن مسلمان. | |

توجه

□ به چیزهایی که نجس را پاک می‌کند «مطهرات» می‌گویند.

۱. آب

۱. طریقه‌ی تطهیر ظروف:

۱. ظرف نجس را با آب قلیل باید سه مرتبه شست، ولی در کر و جاری یک‌بار کافی است.

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۲۳)

۲. ظرفی را که سگ در آن، آب یا چیز روان دیگر خورده یا آن را لیسیده است باید اول با خاکمال شستشو کرد و سپس با آب شست، و اگر با آب قلیل شسته می‌شود باید پس از خاکمال دو مرتبه شسته شود.

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۲۴)

۳. ظرفی که در آن خوک، غذای روان یا آب بخورد باید هفت مرتبه شسته شود، ولی خاکمال آن

لازم نیست.

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۲۵)

۲. طریقه‌ی تطهیر غیر ظروف:

۱. چیزی که نجس شده است، اگر در صورت بر طرف کردن عین نجاست، یکبار آن را در آب کر یا جاری فرو ببرند یا زیر شیری که به کر متصل است بگیرند به طوری که آب به همه‌ی جاهایی که نجس شده برسد پاک می‌شود، و در فرش و لباس و امثال آن بنا بر احتیاط (واجب) باید آن را پس از فرو بردن در آب، فشار و یا تکان بدهند. بلی فشار یا تکان لازم نیست خارج آب باشد بلکه داخل آب کافی است.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۷۱ و ۷۲ و استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۲۰)

۲. چیزی که بر اثر تماس با بول نجس شده است، هرگاه پس از برطرف شدن عین نجاست دو مرتبه آب قلیل روی آن ریخته شود، پاک می‌شود، و چیزی که با نجاسات دیگر تماس یافته و نجس شده است، پس از بر طرف شدن عین نجاست اگر یک مرتبه شسته شود پاک می‌شود.

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۲۱)

۳. چیزی را که با آب قلیل آب می‌کشند، باید آبی که روی آن می‌ریزند از آن جدا شود و اگر قابل فشردن است، مانند لباس و فرش باید آن را فشار دهند تا آب از آن جدا شود.

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۲۲)

توجه

□ در تطهیر فرش نجس و مانند آن با آب لوله کشی، جدا شدن آب غساله شرط نیست، بلکه به صرف رسیدن آب به مکان نجس، بعد از زوال عین نجاست و حرکت غساله از جای خود به وسیله‌ی دست کشیدن بر فرش در هنگام اتصال آب، طهارت حاصل می‌شود. (اجوبه الاستفتاءات، س ۷۳)

□ ظاهر تنوری که با گِلَال آغشته به آب نجس ساخته شده است، با شستن پاک می‌شود، و طهارت ظاهر تنور که خمیر به آن می‌چسبید برای پختن نان کافی است. (اجوبه الاستفتاءات، س ۸۵)

□ لباسهای نجسی که در موقع تطهیر، آب را رنگین می‌کنند چنانچه رنگ دادن لباس باعث مضاف شدن آب نشود، لباسهای نجس با ریختن آب بر آنها پاک می‌شوند. (اجوبه الاستفتاءات، س ۸۳)

□ لباسهای نجسی که برای آب کشیدن در ظرفی گذاشته می‌شود و آب لوله کشی روی آن ریخته شده و سراسر آن را فرا می‌گیرد، لباس و ظرف و آب و پرزهایی که از لباس جدا شده و بر روی آب دیده می‌شود و همراه آب به بیرون می‌ریزد همگی پاک هستند. (البته همانطور که قبلاً گفته شد در لباس و امثال آن بنا بر احتیاط باید آن را پس از فرو بردن در آب، فشار و یا تکان بدهند).

(اجوبه الاستفتاءات، س ۲۸۹)

تمرین ۳

۱. مطهرات را بر شمرید؟
۲. طریقه‌ی تطهیر ظروف را توضیح دهید؟
۳. آیا در شستن لباس‌های نجس با آب کر و جاری، فشردن هم لازم است و یا این که بعد از زوال عین نجاست همین که آب آن را فرا گرفت، کفایت می‌کند؟
۴. آیا در تطهیر لباس متنجس با آب کر و جاری، فشار دادن خارج آب لازم است یا همان فشار داخل آب کفایت می‌کند؟
۵. آیا تطهیر تنوری که با گل آغشته با آب نجس ساخته شده امکان دارد؟
۶. لباس‌های نجسی که در موقع تطهیر، آب را رنگین می‌کنند، چگونه پاک می‌شوند؟



مطهرات (۲)

۲. زمین

کسی که بر اثر راه رفتن روی زمین، کف پا یا کفش او، نجس شده است، هرگاه تقریباً به قدر ده قدم روی زمین خشک و پاک راه برود، کف پا و کفش او پاک می‌شود مشروط به این که عین نجاست، زایل شود.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۸۰ و استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۲۶)

توجه

□ زمینهای آسفالت و یا آغشته به قیر، پاک کننده‌ی پا یا ته کفش نیستند.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۸۱)

۳. آفتاب

۱. آفتاب، زمین و همه‌ی اشیای غیر منقول از قبیل ساختمان و چیزهایی که در آن به کار رفته، مانند در و پنجره و دیوار ستون و امثال آن و درخت و گیاه را پاک می‌کند.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۸۲ و استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۲۷)

۱. چیز نجس تر باشد.

۲. عین نجاست در آن نباشد (اگر عین نجاست هست قبل از تابش آفتاب بر طرف شود).

۳. آفتاب به آن بتابد (چیزی مانند ابر یا پرده، مانع تابش آفتاب نباشد).

۴. به وسیله‌ی آفتاب خشک شود (اگر مرطوب بماند پاک نشده است).

(اجوبه الاستفتاءات، س ۸۲ و استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۲۸)

۲. شرایط پاک‌کنندگی آفتاب

۴. استحاله

چیز نجس اگر به طوری تغییر یابد که جنس دیگری شود، مانند چوبی که با سوختن خاکستر شود یا شرابی که به سرکه تبدیل شود یا سگی که در نم‌کزار بیفتد و تبدیل به نمک شود، پاک می‌شود، ولی اگر جنس آن تغییر نیابد، بلکه فقط صورت آن عوض شود، مانند گندم که آرد می‌شود یا شکر که در آب حل

می‌شود، پاک نمی‌شود.

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۲۹)

توجه

- برای تطهیر مواد نجس، مثل روغن نجس، صرف انجام فعل و انفعالات شیمیایی که خاصیت جدیدی به مواد ببخشد کافی نیست (با این کار، استحاله تحقق پیدا نمی‌کند).
- به صرف جداسازی مواد معدنی آلوده و میکربها و غیر آن از آبهای فاضلابها، استحاله تحقق پیدا نمی‌کند، مگر این که عمل تصفیه با تبخیر آب و تبدیل دوباره‌ی بخار به آب انجام شود.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۸۸)

۵. انتقال

خونی که پشه و دیگر حشرات از بدن انسان مکیده‌اند، تا وقتی خون انسان به حساب می‌آید نجس است، (مانند خونی که زالو از بدن انسان مکیده است)، ولی پس از آن که بر اثر گذشت مدتی، خون آن حشره محسوب شد پاک می‌شود.

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۳۰)

۶. بر طرف شدن عین نجاست

اگر بدن حیوان به چیز نجسی آلوده شد، همین که آن چیز برطرف شد، بدن آن حیوان پاک می‌شود و احتیاج به آب کشیدن نیست. همینطور است داخل بدن انسان، مانند داخل دهان یا بینی، مشروط بر این که نجاست از بیرون به آن نرسیده باشد، پس خونی که از دندان می‌آید اگر عین آن در آب دهان از بین برود دهان پاک است.

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۳۱)

۷. غایب شدن مسلمان

هرگاه یقین داشته که بدن یا لباس یا یکی از چیزهای شخص مسلمانی نجس است، و آن مسلمان را مدتی نبیند و سپس ببیند که او با آن چیزی که نجس بوده است رفتار چیز پاک را می‌کند، آن چیز محکوم به پاکی است، مشروط بر آن که صاحب آن چیز از نجاست قبلی و از احکام طهارت و نجاست با خبر باشد.

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۳۲)

تمرین ۳

۱. آیا کف پا یا ته کفش با راه رفتن روی زمینی که آسفالت شده پاک می‌شود؟
۲. شرایط پاک کنندگی آفتاب چیست؟
۳. سه نمونه از استحاله را ذکر کنید؟
۴. آیا روغن نجس با انجام فعل و انفعالات شیمیایی بر روی آن به طوری که ماده‌ی آن دارای خواص جدیدی شود پاک می‌شود؟
۵. خونی که از زانو بدن انسان مکیده است پاک است یا نجس؟ چرا؟
۶. بر طرف شدن عین نجاست چه چیزی را پاک می‌کند؟



مطهرات (۳)

راههای ثابت شدن طهارت - اصل طهارت - احکام ظرفها

۲. راههای ثابت شدن طهارت

- | | | |
|---|---|---|
| <p>۱. خود انسان یقین کند چیزی که نجس بوده پاک شده است.</p> <p>۲. ذوالید یعنی کسی که چیزی را در اختیار دارد (مانند صاحبخانه و فروشنده و خدمتکار) بگوید: پاک شده است.</p> <p>۳. دو شخص عادل خبر دهند.</p> | } | <p>پاک شدن چیزی از سه راه ثابت می‌شود</p> |
|---|---|---|
- (اجوبة الاستفتاءات، س ۷۶ و ۷۷)

توجه

هرگاه کودکی که در آستانه بلوغ است از طهارت چیزی خبر دهد که در اختیار اوست باید قبول کرد، و عبارت دیگر گفته وی در این باره معتبر است.

۳. اصل طهارت

۱. معنای اصل طهارت

به طور کلی در مورد طهارت و نجاست، اصل بر طهارت اشیا است یعنی هر چیزی که یقین به نجاست آن نباشد از نظر شرعی محکوم به طهارت است و سؤال و تحقیق لازم نیست.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۲۹۶ و ۳۰۹ و ۳۱۲)

۲. نمونه‌هایی از موارد اصل طهارت

۱. کودکی که همیشه خود را نجس می‌کند، دست تر، آب دهان و باقیمانده‌ی غذایش تا زمانی که

- یقین به نجاست آن حاصل نشده، محکوم به طهارت است. (اجوبة الاستفتاءات، س ۲۸۵)
۲. پرزها یا غباری که معلوم نیست از لباس نجس جدا شده یا لباس پاک، پاک است. همچنین اگر بدانیم از لباس نجس است ولی ندانیم از قسمت پاک لباس است یا قسمت مربوط به نجس آن. (اجوبة الاستفتاءات، س ۲۸۹)
۳. لباسهایی که به خشکشوییها داده می‌شود، اگر از قبل نجس نباشند محکوم به طهارت هستند، هر چند بدانیم که صاحبان این مکانها برای شستن لباسها از مواد شیمیایی استفاده می‌کنند. (اجوبة الاستفتاءات، س ۲۹۱)
۴. ترشح آبی که بر مکانی می‌ریزد که نمی‌دانیم آن مکان پاک است یا نجس، پاک است. (اجوبة الاستفتاءات، س ۲۹۳)
۵. آبی که از ماشین‌های حمل زباله‌ی شهری به خیابان می‌ریزد و نمی‌دانیم پاک است یا نجس، محکوم به طهارت است. همچنین آبهایی که در چاله‌های موجود در خیابان جمع می‌شود و معلوم نیست پاک است یا نجس. (اجوبة الاستفتاءات، س ۲۹۴ و ۲۹۵)
۶. لوازم آرایشی، مثل رژ لب که معلوم نیست از مردار ساخته شده یا نه، تا زمانی که نجاست آنها از راه شرعی احراز نشود پاک است و استفاده از آنها اشکالی ندارد. (اجوبة الاستفتاءات، س ۲۸۸)
۷. هنگام استفاده از کفش، در صورتی حکم به نجاست پا می‌شود و بایستی آن را برای نماز شست که یقین داشته باشیم که کفش از پوست حیوانی است که تذکیه نشده و معلوم شود که پا در کفش مذکور عرق کرده، اما در صورت شک در عرق کردن پا یا شک در تذکیه‌ی حیوانی که کفش از پوست آن دوخته شده است محکوم به طهارت است. (اجوبة الاستفتاءات، س ۲۸۴)
۸. قلم مویی که در نقاشی و نقشه کشی و مانند آن استفاده می‌شود و معلوم نیست از موی خوک ساخته شده است یا نه، پاک است و استفاده از آن حتی در اموری هم که مشروط به طهارت است، اشکال ندارد. (اجوبة الاستفتاءات، س ۲۷۴)
۹. فردی که نمی‌دانیم مسلمان است یا کافر محکوم به طهارت است و سؤال از دینش واجب نیست. (اجوبة الاستفتاءات، س ۲۹۹)
۱۰. در و دیوار منازل و هتل‌های کفار غیر کتابی (مثل بودایی‌ها) و اثاثیه و لوازم موجود در آن در صورتی که ندانیم پاک است یا نجس، محکوم به طهارت است. (البته در صورت یقین به نجاست هم، آب کشیدن همه‌ی آنها واجب نیست. آنچه واجب است تطهیر اشیای نجسی است که برای خوردن و آشامیدن و نماز خواندن، مورد استفاده قرار می‌گیرند). (اجوبة الاستفتاءات، س ۳۲۱)
۱۱. اشیای مورد استفاده‌ی مشترک کفار و مسلمانان از قبیل صندلی‌های ماشین و قطار و مانند آن در صورتی که ندانیم پاک است یا نجس، پاک است. (اجوبة الاستفتاءات، س ۳۲۲)
۱۲. الکل‌هایی که معلوم نیست در اصل از اقسام مایعات مست کننده باشد، محکوم به طهارت است. (اجوبة الاستفتاءات، س ۳۰۴)

۴. احکام ظرفها

خوردن و آشامیدن در ظرفی که از طلا یا نقره ساخته شده، حرام است، ولی نگهداشتن آن یا استفاده‌های دیگر از آن - غیر از خوردن و آشامیدن - حرام نیست. (استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۴۰)

توجه

□ ظرف‌هایی که آب طلا یا نقره به آن داده شده، و یا از فلزی ساخته شده که قدری طلا یا نقره مخلوط دارد به طوری که به آن ظرف طلا یا نقره نمی‌گویند، حکم ظروف طلا و نقره را ندارند.

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۴۱)

تمرین

۱. راههای ثابت شدن طهارت را بر شمرد؟
۲. اصل طهارت یعنی چه؟
۳. کودکی که همیشه خود را نجس می‌کند، دست تر، آب دهان و باقیمانده‌ی غذایش چه حکمی دارد؟
۴. آیا لباسهایی که به خشکشویی‌ها داده می‌شود محکوم به طهارت است؟
۵. آبهایی که در چاله‌های موجود در خیابانها جمع می‌شود پاک است یا نجس؟
۶. حکم نگهداشتن ظروف طلا و نقره چیست؟



وضو (۱)

معنای وضو - کیفیت وضو

۱. معنای وضو

وضو یعنی شستن صورت و دستها و مسح کردن جلو سر و روی پاها با شرایط و کیفیت خاص. این عمل که در شرع مقدس، وسیله‌ی طهارت معنوی شمرده شده، مقدمه‌ی برخی اعمال واجب و مستحب است، از قبیل نماز، طواف، تلاوت قرآن، ورود به مسجد و غیر اینها. (استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۴۲)

۲. کیفیت وضو

کیفیت وضو] شستن [صورت از بالای پیشانی تا سر چانه.
] دستها از آرنج تا سر انگشتان.
] جلوی سر.
] مسح کردن [روی پاها از سر انگشتان تا مفصل.

توجه

□ ترتیب وضو از این قرار است: شستشوی صورت از بالای پیشانی یعنی جایی که روی سر روییده است تا سر چانه، سپس شستن دست راست از آرنج تا سر انگشتان، سپس شستن دست چپ از آرنج تا سر انگشتان، سپس کشیدن دست مرطوب بر روی قسمت جلویی سر، و در آخر کشیدن دست مرطوب بر روی هر دو پا از سر انگشتان پا تا مفصل ساق پا. (استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۴۳)

۱. شستن صورت و دستها

۱. در شستشوی صورت باید به اندازه‌ی که ما بین انگشت وسط و شست قرار گیرد شسته شود.

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۴۴)

۲. در صورت‌های پوشیده از مو، شستن روی موها کفایت می‌کند و لازم نیست آب وضو را به پوست صورت برساند، مگر در جایی که مو به قدری کم پشت است که پوست صورت کاملاً دیده می‌شود.

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۴۵)

۳. صدق شستن منوط به رساندن آب به تمام عضو است، هر چند به وسیله‌ی دست کشیدن باشد و مسح اعضا با دست مرطوب به تنهایی کافی نیست.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۱۲۴)

۴. صورت و دستها در وضو باید از بالا به پایین شسته شود، اگر از پایین به بالا بشوید وضو باطل است.

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۴۶)

بار اول: واجب.

بار دوم: جایز.

بار سوم و بیشتر: غیر مشروع (حرام).

۵. شستن صورت و دستها

(اجوبة الاستفتاءات، س ۱۰۲ و استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۴۷)

توجه

□ ملاک برای تعیین هر بار، قصد انسان است، پس اگر به قصد بار اول شستن چند مرتبه آب بریزد

(اجوبة الاستفتاءات، س ۱۰۲ و استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۴۷)

اشکال ندارد.

۲. مسح سر و پاها

۱. مسح بر پوست سر واجب نیست، بلکه بر موی قسمت جلوی سر کافی است، ولی اگر موی جاهای دیگر در قسمت جلو جمع شده باشد یا موی جلوی سر به قدری بلند باشد که بر روی صورت یا شانه‌ها ریخته شده است، مسح بر آن کافی نیست، و باید فرق سر را باز کرده پوست یا بن موها را مسح کند.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۱۲۵ و استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۴۹)

توجه

□ کسی که در جلوی سرش موی مصنوعی گذاشته است؛ اگر موی مصنوعی به نحو کلاه‌گیس باشد واجب است برای مسح، آن را بردارد ولی اگر بر پوست سر کاشته شده و بر داشتن آن ممکن نباشد یا مستلزم ضرر و مشقت باشد و با وجود موها قدرت بر رساندن رطوبت به پوست سر نباشد مسح بر روی همین موها کافی است.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۱۰۱ و ۱۲۶)

۲. محل مسح پا، عبارت است از روی پا از سر یکی از انگشتان تا مفصل ساق، و استحباب مسح پایین انگشتان پا (یعنی جایی که موقع راه رفتن با زمین تماس پیدا می‌کند) ثابت نشده است.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۱۱۱)

توجه

□ اگر مسح پا، شامل سر انگشتان پا نباشد، بلکه فقط روی پا و مقداری از انگشتان مسح شود، وضو باطل است. بلی اگر شک داشته باشد که آیا هنگام مسح، از سر انگشتان پا مسح می‌کرده است یا

نه؟ در صورتی که مسأله را می دانسته و احتمال می دهد که از سر انگشتان مسح کرده باشد وضویش محکوم به صحت است.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۵)

۳. مسح سر و پاها باید با رطوبتی که از آب وضو در دستها مانده، کشیده شود و اگر رطوبتی باقی نمانده نمی تواند دست را با آب تر کند، بلکه باید دست را با رطوبتی که در ریش یا ابرو هست مرطوب کند و مسح نماید، و احتیاط (واجب) آن است که مسح سر با دست راست باشد، ولی کشیدن مسح از بالا به پایین لازم نیست.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۱۳ و استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۴۸ و ۵۲)

توجه

□ اگر شخص وضو گیرنده، هنگام شستن صورت و دستها به قصد وضو، اقدام به باز و بسته کردن شیر آب نماید اشکال ندارد و به صحت وضو لطمه‌یی نمی زند، ولی اگر بعد از فراغت از شستن دست چپ و قبل از مسح با آن، دستش را روی شیری که خیس است بگذارد و آب وضوی دست با آب خارج از وضو، مخلوط شود صحت مسح با رطوبتی که مختلط از آب وضو و آب خارج است، محل اشکال می باشد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۱۲)

□ از آن جایی که مسح پاها باید با رطوبتی که از آب وضو در کف دو دست باقی مانده صورت بگیرد، لذا باید هنگام مسح سر، دست به قسمت بالای پیشانی نرسد و با رطوبت صورت برخورد نکند تا این که رطوبت دست که هنگام مسح پا به آن نیاز دارد با رطوبت صورت مخلوط نشود. (اجوبه الاستفتاءات،

س ۱۴۲)

۴. در مسح باید دست را بر سر یا پا بکشد، پس اگر دست را ثابت نگهدارد و سر یا پا را بر آن بکشد، مسح باطل است.

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۵۰)

۵. محل مسح باید خشک باشد یا به قدری تر نباشد که رطوبت کف دست به آن اثر نکند.

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۵۱)

توجه

□ اگر چند قطره آب بر روی پا باشد واجب است محل مسح را از آن قطرات خشک کرد تا هنگام مسح، رطوبت دست بر پا تأثیر بگذارد نه برعکس.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۳۳)

۶. اگر روی پا نجس باشد و برای مسح نتواند آن را آب بکشد، باید تیمم کند.

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۵۳)

۷. فردی که به علت فلج شدن هر دو پای خود به کمک کفش طبی و عصای چوبی راه می رود و بیرون آوردن کفش برای مسح پاها برای او خیلی سخت و دشوار است، مسح بر روی کفش کافی و مجزی است.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۲۰)

دو نکته در ارتباط با کیفیت وضو

□ کسی که پی در پی از او باد خارج می شود، اگر نتواند وضوی خود را تا آخر نماز حفظ کند و تجدید وضو در اثنای نماز هم برای او خیلی دشوار باشد، می تواند با هر وضویی یک نماز بخواند یعنی برای هر نماز به یک وضو اکتفا کند، هر چند وضوی او در بین نماز باطل شود.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۲۸)

□ بین زن و مرد در افعال و کیفیت وضو فرقی نیست، جز این که برای مردها مستحب است که هنگام شستن آرنج از قسمت بیرونی آن شروع کنند و زنها از قسمت داخلی آن.
(اجوبة الاستفتاءات، س ۱۴۶)

تمرین

۱. کیفیت و ترتیب وضو را توضیح دهید؟
۲. آیا سه مشت آب ریختن بر صورت و دستها وضو را باطل می‌کند؟ چرا؟
۳. اگر شخص وضوگیرنده، هنگام شستن صورت و دستها به قصد وضو، اقدام به باز و بسته کردن شیر آب نماید اشکال دارد؟
۴. هرگاه رطوبت مسح سر به رطوبت صورت متصل شود، آیا وضو باطل می‌شود؟
۵. آیا بودن چند قطره آب بر روی پا هنگام مسح، برای وضو ضرر دارد؟
۶. تفاوت وضوی زن و مرد را بیان کنید؟



وضو (۲)

شرایط وضو «۱»

۳. شرایط وضو

شرایطی که به وضو گیرنده برمی‌گردد	با قصد قربت وضو بگیرد (نیت). استعمال آب برای او مانعی نداشته باشد.	شرایط وضو
شرایطی که به آب وضو برمی‌گردد	آب وضو مطلق باشد. آب وضو پاک باشد. آب وضو مباح باشد (غصبی نباشد).	
شرایطی که به ظرف وضو برمی‌گردد: مباح باشد	پاک باشد.	
شرایطی که به اعضای وضو برمی‌گردد	مانعی از رسیدن آب در آن نباشد.	
شرایطی که به کیفیت وضو برمی‌گردد	ترتیب را در شستن و مسح کردن‌ها رعایت کند (ترتیب). کارهای وضو را پشت سر هم انجام دهد (موالات). کارهای وضو را خودش در حال اختیار انجام دهد (مباشرت).	
شرایطی که به زمان وضو برمی‌گردد: به مقدار وضو و نماز وقت باقی باشد.		

۱. نیت

وضو را باید با قصد قربت به جا آورد یعنی به این نیت که این عمل مخصوص را برای انجام فرمان خداوند انجام می‌دهد، پس اگر از روی تظاهر یا برای خنک شدن، همه‌ی کارهای وضو را انجام دهد، وضو باطل است.

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۶۱)

۲. استعمال آب برای او مانعی نداشته باشد

کسی که می‌ترسد اگر وضو بگیرد مریض شود یا اگر آب را به مصرف وضو برساند تشنه بماند، نباید وضو بگیرد.
(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۶۶)

۳. آب وضو مطلق باشد

آب وضو باید مطلق باشد، بنابراین وضو با آب مضاف باطل است.
(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۶۶)

۴. آب وضو پاک باشد

آب وضو باید پاک باشد، بنابراین وضو با آب نجس، باطل است.
(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۵۶)

توجه

□ کسی که پس از جستجوی آب، آب آلوده و کثیفی را پیدا کند اگر آن آب، پاک و مطلق باشد و استعمال آن ضرری نداشته باشد و خوف ضرر هم در بین نباشد واجب است وضو بگیرد و نوبت به تیمم نمی‌رسد.
(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۲۱)

۵. آب وضو مباح باشد

آب وضو باید مباح باشد، بنابراین وضو با آب غصبی جایز نیست.
(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۵۷)

توجه

□ مکانی که آب آن برای وضو گرفتن همه‌ی نماز گزاران به طور مطلق قرار داده شده است، استفاده از آن اشکال ندارد.
(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۱۷)

□ وضو در مساجد و مراکز و ادارات دولتی که دولت در سایر کشورهای اسلامی بنا می‌کند جایز است و مانع شرعی ندارد.
(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۷)

□
(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۸)

□ هرگاه سازمان آب، نصب پمپ فشار و استفاده از آن را ممنوع کند، نصب پمپ و استفاده از آن جایز نیست و وضو با آبی که به وسیله‌ی پمپ به دست می‌آید محل اشکال است، حتی برای ساکنان طبقات بالای ساختمانها که به دلیل ضعیف بودن فشار آب مجبورند از پمپ استفاده کنند.
(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۹)

□ هر یک از مشترکین ساختمانهای مسکونی و غیر مسکونی، از نظر شرعی به مقداری که از امکانات مشترک استفاده می‌کند، نسبت به هزینه‌ی خدمات (از قبیل هزینه‌ی آب سرد و گرم، تهویه، نگهبان و مانند آن) مدیون است، و اگر از پرداخت پول آب امتناع کند وضوی او محل اشکال بلکه باطل است.
(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۲۹)

تمرین

۱. شرایطی که به وضو گیرنده بر می‌گردد کدامند؟

۲. آب وضو چه شرایطی باید داشته باشد؟
۳. اگر بعد از رسیدن به مکانی تا چند فرسخی آن به جستجوی آب بپردازیم و آب آلوده و کثیفی را بیابیم، در این حالت، تیمم بر ما واجب است یا وضو گرفتن با آن آب؟
۴. وضو در مساجد و مراکز و ادارات دولتی که دولت در سایر کشورهای اسلامی بنا می‌کند چه حکمی دارد؟
۵. هرگاه سازمان آب، نصب پمپ فشار و استفاده از آن را ممنوع اعلام کند، وضو با آبی که به وسیله پمپ جذب می‌شود چه حکمی دارد؟
۶. آیا وضوی افرادی که در مجتمع‌های مسکونی زندگی کرده و از پرداخت هزینه‌ی خدماتی که از آنها استفاده می‌کنند خودداری می‌ورزند صحیح است؟



وضو (۳) شرایط وضو «۲»

۷. اعضای وضو پاک باشد

اعضای وضو در هنگام شستن و مسح کردن باید پاک باشند، ولی اگر جایی را که شسته یا مسح کرده پیش از اتمام وضو نجس شود وضو صحیح است. البته تطهیر آن برای پاک شدن از نجاست به خاطر نماز واجب است.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۱۳۲ و استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۵۸)

توجه

□ اگر بعد از وضو شک کند آیا موضعی را که از قبل نجس بوده تطهیر کرده و سپس وضو گرفته یا نه، چنانچه در هنگام وضو توجه به پاکی و نجسی آنجا نداشته است وضو باطل است، ولی اگر می‌داند یا احتمال می‌دهد که به پاکی و نجسی آن توجه داشته وضو درست است، ولی در هر صورت باید آن موضع را آب بکشد.

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۵۹)

۸. در اعضای وضو مانعی از رسیدن آب نباشد

در اعضای وضو باید مانعی از رسیدن آب نباشد و در غیر این صورت وضو باطل است.

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۶۷)

توجه

□ چربی‌هایی که به طور طبیعی در مو و صورت به وجود می‌آید مانع محسوب نمی‌شود مگر آن که به حدی باشد که مانع از رسیدن آب به پوست و مو گردد.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۱۰۴)

□ رنگ روی ناخن در صورتی که دارای جرم باشد، مانع از رسیدن آب به ناخن می‌شود و وضو باطل است.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۱۱۴)

□ رنگ مصنوعی که زنها از آن برای رنگ کردن موی سر و ابروی خود استفاده می‌کنند، اگر صرفاً رنگ باشد و دارای جرمی نباشد که مانع از رسیدن آب به مو شود وضو صحیح است.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۱۴۰)

□ جوهر در صورتی که دارای جرم بوده و مانع از رسیدن آب به پوست شود باعث بطلان وضو می‌شود و

تشخیص این موضوع بر عهده‌ی مکلف می‌باشد. (اجوبه الاستفتاءات، س ۱۴۱)

□ خالکوبی بدن اگر صرفاً رنگ باشد و یا در زیر پوست بوده و بر ظاهر پوست چیزی که مانع از رسیدن

آب بر آن شود وجود نداشته باشد وضو صحیح است. (اجوبه الاستفتاءات، س ۱۴۴)

□ صرف وجود اثر گچ یا صابون که بعد از خشک شدن اعضا ظاهر می‌شود ضرری به وضو نمی‌رساند،

مگر این که دارای جرمی باشد که مانع از رسیدن آب به بشره (ظاهر پوست) شود. (اجوبه الاستفتاءات، س ۱۷۸)

□ اگر می‌داند چیزی به اعضای وضو چسبیده، ولی شک دارد که از رسیدن آب جلوگیری می‌کند یا نه،

باید آن را بر طرف کند. (استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۶۸)

□ اگر پیش از وضو بداند که در بعضی اعضای وضو مانع از رسیدن آب وجود دارد، و بعد از وضو شک

کند که آب را به آنجا رسانده یا نه، چنانچه احتمال بدهد که در حال وضو ملتفت به مانع بوده، وضو

صحیح است. (استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۶۹)

□ اگر شک کند به اعضای وضو چیزی که مانع از رسیدن آب است، چسبیده یا نه، چنانچه احتمال آن در

نظر مردم به جا باشد - مثل آن که بعد از گلاب کاری احتمال بدهد که گل به دست او چسبیده - باید

وارسی کند یا به قدری دست بمالد که اطمینان پیدا کند که اگر بوده بر طرف شده یا آب به زیر آن

رسیده است. (استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۶۷)

۹. ترتیب

وضو باید به همان ترتیبی که قبلاً در بحث «ترتیب وضو» گفته شد انجام گیرد و اگر به ترتیب

دیگری عمل کند وضو باطل است. (استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۶۲)

۱۰. موالات

لازم است کارهای وضو را به طور متعارف پی در پی انجام دهد، بدین معنی که اگر میان آنها به

قدری فاصله بیندازد که در هنگام شستن یا مسح کردن عضوی، جاهایی که پیش از آن شسته شده

خشک شده باشد، وضو باطل است. (اجوبه الاستفتاءات، س ۱۲۷ و استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۶۳)

۱۱. مباشرت

کسی که می‌خواهد وضو بگیرد باید همه‌ی کارهای وضو را خودش انجام دهد، و اگر دیگری او را

وضو دهد یا در رساندن آب به صورت و دستها و مسح سر و پاها به او کمک کند، وضو باطل است.

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۶۴)

توجه

□ کسی که به خاطر بیماری و امثال آن نمی‌تواند خودش وضو بگیرد باید از کسی بخواهد که به او در

کارهای وضو کمک کند. البته خود وضو گیرنده باید نیت وضو کند و در صورتی که بتواند، با دست خود

عمل مسح را انجام دهد، و اگر نتواند، نایب دست او را گرفته و با آن مسح می‌نماید، اگر از این کار هم عاجز باشد نایب از دست او رطوبت گرفته و مسح می‌کند، و اگر این شخص کف دست نداشته باشد برای مسح، رطوبت از ساعد او می‌گیرد و اگر ساعد هم نداشته باشد رطوبت از صورت او گرفته و سر و پا را با آن مسح می‌کند.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۱۶ و استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۶۵)

۱۲. وقت برای وضو و نماز کافی باشد

اگر وقت نماز به قدری تنگ است که در صورت وضو گرفتن، نمی‌تواند همه‌ی نماز را در وقت بخواند و مقداری از آن در خارج وقت واقع خواهد شد، در این صورت نباید وضو بگیرد، بلکه باید تیمم کند و نماز بخواند. البته اگر تیمم هم به همان اندازه‌ی وضو وقت می‌گیرد در این صورت باید وضو بگیرد.

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۶۰)

تمرین ۳

۱. شرایطی که به اعضای وضو برمی‌گردد کدامند؟
۲. کیفیت وضو چه شرایطی باید داشته باشد؟
۳. اگر عضوی از اعضای وضو بعد از شستن آن و قبل از اتمام وضو، نجس شود، چه حکمی دارد؟
۴. آیا چربی‌هایی که به طور طبیعی در مو و صورت به وجود می‌آید مانع محسوب می‌شود؟
۵. اگر بداند چیزی به اعضای وضو چسبیده ولی شک دارد که از رسیدن آب جلوگیری می‌کند یا نه، وظیفه‌اش چیست؟
۶. فرق میان ترتیب و موالات را توضیح دهید؟



وضو (۴)

وضوی ارتماسی - وضوی جبیره‌یی -
مبطلات وضو - احکام وضو

۴. وضوی ارتماسی

۱. معنای وضوی ارتماسی

در وضو جایز است که انسان به جای ریختن آب بر روی صورت و دستها، آنها را به قصد وضو در آب فرو برد و بیرون بیاورد و این را «وضوی ارتماسی» می‌گویند.
(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۵۴)

۲. احکام وضوی ارتماسی

۱. در وضوی ارتماسی نیز واجب است که اعضای وضو از بالا به پایین شسته شوند.

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۵۵)

۲. در وضوی ارتماسی فقط دو بار می‌توان صورت و دستها را داخل آب کرد: بار اول واجب، بار دوم جایز است و بیش از آن مشروع نیست، و در مورد دستها، باید قصد شستن وضویی آنها هنگام خارج کردن آنها از آب باشد تا بتوان از این طریق مسح را با آب وضو انجام داد.
(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۳)

۵. وضوی جبیره‌یی

۱. معنای وضوی جبیره‌یی

اگر روی زخم بسته است، باید جاهایی را که می‌شود شست بشوید و روی زخم بند (جبیره) به جای شستن، دست تر بکشد. به این وضو، «وضوی جبیره‌یی» می‌گویند.
(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۸۱)

۲. احکام وضوی جبیره‌یی

۱. اگر در اعضای وضو (صورت و دستها) زخم یا شکستگی است و روی آن باز است و آب برای آن ضرر ندارد، باید آن را بشوید، و اگر شستن آن مضر است باید اطراف آن را بشوید و احتیاط (واجب) آن است که اگر کشیدن دست تر بر آن ضرر ندارد دست تر بر آن بکشد.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۱۳۵ و استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۷۹۴)

۲. اگر محل مسح، زخم است و نمی‌تواند روی آن، دست تر بکشد، باید به جای وضو، تیمم کند، ولی در صورتی که می‌تواند پارچه‌یی روی زخم قرار دهد و بر آن دست بکشد احتیاط (واجب) آن است که علاوه بر تیمم، وضو نیز با چنین مسحی بگیرد. (اجوبة الاستفتاءات، س ۱۳۶ و استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۸۰)

۳. کسی که در یکی از اعضای وضویش زخمی وجود دارد که دائماً از آن خون می‌آید، واجب است جبیره‌یی را بر روی زخم بگذارد که خون از آن بیرون نمی‌آید، مثل نایلون. (اجوبة الاستفتاءات، س ۱۳۸)

۶. مبطلات وضو

- | | |
|--|--------------|
| ۱. خارج شدن ادرار. | } مبطلات وضو |
| ۲. خارج شدن مدفوع. | |
| ۳. خارج شدن باد شکم. | |
| ۴. به خواب رفتن. | |
| ۵. چیزهایی که عقل را از بین می‌برد، مانند دیوانگی و مستی و بیهوشی. | |
| ۶. استحاضه‌ی زنان. | |
| ۷. هر چیزی که موجب غسل می‌شود، مانند جنابت و خون حیض. (و مست میت). | |

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۷۸)

توجه

- چیزهایی که وضو را باطل می‌کند «مبطلات وضو» می‌گویند.
 - با عارض شدن مبطلات وضو، کودک نابالغ هم (همانند افراد بالغ) محدث می‌شود (یعنی وضویش باطل می‌شود).
- (اجوبة الاستفتاءات، س ۱۳۱)

۷. احکام وضو

۱. کسی که جاهل به بطلان وضویش است و بعد از وضو متوجه آن می‌شود، واجب است برای اعمال مشروط به طهارت، وضو را اعاده کند و اگر با وضوی باطل نماز خوانده باشد اعاده‌ی آن نیز واجب می‌باشد. (اجوبة الاستفتاءات، س ۱۳۷)

۲. کسی که در کارهای وضو و شرایط آن، مثل پاک بودن آب و غصبی نبودن آن خیلی شک

می‌کند، باید به شک خود اعتنا نکند.

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۷۰)

قبل از نماز: باید وضو بگیرد.

در اصل وضو (شک دارد وضو گرفته یا نه)

۳. شک در وضو

در صحت وضو (شک دارد وضویی که گرفته باطل شده یا نه): بنا می‌گذارد که وضوی او باطل است.

در بین نماز: نماز او باطل است و باید دوباره وضو بگیرد و نماز را دوباره بخواند.

پس از نماز (شک دارد نماز خوانده شده با وضو بوده یا نه): نمازی که خوانده صحیح است، ولی باید برای نمازهای دیگر وضو بگیرد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۲۳ و استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۷۱ و ۷۲ و ۷۳)

تمرین ۳

۱. آیا در وضوی ارتماسی جایز است که چند بار صورت و دستها را داخل آب کنیم یا این که فقط دو بار جایز است؟
۲. کسی که در اعضای وضوی او زخم یا شکستگی باشد چه وظیفه‌ی دارد؟
۳. کسی که در یکی از اعضای وضویش زخمی وجود دارد که حتی اگر جبیره هم بر روی آن قرار دهد دائماً از آن خون می‌آید، چگونه باید وضو بگیرد؟
۴. مبطلات وضو را بر شمرید؟
۵. آیا کودک نابالغ، محدث به حدث اصغر می‌شود؟
۶. کسی که شک دارد وضوی او باطل شده یا نه وظیفه اش چیست؟



وضو (۵) غایات وضو

۸. غایات وضو (کارهایی که باید برای آن وضو گرفت)

همه‌ی نمازهای واجب و مستحب (به جز نماز میت).	} شرط صحت عمل یعنی اگر عمل بدون وضو، انجام شود صحیح نیست	} وضو
اجزای فراموش شده‌ی نماز (سجده و تشهد).		
طواف واجب.	} شرط جواز عمل (حرام نبودن) یعنی اگر آن عمل بدون وضو انجام گیرد حرام است	
مس خط قرآن.		
مس اسما و صفات مخصوص خداوند.		
مس اسمای انبیا و ائمه‌ی معصومین (ع) به احتیاط (واجب).	} رفع کراهت عمل، مانند وضو برای قرائت قرآن.	
		} رفع کراهت عمل، مانند غذا خوردن در حال جنابت که با وضو، کراهت آن برداشته می‌شود.

توجه

□ وضو، شرط صحت همه‌ی نمازهای واجب و مستحب و اجزای فراموش شده‌ی آن است، بنابراین هیچ نمازی بدون وضو صحیح نیست مگر نماز میت که وضو برای آن لازم نیست.

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۷۴)

□ وضو، شرط صحت طواف واجب خانه‌ی خدا است و بدون آن طواف واجب باطل است. منظور از طواف واجب، طوافی است که جزئی از حج یا عمره است، گر چه آن حج یا عمره مستحب باشد، ولی در طواف مستحب که در غیر حج و عمره کسی انجام دهد وضو لازم نیست.

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۷۵)

□ وضو گرفتن برای خواندن نماز واجب، اگر عرفاً نزدیک داخل شدن به وقت آن باشد اشکال ندارد.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۱۱۰ و ۱۱۹)

□ وضو به قصد با طهارت بودن، از نظر شرعی مستحب و مطلوب است و خواندن نماز با وضوی مستحب جایز است.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۱۲۲)

□ مستحب است انسان در همه حال با وضو باشد مخصوصاً در هنگام ورود به مسجد و مشاهد مشرفه و تلاوت قرآن و هنگامی که می‌خواهد بخوابد و بعضی اوقات دیگر.

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۷۷)

□ بعد از آن که وضو به طور صحیح محقق شد، تا زمانی که باطل نشده است، انجام هر عمل مشروط به طهارت با آن جایز است، بنابر این لازم نیست برای هر نمازی وضوی جداگانه بگیرد، بلکه می‌تواند با یک وضو تا زمانی که باطل نشده هر مقدار نماز که بخواند بخواند.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۱۱۸)

۱. مس قرآن

دست زدن به خط قرآن بدون وضو حرام است و این امر، اختصاص به قرآن کریم ندارد، بلکه شامل همه‌ی کلمات و آیات قرآنی می‌شود، هر چند در کتاب دیگری یا در روزنامه، مجله، تابلو و غیر آنها باشد.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۱۵۴ و استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۷۶)

توجه

□ همه جای بدن، مانند لب و صورت و غیره هم حکم دست را دارد.

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۷۶)

۲. مس اسامی خداوند متعال و پیامبران و امامان معصوم (ع)

۱. مس اسما و صفات مخصوص ذات باری تعالی بدون وضو حرام است، و به احتیاط (واجب) نامهای انبیای عظام و ائمه‌ی معصومین (ع) نیز حکم نامهای خداوند متعال را دارد.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۱۶۴)

۲. مس لفظ جلاله‌ی «الله» بدون وضو جایز نیست، اگر چه جزئی از یک اسم مرکب از قبیل عبدالله و حبیب الله باشد.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۱۵۲)

۳. آرم جمهوری اسلامی ایران اگر در نظر عرف، اسم جلاله محسوب و خوانده شود، مس آن بدون طهارت حرام است و در غیر این صورت اشکال ندارد، اگر چه احوط (استحبابی) ترک مس آن بدون طهارت است.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۱۵۷)

۴. مس ضمیرهایی که به ذات باری تعالی بر می‌گردند، مثل ضمیر جمله‌ی «بسمه تعالی» حکم لفظ جلاله «الله» را ندارد.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۱۴۷)

۵. نوشتن همزه و سه نقطه به صورت «...» به جای لفظ جلاله‌ی «الله» از نظر شرعی مانعی ندارد، و همزه و نقاط، حکم لفظ جلاله را ندارد و مس آن بدون وضو جایز است.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۱۴۸ و ۱۴۹)

۶. خودداری کردن از نوشتن لفظ جلاله‌ی «الله» به صرف احتمال مس آن توسط افراد بی وضو،

مانعی ندارد.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۱۵۰)

چند نکته در ارتباط با مس آیات قرآن و اسمای متبرکه‌ی خداوند متعال و پیامبران و امامان معصوم(ع)

□ به گردن آویختن گردنبندی که آیات قرآن یا اسمای مبارکه بر آن نقش شده است اشکال ندارد، ولی باید نوشته‌ها با بدن تماس نداشته باشد.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۱۵۳)

□ هرگاه بخواهند هنگام خوردن غذا از ظرفی که آیات قرآنی از جمله آیه الکرسی یا اسمای مبارکه روی آن نوشته شده استفاده کنند اشکال ندارد، به شرطی که با وضو باشند و یا غذا را با قاشق از ظرف بردارند.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۱۵۵)

□ کسانی که به وسیله‌ی دستگاه تحریر، آیات قرآنی یا اسمای جلاله و یا نامهای معصومین(ع) را می‌نویسند لازم نیست در حال تحریر و نوشتن با وضو باشند (این کار مشروط به طهارت نیست)، ولی از مس آنها بدون وضو باید اجتناب نمایند.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۱۵۶)

□ کلماتی که روی انگشترها نقش می‌کنند، اگر از کلماتی باشد که شرط جواز مس آن، طهارت است، مثل کلمات قرآنی و مانند آن، مس آن بدون طهارت جایز نیست.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۱۶۱)

□ طبع و نشر آیات قرآنی و اسمای جلاله و امثال آن اشکال ندارد، ولی بر کسی که به دستش می‌رسد واجب است که احکام شرعی آنها را رعایت نماید و از بی‌احترامی و نجس کردن و مس بدون وضوی آنها خودداری کنند.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۱۵۹)

□ استفاده از روزنامه‌هایی که آیات قرآنی یا اسمای مبارکه در آن نوشته شده است در کارهایی، مثل پيچاندن غذا با آن یا نشستن بر آن و یا استفاده از آن به جای سفره و ... اگر از نظر عرف بی‌احترامی شمرده شود جایز نیست، و اگر بی‌احترامی محسوب نشود اشکال ندارد.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۱۶۰)

□ انداختن چیزی که مشتمل بر آیات قرآنی یا اسمای متبرکه است در نه‌رها و جویبارها، اگر از نظر عرف اهانت محسوب نشود اشکال ندارد.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۱۶۲)

□ هرگاه وجود آیات قرآنی و نامهای خداوند و اسمای معصومین(ع) در ورقه‌یی احراز نشود، سوزاندن و دور انداختن آن اشکال ندارد و فحص و بررسی لازم نیست. گفتنی است سوزاندن و دور انداختن اوراقی که امکان استفاده از آن در صنعت کارتن‌سازی و مانند آن وجود دارد و یا بر یک طرف آن نوشته شده است و طرف دیگر آن قابل استفاده برای نوشتن است، به علت وجود شبهه‌ی اسراف خالی از اشکال نیست.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۱۶۳)

□ دفن آیات قرآنی و اسمای مبارکه در خاک و یا تبدیل آنها به خمیر به وسیله‌ی آب اشکال ندارد، ولی جواز سوزاندن آنها مشکل است و اگر بی‌احترامی محسوب شود جایز نیست، مگر در صورتی که اضطراب اقتضا کند و جدا کردن آیات قرآنی و نامهای مبارک امکان نداشته باشد.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۱۶۵)

□ قطعه قطعه کردن آیات قرآنی و اسمای مبارکه به مقدار زیاد به طوری که حتی دو حرف آنها به هم متصل نمانده و غیر قابل خواندن شود، اگر بی‌احترامی محسوب شود جایز نیست و در غیر این صورت

نیز، اگر موجب محو نوشته‌ی لفظ جلاله و آیات قرآنی نشود کافی نیست، همچنان که تغییر صورت خطی کلمات با اضافه یا کم کردن بعضی حروف نیز باعث زوال حکم شرعی حروفی که به قصد نوشتن آیات قرآنی یا لفظ جلاله به کار رفته‌اند نمی‌شود. بلی، زوال حکم بر اثر تغییر حروف به نحوی که ملحق به محو حروف گردد، بعید نیست، هر چند احتیاط (مستحب)، اجتناب از مس آن بدون وضو است.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۱۶۶)

تمرین ۳

۱. آیا وضو گرفتن به نیت نماز واجب قبل از داخل شدن به وقت آن جایز است؟
۲. آیا با وضویی که برای نماز صبح گرفته می‌شود جایز است نماز ظهر و عصر را نیز خواند؟
۳. اسامی مبارکی که مس بدون وضوی آنها حرام است کدامند؟
۴. مس اسمهایی از قبیل «عبد الله» و «حبیب الله» بدون وضو چه حکمی دارد؟
۵. آیا مس آرم جمهوری اسلامی ایران بدون وضو، حرام است؟
۶. آیا مس نقش کلمات روی انگشترها جایز است؟



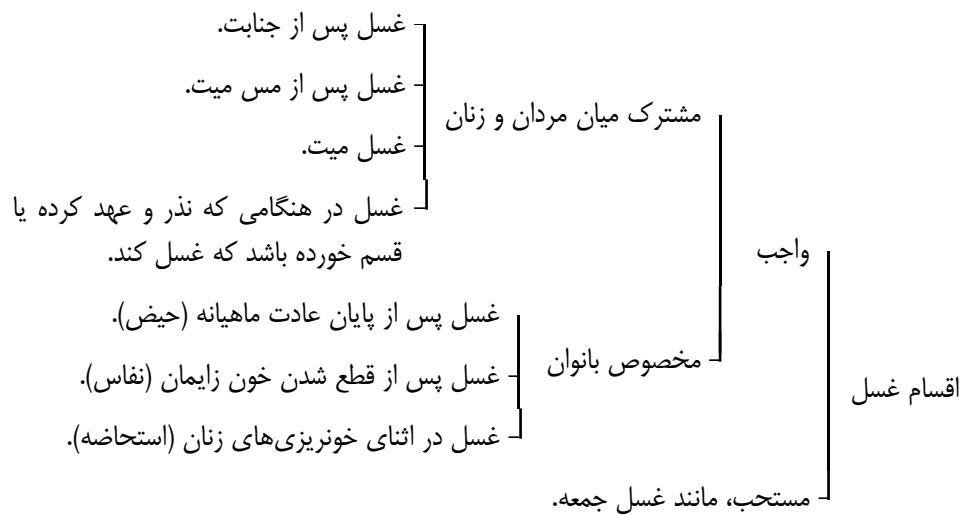
غسل (۱)

معنای غسل - اقسام غسل - کیفیت غسل -
غسل جبیره‌یی

۱. معنای غسل

غسل یعنی شستشوی تمام بدن از سر تا پا با شرایط و کیفیت خاص.

۲. اقسام غسل



(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۸۵)

۳. کیفیت غسل

غسل را به دو گونه می‌شود انجام داد:

۱. ترتیبی: اول این که با ترتیب مخصوص بدن را بشوید، به این که ابتدا سر و گردن، بعد تمام نیمه راست بدن و در آخر تمام نیمه چپ بدن را بشوید.
۲. ارتماسی: دوم این که تمام بدن را یک‌باره در آب فرو ببرد به طوری که آب به همه جای بدن برسد.

اجوبه الاستفتاءات، س ۱۹۱ و ۱۹۲ و استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۸۴

توجه

□ در غسل، بنا بر احتیاط واجب شستن موهای بلند و زیر آن لازم است، بنابراین بانوان بایستی - بنا بر احتیاط واجب - علاوه بر رساندن آب به پوست سر، تمام موهای خود را نیز بشویند.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۹۳)

□ رو به قبله ایستادن در وقت غسل واجب نیست.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۸۳)

□ شستن پشت و یا هر عضوی از اعضای بدن قبل از نیت غسل و شروع آن، اشکال ندارد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۹۲)

□ اگر غسل ترتیبی را بر خلاف ترتیبی که قبلاً گفته شد به جا آورد - چه عمداً باشد و چه از روی فراموشی و چه به سبب ندانستن مسأله - باطل است.

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۹۰)

غسل ارتماسی بوده: باید دو باره غسل کند، چه جای آن را بداند یا نداند.

□ کسی که بعد از غسل بفهمد به قسمتی از بدنش آب نرسیده است

جای آن را نمی‌داند: باید دوباره غسل کند.

غسل ترتیبی بوده

در طرف چپ است: شستن همان مقداری که شسته نشده کافی است.

در طرف راست است: باید آن مقدار را شسته، بعد طرف چپ را بشوید.

در سر و گردن است: باید آن مقدار را شسته، بعد طرف راست و چپ بدن را بشوید.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۹۱ و ۱۹۲ و استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۹۱ و ۹۲)

۴. غسل جبیره‌یی

غسل جبیره‌یی هم مانند وضوی جبیره‌یی است.

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۸۲)

تمرین

۱. غسل‌های واجب را بر شمرید؟
۲. غسل را به چند نحو می‌توان انجام داد؟
۳. آیا در غسل ترتیبی، مراعات ترتیب بین سر و سایر اعضای بدن کافی است، یا این که باید بین طرف راست و چپ بدن هم ترتیب، رعایت شود؟
۴. آیا در غسل، علاوه بر پوست بدن، لازم است موهای بلند نیز شسته شود؟
۵. آیا رو به قبله ایستادن هنگام غسل واجب است؟
۶. کسی که بعد از غسل بفهمد به قسمتی از بدنش آب نرسیده است چه وظیفه‌یی دارد؟



غسل (۲)

شرایط غسل - احکام غسل

۵. شرایط غسل

شرایطی که برای وضو گفته شد، مانند پاک بودن آب و غیر آن در غسل هم شرط است، ولی در غسل، شستشو از بالا به پایین و نیز پی در پی شستن اعضای بدن لازم نیست، بلکه می‌تواند در وسط غسل، مدتی به کار دیگر بپردازد و سپس غسل را از همان محل که مانده است، ادامه دهد.

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۹۵)

توجه

□ در غسل، هر قسمتی را که می‌خواهد شستشو بدهد، اگر نجس است باید قبلاً آن را آب بکشد، ولی پاک بودن تمامی بدن قبل از غسل واجب نیست، بنابراین اگر عضو، قبل از غسل آن، تطهیر شده باشد غسل صحیح است، ولی اگر عضو نجس قبل از غسل آن تطهیر نشود، و با یک شستن بخواند هم آن را پاک کند و هم غسل نماید، غسل باطل است.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۷۹ و استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۹۳)

□ چیزی را که مانع رسیدن آب به بدن است باید بر طرف کند و اگر پیش از اطمینان به این که بر طرف شده غسل کند، غسل او باطل است.

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۹۴)

۶. احکام غسل

۱. هرگاه در اثنای غسل، حدث اصغری از او سر بزند (مثلاً بول کند) به صحت غسل ضرر نمی‌رساند و لازم نیست که غسل را از نو شروع کند و باید آن را ادامه دهد، ولی چنین غسلی اگر غسل جنابت باشد مانند سایر غسلها کفایت از وضو برای نماز و سایر اعمال مشروط به طهارت از حدث اصغر نمی‌کند.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۸۵ و استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۹۸)

۲. کسی که غسلهای متعددی، اعم از واجب یا مستحب بر ذمه‌ی او باشد، اگر به نیت همه‌ی آنها یک غسل به جا آورد کافی است، و اگر در بین آنها غسل جنابت باشد و به نیت آن غسل کند از بقیه‌ی

غسلها هم کفایت می‌کند، اگر چه احتیاط (مستحب) این است که همه‌ی آنها را نیت نماید.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۸۷ و استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۰۱)

۳. غیر از غسل جنابت، سایر غسلها کفایت از وضو نمی‌کند. (اجوبه الاستفتاءات، س ۱۸۸)

۴. کسی که بعد از غسل، یقین به باطل بودن آن پیدا کند بایستی قضای همه‌ی نمازهایی که با آن غسل خوانده است را به جا آورد. (اجوبه الاستفتاءات، س ۱۹۷)

شک در انجام غسل (شک دارد که غسل کرده یا نه): برای اعمالی که مشروط به غسل است باید غسل کند، ولی نمازهایی که تا کنون خوانده صحیح است.

شک در صحت غسل (پس از انجام غسل شک دارد غسلش صحیح بوده یا نه): در صورتی که احتمال می‌دهد غسل را صحیح انجام داده و در وقت غسل متوجه انجام آنچه در صحت غسل معتبر است بوده به شک خود اعتنا نکند (و بنا بر صحت بگذارد). (اجوبه الاستفتاءات، س ۱۹۷ و استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۹۶)

تمرین ۳

۱. چه تفاوتی میان شرایط وضو و شرایط غسل وجود دارد؟
۲. آیا در غسل، پاک بودن تمام بدن قبل از غسل شرط است؟
۳. اگر از کسی که مشغول غسل است حدث اصغر سر بزند آیا باید دوباره غسل نماید؟
۴. کسی که غسلهای متعددی اعم از واجب یا مستحب بر ذمه‌ی او باشد، آیا یک غسل، کفایت از غسل‌های دیگر می‌کند؟
۵. غیر از غسل جنابت، آیا بقیه‌ی غسلها هم کفایت از وضو می‌کنند؟
۶. کسی که شک دارد که غسل کرده یا نه، وظیفه‌اش چیست؟



غسل (۳) غسل جنابت

۷. غسل جنابت

۱. اسباب جنابت

انسان به یکی از دو چیز جنب می شود:

۱. آمیزش جنسی (به هر نحو که باشد، با حلال یا با حرام، منی بیرون بیاید یا نیاید بالغ باشد یا نباشد).
۲. بیرون آمدن منی (چه در خواب و چه در بیداری، چه عمدتاً و چه بی اختیار).

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۸۶)

توجه

□ رطوبت خارج شده از مرد، اگر همراه با شهوت، جستن و سست شدن بدن باشد، حکم منی را دارد، و اگر علایم سه گانه یا یکی از آنها وجود نداشته باشد و یا شک در آن باشد حکم منی را ندارد، مگر این که از راه دیگری یقین کند که منی است.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۱۷۷ و ۱۸۰ و ۱۸۶)

□ مایعی که زن در هنگام اوج لذت جنسی می بیند حکم منی را دارد و باید غسل نماید، و اگر شک کند که به این مرحله رسیده یا نه و یا شک در خروج مایع داشته باشد غسل واجب نیست.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۱۷۱)

□ رسیدن منی به داخل رحم بدون دخول، سبب جنابت زن نمی شود.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۱۶۸)

□ با تحقق دخول ولو به مقدار حشفه (به معنی ختنه گاه)، غسل بر مرد و زن واجب است، هر چند منی خارج نشود و زن نیز به مرحله اوج لذت نرسد.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۱۷۰)

□ هرگاه زنی پس از نزدیکی، در حالی که منی در رحم او باقی مانده است بلافاصله غسل کند و بعد از غسل، منی از رحم خارج شود غسلش صحیح است و منی خارج شده بعد از غسل نجس است، هر چند اگر منی مرد باشد باعث جنابت مجدد نمی شود.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۱۷۳)

□ بر زنان، پس از انجام معاینات داخلی با وسایل طبی تا زمانی که منی خارج نشود، غسل واجب نیست.

۲. کارهایی که بر جنب حرام است

- کارهایی که بر جنب حرام است
۱. مس خط قرآن و اسما و صفات مخصوص ذات باری تعالی و همچنین به احتیاط واجب نامهای انبیای عظام و ایمنه‌ی معصومین (ع)
 ۲. ورود به مسجد الحرام و مسجد النبی (ص)، هر چند از یک در داخل و از در دیگر خارج شود.
 ۳. توقف در مساجد دیگر، ولی اگر از یک در وارد و از در دیگر خارج شود مانع ندارد.
 ۴. گذاشتن چیزی در مسجد.
 ۵. خواندن خصوص آیات سجده از سوره‌هایی که سجده‌ی واجب دارند، ولی خواندن سایر آیات از این سوره‌ها اشکال ندارد.

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۸۹)

توجه

- حرم امامان معصوم (ع) بنا بر احتیاط حکم مسجد را دارد. (اجوبه الاستفتاءات، س ۴۲۴)
- ورود جنب به داخل حرم امام زادگان (ع) اشکالی ندارد. (اجوبه الاستفتاءات، س ۲۲۲ و ۴۲۴)
- تکیه‌ها و حسینیه‌ها حکم مسجد را ندارند. (اجوبه الاستفتاءات، س ۴۲۷)
- منظور از آیات سجده: آیه‌ی ۱۵ از سوره‌ی ۳۲ (سجده) و آیه‌ی ۳۷ از سوره‌ی ۴۱ (فصلت) و آیه‌ی ۶۲ از سوره‌ی ۵۳ (نجم) و آیه‌ی ۱۹ از سوره‌ی ۹۶ (علق) می‌باشد که خواننده یا شنونده‌ی آنها واجب است سجده کند. (استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۸۹)

۳. احکام غسل جنابت

۱. در انجام تکلیف شرعی، حیا معنی ندارد. حیا، عذر شرعی برای ترک واجب (مثل غسل جنابت) نیست. به هر حال اگر غسل جنابت برای کسی امکان ندارد وظیفه اش برای نماز و روزه، تیمم بدل از غسل است. (اجوبه الاستفتاءات، س ۱۸۱)
۲. کسی که معذور از انجام غسل است، مثل فردی که می‌داند اگر از طریق نزدیکی با همسرش خود را جنب کند آبی برای غسل نمی‌یابد و یا وقت برای غسل و نماز ندارد جایز است با همسر خود نزدیکی کند به شرطی که قدرت بر تیمم داشته باشد، و در صورت جنابت و معذور بودن از انجام غسل، برای اعمال مشروط به طهارت، تیمم بدل از غسل جنابت می‌کند و با آن تیمم، داخل مسجد شدن و خواندن نماز و مس نوشته‌ی قرآن کریم و بقیه‌ی اعمالی که انجام آنها مشروط به طهارت از

جنابت است اشکال ندارد. (البته اگر عذرش تنگی وقت بوده فقط کاری را که برای آن تیمم کرده میتواند انجام دهد).

(اجوبة الاستفتاءات، س ۱۸۲ و ۱۹۰)

۳. کسی که بعد از خارج شدن منی غسل کرده، اگر پس از غسل، رطوبتی از او خارج شود که نداند منی است یا چیز دیگر، در صورتی که پیش از غسل و بعد از خروج منی، ادرار نکرده باشد، آن آب در حکم منی است و باید دوباره غسل کند.

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۸۷)

۴. اگر در لباس خود لکه‌یی ببیند که نمی‌داند منی است یا چیز دیگر، تا یقین نکرده که منی است و از خود اوست غسل بر او واجب نیست.

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۸۸)

۵. کسی که غسل جنابت کرده، نباید برای نماز وضو بگیرد و نماز و دیگر اعمالی را که باید با وضو انجام دهد می‌تواند با همین غسل انجام دهد.

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۹۷)

۶. هرگاه بعد از غسل جنابت شک کند غسلش باطل شده است یا نه، لازم نیست برای نماز وضو بگیرد، ولی اگر بخواهد از باب احتیاط وضو بگیرد اشکالی ندارد.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۱۳۰)

۷. کسی که در تنگی وقت نماز غسل می‌کند، اگر غسل را به این نیت بکند که از جنابت خارج شود - نه به نیت خصوص این نماز - غسل او صحیح است، اگر چه پس از غسل بفهمد که وقت برای نماز نداشته است.

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۹۹)

تمرین

۱. اسباب جنابت چیست؟
۲. در چه صورتی حکم می‌شود که رطوبت خارج شده از مرد منی است؟
۳. جنابت در زنان بدون نزدیکی، چگونه تحقق می‌یابد؟
۴. آیا بر زنان، پس از انجام معاینات داخلی با وسایل طبی، غسل واجب می‌باشد؟
۵. چه کارهایی بر جنب حرام است؟
۶. اگر در لباس خود لکه‌یی ببیند که نمی‌داند منی است یا چیز دیگر، چه وظیفه‌یی دارد؟



غسل (۴)

غسل‌های مخصوص بانوان

۸. غسل‌های مخصوص بانوان

۱. حیض

۱. خون حیض:

۱. خونی که دختر قبل از اتمام نه سالگی می‌بیند حیض نیست، هر چند صفات حیض را داشته باشد.
(اجوبة الاستفتاءات، س ۱۸۹۴)

۲. لکه‌هایی که زن بعد از یقین به پاک شدن می‌بیند، اگر خون نباشد حکم حیض را ندارد، و اگر خون باشد، هر چند به صورت لکه‌های زرد رنگ، و از ده روز تجاوز نکند، همه‌ی آن لکه‌ها محکوم به حیض است و تشخیص این موضوع به عهده‌ی زن است.
(اجوبة الاستفتاءات، س ۲۱۸)

۳. زنهایی که از داروهای ضد حاملگی استفاده می‌کنند و لکه‌های خونی را در ایام عادت و غیر آن می‌بینند، اگر این لکه‌ها واجد شرایط شرعی حیض نباشد حکم حیض را ندارد، بلکه محکوم به استحاضه است.
(اجوبة الاستفتاءات، س ۲۲۵)

۴. زنی که دارای عادت ماهیانه معینی مثلاً هفت روز است و به علت گذاشتن دستگاه جلوگیری از حاملگی، هر بار بیش از ده روز مثلاً دوازده روز خون می‌بیند، خونی که در ایام عادت می‌بیند حیض است و باقی استحاضه خواهد بود.
(اجوبة الاستفتاءات، س ۲۲۱)

۵. خونی که زن در ایام بارداری می‌بیند، اگر صفات و شرایط حیض را داشته باشد و یا در زمان عادت بوده و سه روز اگر چه در باطن استمرار داشته باشد خون حیض است، و الا استحاضه خواهد بود.
(اجوبة الاستفتاءات، س ۲۲۰)

^۱ خون حیض: خونی است که غالباً در هر ماه به مدت چند روز از رحم زن به طور طبیعی خارج می‌شود. این خون هنگام انعقاد نطفه، غذای فرزند است.

۲. احکام حیض:

۱. تمام کارهایی که بر جنب حرام است بر زن حیض نیز حرام است.

(اجوبۃ الاستفتاءات، س ۱۵۴ و ۱۶۴ و ۱۹۹ و ۴۲۲ و ۴۲۴)

توجه

□ نشستن زنها در ایام عادت روی دیوار کوتاهی که بین مسجد الحرام و مسعی (محل سعی میان صفا و مروه) وجود دارد اشکال ندارد، مگر این که یقین حاصل شود که آن دیوار جزو مسجد است. (ارتفاع این دیوار نیم متر و عرض آن یک متر است). (اجوبۃ الاستفتاءات، س ۳۹۲)

۲. اگر زن در حال حیض، جنب یا در حال جنابت حیض شود، بعد از پاک شدن از حیض، واجب است علاوه بر غسل حیض، غسل جنابت هم به جا آورد، ولی جایز است که در مقام عمل به غسل جنابت اکتفا کند، لیکن احتیاط (مستحب) این است که نیت هر دو غسل را بنماید.

(اجوبۃ الاستفتاءات، س ۱۷۶)

۳. اگر زنی در حال حیض غسل جنابت کند صحت غسلش محل اشکال است. (اجوبۃ الاستفتاءات، س ۱۷۵)

۴. زنی که به خاطر نذر روزه‌ی معینی روزه گرفته است، اگر در حال روزه، حیض شود روزه‌اش با عادت شدن - هر چند در یک جزء از روز باشد - باطل می‌شود و قضای آن روز بعد از پاک شدن بر او واجب است.

(اجوبۃ الاستفتاءات، س ۲۱۷)

۲. استحاضه

خونی^۱ که زن در سن یائسگی^۲ می‌بیند استحاضه است، بنابراین زنی که پدرش هاشمی نیست، هر چند مادرش از سادات باشد اگر بعد از پنجاه سالگی خونی را مشاهده کند محکوم به استحاضه است.

(اجوبۃ الاستفتاءات، س ۲۱۶ و ۲۲۴)

۳. نفاس^۳ (خون زایمان)

زنی که عمل کورتاژ (سقط جنین) را انجام داده، بعد از سقط جنین - هر چند به صورت علقه باشد - اگر خونی را مشاهده کند، محکوم به نفاس است.

(اجوبۃ الاستفتاءات، س ۲۲۳)

توجه

□ تمام کارهایی که بر حیض حرام است بر نفاس نیز حرام است.

(اجوبۃ الاستفتاءات، س ۲۲۲)

^۱ خون استحاضه: خونی است که در غیر ایام حیض و نفاس از رحم زن خارج می‌شود و مربوط به بکارت و زخم نیست.
^۲ با توجه به اینکه حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در تعیین سن یائسگی احتیاط دارند مقلدین معظم‌له می‌توانند در این مساله با رعایت شرایط عدول، به مجتهد دیگری رجوع نمایند.
^۳ خون نفاس: خونی است که بر اثر زایمان نوزاد، به مدت معینی از رحم زن بیرون می‌آید.

تمرین ۳

۱. لکه‌هایی که زن بعد از یقین به پاک شدن می‌بیند، با توجه به این که آن لکه‌ها، نه اوصاف خون را دارند و نه خون مخلوط با آب را، چه حکمی دارد؟
۲. اگر زنی در ایام بارداری به خونریزی کمی مبتلا شود ولی باعث سقط حمل او نگردد وظیفه‌اش چیست؟
۳. اگر زن در حال حیض، جنب یا در حال جنابت حیض شود، آیا بعد از پاک شدن از حیض، هر دو غسل بر او واجب است؟
۴. آیا غسل جنابت در حال حیض صحیح است به طوری که مسقط تکلیف زن جنب باشد؟
۵. خونی که زن در سن یائسگی می‌بیند چه حکمی دارد؟
۶. زنی که عمل کورتاژ را انجام داده در حال نفاس است یا خیر؟



احکام درگذشتگان (۱)

غسل مس میت - احکام محتضر - واجبات پس از مرگ

۱. غسل مس میت

اگر کسی بدن انسان مرده‌یی را که سرد شده ولی هنوز غسل داده نشده است، لمس کند یا جایی از دست و پا و صورت و سایر بدن خود را به هر جای بدن او برساند باید برای نماز و امثال آن غسل کند. این را «غسل مس میت» می‌نامند. (استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۰۲)

توجه

□ دست زدن به عضوی که از بدن مرده جدا شده، پس از سرد شدن و پیش از غسل دادن، در حکم دست زدن به بدن مرده است. (اجوبه الاستفتاءات، س ۲۵۲ و استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۰۳)

□ دست زدن به عضوی که از بدن شخص زنده جدا شده است، غسل ندارد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۲۵۱ و استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۰۳)

- | | | |
|--|---|---|
| <p>۱. کسی که در میدان جنگ به شهادت رسیده است.</p> <p>۲. مرده‌یی که بدنش هنوز سرد نشده است.</p> <p>۳. مرده‌یی که سه غسلش را داده‌اند.</p> | } | <p>□ مواردی که مس بدن انسان مرده سبب غسل نمی‌باشد</p> |
|--|---|---|

(اجوبه الاستفتاءات، س ۲۵۲ و ۲۵۵ و استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۰۲)

□ هرگاه شک کنیم میتی را غسل داده‌اند یا نه، با مس جسد یا اجزای آن (البته پس از سرد شدن) واجب است غسل مس میت کرد، و نماز بدون غسل مس میت صحیح نیست، ولی اگر اصل غسل میت احراز شود، با مس جسد یا بعضی از اجزای آن، غسل مس میت واجب نیست، حتی اگر در صحت غسل آن میت شک داشته باشیم.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۲۵۶)

□ کسی که غسل میت کرده است، اگر بخواهد نماز بخواند باید وضو بگیرد و این غسل بر خلاف غسل جنابت، کفایت از وضو نمی‌کند.

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۰۴)

۲. احکام محتضر (کسی که در حال جان دادن است)

شایسته است که شخص مسلمان را در حال احتضار به پشت و به سمت قبله بخوابانند، به طوری که کف پای او به جانب قبله باشد. بسیاری از فقها این عمل را بر خود محتضر در صورتی که قادر باشد و بردیگران واجب دانسته‌اند و احتیاط در انجام آن ترک نشود.

(اجویة الاستفتاءات، س ۲۵۳ و استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۰۵)

۳. واجبات پس از مرگ

غسل.	} واجبات پس از مرگ
حنوط.	
کفن.	
نماز.	
دفن.	

توجه

□ در بینش اسلامی، مرده‌ی مسلمان نیز مانند زنده‌ی او دارای احترام است. تکریم مرده‌ی مسلمان در قالب اعمالی (از قبیل غسل و کفن و دفن و مانند آن) است که در شرع مقدس اسلام واجب شده است و همه‌ی مکلفین نسبت به آن مکلف و مخاطب‌اند. (استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۰۵)

□ غسل و کفن و نماز و دفن مسلمان از واجبات کفایی است یعنی بر هر مکلفی واجب است، ولی اگر بعضی آن را انجام دادند از دیگری ساقط می‌شود، و اگر هیچ کس به این وظیفه عمل نکند همه معصیت کرده‌اند. (استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۰۶)

□ اگر کسی بداند که غسل یا کفن یا نماز یا دفن میت را باطل انجام داده‌اند باید دوباره آن را به جا آورد، ولی اگر گمان دارد که باطل بوده یا شک دارد که درست بوده یا باطل، لازم نیست اقدام نماید. (استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۰۷)

□ برای غسل و کفن و نماز و دفن میت، باید از ولی او اجازه بگیرند. ولی میت عبارت است از پدر و مادر و فرزندان و به همین ترتیب، بقیه‌ی طبقات وارثان. در میت زن، شوهر او از دیگری مقدم است. (استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۰۸)

تمرین ۳

۱. آیا با دست زدن به عضوی که از بدن انسان مرده جدا شده، غسل مس میت واجب می‌شود؟
۲. آیا مس کردن استخوانی که همراه با گوشت است و از بدن انسان زنده جدا شده موجب غسل مس میت می‌شود؟
۳. مواردی که مس بدن انسان مرده سبب غسل نمی‌باشد را ذکر نمایید؟
۴. آیا شخص مسلمان را باید هنگام احتضار رو به قبله خواباند؟
۵. واجبات پس از مرگ کدامند؟
۶. غسل دادن میت، واجب عینی است یا کفایی؟



احکام درگذشتگان (۲)

غسل میت - حنوط - کفن

۴. غسل میت

۱. واجب است
میت را سه غسل
بدهند
۱. با آبی که قدری سدر در آن ریخته و مخلوط شده است (آب سدر).
۲. با آبی که قدری کافور در آن ریخته و مخلوط شده است (آب کافور).
۳. با آب خالص.

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۰۹)

۲. شرایط کسی که
میت را غسل می‌دهد
۱. مسلمان دوازده امامی باشد.
۲. بالغ باشد.
۳. عاقل باشد.
۴. مسایل غسل را بداند.
۵. اگر میت مرد است، مرد او را غسل دهد و اگر زن است، زن او را غسل دهد.

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۱۰ و ۱۱۳)

توجه

□ غسل میت زن به وسیله‌ی شوهرش و غسل میت مرد به وسیله‌ی زنش جایز است.

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۱۳)

۳. در غسل میت هم مانند دیگر عبادات، نیت لازم است یعنی غسل‌دهنده باید غسل را به قصد امتثال دستور خداوند به جا آورد.

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۱۱)

۴. میتی که واجب است غسل
داد
۱. زن یا مرد مسلمان.
۲. بچه‌ی مسلمان.

- ۳- کودک سقط شده‌ی مسلمان، اگر چهار ماه تمام داشته باشد و در کمتر از آن واجب نیست. (استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۰۶ و ۱۱۲)
۵. اگر جایی از بدن میت به نجاست آلوده شود، باید پیش از آن که آن جا را غسل بدهند آب بکشند، بنابراین بدن میتی که خونریزی دارد بایستی قبل از غسل در صورت امکان تطهیر شود، و اگر انتظار برای توقف خونریزی (به خودی خود) یا منع آن (با وسایل پزشکی) ممکن باشد واجب است. (اجوبه الاستفتاءات، س ۲۲۸ و استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۱۵)
۶. نگاه کردن به عورت میت، حرام است و کسی که او را غسل می‌دهد اگر نگاه کند معصیت کرده است، ولی غسل باطل نمی‌شود. (استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۱۴)
۷. اگر آب پیدا نشود یا استعمال آن مانع داشته باشد باید میت را در عوض هر غسل، یک تیمم بدهند. (استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۱۶)

۵. حنوط

۱. واجب است میت را پس از غسل، حنوط کنند یعنی به پیشانی و کف دست‌ها و سر زانوها و سر دو انگشت بزرگ پاهای او، کافور بمالند به طوری که مقداری کافور بر اثر آن در محل‌های مزبور بماند. (استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۱۹)
۲. کافور باید ساییده و تازه باشد به طوری که میت را معطر کند و اگر به واسطه‌ی کهنه بودن، عطر آن رفته باشد کافی نیست. (استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۱۹)
۳. شخص محرم - چنانکه در کتاب حج گفته می‌شود- از این حکم مستثنی است (یعنی اگر بمیرد حنوط کردن او جایز نیست). (استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۱۹)

۶. کفن

۱. میت مسلمان را باید با سه قطعه پارچه کفن کنند:
۱. لنگ که به کمر و پای او پیچیده می‌شود.
 ۲. پیراهن که از سر شانه تا ساق پا را از جلو و پشت می‌پوشاند.
 ۳. پوشش سرتاسری که باید از بالای سر تا پایین پا را بپوشاند به طوری که بستن دو سر آن میسر باشد، و پهنای آن به قدری باشد که دو طرف آن روی هم گذاشته شود. (استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۱۷)
۲. هرگاه کفن میت با نجاستی که از بدن او خارج شده یا با نجاستی دیگر، نجس شود باید آن را تطهیر کنند یا اگر کفن ضایع نمی‌شود قسمتی را که نجس شده است ببرند، بنابراین اگر کفن میت پس از غسل به خونی که از او جریان دارد آغشته شود چنانچه شستن آن قسمت از کفن که به خون آغشته شده است یا بریدن و یا عوض کردن آن امکان داشته باشد واجب است، و چنانچه امکان ندارد، دفن میت

به همان صورت جایز است. (اجوبة الاستفتاءات، س ۲۳۷ و استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۱۸)
 ۳. هرگاه انسان، پدر یا مادر و یا یکی از بستگان خود را در کفنی که برای خودش خریده است کفن کند اشکال ندارد. (اجوبة الاستفتاءات، س ۲۳۰)

تمرین

۱. سه غسل میت را نام ببرید؟
۲. شرایط کسی که میت را غسل می‌دهد چیست؟
۳. آیا غسل کودک سقط شده‌ی مسلمان واجب است؟
۴. حنوط کردن میت یعنی چه؟ و چه شرایطی دارد؟
۵. سه قطعه پارچه‌یی که میت را با آن کفن می‌کنند کدامند؟
۶. آیا برای انسان جایز است که پدر یا مادر و یا یکی از بستگان خود را در کفنی که برای خودش خریده کفن کند؟



احکام در گذشتگان (۳)

نماز میت - دفن - احکام نیش قبر - احکام شهید -
احکام اعدامی

۷. نماز میت

۱. پس از غسل و حنوط و تکفین، واجب است بر میت مسلمان - به ترتیبی که گفته خواهد شد - نماز بخوانند.

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۲۰)

توجه

□ بجهتی که شش سال تمام داشته باشد و حداقل یکی از والدینش مسلمان باشند، در حکم شخص بالغ است و بر میت او باید نماز خوانده شود.

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۲۰)

۲. نماز میت عبارت است از نیت و پنج تکبیر که در خلال آنها دعا و صلوات وارد شده است، و اگر به این ترتیب بگوید کافی است:

۱. بعد از تکبیر اول بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ».

۲. بعد از تکبیر دوم بگوید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ».

۳. بعد از تکبیر سوم بگوید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ».

۴. بعد از تکبیر چهارم بگوید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِهَذَا الْمَيِّتِ» (برای مرد) یا «لِهَذِهِ الْمَيِّتِ» (برای میت زن).

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۲۵)

۵. بعد از تکبیر پنجم را بگوید که پایان نماز است.

توجه

□ کیفیت‌های مفصل‌تر نماز میت در رساله‌های مفصل و بعضی کتاب‌های دعا مذکور است.

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۲۵)

۳. کسی که نماز میت می‌خواند باید ایستاده و رو به قبله باشد و واجب است میت را در برابر او به پشت بخوابانند به طوری که سر او به طرف راست نمازگزار و پای او به طرف چپ نمازگزار باشد.

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۲۲)

۴ . میان میت و نمازگزار باید حایلی، مانند دیوار و پرده نباشد، ولی اگر میت در تابوت و مانند آن باشد اشکال ندارد.
(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۲۳)

۵ . برای نماز میت، وضو و پاک بودن بدن و لباس و غصبی نبودن لباس، لازم نیست.
(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۲۱)

۶ . اگر میت را عمداً یا از روی فراموشی یا به جهت عذری بدون نماز میت دفن کنند یا بعد از دفن معلوم شود نمازی که بر او خوانده شده باطل بوده است تا وقتی جسد او متلاشی نشده باید بر قبر او نماز خوانده شود.
(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۲۴)

۷ . شرایطی که در جماعت و امامت جماعت در سایر نمازها معتبر است در نماز میت شرط نیست، هر چند احوط (استحبابی) این است که آن شرایط در نماز میت هم رعایت شود.
(اجوبه الاستفتاءات، س ۲۴۸)

۸. دفن

۱ . پس از پایان وظایف گذشته (غسل و حنوط و کفن و نماز) باید میت را در زمین دفن کنند و باید قبر او به قدری باشد که بوی او بیرون نیاید و درندگان هم نتوانند بدن او را خارج سازند.
(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۲۶)

۲ . میت را باید در قبر به پهلولی راست و طوری بخوابانند که صورت و سینه و شکم او رو به قبله قرار گیرد.
(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۲۷)

چند نکته در ارتباط با دفن

□ استخوان میت مسلمانی که غسل داده شده است نجس نیست، ولی دفن مجدد آن زیر خاک واجب است.
(اجوبه الاستفتاءات، س ۲۲۹)

□ اسکلت استخوانی متعلق به بدن میت مسلمان را واجب است فوراً دفن کرد (و جایز نیست آنرا در معرض بازدید قرار داد تا موجب عبرت بازدید کنندگان گردد).
(اجوبه الاستفتاءات، س ۲۳۳)

□ قبور مسلمانان را جایز است در چندین طبقه ساخت به شرطی که این کار سبب نیش قبر و هتک حرمت مسلمان نشود.
(اجوبه الاستفتاءات، س ۲۴۰)

□ هرگاه فردی در چاه سقوط کند و بمیرد و نتوان بدن او را از چاه خارج کرد بایستی جسد وی را در همان چاه به حال خود رها کرد و چاه را قبر او قرار داد و اگر چاه، ملک شخصی کسی نباشد و یا مالک آن به مسدود کردن آن راضی باشد تعطیل کردن چاه و بستن آن واجب است.
(اجوبه الاستفتاءات، س ۲۴۱)

□ پاشیدن آب بر قبر در روز دفن مستحب است و بعد از آن نیز به قصد رجا اشکال ندارد.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۲۳۵)

۹. احکام نبش قبر

۱. نبش قبر میتی که بر اساس موازین و احکام شرعی دفن گردیده جایز نیست و همچنین تخریب قبور مؤمنین و نبش آنها، حتی اگر برای تعریض و توسعه‌ی کوچه‌ها باشد، و در صورت وقوع نبش قبر و آشکار شدن بدن میت مسلمان یا استخوان‌های آن که هنوز پوسیده نشده‌اند واجب است دوباره دفن شوند.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۲۵۷ و ۲۵۹)

۲. اگر استخوان‌های میت تبدیل به خاک شود نبش قبر وی برای دفن میت دیگری در آن جایز است.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۲۶۱)

۳. در مواردی که نبش قبر جایز نیست اجازه‌ی مرجع تقلید اثری ندارد.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۲۶۳)

۱۰. احکام شهید

تکلیف غسل و کفن در حق شهید ساقط است.

توجه

□ منظور از شهید در این جا کسی است که در میدان جنگ به شهادت رسیده باشد، بنابراین اگر محورهای شهرهای مرزی، میدان جنگ بین دو گروه حق و گروه باطل و یاغی باشد، افرادی که از گروه حق در آنجا به شهادت می‌رسند حکم شهید را دارند، ولی افرادی که در غیر میدان جنگ کشته می‌شوند، هر چند اجر و ثواب شهید را دارند ولی حکم شهید در مورد آنها جاری نمی‌شود، مثل کسی که در نقطه‌یی از جهان در راه اجرای احکام اسلامی یا در تظاهرات کشته شود. (اجوبة الاستفتاءات، س ۲۴۶ و ۲۴۷ و ۲۴۹ و ۲۵۵)

۱۱. احکام اعدامی

مسلمانی که حکم اعدام درباره‌ی او اجرا گردیده است حکم سایر مسلمانان را دارد، و همه‌ی احکام و آداب اسلامی میت در مورد او جاری است، مثل خواندن نماز میت، مانند آن.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۲۵۰)

چند نکته در ارتباط با احکام درگذشتگان

□ همجنس بودن با میت فقط در غسل دادن او شرط است، و در صورتی که غسل دادن میت به وسیله‌ی همجنس او امکان دارد، غسل دادن به وسیله‌ی غیر همجنس صحیح نیست و غسل میت باطل است؛ (مگر در مورد زن و شوهر که قبلاً گذشت غسل میت زن به وسیله‌ی شوهرش و غسل میت مرد به

وسيله‌ی زنش جایز است) ولی در تکفین و تدفین، همجنس بودن شرط نیست. (اجوبة الاستفتاءات، س ۲۲۶)

□ تصرفات مورد نیاز برای تجهیز میت از قبیل غسل و کفن و دفن، به مقدار متعارف، متوقف بر اذن ولی صغیر نیست، و اشکال از جهت وجود فرزندان صغیر ایجاد نمی‌شود، بنابراین غسل دادن و کفن کردن میت در منزل مسکونیش اشکال ندارد، هر چند میت، وصی نداشته و دارای چند فرزند صغیر باشد.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۲۲۷)

□ شرکت در تشییع جنازه و حمل آن برای زنان اشکال ندارد. (اجوبة الاستفتاءات، س ۲۴۴)

تمرین ۳

۱. کیفیت نماز میت را ذکر نمایید؟
۲. آیا کسی که واجد شرایط امامت در نماز جماعت نیست جایز است امامت نماز میت بر جنازه‌ی یکی از مؤمنین را عهده‌دار شود؟
۳. آیا جایز است قبرها را به صورت دو طبقه و بیشتر ساخت؟
۴. منظور از شهیدی که تکلیف غسل و کفن در حق او ساقط است کیست؟
۵. اگر مسلمانی بر اساس قانون و تأیید قوه‌ی قضاییه به جرم حمل مواد مخدر به اعدام محکوم شود نماز میت بر او خوانده می‌شود؟
۶. آیا در غسل و کفن و دفن اموات، مماثلت و همجنس بودن شرط است یا هر یک از زن و مرد می‌تواند امور میت دیگر را انجام دهد؟



تیمم (۱)

موارد تیمم - چیزهایی که تیمم بر آن صحیح است -
کیفیت تیمم - تیمم جبره‌یی

۱. موارد تیمم

۱. هنگامی که تهیه‌ی آب ممکن نباشد یا به این خاطر که آب وجود ندارد و یا این که آب هست، ولی مکلف به آن دسترسی ندارد، مثل این که آب در چاه است و او وسیله‌ی کشیدن آن از چاه را ندارد.
۲. هنگامی که آب برای سلامتی او مضر باشد.
۳. هنگامی که می‌ترسد اگر آب را مصرف کند، خود یا کسانش یا کسی که حفظ جاننش بر او لازم است در تشنگی بمانند.
۴. هنگامی که بخواهد با آبی که در اختیار دارد بدن یا لباس خود را برای نماز تطهیر کند.
۵. هنگامی که استعمال آب یا ظرف آن بر او حرام باشد، مثل این که غصبی باشد.
۶. هنگامی که وقت نماز تنگ باشد و وضو و غسل موجب شود که همه‌ی نماز یا قسمتی از آن در خارج وقت واقع شود.

مواردی که باید به
جای وضو و غسل
تیمم کرد

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۲۸)

توجه

□ فردی که وضو یا غسل برایش ضرر دارد یا تکلیف خیلی دشواری است، باید به جای آن تیمم کند و چنانچه وضو بگیرد یا غسل نماید صحیح نیست.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۲۰۶ و ۲۰۷ و ۲۱۳ و ۲۱۵)

□ فردی که به اعتقاد این که وضو یا غسل برایش ضرر دارد (مثلاً مریض می‌شود) تیمم کند اشکال ندارد و نماز با آن صحیح است، ولی اگر پیش از آن که با این تیمم نماز بخواند بفهمد که ضرر ندارد، تیمم او باطل است و اگر بعد از آن که با این تیمم نماز بخواند فهمید که آب ضرر نداشته است بنا بر احتیاط واجب باید وضو بگیرد یا غسل کند و دوباره نماز را به جا آورد.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۲۰۸ و استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۲۹)

□ صرف مشقت یا عیب شمرده شدن غسل جوانان در نیمه شب، عذر شرعی محسوب نمی‌شود، بلکه مادامی که غسل، حرجی و موجب ضرر برای مکلف نشود، غسل کردن به هر صورتی که امکان دارد واجب است و در صورت حرج (مشقت شدید و فوق العاده) یا ضرر باید تیمم کند. (اجوبة الاستفتاءات، س ۲۱۵)

□ هرگاه فردی جنب شود و وقت به مقداری که بتواند بدن و لباسش را تطهیر کند، و یا لباس خود را عوض نماید نداشته باشد و به علت سردی هوا و مانند آن نتواند نماز خود را برهنه هم بخواند، باید نماز را با تیمم بدل از غسل جنابت با همان لباس نجس بخواند. این نماز مجزی (کافی) است و قضای آن بر او واجب نیست. (اجوبة الاستفتاءات، س ۱۶۷)

□ اگر کسی در تنگی وقت، خوف آن را داشته باشد که در صورت غسل کردن یا وضو گرفتن، همه یا قسمتی از نمازش در خارج وقت واقع شود باید تیمم کند و نماز بخواند. (استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۳۰)

□ هرگاه رطوبتی از انسان در حال خواب خارج شود و بعد از بیداری چیزی به یاد نیاورد، ولی لباس خود را مرطوب ببیند، اگر می‌داند که محتلم شده، جنب است و باید غسل کند و در صورت تنگی وقت باید بعد از تطهیر بدنش تیمم نموده و نماز بخواند و سپس در وسعت وقت غسل نماید، اما اگر نداند (شک در احتلام و جنابت داشته باشد) در این صورت، حکم جنابت بر آن جاری نمی‌شود. (اجوبة الاستفتاءات، س ۲۰۵)

□ صحت تیمم بدل از غسل برای اعمالی که مشروط به طهارت نیست، مانند زیارت محل اشکال است، ولی انجام در صورت عدم امکان غسل به قصد رجا و مطلوبیت اشکال ندارد. (اجوبة الاستفتاءات، س ۲۰۳)

۲. چیزهایی که تیمم بر آن صحیح است

تیمم بر هر آنچه از زمین محسوب شود، مانند خاک، شن، ریگ، کلوخ (خاکهای به هم چسبیده)، سنگ (سنگ گچ، سنگ آهک، سنگ سیاه و مانند آن) صحیح است و همچنین بر گچ و آهک پخته و آجر و امثال آنها. (اجوبة الاستفتاءات، س ۲۰۰ و ۲۱۰ و استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۳۱)

توجه

□ تیمم بر اشیای معدنی که جزو زمین محسوب نمی‌شود، مانند طلا و نقره و امثال آن صحیح نیست، ولی تیمم بر سنگهای مرغوبی که عرفاً به آن سنگ معدنی گفته می‌شود، مانند مرمر و غیره صحیح است. (استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۳۲)

□ تیمم بر سیمان و موزاییک اشکال ندارد، اگر چه احوط (استحبایی) ترک تیمم بر سیمان و موزاییک

است.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۴۸۹)

۳. کیفیت تیمم

۱. نیت کردن.
۲. زدن کف دو دست بر چیزی که تیمم بر آن صحیح است.
۳. کشیدن کف هر دو دست به تمام پیشانی و دو طرف آن، از جایی که موی سر می‌روید تا ابروها و بالای بینی.
۴. کشیدن کف دست چپ بر تمام پشت دست راست و کشیدن کف دست راست بر تمام پشت دست چپ.
۵. و بنا بر احتیاط واجب بار دیگر دستها به زمین و سپس کشیدن کف دست چپ بر پشت دست راست و کشیدن کف دست راست بر پشت دست چپ.

کیفیت تیمم

(اجوبه الاستفتاءات، س ۲۰۹ و استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۲۶)

توجه

□ ترتیب فوق در تیمم بدل از وضو و بدل از غسل یکسان است.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۲۰۹ و استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۲۶)

- اگر قسمتی از پیشانی یا پشت دست را حتی اندکی از آن را مسح نکند تیمم باطل است، چه عمداً یا از روی جهل به مسأله یا فراموشی باشد، البته دقت زیاد هم لازم نیست و همین اندازه که بگویند همه‌ی پیشانی و پشت دستها مسح شده کافی است.
- برای این که یقین کند که تمام پشت دست را مسح کرده باید اندکی بالاتر از مچ را هم مسح کند، ولی مسح بین انگشتان لازم نیست.

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۲۷)

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۲۸)

۴. تیمم جبیره‌یی

کسی که وظیفه‌اش تیمم است اگر محلی که باید بر روی آن مسح کند یا دستش که باید با آن مسح کند، به واسطه‌ی زخم و امثال آن بسته باشد، به همان ترتیب تیمم می‌کند یعنی محل زخم‌بندی شده را به جای پوست بدن قرار می‌دهد.

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۸۳)

تمرین ۳

۱. موارد تیمم را بر شمرید؟
۲. کسی که غسل جنابت را برای نماز صحیح انجام نداده است و به اعتقاد این که اگر غسل کند، مریض می‌شود، تیمم کرده است، چه حکمی دارد؟
۳. آیا کسی می‌تواند به این دلیل که حمام رفتن برای او عسر و حرج آور است، برای انجام اعمال مستحبی، مانند غسل جمعه و زیارت و غیر آنها تیمم بدل از غسل نماید؟
۴. آیا شخص جنب می‌تواند در صورت تنگی وقت با تیمم و نجاست بدن و لباس نماز بخواند یا این که باید بعد از تطهیر و غسل، نماز را قضا نماید؟
۵. تیمم بر سنگ گچ و آهک و پخته شده‌ی آنها و آجر چه حکمی دارد؟
۶. کیفیت تیمم را توضیح دهید؟



تیمم (۲)

شرایط تیمم - احکام تیمم

۵. شرایط تیمم

- | | | |
|--|--|--------------|
| <p>پاک باشد.
مباح باشد (غصبی نباشد).</p> | } شرایط چیزی که بر آن تیمم می‌کند | } شرایط تیمم |
| <p>پیشانی و دستها را از بالا به پایین مسح کند.
ترتیب را رعایت کند (ترتیب).
کارهای تیمم را پشت سر هم به جا آورد (موالات).
کارهای تیمم را خودش در حال اختیار انجام دهد (مباشرت).</p> | } شرایط اعضای تیمم: مانعی در آنها نباشد.
} شرایط کیفیت تیمم | |

۱. چیزی که بر آن تیمم می‌کند پاک باشد

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۳۴)

چیزی که بر آن تیمم می‌کند باید پاک باشد.

۲. چیزی که بر آن تیمم می‌کند مباح باشد

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۳۵)

چیزی که بر آن تیمم می‌کند باید مباح (غیر غصبی) باشد، ولی در صورتی که نداند یا فراموش کرده باشد که غصبی است تیمم او صحیح است.

۳. مانعی در اعضای تیمم نباشد

(استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۴۱)

در اعضای تیمم بایستی مانعی نباشد، بنابراین برای تیمم باید انگشتر و مانند آن را از دست بیرون آورد، و اگر به پیشانی یا دیگر اعضای تیمم چیزی چسبیده یا چیزی آن را پوشانیده است قبلاً باید آن را بر طرف کند.

توجه

- مویی که بر روی دست یا پیشانی روییده است مانع تیمم نیست، ولی اگر موی سر روی پیشانی ریخته باشد باید آن را عقب بزند. (استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۴۳)
- اگر به خاطر زخم و امثال آن، اعضای تیمم را بسته است، در صورتی که باز کردن آن ضرر داشته یا دشوار باشد، باید با دست بسته یا بر روی عضو بسته، مسح کند. (استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۴۲)

۴. پیشانی و دستها را از بالا به پایین مسح کند

پیشانی و پشت دستها را باید از بالا به پایین مسح کند. (استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۳۹)

۵. ترتیب

تیمم را باید به ترتیبی که (در بحث کیفیت تیمم) گفته شد انجام دهد و اگر خلاف آن عمل کند باطل است. (اجوبه الاستفتاءات، س ۲۰۹ و استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۳۶)

۶. موالات

کارهای تیمم را باید پشت سر هم به جا آورد و اگر بین آنها به قدری فاصله دهد که نگویند تیمم می‌کند، باطل است. (استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۳۹)

۷. مباشرت

کارهای تیمم را باید خودش در حال اختیار انجام دهد و از دیگری کمک نگیرد و اگر به خاطر بیماری یا فلج بودن و غیره نمی‌تواند تیمم کند باید نایب بگیرد، و نایب باید او را با دست خود او تیمم دهد، و اگر این هم ممکن نباشد باید نایب، دست خود را بر زمین بزند و به پیشانی و پشت دستهای او بکشد. (استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۴۴)

یک نکته در ارتباط با شرایط تیمم

□ اعضای تیمم (پیشانی و پشت دستها) لازم نیست پاک باشند، گر چه موافق احتیاط است.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۲۱۱ و استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۴۰)

۶. احکام تیمم

۱. اگر چیزهایی که تیمم بر آن صحیح است پیدا نشود باید به گرد و غباری که بر روی فرش و لباس و امثال آن نشسته است تیمم کند، و اگر آن نیز پیدا نشود ولی گِلَال تر در دسترس باشد باید به آن تیمم کند، و در صورتی که به هیچیک از اینها دسترسی نباشد -مانند کسی که در هواپیما و امثال آن است- بنابر احتیاط (واجب) باید نماز را در وقت بدون وضو و تیمم بخواند و سپس با وضو یا تیمم قضا کند.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۲۱۲ و استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۳۳)

۲. کسی که وظیفه‌اش تیمم است، بنا بر احتیاط واجب نمی‌تواند پیش از وقت نماز، برای نماز تیمم کند، ولی اگر برای کارهای واجب یا مستحبی قبل از وقت نماز تیمم کرده باشد و تا وقت نماز عذر او باقی بماند، می‌تواند با همان تیمم نماز بخواند. (استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۴۵)
۳. کسی که می‌داند عذر او تا آخر وقت بر طرف می‌شود نمی‌تواند در اول وقت با تیمم نماز بخواند، بلکه باید صبر کند و پس از تمکن، با وضو یا غسل، نماز به جا آورد. (استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۴۶)
۴. کسی که تیمم بدل از غسل کرده، اگر حدث اصغر از او سر بزند، مثلاً بول کند، تا زمانی که عذر شرعی مجوز تیمم بر طرف نشده است بنا بر احتیاط واجب باید برای اعمال مشروط به طهارت، بار دیگر تیمم بدل از غسل نماید و وضو هم بگیرد و اگر معذور از وضو باشد باید تیمم دیگری بدل از آن نماید. (اجویة الاستفتاءات، س ۲۰۱ و استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۴۷)
۵. اگر به واسطه‌ی نداشتن آب یا عذر دیگری تیمم کند، بعد از بر طرف شدن عذر، تیمم باطل می‌شود. (استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۴۸)
۶. چیزهایی که وضو را باطل می‌کند تیمم بدل از وضو را هم باطل می‌کند و چیزهایی که غسل را باطل می‌کند تیمم بدل از غسل را هم باطل می‌سازد. (استفتا از دفتر معظم له، باب طهارت، م ۱۴۹)
۷. همه‌ی آثار شرعی غسل، بر تیمم بدل از غسل نیز مترتب و جاری می‌شود مگر این که تیمم بدل از غسل به علت تنگی وقت باشد، بنابراین با تیمم بدل از غسل جنابت، داخل مسجد شدن و خواندن نماز و مس نوشته‌ی قرآن کریم و بقیه‌ی اعمالی که انجام آنها مشروط به طهارت از جنابت است اشکال ندارد. (اجویة الاستفتاءات، س ۱۸۲ و ۲۰۲ و ۲۰۴)

تمرین ۳

۱. شرایط تیمم کدامند؟
۲. آیا در هنگام تیمم، لازم است انگشتر و مانند آن را از دست بیرون آورد؟
۳. آیا مویی که بر روی دست و پشت یا پیشانی روییده است مانع تیمم است؟
۴. آیا اعضای تیمم (پیشانی و پشت دستها) باید پاک باشند؟
۵. اگر انسان نتواند وضو بگیرد و تیمم هم برای او امکان نداشته باشد، چه وظیفه‌ی دارد؟
۶. آیا تیمم بدل از غسل، همان احکام قطعی و ثابت غسل را دارد؟ به این معنی که آیا با آن داخل مسجد شدن جایز است؟



نماز

نماز مهمترین عبادت‌ها است و اگر درست و با توجه انجام گیرد، روح انسان را پاکیزه و دل او را نورانی می‌سازد و او را بر رها کردن خلیقات ناپسند، قادر می‌گرداند یعنی می‌تواند فرد و جامعه‌ی انسانی را به تدریج از همه‌ی آلودگی‌ها پاک کند. سزاوار است که نماز در اول وقت، با حضور قلب و به دور از رنگ و ریا گزارده شود، و نمازگزار در هر کلمه‌ی آن به یاد داشته باشد که با خدا سخن می‌گوید و بداند که چه می‌گوید.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز)



اقسام نمازها

نمازهای واجب و مستحبی - نوافل یومیه

۱. نمازهای واجب و مستحب

<p>نمازهای یومیه.</p> <p>نماز طواف خانه‌ی خدا که پس از طواف خانه‌ی کعبه گزارده می‌شود.</p> <p>نماز آیات که در هنگام پدید آمدن خورشید و ماه گرفتگی و زلزله و امثال آنها خوانده می‌شود.</p> <p>نماز میت که بر مرده خوانده می‌شود.</p> <p>نماز قضای پدر و مادر که بر پسر بزرگتر واجب است.</p> <p>نمازی که به واسطه‌ی نذر و عهد و قسم یا به واسطه‌ی اجاره واجب شده است.</p> <p>نمازهای مستحب، مثل نافله‌های شبانه روزی.</p>	<p>نمازهای واجب</p> <p>نماز</p>
---	---------------------------------

(اجوبة الاستفتاءات، ص ۲۴۸ و ۳۳۸ و ۵۴۲ و ۷۱۱ و استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۱۵۰)

توجه

□ نمازهای مستحبی بسیار است و آنها را «نافله» گویند و از میان نمازهای نافله، نافله‌های شبانه‌روزی بیشتر سفارش شده است.

۲. نوافل یومیه

۱. با هر یک از نمازهای پنجگانه‌ی شبانه‌روزی یک نماز مستحبی هست که آن را نافله‌ی آن نماز گویند. خواندن این نافله‌ها بسیار مهم است و ثواب و اجر زیاد برای آن ذکر شده است. علاوه بر اینها

مستحب است در ثلث آخر شب، نافله‌ی شب بخواند. این نماز هم دارای خواص معنوی بسیار است و شایسته است بر آن مواظبت شود.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۱۶۶)

- ۲ . نافله‌های شبانه‌روزی
۱. نافله‌ی ظهر: هشت رکعت قبل از نماز ظهر.
 ۲. نافله‌ی عصر: هشت رکعت قبل از نماز عصر.
 ۳. نافله‌ی مغرب: چهار رکعت بعد از نماز مغرب.
 ۴. نافله‌ی عشا: دو رکعت بعد از نماز عشا که نشسته خوانده می‌شود.
 ۵. نافله صبح: دو رکعت قبل از نماز صبح.
 ۶. نافله‌ی شب: یازده رکعت از نصف شب تا اذان صبح و بهتر در ثلث آخر شب.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۱۶۶)

توجه

□ چون دو رکعت نافله‌ی عشا، یک رکعت حساب می‌شود، مجموع نافله‌های شبانه‌روزی سی و چهار رکعت (دو برابر تعداد رکعت‌های نمازهای واجب) خواهد بود.

۳ . خواندن نافله‌ی ظهر و عصر پس از ادای نماز ظهر و عصر و در وقت نافله بنا بر احتیاط (واجب) باید به قصد قربت الی الله، بدون قصد ادا و قضا به جا آورده شود.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۷۲۰)

۴ . نماز شب یازده رکعت است. هشت رکعت آن که به صورت دو رکعتی دو رکعتی خوانده می‌شود نماز شب نام دارد، و دو رکعت آن نماز شفع است که مانند نماز صبح خوانده می‌شود، و یک رکعت هم نماز وتر نام دارد که در قنوت آن استغفار و دعا برای مؤمنین و طلب حاجات از خداوند منان به ترتیبی که در کتاب‌های ادعیه ذکر شده، مستحب است.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۷۲۱)

۵ . در نماز شب، سوره و استغفار و دعا به عنوان جزئیت شرط نیست، بلکه کافی است که در هر رکعت بعد از نیت و تکبیر الاحرام، سوره‌ی حمد قرائت شود و اگر خواست بعد از قرائت حمد، یک سوره از سوره‌های قرآنی را هم قرائت کند و رکوع و سجود و ذکر آنها و تشهد و سلام به جا آورد. (اجوبه الاستفتاءات، س ۷۲۲)

۶ . در نماز شب، در تاریکی خواندن و مخفی کردن از دیگران شرط نیست، اما ریا هم در آن جایز نیست.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۷۱۹)

توجه

□ نافله‌ها را باید دو رکعت دو رکعت خواند، مگر نماز وتر را که یک رکعت است، بنابراین خواندن نماز شب به صورت دو نماز چهار رکعتی و یک رکعتی و یک نماز وتر صحیح نیست.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۷۱۸ و استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۱۶۷)

□ نافله‌ها را می‌تواند نشسته بخواند، ولی ایستاده بهتر است.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۱۶۷)

□ در سفر، نافله‌های ظهر و عصر و عشا ساقط است و نباید خوانده شود.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۱۶۷)

□ هر یک از نافله‌های شبانه‌روزی، دارای وقت معینی است که در رساله‌های مفصل ذکر شده است.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۱۶۸)

تمرین

۱. نمازهای واجب کدامند؟
۲. نافله‌های شبانه‌روزی چند رکعت است؟ توضیح دهید.
۳. نافله‌ی ظهر و عصر، پس از ادای نماز ظهر و عصر و در وقت نافله به چه قصدی باید خوانده شود؟
۴. نماز شب چگونه خوانده می‌شود؟
۵. آیا هنگام خواندن نماز شب، واجب است که کسی متوجه نماز شب خواندن ما نشود؟ آیا واجب است که آن را در تاریکی بخوانیم؟
۶. کدام نوافل در سفر ساقط است؟



لباس نماز گزار (۱)

مقدار پوشش در نماز - شرایط لباس نماز گزار «۱»

۱. مقدار پوشش در نماز

۱. مرد باید در حال نماز عورتین خود را بپوشاند، هر چند کسی او را نمی‌بیند و بهتر است از ناف تا زانو را بپوشاند. (استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۱۷۴)

۲. زن باید در موقع نماز تمام بدن و موی خود را با پوششی که کاملاً بدن را می‌پوشاند بپوشاند، ولی پوشاندن صورت به مقداری که شستن آن در وضو واجب است و دستها تا مچ و پاها تا مفصل ساق لازم نیست. (اجوبة الاستفتاءات، س ۴۳۷ و استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۱۷۴)

توجه

از آنجا که چانه، جزیی از صورت است، لذا لازم نیست در نماز آن را بپوشاند، ولی پوشاندن قسمت پایین چانه واجب است. (اجوبة الاستفتاءات، س ۴۳۷)

پوشاندن پاها تا مفصل ساق در صورتی که نامحرم حاضر باشد واجب است. (اجوبة الاستفتاءات، س ۴۳۷ و ۴۳۸)

هرگاه در بین نماز متوجه شود که مقداری از موهایش پیداست و فوراً آن را بپوشاند نمازش صحیح است مگر زمانی که ظاهر شدن مو عمدی باشد. (اجوبة الاستفتاءات، س ۴۳۲)

اگر نماز گزار بعد از نماز بفهمد که در نماز پوشش واجب را نداشته، نمازش درست است.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۱۷۵)

۲. شرایط لباس نماز گزار

- | | |
|------------------------------|----------------------|
| ۱. پاک باشد. | شرایط لباس نماز گزار |
| ۲. غصبی نباشد (مباح باشد). | |
| ۳. از اجزای مردار نباشد. | |
| ۴. از حیوان حرام گوشت نباشد. | |
| ۵. طلا بافت نباشد. | |
| ۶. از ابریشم خالص نباشد. | |

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۱۷۶)

توجه

□ شرط پنجم و ششم اختصاص به لباس مردان دارد.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۱۷۶)

۱. پاک باشد

۱. لباس نمازگزار باید پاک باشد.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۱۷۶)

۲. کسی که نمی‌داند نماز با بدن و لباس نجس، باطل است اگر با بدن یا لباس نجس نماز بخواند نمازش باطل می‌باشد.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۱۷۷)

۳. اگر نداند که بدن یا لباسش نجس است و بعد از نماز بفهمد نجس بوده است، نماز او صحیح است، ولی اگر قبلاً نجاست آن را می‌دانسته و فراموش کرده و با آن نماز خوانده، نمازش باطل است.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۱۷۸)

۴. اگر در بین نماز متوجه شود که لباس یا بدنش نجس است، اگر بداند نجاست از قبل از نماز بوده یا مقداری از نماز را با نجاست انجام داده است و وقت هم وسعت داشته باشد نماز باطل است، ولی اگر وقت تنگ باشد چنانچه برای وی، ازالهی نجاست از بدن یا در آوردن لباس نجس بدون ارتکاب عملی که منافات با نماز دارد ممکن باشد باید نجاست بدن را بر طرف یا لباس نجس را از خود دور کند و نماز خود را تکمیل نماید، و چنانچه برطرف کردن نجاست با حفظ حالت نماز برای او امکان ندارد و در صورتی که نتواند، به حالت عریان نماز بخواند با همان وضعیت نماز را تمام کند.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۴۳۰)

۵. اگر لباس نجس را آب بکشد و یقین کند که پاک شده است و با آن نماز بخواند، و بعد از نماز بفهمد پاک نشده، نمازش صحیح است، ولی برای نمازهای بعدی باید لباس را تطهیر کند.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۱۸۰)

۶. لباسی که نجس بودن آن مشکوک است محکوم به طهارت بوده و نماز خواندن با آن صحیح است، بنابراین نماز در لباسهای معطر به عطرهایی که حاوی الکل است و نمی‌دانیم آن عطرها نجس است اشکال ندارد. همچنین شخصی که به علت اضطرار، مجبور به تطهیر مخرج بول با سنگ یا چوب و یا هر چیز دیگری می‌شود و هنگامی که به منزل مراجعت می‌کند آن را با آب تطهیر می‌نماید، اگر نداند لباسش با رطوبت بول نجس شده است لازم نیست موقع نماز آن را عوض کرده یا تطهیر نماید.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۴۲۸ و ۴۳۳ و ۴۳۶)

۲. غصبی نباشد

۱. لباس نمازگزار باید مباح باشد (غصبی نباشد).

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۱۷۶)

۲. اگر نداند یا فراموش کند که لباس او غصبی است و با آن نماز بخواند، نمازش صحیح است، همچنین اگر نداند پوشیدن لباس غصبی حرام است.

۳. اگر با عین مالی که خمس یا زکات آن را نداده است، لباس بخرد نماز خواندن در آن لباس باطل است.
(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۱۸۲)

۳. از اجزای مردار نباشد

۱. لباس نمازگزار باید از اجزای حیوان مرده‌یی که دارای خون جهنده است نباشد، و احتیاط واجب آن است که از اجزای مرداری که دارای خون جهنده نیست نیز نباشد.
(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۱۸۳)

۲. هرگاه قطعه‌یی از مردار همراه نمازگزار باشد، بنا بر احتیاط (واجب) نمازش باطل است، ولی در صورتی که از چیزهایی که دارای روح نیست، مانند مو و پشم و شاخ و استخوان باشد و حیوان هم در اصل حلال گوشت باشد، نماز باطل نیست.
(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۱۸۴)

۳. حیوانی که تذکیه‌ی آن مشکوک است، از این نظر که نمی‌توان گوشت آنرا خورد و در پوست آن نماز خواند در حکم میت است، ولی از نظر طهارت و نجاست، حکم میت را ندارد و پاک است، و نمازهای گذشته اگر با جهل به این حکم، انجام گرفته است، محکوم به صحت است، بنابراین چرم طبیعی که نمی‌دانیم از حیوانی است که شرعاً تذکیه شده یا خیر نجس نیست ولی نماز با آن باطل است.
(اجوبه الاستفتاءات، س ۴۲۹ و ۴۳۱)

۴. از حیوان حرام گوشت نباشد

۱. لباس نمازگزار باید از حیوان حرام گوشت نباشد، و اگر مویی از آن هم به لباس یا بدن نمازگزار چسبیده باشد نماز او باطل است.
(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۱۸۵)

۲. اگر آب دهان یا بینی یا رطوبت دیگری از حیوان حرام گوشت، مانند گربه بر بدن یا لباس نمازگزار باشد، نماز باطل است، مگر این که خشک شده و عین آن بر طرف شده باشد، بنابراین اگر فضله‌ی پرندگان حرام گوشت بر روی بدن یا لباس باشد، نماز با آن باطل است، ولی اگر خشک شده و از لباس یا بدن زدوده شده باشد نماز صحیح است.
(اجوبه الاستفتاءات، س ۴۴۱ و استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۱۸۶)

۳. مو و عرق و آب دهان انسان و موم عسل و مروارید و صدف اگر بر لباس و بدن نمازگزار باشد، نمازش اشکال ندارد.
(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۱۸۷)

۴. اگر شک داشته باشد که لباسی از حیوان حلال گوشت است یا حرام گوشت، نماز خواندن با آن بی اشکال است.
(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۱۸۸)

تمرین ۳

۱. زنان چه مقدار از بدن خود را باید هنگام نماز بپوشانند؟ آیا پوشیدن لباسهای آستین کوتاه و نپوشیدن جوراب اشکال دارد؟
۲. آیا زنی که در اثنای نماز متوجه می‌شود مقداری از موهایش پیداست و فوراً آن را می‌پوشاند، باید نماز خود را دوباره بخواند؟
۳. شرایط لباس نمازگزار کدامند؟
۴. اگر نمازگزار در حین نماز متوجه نجاست بدن یا لباس خود شود، نماز او چه حکمی دارد؟
۵. آیا وجود مو یا آب دهان گریه در لباس نمازگزار باعث بطلان نماز او می‌شود؟



لباس نماز گزار (۲)

شرایط لباس نماز گزار «۲» - مواردی که لازم نیست بدن
یا لباس نماز گزار پاک باشد

۵. طلا بافت نباشد

۱. پوشیدن لباس زربفت برای مردان حرام و نماز با آن باطل است، ولی برای زنان در همه حال بی اشکال است.
(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۱۸۹)

۲. آویختن زنجیر طلا و به دست کردن انگشتر طلا و بستن ساعت مچی طلا برای مردان حرام است و بنا بر احتیاط واجب نماز با آن باطل است.
(اجوبة الاستفتاءات، س ۴۴۲ و ۴۴۴ و استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۱۹۰)

توجه

□ ملاک حرمت استفاده از طلا برای پوشیدن یا به گردن آویختن توسط مردان، صدق زینت نیست، بلکه استفاده از آن به هر صورت و به هر قصدی حرام است، هر چند انگشتر، حلقه، گردنبند و مانند آن باشد و از نظر عموم علامت آغاز زندگی زناشویی فرد به حساب آید نه زینت، و هر چند از دید دیگران مخفی باشد، ولی استفاده از آن برای جراحی استخوان و دندانسازی اشکال ندارد.
(اجوبة الاستفتاءات، س ۴۴۴ و ۴۴۶)

□ در حرمت پوشیدن طلا برای مردان، فرقی نیست بین آن که مدت کم باشد، مثل لحظه‌ای عقد یا زیاد.
(اجوبة الاستفتاءات، س ۴۴۵)

□ اگر چیزی که طلای سفید نامیده می‌شود همان طلای زرد است که بر اثر مخلوط کردن ماده‌یی، رنگ آن سفید شده حکم طلای زرد را دارد، ولی اگر عنصر طلا در آن به قدری کم است که عرفاً به آن طلا نمی‌گویند مانع ندارد.
(اجوبة الاستفتاءات، س ۴۴۳)

□ پلاتین، طلا نیست و حکم آن را ندارد، از این رو استفاده از آن اشکال ندارد. (اجوبة الاستفتاءات، س ۴۴۳)

۶. از ابریشم خالص نباشد

لباس مرد نمازگزار حتی چیزهایی مانند عرقچین و جوراب و آستر لباس و امثال آن باید از ابریشم خالص نباشد. در غیر نماز هم پوشیدن آن برای مرد حرام است، ولی دستمال ابریشمی و مانند آن اگر در جیب مرد باشد اشکال ندارد و نماز را باطل نمی‌کند.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۱۹۱)

۳. مواردی که لازم نیست بدن یا لباس نمازگزار پاک باشد

- | | |
|--|--|
| <p>۱. آن که به واسطه‌ی زخم یا جراحت یا دمل، لباس یا بدن به خون آلوده شده باشد.</p> <p>۲. آن که خون موجود در لباس یا بدن کمتر از درهم (بند انگشت اشاره) باشد.</p> <p>۳. آن که لباسهای کوچک نمازگزار، مانند جوراب که با آنها نمی‌توان عورت را پوشاند نجس باشد.</p> <p>۴. آن که ناچار است با بدن یا لباس نجس نماز بخواند.</p> | <p>مواردی که لازم نیست بدن یا لباس نمازگزار پاک باشد</p> |
|--|--|

۱. آن که به واسطه‌ی زخم یا جراحت یا دمل، لباس یا بدن به خون آلوده شده باشد

۱. اگر در بدن یا لباس نمازگزار، خون یا جراحت یا دمل باشد، چنانچه طوری است که آب کشیدن بدن یا لباس یا عوض کردن لباس معمولاً یا برای این شخص، سخت است، تا وقتی که زخم یا جراحت یا دمل خوب نشده است می‌تواند با آن خون نماز بخواند. همینطور است چرکی که با خون بیرون می‌آید یا دوايي که روی زخم می‌گذارند و نجس می‌شود.
- (استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۱۹۲)
۲. خون بریدگی‌ها و زخم‌هایی که به زودی خوب می‌شود و شستن آنها آسان است، این حکم را ندارد (یعنی اگر در بدن یا لباس نمازگزار باشد، نماز او باطل است).
- (استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۱۹۲)

۲. آن که خون موجود در لباس یا بدن کمتر از درهم (بند انگشت اشاره) باشد

۱. اگر بدن یا لباس نمازگزار به خون - غیر از آنچه در مورد قبل ذکر شد - آلوده باشد، در صورتی که مقدار آن کمتر از بند انگشت سیابه باشد نماز با آن اشکال ندارد، ولی با بیش از آن اشکال دارد.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۱۹۳)

۲. شرایط خون کمتر از درهم:

۱. خون حیض نباشد که اگر اندکی هم از آن بر بدن یا لباس نمازگزار باشد نمازش باطل است، و بنا بر احتیاط واجب خون نفاس و استحاضه نیز همین حکم را دارد.
۲. خون حیوانات نجس العین (سگ و خوک و کافر) و حرام گوشت و مردار نباشد.
۳. رطوبتی از خارج به آن نرسیده باشد مگر در صورتی که رطوبت با خون مخلوط و در آن

مستهلک شود و مجموع آنها هم بیش از اندازه‌ی مُجاز (بند انگشت) نشود که در این صورت، نماز با آن صحیح است و در غیر این صورت نماز با آن بنا بر احتیاط واجب اشکال دارد.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۱۹۴ و ۱۹۵)

۳. اگر بدن یا لباس خونی نشود، ولی به واسطه‌ی رسیدن به خون، نجس شود، نمی‌شود با آن نماز خواند.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۱۹۶)

۳. آن که لباسهای کوچک نمازگزار، مانند جوراب که با آنها نمی‌توان عورت را پوشاند نجس باشد

۱. اگر لباس‌های کوچک نمازگزار، مانند جوراب و دستکش و عرقچین که با آنها نمی‌توان عورت را پوشانید، و نیز انگشتر و دستبند و امثال آن با نجاستی تماس پیدا کند و نجس شود نماز خواندن با آن اشکال ندارد.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۱۹۷)

۲. اشیایی از قبیل دستمال و کلید و کیف و چاقو که همراه انسان است اگر نجس باشد، در صورتی که نتوان عورت را با آن پوشاند، نماز اشکال ندارد. (اجوبة الاستفتاءات، س ۴۳۵ و استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۱۹۸)

۴. آن که ناچار است با بدن یا لباس نجس نماز بخواند

کسی که به خاطر سرما یا نداشتن آب و امثال اینها ناچار شود که با بدن یا لباس نجس نماز بخواند، نماز او درست است.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۱۹۹)

تمرین

۱. آیا استفاده از طلا توسط مردان بدون قصد زینت به طوری که دیگران ببینند جایز است؟
۲. استفاده‌ی مردان از انگشتری که از جنس طلای سفید است چه حکمی دارد؟
۳. مواردی که لازم نیست بدن یا لباس نمازگزار پاک باشد را بیان کنید؟
۴. شرایط خون کمتر از درهم را توضیح دهید؟
۵. اگر نمازگزار دستمال و امثال آن را که با خون نجس شده، حمل کند و یا در جیب خود بگذارد، آیا نماز او باطل است؟
۶. اگر خونریزی از دهان یا بینی از اول وقت نماز تا نزدیک آخر آن ادامه داشته باشد، نماز چه حکمی دارد؟



مکان نماز گزار (۱)

شرایط مکان نماز گزار «۱»

۱. شرایط مکان نماز گزار

۱. مباح باشد. (یعنی غصبی نباشد).
۲. بی حرکت باشد.
۳. از جاهایی نباشد که توقف در آن حرام است.
۴. جلوتر از قبر پیغمبر (ص) و امام (ع) نبایستند.
۵. محل سجده‌ی نماز گزار پاک باشد.
۶. موجب نجاست لباس و بدن نماز گزار نشود.
۷. میان زن و مرد در حال نماز بنا بر احتیاط واجب حداقل یک وجب فاصله باشد.
۸. مسطح باشد.

شرایط مکان نماز گزار

۱. مباح باشد

۱. مکان نماز باید غصبی نباشد. نماز در جای غصبی هر چند که بر روی فرش و تخت غیر غصبی باشد، باطل است. (اجوبۃ الاستفتاءات، س ۳۸۴ و استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۰۰)
۲. اگر در جایی که نمی‌داند یا فراموش کرده غصبی است نماز بخواند، نماز او صحیح است. همچنین اگر نداند تصرف در جای غصبی حرام است.
۳. کسی که با دیگری در ملکی شریک است در صورتی که سهم هر یک از دیگری جدا نباشد، نمی‌تواند بدون رضایت شریکش در آن ملک نماز بخواند. (استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۰۲)

توجه

□ زمینی که قبلاً وقف بوده و دولت آن را تصرف نموده و در آن مدرسه ساخته است، اگر احتمال

قابل توجهی داده شود که تصرف مذکور مجوز شرعی داشته است، نماز خواندن در آن مکان اشکال ندارد. همچنین زمین بعضی از مدارس که از صاحبان آن بدون رضایت آنها گرفته شده است، اگر احتمال قابل توجهی داده شود که مسؤول ذیربط به استناد و مجوز قانونی و شرعی اقدام به احداث مدارس در آن اراضی نمود نماز خواندن در آن اشکال ندارد. (اجوبة الاستفتاءات، س ۳۷۱ و ۳۷۲)

□ شخصی که در یک خانه‌ی دولتی زندگی می‌کند که مدت سکونت وی در آن به پایان رسیده و حکم تخلیه نیز به او ابلاغ شده است، اگر از طرف مسؤولین ذیربط، مجاز به استفاده از آن خانه بعد از مهلت مقرر نباشد، تصرفات او (و از جمله نماز خواندن) در آن حکم غضب را دارد. (اجوبة الاستفتاءات، س ۳۷۶)

□ نماز خواندن و تصرفات دیگر در اداره‌یی که در گذشته قبرستان بوده اشکال ندارد، مگر این که از طریق شرعی ثابت شود زمینی که ساختمان مذکور در آن ایجاد شده، وقف برای دفن اموات بوده و به طریق غیر شرعی تصرف گردیده و در آن ساختمان سازی شده است. (اجوبة الاستفتاءات، س ۳۷۹)

□ نماز خواندن در پارک‌های فعلی و غیر آن اشکال ندارد، و به صرف احتمال غضب و این که مالکیت زمین‌های پارکها مشخص نیست توجهی نمی‌شود. (اجوبة الاستفتاءات، س ۳۸۰)

□ زمینی که صاحب آن راضی به تملک آن توسط دولت نیست و عدم رضایت خود را نسبت به اقامه‌ی نماز و مانند آن در زمین مذکور اعلام نموده است، اگر گرفتن زمین از مالک شرعی آن طبق قانونی که توسط مجلس شورای اسلامی وضع و به تأیید شورای نگهبان رسیده است انجام شده باشد، نماز خواندن و تصرفات دیگر در آن مکان اشکال ندارد. (اجوبة الاستفتاءات، س ۳۸۱)

□ شرکت‌ها و مؤسسه‌هایی که امروزه در اختیار دولت قرار دارد و توسط دادگاه شرع از صاحبان آنها مصادره شده است، اگر احتمال داده می‌شود که قاضی صادرکننده‌ی حکم مصادره، با صلاحیت قانونی و بر اساس موازین شرعی و قانونی، اقدام به صدور حکم کرده است، عمل او شرعاً محکوم به صحت است، و بنابراین نماز خواندن و تصرفات دیگر در آن مکان جایز است و حکم غضب بر آن منطبق نیست. (اجوبة الاستفتاءات، س ۳۸۵)

□ مکان‌هایی که دولت ظالم آنها را تصرف می‌کند، در صورت علم به غضب، احکام و آثار مغضوب بر آنها مترتب است، (بنابراین نماز خواندن در آن جایز نیست). (اجوبة الاستفتاءات، س ۳۷۰)

تمرین ۳

۱. شرایط مکان نمازگزار را ذکر نمایید؟
۲. آیا نماز کسی که در زمین غصبی روی سجاده یا چوب و مانند آن نماز خوانده، صحیح است یا باطل؟
۳. شخصی که در یک خانه‌ی دولتی زندگی می‌کند که مدت سکونت وی در آن به پایان رسیده و حکم تخلیه نیز به او ابلاغ شده است، نمازهای وی بعد از انقضای موعد مقرر تخلیه چه حکمی دارد؟
۴. زمینی که صاحب آن راضی به تملک آن توسط دولت نیست و عدم رضایت خود را نسبت به اقامه‌ی نماز و مانند آن در آن زمین اعلام کرده، نماز خواندن در آن چه حکمی دارد؟
۵. آیا نشستن و نماز خواندن یا عبور کردن در مکان‌هایی که دولت ظالم آنها را غصب می‌کند جایز است؟



مکان نماز گزار (۲)

شرایط مکان نماز گزار «۲»

۲. بی حرکت باشد

مکان نماز گزار باید بی حرکت باشد یعنی طوری باشد که شخص نماز گزار بتواند با آرامش بدن و بدون تکان، نماز بخواند، بنابراین نماز در جاهایی که بی اختیار تکان می خورد، مانند خودرو و یا بعضی تخت های فنری و امثال آن صحیح نیست، مگر هنگامی که به خاطر تنگی وقت و غیر آن مجبور باشد در چنان مکانی نماز بخواند.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۰۴)

توجه

□ بر مسافرانی که با اتوبوس های بین شهری سفر می کنند واجب است که در صورت خوف از فوت نماز، از راننده بخواهند که اتوبوس را در مکان مناسبی متوقف نماید، و بر راننده اجابت درخواست آنان واجب است، و اگر به علت عذر مقبول و یا بدون دلیل از توقف اتوبوس خودداری کند، در این صورت، تکلیف مسافران اگر خوف فوت وقت داشته باشند، این است که نماز را در اتوبوس در همان حال حرکت بخوانند و تا آنجا که امکان دارد جهت قبله، قیام، رکوع و سجود را رعایت کنند.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۷۲۷)

□ بر کسانی که با قایق به مأموریت فرستاده می شوند و وقت نماز آنها می رسد، به طوری که اگر در همان زمان، نماز نخوانند، بعد از آن نمی توانند نماز خود را داخل وقت بخوانند واجب است که نماز را در وقت آن به هر صورتی که ممکن است، ولو در داخل همان قایق بخوانند.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۳۸۸)

۳. از جاهایی نباشد که توقف در آن حرام است

مکان نماز گزار باید از جاهایی نباشد که توقف در آن حرام است، مانند جایی که جان انسان در خطر جدی است، و نیز جاهایی نباشد که ایستادن یا نشستن بر روی آن حرام است، مانند فرشی که نام خدا، یا آیات قرآنی بر همه جای آن نقش بسته است.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۰۵)

۴. جلوتر از قبر پیغمبر (ص) و امام (ع) نایستد

نماز گزار باید در هنگام نماز جلوتر از قبر پیغمبر (ص) و امام (ع) نایستد، ولی مساوی قبر اشکال ندارد.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۰۶)

۵. محل سجده‌ی نمازگزار پاک باشد

محل سجده‌ی نمازگزار باید پاک باشد، ولی اگر مکان نمازگزار به غیر از جایی که پیشانی را بر آن می‌گذارد، نجس باشد اشکالی ندارد و نماز صحیح است.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۰۷)

۶. موجب نجاست لباس و بدن نمازگزار نشود

مکان نمازگزار، اگر نجس است طوری تر نباشد که به بدن یا لباس او سرایت کند، بنابراین اگر مکان نمازگزار نجس باشد، ولی نجاست آن به لباس یا بدن وی سرایت نکند و محل سجده هم پاک باشد نماز خواندن در آن مکان اشکال ندارد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۳۷۸)

۷. میان زن و مرد در حال نماز بنا بر احتیاط واجب حداقل یک وجب فاصله باشد

بنا بر احتیاط واجب باید میان زن و مرد در حال نماز حداقل یک وجب فاصله باشد، و در این صورت اگر زن و مرد محاذی یکدیگر بایستند یا زن جلوتر از مرد بایستند، نماز هر دو صحیح است.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۳۷۴ و استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۰۸)

۸. مسطح باشد

لازم است که جای پیشانی نمازگزار از جای زانوها و سر انگشتان پای او، بیش از چهار انگشت بسته بلندتر و یا پست‌تر نباشد.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۰۹)

دو نکته در ارتباط با مکان نمازگزار

□ به جا آوردن نماز واجب در داخل خانه‌ی کعبه مکروه است، ولی احتیاط واجب آن است که بر بام کعبه نماز نخواند.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۱۰)

□ نماز خواندن بر سجاده‌یی که شکلهایی روی آن رسم شده و یا بر مهری که دارای نقش است فی نفسه اشکال ندارد، ولی اگر به گونه‌یی باشد که بهانه به دست کسانی دهد که تهمت به شیعه می‌زنند، تولید آن و نماز خواندن بر آن جایز نیست، و همچنین اگر موجب تفرق حواس و از بین رفتن حضور قلب در نماز شود کراهت دارد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۳۷۷)

تمرین ۳

۱. نماز در جاهایی که بدن بی اختیار تکان می‌خورد، مانند خودرو چه حکمی دارد؟
۲. آیا اگر مکان نمازگزار پاک نباشد، ولی محل سجده پاک باشد نماز صحیح است؟
۳. حکم نماز خواندن بر فرش که نام خدا، یا آیات قرآن بر همه جای آن نقش بسته است چیست؟
۴. آیا مردان هنگام نماز باید جلوتر از زنان بایستند؟
۵. حکم نماز واجب در داخل کعبه را بیان نمایید؟
۶. نماز خواندن بر سجاده‌یی که شکلهایی روی آن رسم شده و یا بر مهری که دارای نقش است چه حکمی دارد؟



احکام مسجد (۱)

احکام حرام مساجد

۱. احکام حرام مساجد

- | | |
|---|--------------------|
| <ol style="list-style-type: none"> ۱. نجس کردن مسجد. ۲. زینت کردن مسجد به طلا در صورتی که اسراف محسوب شود. ۳. انجام کارهایی که خلاف شأن و حرمت مسجد است. ۴. داخل شدن کفار به مسجد. ۵. خراب کردن مسجد. ۶. بر خلاف کیفیت وقف مسجد عمل کردن. | } احکام حرام مساجد |
|---|--------------------|

۱. نجس کردن مسجد

نجس کردن زمین و سقف و دیوار و بام مسجد حرام است، و اگر نجس شد واجب است فوراً آن را تطهیر کنند.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۴۱۶ و استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۱۱)

توجه

□ مسجدی که غصب و خراب و متروک شده و به جای آن بنای دیگری ساخته شده یا به خاطر متروک ماندن، آثار مسجدی از آن محو شده و امیدی هم به دوباره‌سازی آن نیست، مثل این که آن آبادی تغییر جا یافته باشد، نجس کردن آن حرام نیست، گر چه احتیاط (مستحب) آن است که نجس نکنند.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۱۲)

۲. زینت کردن مسجد به طلا در صورتی که اسراف محسوب شود

زینت کردن مسجد به طلا اگر اسراف محسوب شود حرام است، و در غیر آن صورت هم مکروه است.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۱۳)

۳. انجام کارهایی که خلاف شأن و حرمت مسجد است

مراعات شأن و منزلت و جایگاه مسجد واجب است، و از کارهایی که با شأن و منزلت مسجد منافات دارد باید پرهیز شود، بنابر این:

۱. مسجد جای ورزش و تمرین ورزشی نیست.
۲. اگر پخش موسیقی در مسجد منافی با حرمت آن باشد حرام است، حتی اگر موسیقی غیر مطرب باشد.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۳۹۳ و ۳۹۷ و ۳۹۹)

۴. داخل شدن کفار به مسجد

ورود کفار به مساجد مسلمانان جایز نیست، هر چند برای مشاهده‌ی آثار تاریخی باشد، خواه مسجد الحرام باشد یا سایر مساجد، و خواه ورود آنان هتک و بی حرمتی مسجد شمرده شود یا نه.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۴۱۹)

۵. خراب کردن مسجد

خراب کردن تمام مسجد یا قسمتی از آن جایز نیست، مگر در صورت مصلحتی که اهمیت ندادن و بی توجهی به آن ممکن نباشد.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۴۰۳ و ۴۱۳)

توجه

□ خراب کردن مسجد، آن را از مسجد بودن خارج نمی‌کند، و از این رو آثار شرعی مسجد را خواهد داشت، مگر مسجدی که خراب و متروک شده و به جای آن بنای دیگر ساخته شده یا به خاطر متروک ماندن، آثار مسجدی از آن محو گردیده و امیدی هم به دوباره سازی آن نیست، بنابراین زمینی که جزء قسمت سرپوشیده‌ی مسجد بوده و بر اثر واقع شدن مسجد در مسیر طرح عمرانی شهرداری در خیابان افتاده و قسمتی از آن به علت اضطرار تخریب شده اگر احتمال برگشت آن به حالت اولیه ضعیف باشد آثار شرعی مسجد را ندارد.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۴۱۱ و ۴۱۵ و ۴۱۶)

۶. بر خلاف کیفیت وقف مسجد عمل کردن

مخالفت با کیفیت وقف مسجد یا تغییر و تبدیل آن جایز نیست، بنابراین:

(اجوبة الاستفتاءات، س ۳۹۳)

۱. استفاده از صحن یا ایوان مسجد برای رشد فکری، فرهنگی، و نظامی (با آموزشهای نظامی) جوانان، تابع کیفیت وقف صحن مسجد و ایوان آن است، و باید از امام جماعت و هیأت امنای مسجد در این باره نظرخواهی شود. البته حضور جوانان در مساجد و برپایی درس‌های دینی زیر نظر امام جماعت و هیأت امنای آن کار خوب و مطلوبی است.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۳۹۴)

۲. تبدیل مسجد به مکانی برای نمایش فیلم‌های سینمایی جایز نیست، ولی نمایش فیلم‌های مذهبی

و انقلابی دارای محتوای مفید و آموزنده به مناسبت خاصی و بر حسب نیاز و تحت نظارت امام جماعت مسجد اشکال ندارد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۳۹۸)

۳. جواز استفاده از امکانات مسجد، مثل برق و سیستم تهویه در اقامه‌ی مجلس فاتحه برای اموات و امثال آن، منوط به کیفیت وقف و نذر آن امکانات برای مسجد است.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۴۰۹)

۴. حفر زمین مسجد برای تأسیس کارگاه و مانند آن جایز نیست، هر چند برای اداره‌ی امور و تأمین مخارج خود مسجد باشد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۴۱۸)

۵. ایجاد موزه یا کتابخانه در گوشه‌ی صحن مسجد، اگر مخالف کیفیت وقف تالار و شبستان و صحن مسجد باشد و یا موجب تغییر ساختمان مسجد گردد جایز نیست. بهتر این است که مکانی در کنار مسجد برای این منظور تهیه شود.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۴۱۲)

۶. استفاده‌ی شخصی از آب مساجد، مثل نوشیدن، درست کردن چای و مانند آن، در صورتی که ندانیم آب آن برای خصوص وضوگرفتن نمازگزاران وقف شده است و عرف رایج در محله‌ی مسجد، این باشد که همسایه‌ها و عبورکنندگان هم از آب آن استفاده می‌کنند اشکال ندارد، هر چند احتیاط در این مورد مطلوب است. همچنین اگر مسجد در مجاورت قبرستان باشد، استفاده از آب مسجد برای پاشیدن روی قبرهایی که خارج از آن قرار دارد، در صورتی که امر رایجی باشد و کسی به آن اعتراض نکند و دلیلی هم بر وقف آن آب برای خصوص وضو و تطهیر نباشد اشکال ندارد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۴۰۴ و ۴۰۵)

۷. هرگاه در قسمت سر پوشیده‌ی مسجد به خاطر عدم آگاهی از احکام شرعی مسجد، اتاقهایی ساخته شود، واجب است با خراب کردن اتاق‌ها، قسمت سرپوشیده را به حالت قبل برگردانند. همچنین اگر در محلی که قبلاً مسجد بوده بر اثر جهل به مسأله اتاقی برای تهیه‌ی چای و مانند آن ساخته شود، واجب است آن مکان به حالت مسجد بودن خود برگردد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۴۰۲ و ۴۱۰)

۸. کندن چند درخت از صحن مسجد، اگر تغییر و تبدیل وقف شمرده نشود اشکال ندارد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۴۱۴)

۹. دفن میت در مسجد جایز نیست، و وصیت میت مبنی بر این که مرا در فلان مسجد دفن کنید اعتباری ندارد، مگر هنگام اجرای صیغه‌ی وقف، دفن میت استثنا شده باشد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۴۰۷)

۱۰. ایجاد مزاحمت برای نمازگزاران در مسجد جایز نیست، بنابراین تعلیم قرآن و احکام و آموزش اخلاق اسلامی و تمرین سرودهای انقلابی در مسجد در صورتی اشکال ندارد که مزاحمت برای نمازگزاران نداشته باشد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۳۹۷ و ۴۰۲)

۱. عنوان مسجد نداشته باشد.

۲. جزو تأسیساتی نباشد که مسجد به آن نیاز دارد.

۳. وقف آن وقف انتفاع نباشد (وقف منفعت نباشد).

۱۱. زیر زمین مسجد را با سه شرط می‌توان اجاره داد

(اجوبة الاستفتاءات، س ۴۱۷)

❓ تمرین

۱. احکام حرام مساجد را بیان نمایید؟
۲. آیا انجام تمرین های ورزشی در مسجد جایز است؟
۳. آیا پخش موسیقی شاد از مسجد به مناسبت جشن میلاد ائمه ی معصومین (ع) شرعاً اشکال دارد؟
۴. آیا جایز است که کفار، داخل مساجد مسلمانان شوند، هر چند برای مشاهده ی آثار تاریخی باشد؟
۵. حکم استفاده از امکانات مسجد، مثل برق و سیستم تهویه در اقامه ی مجلس فاتحه برای اموات چیست؟
۶. آیا اجاره دادن زیر زمین مسجد برای کاری که مناسب با شأن مسجد باشد جایز است؟



احکام مسجد (۲)

احکام مستحب مساجد

۲. احکام مستحب مساجد

۱. تمیز و آباد کردن مسجد.
 ۲. خوشبو کردن و پوشیدن لباس پاکیزه و نیکو برای رفتن به مسجد.
 ۳. مراقبت کردن کفش یا پا برای این که به نجاست یا کثافتی آلوده نباشد.
 ۴. زودتر از همه به مسجد رفتن و پس از دیگران از مسجد خارج شدن.
 ۵. هنگام ورود به مسجد و خروج از آن، زبان ذاکر و قلب خاشع داشتن.
 ۶. چون وارد مسجد شد، دو رکعت نماز به قصد تحیت مسجد بگذارد.
- احکام مستحب مساجد

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۱۴)

چند نکته در ارتباط با احکام مسجد

- خوابیدن در مسجد کراهت دارد. (اجوبه الاستفتاءات، س ۳۹۳)
- فضیلت خواندن نماز در مسجد، مختص مردان نیست و شامل زنها نیز می‌شود. (اجوبه الاستفتاءات، س ۳۹۱)
- ترک نماز در مسجد محله برای خواندن نماز جماعت در مسجد دیگر به خصوص اگر مسجد جامع شهر باشد، اشکال ندارد. (اجوبه الاستفتاءات، س ۳۸۹)

توجه

- مسجد جامع، مسجدی است که در شهر برای اجتماع همه‌ی اهل شهر بنا شده است بدون این که اختصاص به گروه و قشر خاصی داشته باشد. (اجوبه الاستفتاءات، س ۴۰۱)
- شرکت‌های تعاونی مردمی که اقدام به ساختن مناطق مسکونی می‌کنند و در ابتدا، توافق می‌نمایند که برای آن محله‌ها، مکان‌های عمومی، مانند مسجد ساخته شود، ولی بعضی از سهامداران شرکت هنگام

تحويل گرفتن واحد مسکونی از توافق خود عدول کرده و بگویند: ما راضی به ساختن مسجد نیستیم، در صورتی که عدول آنها بعد از ساخته شدن مسجد و وقف گردیدن آن باشد اثری ندارد، ولی اگر قبل از تحقق وقف شرعی مسجد باشد، ساخت مسجد با اموال آنها در زمین متعلق به همه‌ی اعضا بدون رضایت آنها جایز نیست، مگر این که در ضمن عقد لازم بر همه‌ی آنها شرط شده باشد که بخشی از زمین شرکت برای ساخت مسجد تخصیص یابد و اعضا، این شرط را پذیرفته باشند که در این صورت حق عدول ندارند، و عدول آنها هم تأثیری ندارد.

□ مسجدی که نیاز به تعمیر دارد اگر تعمیر، داوطلبانه و تبرعی (از مال شخصی افراد خیر) باشد نیازی به اجازه‌ی حاکم شرع ندارد.

□ نماز خواندن در مسجدی که توسط کفار ساخته شده و همچنین دریافت کمکهای مالی که کفار داوطلبانه برای مسجد می‌دهند اشکال ندارد.

□ اثاث و لوازم مسجد، اگر مورد استفاده در آن مسجد نباشد بردن آن به مساجد دیگر برای استفاده از آنها اشکال ندارد.

□ صرف تغییر اسم مسجد مثلاً از نام مبارک صاحب الزمان (عج) به مسجد جامع، در جایی که معلوم نیست اسم اول در صیغه‌ی وقف مسجد ذکر شده باشد، مانعی ندارد.

□ تکیه‌ها و حسینیه‌ها حکم مسجد را ندارند.

□ تبدیل حسینیه‌ی که به عنوان حسینیه، وقف صحیح شرعی شده و یا ضمیمه کردن آن به مسجد به عنوان مسجد جایز نیست.

توجه

□ استفاده از فرشها و اجناس نذر شده برای مرقد یکی از امامزادگان (ع) در مسجد جامع محله، در صورتی که زائد بر نیاز مرقد امامزاده و زائران آن باشد اشکال ندارد.

تمرین ۳

۱. احکام مستحب مساجد را ذکر کنید.
۲. حکم خوابیدن در مسجد چیست؟
۳. آیا زنها بهتر است نماز را در مسجد بخوانند یا در خانه؟
۴. مسجد جامع چه تعریفی دارد؟
۵. اگر مسجد نیاز به تعمیر داشته باشد، آیا اجازه گرفتن از حاکم شرع یا وکیل او واجب است؟
۶. آیا تکایایی که به نام حضرت ابوالفضل (ع) و غیر آن تأسیس می‌شود، حکم مسجد را دارد؟



قبله احکام قبله

۱. احکام قبله

۱. مسلمان باید نماز را رو به سمت کعبه بگذارد که به این اعتبار به آن «قبله» می‌گویند. البته برای کسانی که از آن دورند محاذات حقیقی میسر نیست، و همین اندازه که بگویند رو به قبله نماز می‌خواند، کافی است.
(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۱۶۹)

توجه

□ ملاک رو به قبله بودن این است که انسان از سطح کره‌ی زمین به طرف بیت عتیق (کعبه) باشد یعنی از طرف سطح زمین رو به طرف کعبه که روی زمین در مکه‌ی مکرمه ساخته شده است بایستد، بنابراین اگر انسان در یک نقطه‌یی از کره‌ی زمین باشد که اگر خطوط مستقیمی از چهار جهت آن مکان بر سطح کره‌ی زمین به طرف مکه ترسیم شود از نظر مسافت با هم مساوی باشند مخیر است برای قبله به هر طرف که خواست بایستد و نماز بخواند، ولی اگر مسافت خطوط در بعضی از جهت‌ها کمتر و کوتاهتر باشد به مقداری که با آن، صدق عرفی رو به قبله بودن اختلاف پیدا کند بر انسان واجب است جهت کوتاهتر را انتخاب کند.
(اجوبه الاستفتاءات، س ۳۶۷)

□ نمازهای مستحبی را می‌توان در حال راه رفتن یا سواری خواند، و در این صورت لازم نیست نماز را رو به قبله به جا آورد.
(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۱۷۰)

۲. نمازگزار باید به جهت قبله یقین و اطمینان پیدا کند، چه از راه قبله‌نمای صحیح و معتبر و چه از راه آفتاب و ستارگان (برای کسی که آشنا به استفاده از آنها است) و چه از راه‌های دیگر، و اگر نتوانست اطمینان پیدا کند به هر طرف که گمان بیشتر می‌یابد، نماز بخواند.
(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۱۷۱)

۳. کسی که هیچ راهی برای یافتن جهت قبله ندارد و گمانش هم به هیچ طرف نمی‌رود بنا بر احتیاط (واجب) باید به چهار طرف نماز بخواند، و اگر برای چهار نماز وقت ندارد به هر اندازه که وقت دارد، نماز بخواند.
(اجوبه الاستفتاءات، س ۳۶۶ و ۳۶۸ و استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۱۷۲)

۴. کسی که یقین به قبله ندارد در بقیه‌ی کارهایی که باید رو به قبله انجام شود، مانند ذبح حیوانات و غیره، باید به گمان خود عمل کند و اگر به هیچ طرف گمان بیشتر ندارد، به هر طرف انجام دهد صحیح است.
(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۱۷۳)

توجه

□ اعتماد بر شاخص یا قبله نما در تعیین جهت قبله، در صورتی که موجب اطمینان برای مکلف شود، صحیح است و باید طبق آن عمل گردد، و در غیر این صورت می‌توان بر اساس محراب مساجد و قبور مسلمین جهت قبله را تشخیص داد.
(اجوبه الاستفتاءات، س ۳۶۵)

□ منظور از به کارگیری شاخص در تشخیص قبله این است که در روزهای چهارم خرداد و بیست و ششم تیر ماه (یعنی در روز بیست و پنجم ماه پنجم و هفدهم ماه هفتم از سال میلادی) چنانچه هنگام ظهر به افق مکه که آفتاب به طور عمودی بر کعبه می‌تابد (همان زمانی که صدای اذان مکه بلند می‌شود) شاخصی از قبیل قطعه چوب صاف یا میله و مانند آن در زمین هموار به طور عمودی فرو کنیم، جهتی که سایه‌ی شاخص نشان می‌دهد جهت قبله خواهد بود (یعنی جهت قبله در امتداد سایه در طرفی از شاخص است که سایه ندارد).
(اجوبه الاستفتاءات، س ۳۶۵)

تمرین

۱. ملاک رو به قبله بودن چیست؟
۲. آیا زمانی که نمازهای مستحبی را در حال راه رفتن یا سواری می‌خوانیم رعایت قبله لازم است؟
۳. اگر نمازگزار نتوانست به جهت قبله اطمینان پیدا کند چه وظیفه‌ی دارد؟
۴. اگر انسان در وضعیتی باشد که اصلاً جهت قبله را نداند و گمانش نیز به هیچ طرف نرود به کدام جهت باید نماز بخواند؟
۵. آیا اعتماد بر قبله نما صحیح است؟
۶. منظور از به کارگیری شاخص در تشخیص قبله چیست؟



نمازهای یومیه (۱)

اهمیت نمازهای یومیه - تعداد نمازهای یومیه -
اوقات نمازهای یومیه

۱. اهمیت نمازهای یومیه

۱. نمازهای روزانه‌یی که در پنج نوبت خوانده می‌شود از واجبات بسیار مهم شریعت اسلامی بوده و بلکه ستون دین است، و ترک یا سبک شمردن آن شرعاً حرام و موجب استحقاق عقاب است.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۳۳۸)

۲. نماز در هیچ حالی ترک نمی‌شود حتی در حال جنگ، بنابراین رزمنده‌یی که در جبهه به علت شدت درگیری قادر بر قرائت فاتحه یا سجده و یا رکوع نباشد، باید به هر نحوی که برایش امکان دارد نماز بخواند، و اگر قادر بر انجام رکوع و سجده نیست، ایما و اشاره به جای رکوع و سجود کافی است.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۷۲۵)

۲. تعداد نمازهای یومیه

- | | |
|-------------------------|----------------------|
| ۱. نماز صبح: دو رکعت. | } نمازهای واجب یومیه |
| ۲. نماز ظهر: چهار رکعت. | |
| ۳. نماز عصر: چهار رکعت. | |
| ۴. نماز مغرب: سه رکعت. | |
| ۵. نماز عشا: چهار رکعت. | |

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۱۵۱)

توجه

□ در سفر، نمازهای چهار رکعتی (ظهر و عصر و عشا) دو رکعت خوانده می‌شود، خصوصیات و احکام آن خواهد آمد ان شاء الله تعالی.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۱۵۲)

۳. اوقات نمازهای یومیه

۱. وقت نماز صبح

۱. وقت نماز صبح از هنگام طلوع فجر تا طلوع آفتاب است. (استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۱۵۳)
۲. معیار شرعی در مورد وقت نماز صبح، فجر صادق است (نه کاذب)، و احراز آن موکول به تشخیص مکلف است. (اجوبه الاستفتاءات، س ۳۵۱)
۳. فرقی بین شبهای مهتابی و غیر مهتابی در طلوع فجر (وقت فریضه‌ی صبح) نیست، هر چند احتیاط در این زمینه خوب است. (اجوبه الاستفتاءات، س ۳۵۴)
۴. مقتضی است که مؤمنین محترم «ایدهم الله تعالی» جهت رعایت احتیاط در مورد وقت نماز صبح، حدود پنج الی شش دقیقه بعد از اذان صبح از رسانه‌ها شروع به ادای فریضه‌ی صبح نمایند. (اجوبه الاستفتاءات، س ۳۶۲)
۵. ملاک طلوع خورشید (پایان وقت نماز صبح) دیدن آن در افق مکان نمازگزار است نه رسیدن نور آن بر زمین. (اجوبه الاستفتاءات، س ۳۵۸)

۲. وقت نماز ظهر

وقت نماز ظهر از اول ظهر (یعنی هنگامی که سایه‌ی هر چیزی پس از آن که بر اثر بالا آمدن آفتاب کاملاً کوتاه شد مجدداً به طرف مشرق شروع به زیاد شدن کند) است تا هنگامی که فقط به قدر نماز عصر تا غروب آفتاب وقت باقی مانده است. (استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۱۵۳)

۳. وقت نماز عصر

وقت نماز عصر از هنگامی است که به قدر خواندن نماز ظهر، از ظهر گذشته تا غروب آفتاب. (استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۱۵۳)

۴. وقت نماز مغرب

وقت نماز مغرب از هنگامی است که سرخی بعد از غروب آفتاب که از طرف مشرق بالا می‌آید زائل شود تا هنگامی که فقط به قدر نماز عشا تا نیمه شب مانده است. (استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۱۵۳)

توجه

□ فاصله‌ی زمانی بین غروب خورشید و زوال حمزه‌ی مشرقیه (از بین رفتن سرخی طرف مشرق بعد از غروب آفتاب) با اختلاف فصل‌های سال تفاوت می‌کند. (اجوبه الاستفتاءات، س ۳۴۷)

۵. وقت نماز عشا

وقت نماز عشا از هنگامی است که به قدر خواندن نماز مغرب از اول وقت گذشته است تا نیمه شب.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۱۵۳)

توجه

□ احتیاط (واجب) آن است که برای نماز مغرب و عشا و مانند اینها شب را از اول غروب تا اذان صبح حساب کنند، بنابراین تقریباً یازده ساعت و یک ربع بعد از ظهر شرعی آخر وقت نماز مغرب و عشا است.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۳۶۳)

تمرین

۱. کسی که عمداً نماز را ترک کند یا سبک بشمارد، چه حکمی دارد؟
۲. آیا باید در شبهای مهتابی برای خواندن نماز صبح به مدت پانزده تا بیست دقیقه صبر کرد؟
۳. رسیدن نور خورشید به زمین تقریباً هشت دقیقه طول می کشد، آیا ملاک پایان وقت نماز صبح، طلوع خورشید است یا رسیدن نور آن به زمین؟
۴. وقت نماز عصر تا اذان مغرب است یا تا هنگام غروب آفتاب؟
۵. فاصله‌ی زمانی بین غروب خورشید و اذان مغرب چند دقیقه است؟
۶. نیمه شب شرعی برای نماز عشا چه وقت است؟



نمازهای یومیه (۲)

احکام اوقات نماز - ترتیب در میان نمازها

۴. احکام اوقات نماز

۱. راههای شناخت وقت نماز
۱. خود انسان یقین یا اطمینان کند که وقت داخل شده است.
 ۲. دو مرد عادل خیر دهند که وقت داخل شده است.
 ۳. مؤذن مورد وثوق و وقت شناس اذان بگوید.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۳۵۰ و استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۱۶۱)

توجه

□ تا یکی از راههای شناخت وقت نماز تحقق پیدا نکند ورود در نماز جایز نیست.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۱۶۱)

□ اگر یقین کند وقت داخل شده و مشغول نماز شود و در بین نماز شک کند که وقت داخل شده یا نه، نماز او باطل است، ولی اگر در بین نماز یقین داشته باشد که وقت شده و شک کند که آنچه از نماز خوانده در وقت بوده یا نه، نمازش صحیح است.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۱۶۲)

۲. معیار در احراز دخول وقت، حصول اطمینان برای مکلف است، بنابراین:

۱. رسانه‌های گروهی که اوقات شرعی هر روز را یک روز قبل از آن اعلام می‌کنند، اگر برای مکلف

(اجوبه الاستفتاءات، س ۳۵۹)

اطمینان به دخول وقت بیاورد می‌تواند بر آن اعتماد کند.

۲. هرگاه با شروع اذان، برای مکلف اطمینان حاصل شود که وقت نماز داخل شده است صبر کردن تا

(اجوبه الاستفتاءات، س ۳۶۰)

پایان اذان لازم نیست، و می‌تواند نماز را شروع کند.

۳. مکلف باید در مورد اوقات نمازهای یومیه همان افق محل سکونت خود را رعایت کند.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۳۵۷)

۴. صرف یکی بودن مقدار تفاوت بین دو منطقه در طلوع فجر یا زوال آفتاب یا غروب خورشید، مستلزم اتحاد در سایر اوقات نیست، بلکه غالباً مقدار اختلاف بین شهرها در اوقات سه‌گانه با هم تفاوت دارد، مثلاً

اگر بین دو استان در وقت ظهر بیست و پنج دقیقه تفاوت است در وقت نماز صبح و مغرب این مقدار تفاوت می‌کند (ممکن است کمتر یا بیشتر از بیست و پنج دقیقه باشد).
(اجوبه الاستفتاءات، س ۳۵۵)

۵. کسی که به اندازه‌ی خواندن یک رکعت از نماز وقت دارد، باید نماز را به نیت ادا بخواند، ولی نباید عمداً نماز را تا آن وقت به تأخیر بیندازد، و در صورت شک در این که وقت، لااقل به مقدار یک رکعت باقی است یا خیر، باید نماز را به قصد مافی الذمه به جا آورد.
(اجوبه الاستفتاءات، س ۳۴۹)

۶. بعد از داخل شدن وقت دو نماز (ظهر و عصر یا مغرب و عشا) مکلف در خواندن هر دو نماز پشت سر هم به صورت جمع و یا خواندن هر یک در وقت فضیلت خود مخیر است.
(اجوبه الاستفتاءات، س ۳۵۳)

۷. مستحب است انسان، نماز را در اول وقت بخواند، و در دستوره‌های اسلامی در این مورد سفارش مؤکدی شده است، و اگر در اول وقت نتواند، هر چه نماز را نزدیکتر به اول وقت بخواند بهتر است، مگر آن که تأخیر نماز از جهتی بهتر باشد، مانند این که بخواند نماز را به جماعت بخواند.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۱۶۴)

۸. اگر طلبکار طلب خود را مطالبه می‌کند، در صورتی که انسان توانایی دارد باید اول بدهی خود را بدهد و سپس نماز بخواند، و همچنین است در صورتی که کار واجب فوری دیگری پیش‌آمد کند. بلی در صورتی که وقت نماز تنگ شده باشد باید اول نماز بخواند.
(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۱۶۵)

۵. ترتیب در بین نمازها

۱. نماز ظهر و عصر باید به ترتیب خوانده شود یعنی اول نماز ظهر، بعد نماز عصر. همچنین باید در میان نماز مغرب و عشا نیز ترتیب رعایت شود، و اگر عمداً نماز عصر را پیش از نماز ظهر یا عشا را پیش از نماز مغرب بخواند باطل است.
(اجوبه الاستفتاءات، س ۳۶۱ و استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۱۵۴)

۲. هرگاه کسی بر اثر اشتباه یا غفلت، نماز دوم را بر اولی مقدم داشته، مثلاً نماز عشا را جلوتر از مغرب خوانده و بعد از تمام شدن نماز متوجه شده نماز او صحیح است.
(اجوبه الاستفتاءات، س ۳۶۱)

۳. اگر به نیت نماز ظهر مشغول نماز شود و در بین نماز یادش بیاید که قبلاً نماز ظهر را خوانده است، باید این نماز را بشکند و بعد از آن نماز عصر را بخواند، و همینطور است در نماز مغرب و عشا.
(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۱۵۵)

۴. اگر به خیال این که نماز ظهر را خوانده است به نیت نماز عصر مشغول نماز شود و در بین نماز بفهمد که قبلاً نماز ظهر را نخوانده است، در صورتی که در وقت مشترک نماز ظهر و عصر است، باید بلافاصله نیت خود را به نماز ظهر برگرداند و نماز را تمام کند و پس از آن، نماز عصر را به جا آورد، و اگر این اتفاق در وقت مخصوص به نماز ظهر یعنی به قدر چهار رکعت از اول ظهر افتاده باشد احتیاط واجب آن است که نیت را به نماز ظهر برگرداند و نماز را تمام کند ولی بعداً هر دو نماز (ظهر و عصر) را به ترتیب به جا آورد، و همین تکلیف در مورد نماز مغرب و عشا نیز هست.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۳۶۴ و استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۱۵۶)

تمرین ۳

۱. راههای شناخت وقت نماز کدامند؟
۲. آیا وقت نماز به صرف شروع اذان آغاز می‌شود؟ یا این که باید صبر نمود تا اذان تمام شود و سپس شروع به خواندن نماز کرد؟
۳. آیا مقدار اختلاف اوقات شرعی میان استان‌ها که بر اثر اختلاف افقهای آنها به وجود می‌آید، در اوقات سه‌گانه‌ی نمازهای یومیه به یک اندازه است؟
۴. چه مقدار از نماز اگر در وقت واقع شود، نیت ادا صحیح است؟ در صورت شک در این که این مقدار، داخل وقت واقع شده یا خیر، وظیفه چیست؟
۵. اگر به نیت نماز ظهر مشغول نماز شود و در بین نماز یادش بیاید که قبلاً نماز ظهر را خوانده است چه وظیفه‌ی دارد؟
۶. اگر کسی در بین نماز عشا متوجه شود که نماز مغرب را نخوانده چه تکلیفی دارد؟



نمازهای یومیه (۳) اذان و اقامه

۶. اذان و اقامه

۱. مستحب است پیش از نمازهای واجب شبانه‌روز، اذان و اقامه بگویند، و این استحباب در مورد نمازهای صبح و مغرب مخصوصاً نماز جماعت، مورد تأکید است، ولی در دیگر نمازهای واجب، مانند نماز آیات اذان و اقامه وارد نشده است.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۱۵)

۱. «اللَّهُ أَكْبَرُ» چهار مرتبه (یعنی خداوند بزرگتر از آن است که به وصف آید).
۲. «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» دو مرتبه (یعنی گواهی می‌دهم غیر از خداوند یکتا معبود دیگری نیست).
۳. «أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» دو مرتبه (یعنی گواهی می‌دهم که محمد(ص) فرستاده‌ی خدا است).
۴. «حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ» دو مرتبه (یعنی بشتاب به سوی نماز).
۵. «حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ» دو مرتبه (یعنی بشتاب به سوی رستگاری).
۶. «حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ» دو مرتبه (یعنی بشتاب به سوی بهترین کارها).
۷. «اللَّهُ أَكْبَرُ» دو مرتبه (یعنی خداوند بزرگتر از آن است که به وصف آید).
۸. «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» دو مرتبه (یعنی هیچ معبودی جز خداوند یکتا نیست).

۲. اذان ۱۸ جمله است به این ترتیب

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۱۶)

۳. اقامه ۱۷ جمله است به این ترتیب که همه چیزش، مانند اذان است جز این که در اول آن فقط دو مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» می‌گویند و در آخر آن یک مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»، و بعد از گفتن «حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ» دو مرتبه «قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ» (یعنی نماز بر پا شد) اضافه می‌شود. (استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۱۶)

چند نکته در ارتباط با اذان و اقامه

- گفتن «أَشْهَدُ أَنْ عَالِيًا وَلِيُّ اللَّهِ» (یعنی گواهی می‌دهم علی(ع) ولی خدا بر همه‌ی خلق است) جزو اذان و اقامه نیست، ولی به عنوان شعار تشیع خوب و مهم است و باید به قصد قربت مطلقه گفته شود.
(اجوبه الاستفتاءات، س ۴۵۶ و استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۱۷)
- اذان اعلامی (که برای اعلام دخول وقت گفته می‌شود) در اول وقت نمازهای واجب یومیه، و تکرار آن با صدای بلند از طرف شنوندگان از مستحبات شرعی مؤکد است.
(اجوبه الاستفتاءات، س ۴۵۱)
- اذان گفتن به صورت دسته جمعی در معابر عمومی، اگر موجب سد معبر و یا اذیت دیگران نشود اشکال ندارد.
(اجوبه الاستفتاءات، س ۴۵۱)
- اذان گفتن بر بالای بام به نحو متعارف به خصوص برای نماز صبح اشکال ندارد، هرچند بعضی از همسایگان اعتراض کنند.
(اجوبه الاستفتاءات، س ۴۵۲)
- پخش اذان به نحو متعارف برای اعلام داخل شدن وقت نماز صبح به وسیله‌ی بلندگو اشکال ندارد، ولی پخش آیات قرآنی و دعا و غیر آن از بلندگوی مسجد، اگر موجب اذیت همسایگان شود، توجیه شرعی ندارد و بلکه دارای اشکال است.
(اجوبه الاستفتاءات، س ۴۵۴)
- اذان زن برای مردان نامحرم کفایت نمیکند و برای مردان محرم محل اشکال است (یعنی اگر مردی که محرم اوست، اذان زن را بشنود به احتیاط واجب اذان از او ساقط نمی‌شود).
(اجوبه الاستفتاءات، س ۴۵۵)

تمرین

۱. حکم اذان و اقامه چیست؟
۲. اذان با اقامه چه فرقی دارد؟
۳. آیا شهادت سوم که دلالت بر ولایت سید الاوصیاء حضرت علی بن ابی طالب(ع) می‌کند در اذان و اقامه‌ی نماز واجب است؟
۴. گفتن اذان به صورت دسته جمعی در معابر عمومی چه حکمی دارد؟
۵. آیا جایز است که مرد در نماز به اذان زن اکتفا کند؟



نمازهای یومیه (۴)

واجبات نماز «۱»

۷. واجبات نماز

۱. نیت.
 ۲. تکبیرة الاحرام.
 ۳. قیام.
 ۴. قرائت.
 ۵. رکوع.
 ۶. سجده.
 ۷. ذکر.
 ۸. تشهد.
 ۹. سلام.
 ۱۰. ترتیب.
 ۱۱. موالات.
- کارهای واجب که نماز از آنها تشکیل شده یازده چیز است

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۱۸)

توجه

□ بعضی از واجبات نماز «رکن» است یعنی اگر در نماز به جا آورده نشود یا بیش از مقدار واجب آورده شود، حتی اگر از روی سهو و فراموشی هم باشد، نماز باطل می‌شود، (ولی واجبات غیر رکنی اگر عمداً کم و زیاد شود نماز باطل می‌شود، اما اگر سهواً باشد نماز صحیح است، مانند قرائت).

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۱۹)

۱. نیت.
 ۲. تکبیرة الاحرام.
 ۳. قیام (در هنگام تکبیرة الاحرام و هنگام رفتن به رکوع).
 ۴. رکوع.
 ۵. دو سجده.
- ارکان نماز

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۱۹)

۱. نیت

۱. معنای نیت و حکم آن: نیت در نماز واجب است و منظور از آن، قصد انجام نماز معین برای اطاعت از دستور خداوند است.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۱۸ و ۲۲۰)

توجه

□ نیت که در نماز واجب است همان قصد انجام نماز برای خداست و لازم نیست در دل خود یا به زبان مثلاً بگوید: چهار رکعت نماز ظهر می‌خوانم قربۀ الی الله.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۲۰)

□ لازم است نماز گزار بداند که چه نمازی می‌خواند، بنابراین اگر مثلاً نیت چهار رکعت نماز بکند، اما معین نکند که نماز ظهر یا عصر است، نماز او باطل است.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۲۱)

□ انسان باید نماز را به قصد اطاعت از فرمان خداوند عالم به جا آورد، بنابراین اگر برای ریا یعنی تظاهر به دینداری و امثال آن نماز بخواند نماز باطل است، و به طور کلی اگر همۀ نماز یا بخشی از آن را به خاطر غیر خدا به جا آورد نماز او باطل است.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۲۰ و ۲۲۲)

۲. عدول از نیت:

از نماز عصر به نماز ظهر، قبل از وقت مخصوص عصر در صورتی که در بین نماز متوجه شود که نماز ظهر را نخوانده است.

از نماز عشا به نماز مغرب، قبل از وقت مخصوص عشا اگر در بین نماز عشا متوجه شود که نماز مغرب را نخوانده است و از محل عدول هم تجاوز نکرده باشد.

اگر دو نماز قضایی که در ادای آنها ترتیب معتبر است (مثل نماز قضای ظهر و عصر) بر عهده‌ی او باشد و بر اثر فراموشی قبل از ادای نماز اول به خواندن نماز دوم مشغول شود.

از نماز ادا به نماز قضای واجب، در صورتی که بر اثر آن وقت فضیلت ادا فوت نشود.

از نماز واجب به مستحب برای درک ثواب نماز جماعت.

مواردی که عدول واجب است

عدول از نیت

مواردی که عدول مستحب است

۱- از نماز واجب به نافله در ظهر روز جمعه برای کسی که قرائت سوره‌ی جمعه را فراموش کرده و به جای آن سوره‌ی دیگری را خوانده و به نصف رسیده و یا از آن گذشته است. مستحب است این شخص، از نماز واجب به نافله عدول کند تا بتواند نماز فریضه را با سوره‌ی جمعه به جا آورد. (اجوبة الاستفتاءات، س ۳۴۰)

تمرین ۳

۱. واجبات نماز را بر شمرید؟
۲. چه فرقی بین واجبات رکنی و غیر رکنی وجود دارد؟
۳. ارکان نماز کدامند؟
۴. آیا لازم است نیت را در دل یا به زبان بگوید؟
۵. در چه مواردی عدول در نماز واجب است؟
۶. موارد استحباب عدول در نماز کدامند؟



نمازهای یومیه (۵) واجبات نماز «۲»

۲. تکبیره الاحرام

۱. معنای تکبیره الاحرام و حکم آن

تکبیره الاحرام در نماز واجب است و منظور از آن گفتن «اللهُ أَكْبَرُ» در آغاز نماز است.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۱۸ و ۲۲۳)

توجه

□ نگفتن تکبیره الاحرام در اول نماز چه عمدتاً و چه سهواً موجب باطل بودن نماز است. همچنین اگر پس از آن که آن را در اول نماز به طور صحیح ادا کرد بار دیگر با فاصله یا بدون فاصله با همان نیت «اللهُ أَكْبَرُ» بگوید نماز باطل است، و فرقی نیست میان این که زیاد گویی عمدی باشد یا سهوی.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۲۴)

۲. واجبات تکبیره الاحرام:

۱. تکبیره الاحرام را باید طوری بخواند که تلفظ به آن محسوب شود، و نشانه‌ی آن این است که خودش بتواند آنچه را می‌خواند و بر زبان جاری می‌کند - اگر دچار سنگینی گوش یا سر و صدای محیط نیست - بشنود.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۲۶)

۲. تکبیره الاحرام را باید به عربی صحیح بگوید، و اگر ترجمه‌ی فارسی آن را بگوید یا آن را به عربی غلط بگوید - مثلاً های الله را با فتحه بگوید و یا امثال آن - صحیح نیست.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۲۳)

توجه

□ اگر نمازگزار کیفیت صحیح تلفظ تکبیره الاحرام را نمی‌داند واجب است یاد بگیرد، و اگر قادر به یادگیری نیست و نمیتواند آن را با تلقین دیگری به صورت حرف حرف با مراعات موالات عرفی بگوید باید ترجمه آن را بگوید.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۴۶۷ و ۴۷۳)

۳. هنگام تکبیره الاحرام باید بدن آرام و مستقر باشد، پس اگر عمداً و از روی اختیار، تکبیره الاحرام را در حالی بگوید که بدنش حرکت دارد، باطل است.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۲۵)

۳. شک در تکبیره الاحرام:

شک در تکبیره الاحرام

اصل تکبیر (یعنی شک دارد که تکبیره الاحرام گفته یا نه)

به اذکار قرائت مشغول شده: به شک خود اعتنا نکند و نماز را ادامه دهد.

به اذکار قرائت مشغول نشده: باید تکبیر را بگوید.

صحت تکبیر (یعنی پس از گفتن تکبیره الاحرام شک دارد صحیح گفته یا نه): باید به شک خود اعتنا نکند.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۲۷ و ۲۲۸)

۳. قیام (ایستاده بودن)

۱. اقسام قیام:

قیام واجب

رکن

قیام هنگام رفتن به رکوع (متصل به رکوع).

قیام هنگام قرائت.

غیر رکن

قیام بعد از رکوع.

۱. کسی که قادر است نماز را ایستاده بخواند و عذری ندارد باید از شروع نماز تا رفتن به رکوع، در حال ایستاده باشد، و نیز واجب است پس از رکوع و پیش از رفتن به سجده بایستد. ترک قیام عمداً در این حالات، موجب باطل شدن نماز است.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۲۹)

۲. ایستاده بودن در حال تکبیره الاحرام و نیز پس از اتمام قرائت و پیش از رفتن به رکوع، رکن است یعنی اگر سهواً و از روی فراموشی هم آن را ترک کند نماز باطل می‌شود.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۳۰)

توجه

□ اگر رکوع را فراموش کند و بعد از حمد و سوره بنشیند و در این هنگام یادش بیاید که رکوع نکرده، باید برخیزد و بایستد و از حال ایستاده به رکوع برود، پس اگر بدون برخاستن و ایستادن از همان حال نشسته خود را به حالت خمیدگی رکوع برساند نمازش باطل است. (استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۳۱)

۲. **واجبات قیام:** نمازگزار در حال قیام باید بدن را حرکت ندهد و به طرفی به طور آشکار خم نشود و به جایی تکیه نکند، مگر این که از روی ناچاری یا سهو و فراموشی باشد.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۳۲)

توجه

□ موقعی که انسان در نماز بخواهد کمی جلو یا عقب برود یا بدن را کمی به طرف راست و چپ حرکت دهد، باید ذکر را که به خواندن آن مشغول است در حال این حرکت، قطع کند.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۳۲)

۳. بعضی از مستحبات قیام:

- | | |
|--|------------------------|
| ۱. بدن را راست نگهدارد. | } بعضی از مستحبات قیام |
| ۲. شانه‌ها را پایین بیندازد. | |
| ۳. دستها را روی رانها بگذارد. | |
| ۴. انگشتها را به هم بچسباند. | |
| ۵. جای سجده را نگاه کند. | |
| ۶. سنگینی بدن را به طور مساوی روی دو پا بیندازد. | |
| ۷. با خضوع و خشوع باشد. | |
| ۸. پاها را پس و پیش نگذارد. | |

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۴۱)

۴. احکام قیام:

۱. کسی که در حال نماز قادر بر ایستادن نیست، باید نشسته نماز بخواند ولی اگر می‌تواند به چیزی تکیه دهد و بایستد وظیفه‌ی او نماز ایستاده است. (استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۳۴)

۲. کسی که قادر بر نماز نشسته نیست، باید خوابیده نماز بخواند، و بنا بر احتیاط واجب باید اگر می‌تواند به پهلو راست بخوابد و صورت و بدن او رو به قبله باشد، وگرنه به پهلو چپ بخوابد، و اگر این گونه هم نمی‌تواند، به پشت بخوابد به طوری که کف پاهای او رو به قبله باشد.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۳۵)

۳. کسی که نشسته نماز می‌خواند، اگر بعد از خواندن حمد و سوره بتواند بایستد و رکوع را به جا آورد باید بایستد و از حال ایستاده به رکوع برود. (استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۳۶)

۴. کسی که خوابیده نماز می‌خواند اگر بدون حرج و زحمت بتواند درین نماز بنشیند یا بایستد، باید هر مقداری را که می‌تواند نشسته یا ایستاده بخواند. همچنین کسی که نشسته نماز می‌خواند

باید هر مقدار که بدون حرج و زحمت برای او ممکن است ایستاده نماز بخواند.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۳۷)

۵. کسی که می‌تواند ایستاده نماز بخواند اگر بترسد که به واسطه‌ی ایستادن، بیماری یا ضرر دیگری به او برسد، می‌تواند نشسته نماز بخواند، و اگر در نماز نشسته نیز همین ترس باشد می‌تواند خوابیده نماز بخواند

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۳۸)

۶. کسی که احتمال می‌دهد در آخر وقت بتواند نماز خود را ایستاده بخواند، بنا بر احتیاط (واجب) باید تا آن هنگام صبر کند، ولی اگر در اول وقت به خاطر عذری نماز خود را نشسته خواند و سپس تا آخر وقت عذر او بر طرف نشد نمازی که خوانده صحیح است و اعاده لازم نیست.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۴۵۷ و استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۳۹)

۷. اگر در اول وقت، قادر بر نماز ایستاده نبود و یقین داشت که ناتوانی او از نماز ایستاده، تا آخر وقت ادامه خواهد یافت، ولی قبل از آخر وقت توانست ایستاده نماز بخواند باید نماز را به طور ایستاده اعاده کند.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۴۵۷ و استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۴۰)

تمرین

۱. آیا اگر تکبیره الاحرام به صورت عربی صحیح و کامل تلفظ نشود نماز محکوم به صحت است؟
۲. کسی که شک دارد تکبیره الاحرام گفته یا نه وظیفه‌اش چیست؟
۳. اقسام قیام واجب کدامند؟
۴. آیا انسان می‌تواند در نماز کمی جلو یا عقب برود یا بدن را کمی به طرف راست و چپ حرکت دهد؟
۵. بعضی از مستحبات قیام را بیان نمایید؟
۶. آیا کسی که در اول وقت قادر بر نماز ایستاده نیست جایز است نمازش را نشسته بخواند؟



نمازهای یومیه (۶) واجبات نماز «۳»

۴. قرائت

۱. اجزای قرائت :

قرائت در رکعت اول و دوم نمازهای واجب یومیه: حمد و بنا بر احتیاط واجب یک سوره‌ی در رکعت سوم و چهارم نمازهای واجب یومیه: حمد تنها یا یک مرتبه تسبیحات اربعه واجب و بنا بر احتیاط مستحب سه مرتبه. یومیه

۱. در رکعت اول و دوم نمازهای واجب یومیه، باید بعد از تکبیرة الاحرام سوره‌ی حمد و بعد از آن بنا بر احتیاط واجب یک سوره‌ی کامل از قرآن مجید را قرائت کند، و خواندن یک یا چند آیه کافی نیست. (استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۴۲)

۲. در رکعت سوم و چهارم نمازها، مخیر است که حمد تنها (بدون سوره) بخواند یا تسبیحات اربعه یعنی «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» بگوید. (استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۶۲)

۲. احکام قرائت در رکعت اول و دوم:

۱. سوره‌ی «فیل» و «ایلاف» در حکم یک سوره‌اند، و خواندن یکی از آن دو بعد از حمد کافی نیست. همچنین سوره‌ی «الضحی» و «الم نشرح». (اجوبة الاستفتاءات، س ۴۶۹)

توجه

□ اگر کسی بر اثر جهل به مسأله، در نمازهای خود سوره‌ی فیل یا انشراح را به تنهایی خوانده است، در صورتی که در یادگیری مسأله کوتاهی نکرده باشد نمازهای گذشته‌ی او محکوم به صحت است. (اجوبة الاستفتاءات، س ۴۶۹)

۲. در نمازهای واجب یومیه بعد از قرائت حمد و یک سوره‌ی کامل، قرائت بعضی از آیات به قصد

قرآن اشکال ندارد.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۴۷۵)

۳. اگر وقت نماز تنگ باشد یا بترسد که اگر سوره را بخواند دزد یا درنده یا چیز دیگر به او صدمه می‌زند نباید سوره بخواند.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۴۳)

۴. اگر اشتباهاً سوره را پیش از حمد بخواند و قبل از رفتن به رکوع متوجه اشتباه خود شود، باید بعد از حمد دوباره سوره را بخواند، و اگر در اثنای خواندن سوره متوجه شود باید سوره را رها کند و بعد از خواندن حمد، سوره را از اول بخواند.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۴۴)

۵. اگر حمد و سوره یا یکی از آنها را فراموش کند و بعد از رسیدن به رکوع بفهمد، نمازش صحیح است.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۴۵)

۶. اگر پیش از رفتن به رکوع بفهمد که حمد و سوره یا فقط سوره را نخوانده باید آن را بخواند و به رکوع رود، و اگر بفهمد فقط حمد را نخوانده باید آن را و پس از آن دوباره سوره را بخواند، و نیز اگر خم شده و پیش از رسیدن به حد رکوع بفهمد که حمد یا سوره یا هر دو را نخوانده باید بایستد و به همین دستور عمل کند.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۴۶)

۷. در نماز واجب، خواندن سوره‌های سجده جایز نیست و اگر عمداً یا سهواً یکی از آن سوره‌ها را بخواند تا به آیهی سجده برسد باید بنا بر احتیاط واجب سجدهی تلاوت را به جا آورد و بر خیزد و اگر سوره، تمام نشده آن را تمام کند و نماز را به آخر برساند و سپس نماز را اعاده کند، و اگر قبل از رسیدن به آیهی سجده ملتفت شد احتیاط واجب آن است که سوره را رها کند و سوره دیگری بخواند و نماز را تمام کند و سپس نماز را اعاده نماید.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۴۷)

۸. اگر در اثنای نماز، آیهی سجده را بشنود، نمازش صحیح است و باید پس از شنیدن آیهی سجده، به جای سجده کردن، اشاره به سجده کند.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۴۸)

۹. اگر بعد از حمد شروع به خواندن سورهی «قل هو الله احد» یا سورهی «قل یا ایها الکافرون» کند، نمی‌تواند آن را رها کند و سورهی دیگر بخواند، ولی در نماز جمعه اگر از روی فراموشی به جای سورهی جمعه و منافقین یکی از آن دو سوره را بخواند می‌تواند آن را رها کند و سورهی جمعه و منافقین را بخواند.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۵۰)

۱۰. اگر در نماز غیر از سورهی «قل هو الله احد» و «قل یا ایها الکافرون» سورهی دیگر را بخواند تا وقتی بیش از نصف سوره را نخوانده است می‌تواند آن را رها کند و سورهی دیگر بخواند.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۵۱)

۱۱. اگر مقداری از سورهی را که مشغول خواندن آن است فراموشی کند یا به خاطر تنگی وقت یا جهت دیگری به ناچار نتواند آن را تمام کند باید آن سوره را رها کند و سورهی دیگری بخواند، و در این صورت فرق نیست میان آن که از نصف گذشته یا نگذشته باشد، و یا سورهی که به خواندن آن مشغول است «قل هو الله» و «قل یا ایها الکافرون» یا غیر از آنها باشد.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۵۲)

۱۲. در نمازهای مستحبی، خواندن سوره لازم نیست، اگر چه آن نماز به واسطه‌ی نذر کردن

واجب شده باشد، ولی در بعضی نمازهای مستحبی که سوره‌ی مخصوص در آن وارد شده، مثل نماز برای والدین، اگر بخواهد به دستور آن نماز رفتار کرده باشد باید همان سوره را بخواند.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۴۹)

۳. احکام قرائت در رکعت سوم و چهارم:

۱. یک بار گفتن تسبیحات اربعه در رکعت سوم و چهارم نماز کافی است، هرچند احتیاط (مستحب) این است که سه مرتبه گفته شود. (اجوبه الاستفتاءات، س ۴۸۳)

۲. کسی که نمی‌داند تسبیحات اربعه را سه مرتبه گفته یا بیشتر و یا کمتر، چیزی بر او واجب نیست، ولی تا به رکوع نرفته می‌تواند بنا را بر اقل گذاشته و تسبیحات را تکرار نماید تا یقین کند آن را سه مرتبه گفته است. (اجوبه الاستفتاءات، س ۴۸۵)

۳. کسی که عادت دارد در رکعت سوم و چهارم تسبیحات بخواند، اگر تصمیم گرفت حمد بخواند، ولی به خاطر غافل شدن از این تصمیم، بر طبق عادت خود به خواندن تسبیحات مشغول شود نمازش صحیح است، و همینطور اگر عادت به خواندن حمد دارد و تصمیم می‌گیرد تسبیحات بخواند. (استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۶۴)

۴. اگر شخصی هنگام نماز بر اثر غفلت در رکعت سوم یا چهارم حمد و سوره بخواند و بعد از نماز متوجه شود نمازش صحیح است و نیاز به اعاده ندارد. (اجوبه الاستفتاءات، س ۴۷۰)

۵. اگر نمازگزار در حالی که ایستاده است شک کند که حمد یا تسبیحات را خوانده، باید حمد یا تسبیحات را بخواند، ولی اگر در هنگام گفتن استغفار مستحب، شک کند آیا تسبیحات خوانده یا نه لازم نیست آن را بخواند. (استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۶۶)

۶. اگر در رکوع رکعت سوم و چهارم شک کند که حمد یا تسبیحات خوانده یا نه، باید به شک خود اعتنا نکند، ولی اگر در هنگام رفتن به رکوع در حالی که هنوز به حد رکوع نرسیده است شک کند، بنا بر احتیاط واجب باید برگردد و حمد یا تسبیحات بخواند. (استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۶۷)

تمرین ۴

۱. قرائت در نمازهای واجب یومیه از چه اجزایی تشکیل شده است؟
۲. اگر کسی که بر اثر جهل به مسأله، سوره‌ی فیل یا انشراح را به تنهایی در نماز بخواند، وظیفه‌اش چیست؟
۳. خواندن سوره‌های سجده در نماز واجب چه حکمی دارد؟
۴. حکم خواندن سوره در نمازهای مستحبی را بیان نمایید؟
۵. کسی که نمی‌داند تسبیحات اربعه را در رکعت سوم و چهارم نماز سه مرتبه گفته یا بیشتر یا کمتر چه حکمی دارد؟
۶. اگر شخصی هنگام نماز بر اثر غفلت در رکعت سوم یا چهارم حمد و سوره بخواند و بعد از نماز متوجه شود، آیا اعاده‌ی نماز بر او واجب است؟



نمازهای یومیه (۷)

واجبات نماز «۴»

۴. جهر و اخفات (بلند و آهسته خواندن) در قرائت:

<p>نماز صبح و مغرب و عشا] نماز گزار مرد است: باید بلند بخواند. نماز گزار زن است: می‌تواند بلند یا آهسته بخواند، ولی اگر نامحرم صدایش را می‌شنود بهتر است آهسته بخواند.</p>	<p>حمد و سوره در رکعت اول و دوم</p>	<p>جهر و اخفات</p>
<p>نماز ظهر و عصر: باید آهسته بخواند غیر از «بسم الله»، چه نماز گزار مرد باشد و چه زن. تسبیحات اربعه یا حمد تنها در رکعت سوم و چهارم: باید آهسته بخواند، چه نماز گزار مرد باشد و چه زن، ولی در صورتی که حمد بخواند می‌تواند در نماز فردی «بسم الله الرحمن الرحيم» را بلند بگوید، اگر چه احتیاط در آن است که «بسم الله» را هم آهسته بگوید و در نماز جماعت این احتیاط، واجب است.</p> <p>۱. واجب است مردان حمد و سوره‌ی نماز صبح و مغرب و عشا را بلند، و حمد و سوره‌ی نماز ظهر و عصر را آهسته بخوانند و زنان نیز باید حمد و سوره‌ی نماز ظهر و عصر را آهسته بخوانند، اما حمد و سوره‌ی نماز صبح و مغرب و عشا را می‌توانند بلند یا آهسته بخوانند، ولی اگر نامحرم صدای آنها را بشنود بهتر است آهسته بخوانند.</p>		

(اجوبه الاستفتاءات، س ۴۵۸ و ۴۵۹ و ۴۶۰ و ۴۶۱ و ۴۷۱ و استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۵۳ و ۲۵۴)

۲. بر مرد و زن واجب است که در رکعت سوم و چهارم نمازها، تسبیحات یا حمد را آهسته
بخواند، ولی در صورتی که حمد بخواند می‌تواند در نماز فردی «بسم الله الرحمن الرحيم» را در
آن بلند بگوید، اگر چه احتیاط در آن است که «بسم الله» را هم آهسته بگوید، و در نماز جماعت
این احتیاط، واجب است.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۶۳)

توجه

□ وجوب بلند خواندن در نمازهای مغرب و عشا و صبح، و وجوب آهسته خواندن در نماز ظهر و عصر، مختص به قرائت حمد و سوره است، همانگونه که وجوب آهسته خواندن در غیر از دو رکعت اول نماز مغرب و عشا، فقط مخصوص قرائت حمد یا تسبیحات در رکعت سوم یا چهارم است، ولی در ذکر رکوع و سجده و تشهد و سلام و دیگر ذکرهای واجب در نمازهای پنجگانه، مکلف بین آهسته یا بلند خواندن مخیر است. (اجوبه الاستفتاءات، س ۴۶۰)

□ در وجوب جهر و اخفات در نمازهای واجب فرقی بین نماز ادا و قضا وجود ندارد، هرچند نماز قضا، احتیاطی باشد. (اجوبه الاستفتاءات، س ۴۵۹ و ۴۶۱)

□ ملاک اخفات (آهسته خواندن) عدم وجود جوهر صدا نیست، بلکه ملاک، آشکار نکردن آن است. در مقابل، ملاک جهر (بلند خواندن) آشکار کردن جوهر صدا است. (اجوبه الاستفتاءات، س ۴۷۲)

□ اگر درجایی که باید نماز را بلند بخواند، عمداً آهسته بخواند یا در جایی که باید آهسته بخواند عمداً بلند بخواند نمازش باطل است، ولی اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله باشد نماز صحیح است، و اگر در اثنای خواندن حمد و سوره ملتفت شود که اشتباه کرده، لازم نیست مقداری را که بر خلاف دستور، بلند یا آهسته خوانده دوباره بخواند. (اجوبه الاستفتاءات، س ۴۵۸ و ۴۵۹ و استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۵۵)

□ اگر کسی در خواندن حمد و سوره، بیشتر از معمول صدا را بلند کند، مثل آن که آنها را با فریاد بخواند، نمازش باطل است. (استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۵۶)

۵. واجبات قرائت:

۱. در قرائت، واجب است که کلمات، تلفظ شوند به طوری که قرائت بر آن صدق کند، از این رو قرائت قلبی یعنی گذراندن کلمات در قلب بدون تلفظ آنها که عنوان قرائت بر آن صدق نمی‌کند کافی نیست. نشانه‌ی صدق قرائت این است که خودش بتواند آنچه را می‌خواند و بر زبان جاری می‌کند - اگر دچار سنگینی گوش یا سر و صدای محیط نیست - بشنود. (اجوبه الاستفتاءات، س ۴۶۸ و استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۲۶)

توجه

□ کسی که بر اثر ابتلا به بیماری لالی قادر به تکلم نیست، ولی حواس سالمی دارد، اگر نمازش را با اشاره بخواند صحیح و مجزی است. (اجوبه الاستفتاءات، س ۴۷۹)

۲. واجب است که قرائت، صحیح و بدون غلط باشد و کسی که به هیچ قسم نمی‌تواند صحیح آن را یاد بگیرد، باید هر طور که می‌تواند بخواند، و احتیاط مستحب آن است که نماز را به جماعت به جا آورد. (اجوبه الاستفتاءات، س ۴۶۷ و ۴۷۷ و استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۵۷)

توجه

□ کسی که حمد و سوره و چیزهای دیگر نماز را به خوبی نمی‌داند و می‌تواند یاد بگیرد، چنانچه

وقت نماز وسعت دارد باید یاد بگیرد، و اگر وقت تنگ است بنابر احتیاط واجب در صورتی که ممکن باشد باید نمازش را به جماعت بخواند.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۵۸)

□ ملاک صحت قرائت، عبارت است از رعایت قواعد زبان عربی و ادای حرف از مخارج آن به طوری که اهل لسان (عرب زبانان) آن را ادای آن حرف بدانند نه حرف دیگر.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۵۸۹)

□ در قرائت، رعایت محسنات تجوید لازم نیست.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۵۹۱)

□ اگر یکی از کلمات حمد و سوره را نداند، یا عمداً آن را نگوید، یا عمداً به جای حرفی حرف دیگر بگوید، مثلاً به جای «ض» «ز» بگوید، یا زیر و زبر کلمات را تغییر دهد یا تشدید را نگوید، نماز او باطل است.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۵۹)

□ کسی که در قرائت حمد و سوره و یا در اعراب و حرکات کلمات نماز اشتباه می کرده است، مثلاً کلمه‌ی «یُولَدُ» را به جای فتح لام به کسر لام می خوانده، اگر عامد یا جاهل مقصر (قادر بر یادگیری) بوده بنابر احتیاط واجب، نماز باطل است، و الاً نماز صحیح است. البته اگر نمازهای گذشته را با اعتقاد به صحت، به صورت مذکور خوانده باشد محکوم به صحت است و اعاده و قضا ندارد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۴۷۶)

□ «مَالِكِ» در آیه‌ی شریفه‌ی «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» «مَلِكِ» هم قرائت شده، و قرائت به هر دو صورت در نماز از باب احتیاط اشکال ندارد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۴۶۳)

□ در قرائت نماز لازم نیست که اگر آیه‌ی را به آیه‌ی بعدی وصل کرد، حرکت آخر آیه را ظاهر کند، مثلاً اگر بگوید: «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» و نون آخر آیه را ساکن کند و بلافاصله بگوید: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» اشکال ندارد. این کار را «وصل به سکون» می نامند، و همینطور است در مورد کلماتی که آیه از آنها تشکیل شده است، اگر چه در مورد اخیر احتیاط (مستحب) آن است که وصل به سکون نکند.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۶۱)

□ هرگاه نمازگزار هنگام خواندن «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ» آن را بدون عطف فوری، با وقف بخواند و سپس «وَلَا الضَّالِّينَ» را قرائت نماید، در صورتی که وقف و فاصله به مقداری باشد که به وحدت جمله ضرر نزند اشکال ندارد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۴۶۴)

□ اگر پس از آن که آیه‌ی را تمام کرد شک کند که آن را درست خوانده یا نه، باید به شک خود اعتنا نکند، و همینطور است اگر جمله‌ی از آیه را تمام کرد و پس از آن شک در درست خواندن آن کرد، مثل این که پس از «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» شک کرد که آیا آن را درست ادا کرده است یا نه. البته در همه‌ی این صورتهای اگر آنچه را که در صحیح ادا کردن آن شک دارد، احتیاطاً دوباره بخواند اشکال ندارد.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۶۸)

۳. هنگام قرائت حمد و سوره یا تسبیحات، بدن باید آرام و مستقر باشد، و در صورتی که بخواهد

کمی جلو یا عقب برود یا بدن را کمی به طرف راست و چپ حرکت دهد، باید ذکر را که به خواندن آن مشغول است در حال این حرکت، قطع کند.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۳۲)

۶. آداب قرائت:

۱. در رکعت اول پیش از حمد بگوید: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ».
۲. در رکعت اول و دوم نماز ظهر و عصر «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را بلند بگوید.
۳. حمد و سوره را شمرده بخواند.
۴. در آخر هر آیه وقف کند یعنی آن را به آیه‌ی بعد متصل نکند.
۵. در حال خواندن حمد و سوره به معانی آیات توجه داشته باشد.
۶. پس از قرائت سوره‌ی حمد، چه در جماعت و چه در فردی، و چه امام باشد یا ماموم بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».
۷. پس از سوره‌ی «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» یک یا دو یا سه مرتبه بگوید: «كَذَلِكَ اللَّهُ رَبِّي».
۸. پس از قرائت حمد و نیز بعد از سوره، لحظه‌ی مکث کند و سپس به ادامه‌ی نماز بپردازد.
۹. در رکعت سوم و چهارم بعد از تسبیحات، استغفار کند، مثلاً بگوید: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ» یا بگوید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي».

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۶۵ و ۲۶۹)

۱. نخواندن سوره‌ی «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» در هیچیک از نمازهای یک شبانه روز، مکروه است.
۲. تکرار یک سوره در دو رکعت نماز، مکروه است، مگر سوره‌ی «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ».

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۷۰)

۱. بخشی از مستحبات قرائت

۲. بخشی از مکروهات قرائت

تمرین

۱. آیا بانوان می‌توانند، حمد و سوره نمازهای صبح و مغرب و عشا را بلند بخوانند؟
۲. آیا اگر قصد خواندن قضای نماز صبح را داشته باشیم باید آن را بلند بخوانیم یا آهسته؟
۳. نمازی که قرائت آن بلند خوانده نشده باشد، چه حکمی دارد؟
۴. کسی که کلمات نماز را همانگونه که از پدر و مادر آموخته و در مدرسه آموزش داده‌اند تلفظ می‌کرده و بعداً متوجه می‌شود که کلمات را اشتباه ادا می‌کرده است، آیا نمازهایی که به آن صورت خوانده صحیح است؟
۵. ملاک صحت قرائت چیست؟
۶. «وصل به سکون» یعنی چه؟ و چه حکمی دارد؟



نمازهای یومیه (۸)

واجبات نماز «۵»

۵. رکوع

۱. معنای رکوع و حکم آن: در هر رکعت، بعد از قرائت یک رکوع واجب است، و رکوع یعنی خم شدن به اندازه‌یی که بتواند دستها را به زانو بگذارد.

توجه

□ اگر بعد از رسیدن به حد رکوع و آرام گرفتن بدن، سر بر دارد و بار دیگر به قصد رکوع خم شود، نمازش باطل است؛ (چون رکوع، رکن است و زیاد شدن آن نماز را باطل می‌کند).

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۸۱)

۲. واجبات رکوع:

- | | |
|---|---------------|
| ۱. خم شدن به اندازه‌یی که بتواند دستها را به زانو بگذارد. | } واجبات رکوع |
| ۲. ذکر. | |
| ۳. آرامش بدن در حال گفتن ذکر رکوع. | |
| ۴. ایستادن بعد از رکوع. | |
| ۵. آرامش بدن بعد از رکوع. | |

۱. خم شدن به اندازه‌یی که بتواند دستها را به زانو بگذارد:

۱. در هر رکعت بعد از قرائت باید به اندازه‌یی خم شود که بتواند دست را بر زانو بگذارد، و اگر سر انگشتها هم به زانو برسد کافی است.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۷۱)

۲. احتیاط (واجب) آن است که در حال رکوع دستها را بر زانو بگذارد.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۷۲)

۳. خم شدن باید به قصد رکوع باشد، پس اگر به قصد کاری دیگر مثلاً برای کشتن جانوری یا برداشتن چیزی خم شود نمی‌تواند آن را رکوع حساب کند، بلکه بایستد و دوباره برای رکوع خم شود، و به واسطه‌ی این عمل، رکن زیاد نشده و نماز باطل نمی‌شود.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۷۳)

۴. کسی که در حال نشسته رکوع می‌کند، کافی است به قدری خم شود که صورتش محاذی زانوها برسد.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۷۴)

۲. ذکر:

ذکر واجب در رکوع عبارت است از یکبار گفتن «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ» یا سه بار گفتن «سُبْحَانَ اللَّهِ» و اگر به جای آن، ذکر دیگری از قبیل «الْحَمْدُ لِلَّهِ» و «اللَّهُ أَكْبَرُ» و غیر آن را به همان مقدار بگوید نیز کافی است.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۷۵)

۳. آرامش بدن در حال گفتن ذکر رکوع:

۱. در رکوع هنگامی که ذکر واجب را می‌گویید، باید بدن آرام باشد، بلکه حتی در هنگامی که اذکاری را به قصد استحباب آن در رکوع می‌گویید، مانند تکرار «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ» و امثال آن، احتیاط واجب آن است که بدن را آرام نگهدارد.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۷۶)

۲. اگر در حالی که ذکر واجب رکوع را می‌گویید، بدن او بی اختیار حرکت کند و حال طمأنینه‌ی واجب را بر هم بزند، باید پس از آرام گرفتن بدن، ذکر واجب را دوباره بگوید.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۷۷)

۳. کسی که می‌داند طمأنینه در حال ذکر رکوع واجب است

اگر پیش از رسیدن به حد رکوع و آرام گرفتن بدن، ذکر رکوع را شروع کند
سهواً باشد: باید پس از رسیدن به حد رکوع و آرام گرفتن بدن، ذکر واجب را دوباره بگوید.

عمداً باشد: نمازش باطل است.

اگر پیش از تمام شدن ذکر واجب سر از رکوع بردارد

سهواً باشد

اگر پیش از خارج شدن از حد رکوع متوجه شود که ذکر را تمام نکرده: باید در همان حال آرام بگیرد و ذکر رکوع را بگوید.

اگر پس از خارج شدن از حد رکوع متوجه شود که ذکر را تمام نکرده: نمازش صحیح است.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۷۹ و ۲۸۰)

۴. کسی که به خاطر بیماری و امثال آن نمی‌تواند به اندازه‌ی گفتن سه «سُبْحَانَ اللَّهِ» در حال رکوع بماند، کافی است که یک مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» بگوید، و اگر فقط یک لحظه می‌تواند در حال رکوع باشد احتیاط واجب آن است که ذکر را در همان لحظه شروع کند و در حال سر

برداشتن تمام کند.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۸۰)

۴. ایستادن و آرامش بعد از رکوع:

بعد از تمام شدن ذکر رکوع، باید راست بایستد و پس از آن که بدن آرام گرفت به سجده برود، و اگر عمداً پیش از ایستادن، یا پیش از آرام گرفتن بدن به سجده برود نمازش باطل است.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۸۲)

۳. کسی که رکوع را فراموش کرده است:

پیش از رسیدن به سجده‌ی اول یادش بیاید: باید بایستد و از حال ایستاده به رکوع برود، و چنانچه به حالت خمیدگی به رکوع برگردد کافی نیست، و اگر به این رکوع اکتفا کند نمازش باطل است.
پس از رسیدن به سجده‌ی دوم یادش بیاید: نمازش باطل است؛ (زیرا یک رکن را ترک کرده و وارد رکن بعدی شده است).

کسی که رکوع را فراموش کرده است

پیش از رسیدن به سجده‌ی دوم یادش بیاید (یعنی در سجده‌ی اول یا بعد از آن و پیش از آن که وارد سجده‌ی دوم شود): باید برخیزد و بایستد و رکوع کند و پس از آن، دو سجده را به جا آورد و نماز را تمام کند، و بعد از نماز به احتیاط (واجب) دو سجده سهو برای سجده‌ی زیادی بگذارد.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۱۹ و ۲۸۳ و ۲۸۴)

۴. برخی از مستحبات رکوع:

۱. پیش از رفتن به رکوع در حالی که ایستاده است تکبیر بگوید.
۲. اگر نمازگزار مرد است زانوها را به عقب بدهد و اگر زن است زانوها را به عقب ندهد.
۳. سر را پایین نیندازد و مساوی پشت خود نگه دارد.
۴. کف دست را به زانوها تکیه دهد.
۵. نگاه خود را به میان قدمهای خود بدوزد.
۶. پیش از رکوع یا بعد از آن صلوات بفرستد.
۷. پس از آن که از رکوع سر برداشت و ایستاد در حال آرامش بدن بگوید: «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ».
۸. اگر نمازگزار زن است، دست را از زانوها بالاتر بگذارد.

برخی از مستحبات رکوع

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۸۵ و ۲۸۶)

❓ تمرین

۱. واجبات رکوع کدامند؟
۲. آیا در حال رکوع، گذاشتن دستها بر زانو واجب است؟
۳. کسی که در حال نشسته رکوع می‌کند چه مقدار باید خم شود؟
۴. اگر در حالی که ذکر واجب رکوع را می‌گویید، بدن او بی اختیار حرکت کند و حال طمأنینه‌ی واجب را برهم بزند چه وظیفه‌ی دارد؟
۵. کسی که رکوع را فراموش کرده اگر پیش از رسیدن به سجده‌ی دوم یادش بیاید وظیفه‌اش چیست؟
۶. پنج مورد از مستحبات رکوع را نام ببرید؟



نمازهای یومیه (۹)

واجبات نماز «۶»

۶. سجده

۱. معنای سجده و حکم آن: نمازگزار باید در هر رکعت از نمازهای واجب و مستحب، بعد از رکوع، دو سجده کند، و سجده آن است که پیشانی را از روی خضوع بر زمین بگذارد.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۸۷)

توجه

□ دو سجده در یک رکعت، مجموعاً «رکن» است، بدین معنی که اگر عمداً یا از روی فراموشی، هر دو را ترک کند یا دو سجده‌ی دیگر به آن اضافه کند، نماز باطل می‌شود.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۸۹)

□ اگر عمداً یک سجده کم یا زیاد کند، نماز باطل است، و اگر سهواً این کار را انجام دهد نماز باطل نیست، ولی دارای احکامی است که بعداً گفته خواهد شد.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۹۰ و ۲۹۱)

۲. واجبات سجده:

۱. گذاشتن هفت عضو از بدن بر زمین.
۲. ذکر.
۳. آرامش بدن در حال ذکر سجده.
۴. بر زمین بودن هفت عضو در هنگام ذکر.
۵. سر برداشتن و نشستن و آرامش بین دو سجده.
۶. مساوی بودن جاهای سجده، مگر به اندازه‌ی چهار انگشت بسته.
۷. پاک بودن جایی که پیشانی را بر آن می‌گذارد.
۸. حایل نبودن چیزی بین پیشانی و آنچه بر آن سجده می‌کند.
۹. گذاشتن پیشانی بر چیزی که سجده بر آن صحیح است.
۱۰. نشستن بعد از سجده‌ی دوم در رکعاتی که تشهد ندارد بنا بر احتیاط واجب.

واجبات سجده

۱. گذاشتن هفت عضو از بدن بر زمین:

- | | |
|-----------------------------|--|
| ۱. پیشانی. | } ۱. در سجده باید هفت موضع بر زمین قرار گیرد |
| ۲ و ۳. دو کف دست. | |
| ۴ و ۵. دو سر زانو. | |
| ۶ و ۷. دو سر انگشت بزرگ پا. | |

توجه

□ گذاشتن دستها هنگام نماز بر موزاییکی که دارای سوراخهای ریزی است اشکال ندارد.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۴۹۰)

□ هرگاه هنگام سجده، علاوه بر انگشت بزرگ پا، بعضی از انگشتان دیگر را نیز بر زمین قرار دهد اشکال ندارد.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۴۹۶)

۲. اگر پیشانی را عمداً یا سهواً بر زمین نگذارد، سجده نکرده است، اگر چه شش عضو دیگر (دو دست، دو زانو، دو انگشت بزرگ پا) را بر زمین گذاشته باشد، ولی اگر پیشانی را بر زمین بگذارد و جاهای دیگر را سهواً به زمین نرساند یا سهواً ذکر نگوید سجده صحیح است.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۹۲)

۳. کسی که نمی‌تواند پیشانی را به زمین برساند باید به قدری که می‌تواند خم شود و مهر یا چیز دیگری را که سجده بر آن صحیح است، روی چیز بلندی گذاشته و طوری پیشانی بر آن بگذارد که بگویند سجده کرده است، ولی باید کف دستها و زانوها و انگشتان پا را اگر ممکن است به طور معمول بر زمین بگذارد و اگر چیزی که مهر را روی آن بگذارد وجود ندارد، باید آن را با دست بلند کند و پیشانی بر آن بگذارد.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۳۰۵)

۴. کسی که بر محل سجده‌ی بلند نیز نمی‌تواند سجده کند، باید در عوض سجده، با سر و اگر نمی‌تواند با چشم اشاره کند.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۳۰۶)

توجه

□ فردی که به خاطر وضعیت خاص جسمی که دارد قادر به گذاشتن هفت عضو از بدن خود بر زمین نیست و از صندلی چرخدار استفاده می‌کند، در صورتی که قادر به گذاشتن مهر روی دسته‌ی صندلی چرخدار یا چیز دیگر مانند بالشت یا چهارپایه و سجده بر آن است، باید سجده را بدین نحو انجام دهد و نمازش صحیح است و در غیر این صورت به هر نحوی که می‌تواند هر چند با ایما و اشاره، سجده و رکوع را انجام دهد و نمازش صحیح خواهد بود.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۴۹۴)

۵. هرگاه در زمین گل آلود نماز می‌خواند، اگر آلوده شدن بدن و لباس برای او موجب مشقت است، می‌تواند در حالی که ایستاده، برای سجده، با سر اشاره کند و تشهد را ایستاده بخواند.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۳۰۹)

۲. ذکر

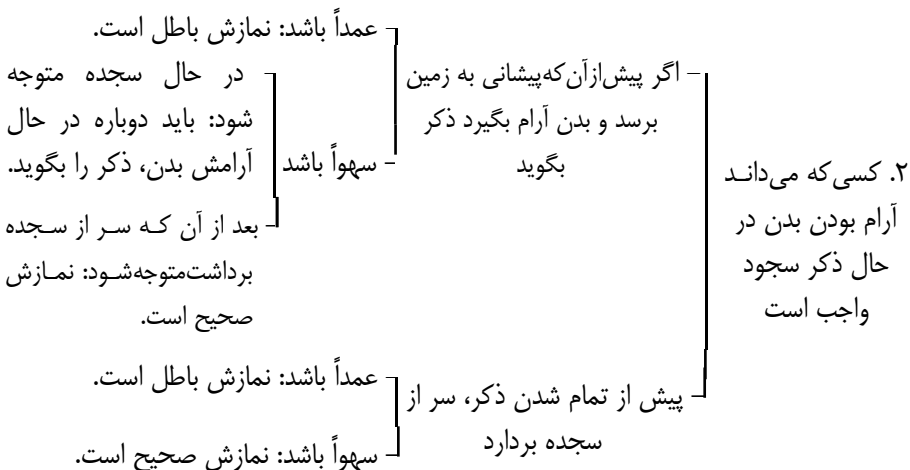
ذکر واجب در سجده عبارت است از یکبار گفتن «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ» یا سه بار گفتن «سُبْحَانَ اللَّهِ»، و اگر به جای آن ذکرهای دیگر، مانند «الْحَمْدُ لِلَّهِ»، «اللَّهُ أَكْبَرُ» و غیر آن به همان مقدار بگوید کافی است.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۹۳)

۳. آرامش بدن در حال ذکر سجده:

۱. در حال سجود هنگامی که ذکر واجب را می‌گوید، باید بدن آرام باشد، بلکه حتی در هنگامی که ذکر را به قصد استحباب آن در سجود می‌گوید، مانند تکرار «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ» و امثال آن، احتیاط واجب آن است که بدن را آرام نگهدارد.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۹۴)



(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۹۵ و ۲۹۶ و ۲۹۷)

۳. اگر بر روی تشک و امثال آن سجده کند که بدن در اول آرام نیست و بعد آرام می‌گیرد، اشکال ندارد.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۳۰۸)

۴. بر زمین بودن هفت عضو در هنگام ذکر:

۱. اگر در هنگامی که ذکر سجده را می‌گوید یکی از هفت عضو را عمداً از زمین بردارد، نماز باطل می‌شود، ولی موقعی که مشغول ذکر گفتن نیست اگر غیر پیشانی جاهای دیگر را از زمین بردارد و دوباره بگذارد اشکال ندارد.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۹۸)

۲. اگر پیش از تمام شدن ذکر سجده، پیشانی را سهواً از زمین بردارد نمی‌تواند دوباره به زمین بگذارد و باید آن را یک سجده حساب کند، ولی اگر جاهای دیگر را سهواً از زمین بردارد باید دو مرتبه به زمین بگذارد و ذکر را بگوید.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۹۹)

۳. اگر در هنگام سجده، پیشانی به محل سجده بخورد و بی اختیار از زمین بلند شود، باید دوباره

پیشانی را بر زمین بگذارد و ذکر سجود را بگوید، و یک سجده به حساب می‌آید.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۳۰۱)

۵. سر برداشتن و نشستن و آرامش بین دو سجده

بعد از تمام شدن ذکر سجده‌ی اول، باید بنشیند تا بدن آرام گیرد و دوباره به سجده رود.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۳۰۰)

۶. مساوی بودن جاهای سجده، مگر به اندازه‌ی چهار انگشت بسته

در حال سجده باید جای پیشانی از جای زانوها و سر انگشتان پا، بلندتر یا پایین‌تر از چهار انگشت بسته نباشد.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۳۰۲ و ۲۰۹)

۷. پاک بودن جایی که پیشانی را بر آن می‌گذارد

مهر یا چیز دیگری که بر آن سجده می‌کند باید پاک باشد، ولی اگر آن را روی فرش نجس بگذارد یا یک طرف آن نجس باشد و پیشانی را بر طرف دیگر بگذارد، اشکال ندارد.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۳۰۳ و ۲۰۷)

۸. حایل نبودن چیزی بین پیشانی و آنچه بر آن سجده می‌کند

باید میان پیشانی و آنچه بر آن سجده می‌کند، چیزی حایل نشود، بنابراین اگر حایلی در این وسط باشد، مانند موی سر یا گلاب یا چرک بودن مهر به حدی که پیشانی به خود مهر نرسد و غیره، سجده و نماز باطل است.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۴۹۱ و استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۳۰۴)

توجه

□ هرگاه هنگام سجده متوجه شود که پیشانی وی به خاطر مانع از قبیل چادر، روسری و مانند آن با مهر تماس ندارد، واجب است بدون این که سر خود را از زمین بلند کند، پیشانی‌اش را حرکت دهد تا روی مهر قرار بگیرد و اگر سرش را از زمین بلند کند، چنانچه این کار بر اثر جهل یا فراموشی بوده و فقط در یکی از دو سجده‌ی یک رکعت آن را انجام داده نمازش صحیح است و اعاده واجب نیست، ولی اگر این کار با علم و عمد بوده و یا در هر دو سجده‌ی یک رکعت آن را انجام داده نمازش باطل و اعاده‌ی آن واجب است.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۴۹۲ و ۴۹۳)

۹. گذاشتن پیشانی بر چیزی که سجده بر آن صحیح است

پیشانی باید روی چیزی قرار گیرد که سجده بر آن صحیح است.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۳۰۵)

۱۰. نشستن بعد از سجده‌ی دوم در رکعاتی که تشهد ندارد بنا بر احتیاط واجب

در رکعت اول و نیز در رکعت سوم نمازهای چهار رکعتی، بنا بر احتیاط واجب باید بعد از سجده‌ی

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۳۱۰)

دوم بنشیند و سپس برای رکعت بعد برخیزد.

تمرین ۳

۱. کم یا زیاد شدن یک سجده در نماز چه حکمی دارد؟
۲. آیا جایز است هنگام سجده، علاوه بر انگشت بزرگ پا، بعضی از انگشتان دیگر آن را هم بر زمین بگذاریم؟
۳. کسی که نمی‌تواند پیشانی را به زمین برساند وظیفه‌اش چیست؟
۴. آیا سجده بر روی تشک و امثال آن صحیح است؟
۵. آیا سجده بر مه‌ری که سیاه و چرک شود اشکال دارد؟
۶. آیا نشستن بعد از سجده‌ی دوم در رکعاتی که تشهد ندارد واجب است؟



نمازهای یومیه (۱۰)

واجبات نماز «۷»

۳. چیزهایی که سجده بر آنها صحیح است:

- | | | | | | | |
|---|---|------------------|---|--------------------------------------|---|---|
| <p>۱. خوردنی نباشد.
۲. پوشیدنی نباشد.
۳. معدنی نباشد.</p> | } | <p>به سه شرط</p> | [| <p>زمین
آنچه از زمین می‌روید</p> |] | <p>چیزهایی که سجده بر آنها صحیح است</p> |
|---|---|------------------|---|--------------------------------------|---|---|
۱. سجده‌ی نماز باید بر زمین یا گیاهان غیر خوراکی که از زمین می‌روید گزارده شود، مانند سنگ و خاک و چوب و برگ درختان و امثال آن، و سجده بر چیزهای خوراکی و پوشاکی، هر چند از زمین بروید، مانند پنبه و گندم، و چیزهای معدنی که از جنس زمین محسوب نمی‌شود، مانند فلزات و شیشه و امثال آن صحیح نیست.
(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۳۱۱)
۲. سجده بر سنگ مرمر و دیگر سنگهایی که در ساخت یا زینت بنا به کار می‌رود صحیح است، و همچنین سجده بر عقیق و فیروزه و در و امثال آن، هر چند احتیاط (مستحب) آن است که بر این دسته‌ی آخری سجده نکنند.
(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۳۱۲)
۳. سجده بر چیزهایی که از زمین می‌روید و فقط خوراک حیوان است، مانند علف و کاه، صحیح است.
(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۳۱۳)
۴. سجده کردن بر برگ سبز چای بنا بر احتیاط واجب صحیح نیست، ولی سجده بر برگ درخت قهوه که خود برگ، استفاده خوراکی ندارد صحیح است.
(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۳۱۴)
۵. سجده بر گلهایی که خوراکی نیستند و نیز داروهای گیاهی که از زمین می‌روید و فقط برای معالجه‌ی بیماریها به کار می‌آید، مانند گل ختمی و گل بنفشه صحیح است، ولی بر گیاهانی که در موارد غیر معالجه نیز برای خواص طبی که در آن است به مصرف خوراکی می‌رسد، مانند خاکشیر و امثال آن، درست نیست.
(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۳۱۵)
۶. گیاهانی که در بعضی از مناطق یا میان بعضی از مردم، خوردنی شمرده می‌شود، ولی دیگران از آن استفاده‌ی خوردنی نمی‌کنند، جزو خوراکیهاست و سجده بر آن صحیح نیست.
(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۳۱۶)

۷. سجده بر آجر و سفال و گچ و آهک و سیمان صحیح است. (استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۳۱۷)

۸. سجده بر کاغذی که از چوب و گیاهان - غیر از کتان و پنبه - ساخته می‌شود، درست است.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۳۱۸)

۹. اگر چیزی که سجده بر آن صحیح است ندارد، با به واسطه‌ی سرما یا گرما و مانند اینها نمی‌تواند بر آن سجده کند، چنانچه لباس او از جنس پنبه یا کتان است یا چیزی از جنس پنبه و کتان دارد باید بر آن سجده کند، و احتیاط (واجب) آن است که تا سجده بر لباسی که از پنبه و کتان باشد ممکن است بر غیر آن یعنی غیر لباسی که از این جنس باشد سجده نکند، و اگر ندارد بنا بر احتیاط واجب بر پشت دست خود سجده کند. (استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۳۲۰)

۱۰. اگر در بین نماز چیزی که بر آن سجده می‌کند گم شود و چیزی که سجده بر آن صحیح است در دسترس نداشته باشد، چنانچه وقت وسعت داشته باشد باید نماز را بشکند، و اگر وقت تنگ است به ترتیبی که در مسأله‌ی قبل گفته شد، عمل کند. (استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۳۲۲)

۱۱. جایی که انسان باید تقیه کند می‌تواند بر فرش و مانند آن سجده نماید، و لازم نیست برای نماز به جای دیگر برود، ولی اگر در همان محل بتواند طوری که به زحمت نیفتد بر حصیر یا سنگ و امثال آن سجده کند، باید بر این اشیا سجده نماید.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۳۰۷)

۱۲. اگر در سجده‌ی اول، مهر به پیشانی بچسبد باید برای سجده‌ی دوم مهر را از پیشانی بردارد، و اگر مهر را از پیشانی جدا نکند و به همان حال به سجده‌ی دوم برود اشکال دارد.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۳۲۱)

توجه

□ نیکوترین سجده، سجده بر خاک و روی زمین است که نشانه‌ی خضوع و خشوع در برابر حضرت باری تعالی است، و هیچ خاکی برای سجده در فضیلت به تربت مقدس سید الشهداء (ع) نمی‌رسد. (استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۳۱۹)

۴. برخی از مستحبات سجده

۱. پیش از سجده و پس از آن در حالی که بدن آرام گرفته است، تکبیر بگوید.

۲. میان دو سجده در حالی که بدنش آرام است، بگوید: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ».

۳. سجده را طولانی کند و در آن ذکر و دعا برای حاجت‌های دنیا و آخرت بخواند و صلوات بفرستد.

۴. بعد از سجده بر ران چپ بنشیند و روی پای راست را بر کف پای چپ بگذارد.

برخی از مستحبات
سجده

(اجوبه الاستفتاءات، س ۴۹۸ و ۴۹۹ و استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۳۲۴)

توجه

□ قرآن خواندن در حال سجده مکروه است (یعنی ثواب کمتری دارد). (استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۳۲۴)

دو نکته در ارتباط با سجده

□ سجده کردن برای غیر خداوند متعال حرام است، و بعضی از مردم که در آستانه‌ی در حرم امامان(ع) پیشانی بر زمین می‌گذارند، اگر به قصد سجده‌ی شکر خدای متعال باشد، اشکال ندارد و گرنه حرام است.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۳۲۳)

□ در هر یک چهار سوره‌ی الم تنزیل (سوره‌ی سجده)، حم سجده (سوره‌ی فصلت)، النجم، اقرء (سوره‌ی علق)، یک آیه‌ی سجده هست که اگر انسان بخواند یا به آن گوش دهد، باید پس از پایان آیه فوراً سجده کند، و اگر فراموش کرد هر وقت یادش آمد باید سجده نماید.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۳۲۵)

توجه

- | | | |
|---|---|-------------|
| <p>۱. آیه‌ی ۱۵ از سوره‌ی ۳۲ (سجده).
 ۲. آیه‌ی ۳۷ از سوره‌ی ۴۱ (فصلت).
 ۳. آیه‌ی ۶۲ از سوره‌ی ۵۳ (النجم).
 ۴. آیه‌ی ۱۹ از سوره‌ی ۹۶ (علق).</p> | } | □ آیات سجده |
|---|---|-------------|

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۸۹)

□ اگر به آیه‌ی سجده‌یی که از رادیو یا تلویزیون یا ضبط صوت و امثال آن پخش می‌شود، گوش دهد سجده واجب است.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۳۲۶)

□ در سجده‌ی واجب قرآن باید بر چیزهایی سجده کند که در نماز می‌تواند بر آنها سجده کند، ولی دیگر شرایط سجده‌ی نماز، مانند رو به قبله بودن، با وضو بودن و امثال آن در این سجده لازم نیست.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۳۲۷)

□ در سجده‌ی واجب قرآن، گذاشتن پیشانی بر زمین کافی است و لازم نیست در آن ذکر گفته شود، ولی گفتن ذکر در آن مستحب است، و بهتر است این ذکر را بگوید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيْمَانًا وَ تَصَدِيقًا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عِبُودِيَّةً وَ رِقًّا، سَجَدْتُ لَكَ يَا رَبِّ تَعَبُّدًا وَ رِقًّا، لَا مُسْتَكْفِرًا وَ لَا مُسْتَكْبِرًا، بَلْ أَنَا عَبْدٌ ذَلِيلٌ ضَعِيفٌ خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ».

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۳۲۸)

تمرین ۳

۱. چیزهایی که سجده بر آنها صحیح است کدامند؟ و چه شرایطی باید داشته باشند؟
۲. سجده بر کاغذ چه حکمی دارد؟
۳. اگر در بین نماز چیزی که بر آن سجده می‌کند گم شود و چیزی که سجده بر آن صحیح است در دسترس نداشته باشد وظیفه‌اش چیست؟
۴. نیکوترین سجده، کدام سجده است؟
۵. بعضی از مردم، در آستانه‌ی در حرم امامان(ع) پیشانی بر زمین می‌گذارند، آیا این کار صحیح است؟
۶. آیا اگر شخصی آیه‌ی سجده را از نوار یا رادیو گوش کند بایستی فوراً سجده کند؟



نمازهای یومیه (۱۱) واجبات نماز «۸»

۷. ذکر

۱. معنای ذکر

هر عبارتی که متضمن یاد خداوند « عز وجل » باشد « ذکر » محسوب می‌شود (مانند الله اکبر، الحمد لله، سبحان الله و...) و صلوات بر محمد و آل محمد(ص) از بهترین ذکرهاست.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۴۸۷)

۲. واجبات ذکر:

۱. اذکار نماز را باید طوری بخواند که تلفظ به آن محسوب شود، و نشانه‌ی آن این است که بتواند خودش آنچه را می‌خواند و بر زبان جاری می‌کند - اگر دچار سنگینی گوش یا سر و صدای محیط نیست - بشنود.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۲۶)

۲. واجب است همه‌ی ذکرهای واجب نماز به طور عربی صحیح قرائت شود، و اگر نمازگزار کیفیت صحیح تلفظ کلمات عربی را نمی‌داند واجب است یاد بگیرد، و اگر قادر به یادگیری نیست معذور است.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۴۶۷)

۳. واجب است تمام ذکرهای واجب و مستحب در حال استقرار و آرامش بدن خوانده شود، و در صورتی که بخواهد کمی جلو یا عقب برود یا بدن را کمی به طرف راست و چپ حرکت دهد، باید ذکر را که به خواندن آن مشغول است در حال این حرکت، قطع کند. بلی گفتن ذکر به قصد ذکر مطلق در حال حرکت اشکال ندارد.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۳۴۳ و استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۲۲ و ۲۲۳)

چند نکته در ارتباط به ذکر

□ اگر ذکرهای رکوع و سجده را به جای یکدیگر بگوید در صورتی که سهواً باشد اشکال ندارد، ولی اگر عمداً باشد جایز نیست مگر این که به قصد مطلق ذکر خداوند «عزوجل» بگوید.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۴۸۰ و ۴۸۱)

□ اگر بعد از رکوع و سجود متوجه شود ذکر رکوع یا سجده را اشتباه گفته، چیزی بر او واجب نیست.

(اجوبۃ الاستفتاءات، س ۴۸۲)

□ در سجده و رکوع بعد از قرائت ذکر واجب، تکرار همان ذکر واجب، افضل است و بهتر است که به عدد فرد ختم شود، و در سجده علاوه بر آنچه گفته شد صلوات و دعا برای حاجت‌های دنیا و آخرت مستحب است.

(اجوبۃ الاستفتاءات، س ۴۹۹)

□ مستحب است پیش از رفتن به رکوع و قبل و بعد از هر سجده تکبیر بگوید. این تکبیر باید در حال رفتن به رکوع یا سجود یا سر برداشتن از آن نباشد، ولی به طور کلی می‌تواند در هر حال از جمله در حال رفتن به رکوع و سجود یا سر برداشتن از آن، تکبیر و دیگر ذکرها را به قصد ذکر مطلق بگوید.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۲۳۳)

□ مستحب است ذکر «بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ أَقْوَمٌ وَ أَقْدَمٌ» (با حول و قوه الهی برمی‌خیزم و می‌نشینم) در حال قیام برای رکعت بعدی گفته شود.

(اجوبۃ الاستفتاءات، س ۴۸۶)

۸. تشهد

۱. معنای تشهد و حکم آن: در رکعت دوم همه‌ی نمازها و نیز در رکعت سوم نماز مغرب و رکعت چهارم نمازهای ظهر و عصر و عشا، نمازگزار باید پس از سجده‌ی دوم بنشیند و پس از آرام گرفتن بدن، جملاتی را که در ذکر تشهد گفته خواهد شد، بر زبان جاری کند. این عمل «تشهد» نامیده می‌شود.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۳۲۹)

۲. ذکر تشهد: ذکر واجب در حال تشهد این است: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ مُحَمَّدٍ».

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۳۳۰)

توجه

□ مستحب است پیش از جملات فوق بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ»، یا بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ خَيْرُ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ»، و نیز مستحب است پس از صلوات بگوید: «وَ تَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ وَ أَرْفَعْ دَرَجَتَهُ».

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۳۳۰)

□ در تشهد، وقف بر محمد(ص) در جمله‌ی «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ» و سپس قرائت عبارت «وَ آلِ مُحَمَّدٍ» به مقداری که به وحدت جمله ضرر نزنند اشکال ندارد.

(اجوبۃ الاستفتاءات، س ۴۶۴)

۳. کسی که تشهد را فراموش کرده است:

۱. اگر برای رکعت سوم بایستد، ولی پیش از رکوع یادش بیاید که تشهد را نخوانده است: باید بنشیند و تشهد را بخواند و دوباره بایستد و آنچه باید در آن رکعت خوانده شود، بخواند و نماز را تمام کند، و پس از نماز به خاطر ایستادن بی‌جا، بنا بر احتیاط مستحب، دو سجده‌ی سهو به جا آورد.

۲. اگر هنگامی که به رکوع رکعت سوم رفته یا بعد از آن یادش بیاید: باید نماز را تمام کند و بعد

از سلام، برای تشهد فراموش شده دو سجده‌ی سهو به جا آورد، و احتیاط (واجب) آن است که پیش از سجده‌ی سهو، تشهد فراموش شده را قضا کند. (استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۳۳۱ و ۳۳۲)

۹. سلام

۱. منظور از سلام و حکم آن: آخرین جزو نماز که با گفتن آن، نماز پایان می‌یابد «سلام» است. سلام (واجب) نماز به این است که بگوید: «السَّلَامُ عَلَیْكُمْ» و بهتر است که اضافه کند «وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ» یا بگوید: «السَّلَامُ عَلَینَا وَ عَلَی عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِینَ». (استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۳۳۳)

توجه

□ مستحب است پیش از دو سلام فوق بگوید: «السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا النَّبِیُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ».

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۳۳۳)

۲. کسی که سلام نماز را فراموش کرده است: اگر سلام نماز را فراموش کند و هنگامی یادش بیاید که صورت نماز به هم نخورده و کاری هم که عمدی و سهوی آن نماز را باطل می‌کند، مثل پشت کردن به قبله، انجام نداده، باید سلام را بگوید و نمازش درست است. (استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۳۳۴)

تمرین ۳

۱. مراد از ذکر چیست؟ آیا شامل صلوات بر پیامبر(ع) و خاندان آن حضرت می‌شود؟
۲. آیا قرائت عمدی ذکرهای رکوع و سجود به جای یکدیگر اشکال دارد؟
۳. در سجده و رکوع بعد از قرائت ذکر واجب، گفتن چه ذکرى افضل است؟
۴. آیا قرائت «بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ أَقُومُ وَ أَقْعُدُ» هنگام نماز در حال حرکت و قیام صحیح است؟
۵. آیا در تشهد وقف بر «محمد(ع)» در جمله «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ» و سپس قرائت عبارت «وَأَلِّ مُحَمَّدٌ» صحیح است؟
۶. کسی که سلام نماز را فراموش کرده چه وظیفه‌ی دارد؟



نمازهای یومیه (۱۲)

واجبات نماز «۹» - قنوت - تعقیب

۱. ترتیب

۱. منظور از ترتیب و حکم آن: نمازگزار باید نماز را به ترتیبی که گفته شد انجام دهد و هر یک از اجزای آن را در جای خود بیاورد، پس اگر عمداً این ترتیب را به هم زند، مثلاً سوره را پیش از حمد بخواند یا سجود را پیش از رکوع به جا آورد، نماز باطل می‌شود.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۳۳۵)

۲. رعایت نکردن سهوی ترتیب:

۱. رکنی را بر رکن دیگر مقدم داشته است، مانند آن که دو سجده را فراموش کند و پس از آن که به رکوع رکعت بعد رفت یادش بیاید: نماز باطل است.

۲. غیر رکنی را بر رکن مقدم داشته است، مانند آن که دو سجده را فراموش کند و تشهد بخواند و آنگاه یادش بیاید که دو سجده را به جا نیاورده است: باید رکن را به جا آورد، و آنچه را اشتباهاً پیش از آن خوانده دوباره بخواند.

۳. رکنی را بر غیر رکن مقدم داشته است، مانند آنکه که حمد را فراموش کند و پس از آن وارد رکوع شد متوجه شود که حمد را نخوانده است: نمازش صحیح است.

۴. غیر رکنی را بر غیر رکن مقدم داشته است، مانند آن که حمد را فراموش کند و به خواندن سوره مشغول شود، ولی پیش از آن که به رکوع برود متوجه شود که حمد را نخوانده است: در این صورت، باید آنچه را فراموش کرده (مثلاً حمد) بخواند و بعد از آن، چیزی را که اشتباهاً جلوتر خوانده (مثلاً سوره) دوباره بخواند.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۳۳۶ و ۳۳۷ و ۳۳۸ و ۳۳۹)

مقدم شدن
سهوی جزئی
بر جزء دیگر

۱۱. موالات

نمازگزار باید اجزای نماز، مانند رکوع و سجود و تشهد و غیره را با «موالات» یعنی پی در پی به جا

آورد و میان آنها فاصله‌ی طولانی و غیر متعارف نیندازد، پس اگر میان اجزای نماز به قدری فاصله شود که در نظر بیننده از حالت نماز خواندن خارج شود، نمازش باطل است. (استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۳۴۰)

توجه

□ اگر میان کلمه‌ها یا حروف یک کلمه سهواً فاصله‌ی غیر متعارف بیندازد، ولی به طوری نباشد که صورت نماز از بین برود، اگر در وقتی ملتفت شود که وارد رکن بعد از آن شده است، نماز صحیح است و تکرار آن کلمات و جملات لازم نیست، ولی اگر پیش از وارد شدن در رکن بعدی ملتفت شود باید برگردد و آن‌ها را دوباره بخواند. (استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۳۴۱)

۸. قنوت

۱. معنای قنوت و حکم آن

در همه‌ی نمازهای واجب و مستحب، مستحب است که در رکعت دوم پس از پایان حمد و سوره و پیش از رکوع، دستها را به دعا بردارد و دعا بخواند. این عمل را «قنوت» می‌نامند.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۳۴۲)

توجه

□ در نماز جمعه، قنوت را در رکعت اول، پیش از رکوع و در رکعت دوم بعد از رکوع به جا می‌آورد.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۳۴۲)

□ در نماز عید فطر و قربان، در رکعت اول پنج قنوت و در رکعت دوم چهار قنوت به جا می‌آورد.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۳۴۲)

۲. ذکر قنوت

در قنوت می‌تواند هر ذکر یا دعا یا آیه‌ی از قرآن را بخواند و حتی می‌تواند به یک «صلوات» یا سُبْحَانَ اللَّهِ یا بِسْمِ اللَّهِ یا «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» اکتفا کند، ولی بهتر است دعاهایی را بخواند که در قرآن آمده است، مانند «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ»، یا ذکرها و دعاهایی که از ائمه (ع) نقل شده است، مانند این ذکر: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ، وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ، وَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۳۴۳)

۹. تعقیب

تعقیب نماز لازم نیست به عربی باشد، ولی بهتر است دعاها و ذکرهایی را بخواند که از ائمه (ع)

رسیده است، و از جمله‌ی بهترین آنها، ذکرِی است که به تسبیح حضرت زهرا(س) معروف است، و آن عبارت است: ۳۴ مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ»، ۳۳ مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ»، و ۳۳ مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ».

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۳۴۵)

توجه

□ در کتابهای دعا، تعقیباتی با مضامین عالی و عبارات زیبا از ائمه (ع) نقل شده است.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۳۴۵)

□ مستحب است پس از نماز، سجده‌ی شکر کند یعنی به قصد شکر همه‌ی نعمتها و نعمت توفیق الهی بر نماز، پیشانی را بر زمین بگذارد و بهتر آن است که سه مرتبه یا بیشتر بگوید: «شُكْرًا لِلَّهِ».

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۳۴۶)

تمرین

۱. اگر اشتباهاً رکنی را بر رکن دیگر مقدم بدارد نمازش چه حکمی دارد؟
۲. فرق میان ترتیب و موالات در نماز چیست؟
۳. حکم ترک موالات در نماز را بیان نمایید؟
۴. نماز عید فطر و قربان چند قنوت دارد؟
۵. آیا می‌توان در قنوت به یک صلوات اکتفا کرد؟
۶. در تعقیب نماز، بهتر است چه دعا و ذکر را خواند؟



نمازهای یومیه (۱۳) ترجمه‌ی نماز

۱۰. ترجمه‌ی نماز

شایسته است که نمازگزار، الفاظ و اذکار نماز را با توجه به معنای آن و با خشوع و حضور قلب بر زبان بیاورد تا از فرصت نماز، برای پاکیزه شدن روح و نزدیک شدن دل به خدای بزرگ و مهربان بهره ببرد.

۱. ترجمه‌ی سوره‌ی حمد

۱. بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ: «به نام خدا که رحمت و فیض بی دریغ او در دنیا همه‌ی انسانها را در برمی‌گیرد و رحمت و بخشایش ابدی او به مؤمنان اختصاص دارد».
۲. الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ: «سپاس و ستایش، مخصوص خدا است که پروردگار همه‌ی جهانیان است».
۳. الرَّحْمَنُ الرَّحِيمِ: «آن که رحمان است (بخشنده‌ی و فضل او در دنیا شامل همه‌ی انسانها است) و رحیم است (بخشایش و فضل ابدی او ویژه‌ی مؤمنان است)».
۴. مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ: «آن که دارنده و صاحب اختیار روز جزا (قیامت) است».
۵. إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ: «فقط تو را بندگی می‌کنیم و فقط از تو کمک می‌طلبیم».
۶. اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ: «ما را به راه راست هدایت کن».
۷. صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ: «به راه آن کسانی که به آنان نعمت دادی (نور معرفت خود را بر دل آنان تاباندی)».
۸. غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ: «آنان که به غضب تو گرفتار نشدند و به گمراهی دچار نگشتند. (یعنی پس از نعمت بزرگی که به آنان بخشیدی، ناسپاسی و عصیان نکردند تا موجب غضب تو و گمراهی خود شوند)».

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز)

۲. ترجمه‌ی سوره‌ی توحید

۱. بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ «ترجمه‌ی آن قبلاً گذشت».
۲. قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ: «بگو اوست خدای یکتا».
۳. اللَّهُ الصَّمَدُ: «خدا بی نیاز است و همگان روی نیاز به او دارند».
۴. لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ: «فرزند ندارد و فرزند کسی نیست».
۵. وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ: «و هیچکس همتای او نیست».

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز)

۳. ترجمه‌ی ذکرهای رکوع و سجود و برخی مستحبات

۱. سُبْحَانَ اللَّهِ: «پاک و منزّه است خدا».
۲. سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ: «پاک و منزّه است پروردگار من که بزرگ است، و او را ستایش می‌کنم».
۳. سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ بِحَمْدِهِ: «پاک و منزّه است پروردگار من که برترین است، و او را ستایش می‌کنم».
۴. سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمَدَهُ: «عنایت خدا متوجه آن کسی باد که تو را ستایش می‌کند».
۵. أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ: «از خدا که پروردگار من است آمرزش می‌خواهم و به او باز می‌گردم».
۶. بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ أَقُومُ وَ أَقْعُدُ: «با اراده و نیروی خدا است که بر می‌خیزم و می‌نشینم».

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز)

۴. ترجمه‌ی ذکرهای قنوت

۱. رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً: «پروردگارا! به ما نیکی در دنیا و نیکی در آخرت را عطا کن».
۲. وَ قَنَا عَذَابَ النَّارِ: «و ما از عذاب آتش دور نگاهدار».
۳. لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ: «نیست معبودی به جز خدای بردبار و بخشنده».
۴. لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ: «نیست معبودی به جز خدای والا و بزرگ».
۵. سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ: «پاک و منزّه است خدا که پروردگار هفت آسمان است».
۶. وَ رَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ: «و پروردگار هفت زمین است».
۷. وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ: «و پروردگار هر چیزی است که در آنها یا مابین آنها است».
۸. وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ: «و پروردگار عرش بزرگ است».
۹. وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ: «و ستایش و سپاس مخصوص خداست که پروردگار جهانیان است».

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز)

۵. ترجمه‌ی تَسْبِيحَاتِ اَرْبَعَه

۱. سُبْحَانَ اللَّهِ: «پاک و منزّه است خدا».
۲. وَالْحَمْدُ لِلَّهِ: «و سپاس و ستایش مخصوص خداست».
۳. وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ: «و هیچ معبودی به جز خدا نیست».
۴. وَ اللَّهُ أَكْبَرُ: «و خدا بزرگتر است».

(استفنا از دفتر معظم له، باب نماز)

۶. ترجمه‌ی تَشْهَدِ و سَلَام

۱. الْحَمْدُ لِلَّهِ: «سپاس و ستایش مخصوص خدا است».
۲. أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ: «گواهی می‌دهم که هیچ معبودی نیست به جز خدا».
۳. وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ: «یکتا و بی شریک».
۴. وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ: «و گواهی می‌دهم که محمد بنده‌ی او و فرستاده‌ی اوست».
۵. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ: «خداوندا! درود و رحمت فرست بر محمد و آل محمد».
۶. وَ تَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ وَ ارْفَعْ دَرَجَتَهُ: «و شفاعت او را قبول و درجه‌ی او را بلند فرما».
۷. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ: «درود بر تو باد ای پیامبر! و رحمت خدا و برکات او از آن تو باد».
۸. السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ: «درود بر ما و بندگان شایسته خدا».
۹. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ: «درود بر شما (مؤمنان - فرشتگان) و رحمت خدا و برکات او از آن شما باد».

(استفنا از دفتر معظم له، باب نماز)

تمرین ۳

۱. سوره‌ی حمد را ترجمه کنید؟
۲. ترجمه‌ی سوره‌ی توحید چیست؟
۳. «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ» یعنی چه؟
۴. «بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ أَقُومُ وَ أَقْدُ» به چه معناست؟
۵. «وَ تَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ وَ ارْفَعْ دَرَجَتَهُ» را معنا کنید؟
۶. ترجمه‌ی سلام را بیان نمایید؟



نمازهای یومیه (۱۴) مبطلات نماز

۱۱. مبطلات نماز

۱. از بین رفتن یکی از چیزهایی که باید در حال نماز رعایت شود، مثل پوشش واجب یا غصبی نبودن مکان.
۲. باطل شدن وضو.
۳. پشت به قبله نماز خواندن.
۴. حرف زدن.
۵. دست بسته نماز خواندن آن گونه که بعضی از فرق اسلامی انجام می‌دهند.
۶. آمین گفتن بعد از حمد.
۷. خندیدن.
۸. گریه کردن.
۹. به هم خوردن صورت نماز، مانند کف زدن و به هوا پریدن.
۱۰. خوردن و آشامیدن.
۱۱. شک‌هایی که نماز را باطل می‌کند، مانند شک در رکتهای نماز دو رکعتی یا سه رکعتی.
۱۲. کم و زیاد کردن ارکان، مانند کم و زیاد کردن رکوع.

مبطلات نماز

توجه

□ به چیزهایی که نماز را باطل می‌کند «مبطلات نماز» می‌گویند.

۱. از بین رفتن یکی از چیزهایی که باید در حال نماز رعایت شود

اگر در بین نماز، یکی از چیزهایی که باید در حال نماز رعایت شود، از بین برود، مثلاً در حال نماز بفهمد که مکانش غصبی است یا پوشش واجب را ندارد، نماز باطل است.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۳۴۸)

۲. باطل شدن وضو

اگر یکی از چیزهایی که وضو یا غسل را باطل می‌کند در اثنای نماز پیش بیاید، مانند آن که در وسط نماز به خواب برود یا بول و امثال آن از او خارج شود، نماز باطل است.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۳۴۹)

۳. پشت به قبله نماز خواندن

اگر عمداً صورت و بدن خود را با هم یا به تنهایی از قبله بگرداند، به طوری که بتواند طرف راست و چپ خود را به آسانی ببیند، نمازش باطل است، و اگر سهواً هم این کار را بکند بنا بر احتیاط واجب نمازش باطل است، ولی اگر اندکی صورت را به دو طرف بگرداند، نماز باطل نمی‌شود.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۳۵۰)

۴. حرف زدن

اگر در نماز عمداً حرف بزند، حتی اگر یک کلمه باشد، نماز باطل است. (استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۳۵۱)

توجه

□ بلند کردن صدا هنگام قرائت آیات یا ذکرهای نماز برای آگاه کردن دیگران، اگر موجب خروج از هیأت نماز نشود اشکال ندارد مشروط به این که قرائت و ذکر به نیت قرائت و ذکر باشد. (اجوبه الاستفتاءات، س

۵۰۴)

□ اگر شخصی به گروهی سلام کند و بگوید: «السَّلَامُ عَلَیْكُمْ جَمِیعاً» و یکی از آنها مشغول نماز باشد، چنانچه کس دیگری جواب وی را بدهد نماز گزار نباید اقدام به جواب گفتن کند. (اجوبه الاستفتاءات، س ۵۱۳)

□ جواب دادن تحیتی که به صیغه‌ی سلام نیست، در حال نماز جایز نیست، ولی اگر در حال نماز نباشد، اگر کلامی است که عرف آن را تحیت محسوب می‌کند احتیاط (واجب) جواب گفتن آن است.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۵۱۰)

چند نکته در ارتباط با سلام

□ جواب سلام کودکان ممیز، اعم از پسر و دختر، مانند جواب سلام زنان و مردان واجب است.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۵۱۱)

□ اگر کسی سلام را بشنود ولی به دلیل غفلت یا هر سبب دیگر، جواب سلام را ندهد به طوری که زمان کمی فاصله شود، چنانچه تأخیر به مقداری باشد که جواب سلام و رد تحیت محسوب نشود، جواب دادن واجب نیست.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۵۱۲)

□ اگر هنگام سلام دادن به جای «سَلَامٌ عَلَیْكُمْ» از لفظ «سلام» استفاده شود چنانچه عرفاً بر آن تحیت

و سلام صدق نماید، جواب دادن واجب است. (اجوبۃ الاستفتاءات، س ۵۱۵)
 اگر شخصی در یک زمان چند بار سلام کند، یک جواب کافی است، و اگر چند نفر در یک زمان، سلام دهند یک جواب به صیغه‌یی که شامل همه‌ی آنها گردد (مثل سلام علیکم) و به قصد جواب سلام آنها باشد کفایت می‌کند. (اجوبۃ الاستفتاءات، س ۵۱۴)
 ۵. تکتف

دست بسته نماز خواندن آن گونه که بعضی از فرق اسلامی انجام دهند جایز نیست مگر در موارد ضرورت.

۶. آمین گفتن بعد از حمد

گفتن آمین بعد از قرائت سوره‌ی حمد جایز نیست (و نماز را باطل می‌کند) مگر در حال تقیه.

(اجوبۃ الاستفتاءات، س ۵۰۳)

۷. خندیدن

خنده با صدا و عمدی (یعنی قهقهه) نماز را باطل می‌کند.

(اجوبۃ الاستفتاءات، س ۵۰۵)

۸. گریه کردن

گریه با صدا و عمدی برای امور دنیوی نماز را باطل می‌کند ولی اگر از ترس خداوند یا برای امور اخروی گریه کند، اشکال ندارد بلکه از بهترین اعمال است.

۹. به هم خوردن صورت نماز، مانند کف زدن و به هوا پریدن

کاری که صورت نماز را به هم بزند نماز را باطل می‌کند، مثل کف زدن و به هوا پریدن.

(اجوبۃ الاستفتاءات، س ۵۰۴)

توجه

هرگاه در اثنای نماز برای فهماندن چیزی به کسی و یا در جواب سؤال او، مختصری دست یا چشم و ابرو را حرکت دهد به گونه‌یی که با استقرار و آرامش و یا هیأت نماز منافات نداشته باشد، نماز باطل نمی‌شود. (اجوبۃ الاستفتاءات، س ۵۰۴)

چند نکته در ارتباط با مبطلات نماز

بستن چشمها در نماز مانع شرعی ندارد (و نماز را باطل نمی‌کند)، گر چه مکروه است. (اجوبۃ الاستفتاءات، س ۵۰۷)
 مالیدن دستها به صورت بعد از قنوت در حال نماز کراهت دارد، ولی نماز را باطل نمی‌کند. (اجوبۃ الاستفتاءات، س ۵۰۶)

برای مکلف، اظهار حسد و کینه و دشمنی با دیگران جایز نیست، ولی این امور باعث بطلان نماز نمی‌شود. (اجوبۃ الاستفتاءات، س ۷۲۴)



نمازهای یومیه (۱۵) شکایات نماز

۱۲. شکایات نماز

شکایات نماز ۲۳ قسم است }
 ۸ قسم شکهای باطل. }
 ۶ قسم شکهایی که نباید به آن اعتنا کرد. }
 ۹ قسم شکهای صحیح. }

۱. شکهای باطل

۱. شک در رکتهای نماز دو رکعتی، مانند نماز صبح و نماز مسافر.
 ۲. شک در رکتهای نماز ۳ رکعتی (مغرب).
 ۳. شک در نماز چهار رکعتی هرگاه یک طرف شک، یک باشد، مثل این که شک کند یک رکعت خوانده یا سه رکعت.
 ۴. شک در نماز چهار رکعتی پیش از تمام شدن سجده‌ی دوم در حالی که یک طرف شک دو باشد، مانند شک دو و سه، قبل از اتمام دو سجده.
 ۵. شک بین دو و پنج یا بیشتر از پنج.
 ۶. شک بین سه و شش یا بیشتر از شش.
 ۷. شک بین چهار و شش یا بیشتر از شش.
 ۸. شک در عدد رکتهای نماز که اصلاً نداند چند رکعت خوانده است.
- شکهایی که نماز را باطل می‌کند

۲. شکهایی که اعتبار ندارد

- | | |
|---|-----------------------------------|
| ۱. شک بعد از محل، مثل این که بعد از داخل شدن در رکوع، شک در حمد و سوره کند. | شکهایی که نباید به آنها اعتنا کرد |
| ۲. شک بعد از سلام. | |
| ۳. شک بعد از گذشتن وقت نماز. | |
| ۴. شک کثیر الشک یعنی کسی که زیاد شک می کند. | |
| ۵. شک امام و مأوم. | |
| ۶. شک در نمازهای مستحبی. | |

توجه

□ اگر شخصی بعد از چند سال شک کند که نمازهایش صحیح بوده یا نه، به شک خود اعتنا نکند؛ (زیرا به شک بعد از عمل اعتنا نمی شود).

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۵۱۹)

□ کثیرالشک باید بنا بر انجام کاری بگذارد که در آن شک کرده است، مگر آن که موجب بطلان نماز شود که در این صورت بنا بر عدم انجام آن می گذارد، بدون این که در این مورد فرقی بین رکعتها و افعال و اقوال نماز باشد (مثلاً اگر شک کند سجده یا رکوع به جا آورده یا نه، بنا بگذارد که به جا آورده است، هر چند از محل آن نگذشته است، اما اگر شک کند نماز صبح را دو رکعت خوانده یا سه رکعت بنا بگذارد که دو رکعت خوانده است).

(اجوبة الاستفتاءات، س ۵۱۸)

□ شک در اقوال و افعال نافله همان حکم شک در اقوال و افعال نماز فریضه را دارد یعنی اگر از محل آن تجاوز نکرده است به آن اعتنا می شود و اگر از محل انجام آن تجاوز کرده است به آن اعتنا نمی شود (مثلاً اگر شک در حمد یا رکوع کند، چنانچه از محل آن نگذشته است باید به جا آورد و اگر از محل آن گذشته است اعتنا نکند).

(اجوبة الاستفتاءات، س ۵۱۷)

۳. شکهایی صحیح

- | | |
|---|---|
| ۱. شک میان دو و سه بعد از سر برداشتن از سجدهی دوم. | شک در عدد رکعتهای نمازهای چهار رکعتی در ۹ صورت صحیح است |
| ۲. شک میان دو و چهار بعد از سر برداشتن از سجدهی دوم. | |
| ۳. شک میان دو و سه و چهار بعد از سر برداشتن از سجدهی دوم. | |
| ۴. شک میان چهار و پنج بعد از سر برداشتن از سجدهی دوم. | |
| ۵. شک میان سه و چهار در هر جای نماز. | |
| ۶. شک میان چهار و پنج در حال ایستاده. | |
| ۷. شک میان سه و پنج در حال ایستاده. | |
| ۸. شک میان سه و چهار و پنج در حال ایستاده. | |
| ۹. شک میان پنج و شش در حال ایستاده. | |

دو نکته در ارتباط با شکیات نماز

□ تعداد رکعت‌های نماز احتیاط (که برای شک در رکعت‌های نماز به جا آورده می‌شود) به تعداد کمبود احتمالی در نماز است، بنابراین در شک بین دو و چهار، دو رکعت نماز احتیاط، واجب است، و در شک بین سه و چهار، یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته واجب است. (اجوبة الاستفتاءات، س ۵۲۲)

□ اگر کلمه‌یی از ذکرهای نماز یا آیات قرآنی یا دعاهای قنوت، سهواً غلط خوانده شود سجده‌ی سهو واجب نیست. (اجوبة الاستفتاءات، س ۵۲۳)

تمرین ۳

۱. شکهای باطل چند تا است؟ نام ببرید؟
۲. شکهایی که نباید به آنها اعتنا کرد را ذکر نمایید؟
۳. با توجه به این که کثیر الشک نباید به شک خود اعتنا کند، اگر برای او در نماز شکی پیش آمد، وظیفه‌اش چیست؟
۴. آیا در نماز نافله به شک در غیر از رکعت‌های آن، مثل شک در این که یک سجده انجام داده یا دو سجده، اعتنا می‌شود؟
۵. شکهای صحیح کدامند.
۶. برای مکلف، دانستن تعداد رکعت‌های نماز احتیاط که یک رکعت است یا دو رکعت، چگونه ممکن است؟



نمازهای یومیه (۱۶)

نماز جمعه

۱۳. نماز جمعه

۱. حکم نماز جمعه

۱. نماز جمعه که در روزهای جمعه به جای نماز ظهر خوانده می‌شود در عصر حاضر (زمان غیبت امام(عج)) واجب تخییری است، ولی در این زمان که حکومت عدل اسلامی در ایران برپا است احتیاط مستحب آن است که حتی المقدور نماز جمعه ترک نشود.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۶۰۶ و ۶۰۹ و استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۱۵۷)

توجه

□ معنای واجب تخییری این است که مکلف در ادای فریضه‌ی واجب ظهر روز جمعه، بین خواندن نماز جمعه یا نماز ظهر مخیر است.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۶۰۷)

□ هر چند نماز جمعه در عصر حاضر واجب تخییری است و حضور در آن واجب نیست، ولی با توجه به فواید و آثار شرکت در آن، سزاوار نیست که مؤمنین خود را از برکات حضور در این نماز به صرف عذرهای واهی محروم سازند.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۶۰۶)

□ شرکت زنان در نماز جمعه اشکال ندارد و دارای ثواب جماعت است.

(اجوبه الاستفتاءات، س

۵۹۵)

□ خودداری از شرکت در نماز عبادی سیاسی جمعه به صورت دائم، وجه شرعی ندارد و اگر ترک حضور و شرکت نکردن در آن به خاطر اهمیت ندادن به آن باشد شرعاً مذموم است.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۶۰۸ و ۶۰۹)

□ کسی که در نماز جمعه شرکت نکرده است می‌تواند نماز ظهر و عصر را در اول وقت بخواند و واجب نیست صبر کند تا نماز جمعه تمام شود.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۶۱۰ و ۶۳۱)

□ اقامه‌ی نماز جماعت ظهر، همزمان با اقامه‌ی نماز جمعه در مکان دیگری نزدیک محل اقامه‌ی

نماز فی نفسه اشکال ندارد و موجب براءت ذمهی مکلف از فریضه‌ی ظهر جمعه می‌شود؛ زیرا در عصر حاضر، نماز جمعه واجب تخییری است، ولی با توجه به این که اقامه‌ی نماز جماعت ظهر در روز جمعه در مکان نزدیک محل اقامه‌ی نماز جمعه باعث تفرقه‌ی صفوف مؤمنین می‌شود و چه بسا در نظر مردم بی احترامی و اهانت به امام جمعه و کاشف از بی‌اعتنایی به نماز جمعه است، بنابراین سزاوار است که مؤمنین اقدام به انجام آن نکنند و بلکه در صورتی که مستلزم مفاسد و حرام باشد واجب است از اقامه‌ی آن اجتناب نمایند.

(اجوبه‌الاستفتاءات، س ۶۱۰)

۲. نماز جمعه مجزی از نماز ظهر است. (به عبارت دیگر نماز جمعه جانشین نماز ظهر جمعه می‌شود).

(اجوبه‌الاستفتاءات، س ۶۱۱)

توجه

□ نماز جمعه هر چند مجزی از نماز ظهر است، ولی خواندن نماز ظهر بعد از نماز جمعه از باب احتیاط اشکال ندارد، حتی اگر امام جمعه نماز ظهر را بعد نماز جمعه نخواند، و اگر بخواهد با مراعات احتیاط در خواندن نماز ظهر پس از خواندن نماز جمعه، نماز عصر را به جماعت بخواند احتیاط کامل این است که به کسی اقتدا نماید که نماز ظهر را احتیاطاً بعد از نماز جمعه خوانده است.

(اجوبه‌الاستفتاءات، س ۶۱۱ و ۶۱۲)

□ شرکت در نماز جمعه که از طرف دانشجویان شوراهای اسلامی در کشورهای اروپایی و غیر آنها برگزار می‌شود، و بیشتر شرکت‌کنندگان در آن و همچنین امام جمعه از برادران اهل سنت هستند برای حفظ وحدت و اتحاد مسلمانان اشکال ندارد و در این صورت خواندن نماز ظهر بعد از نماز جمعه واجب نیست.

(اجوبه‌الاستفتاءات، س ۶۲۱)

□ نماز جمعه از مأموم مسافر صحیح و مجزی از نماز ظهر است.

(اجوبه‌الاستفتاءات، س ۶۲۵)

□ مجروحان جنگی که قطع نخاع شده‌اند و قدرت نگهداری بول را ندارند جایز است در نماز جمعه شرکت کنند، ولی با توجه به این که بر آنان واجب است که بعد از وضو گرفتن بدون فاصله‌ی زمانی، شروع به خواندن نماز کنند، بنابراین وضوی قبل از خطبه‌های نماز جمعه در صورتی برای خواندن نماز جمعه کافی است که بعد از وضو حدیثی از آنان سر نزنند.

(اجوبه‌الاستفتاءات، س ۱۱۵)

۲. شرایط نماز جمعه

۱. به جماعت خواندن.
۲. حداقل پنج نفر بودن، یک نفر امام و چهار نفر مأموم.
۳. رعایت تمام شرایطی که در نماز جماعت معتبر است، مثل اتصال صفوف.
۴. بین دو نماز جمعه، حداقل یک فرسخ فاصله بودن.

شرایط نماز جمعه

۱. به جماعت خواندن: از شرایط صحت نماز جمعه، این است که به صورت جماعت اقامه شود. نماز جمعه به نحو فردی، هر چند در کنار کسانی که آن را به صورت جماعت بر گزار می‌کنند، صحیح

نیست.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۶۲۴)

۳. رعایت تمام شرایطی که در نماز جماعت معتبر است، مثل اتصال صفوف: تمام شرایطی که در نماز جماعت باید رعایت شود در نماز جمعه هم معتبر است، مانند اتصال صفوف.

توجه

□ امام جمعه باید عادل باشد، از این رو اقتدا به کسی که او را عادل نمی‌داند و یا در عدالت وی شک دارد صحیح نیست و نماز جمعه‌ی او هم صحیح نمی‌باشد، ولی حضور و شرکت در نماز جمعه برای حفظ وحدت اشکال ندارد، و در هر صورت -چه در نماز جمعه شرکت کند یا نکند- حق ندارد دیگران را ترغیب و تشویق به عدم حضور در نماز جمعه نماید.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۶۱۶)

□ اگر شک در عدالت امام جمعه یا یقین به عدم عدالت وی بعد از فراغ از نماز باشد، نمازهای خوانده شده صحیح است و اعاده‌ی آنها واجب نیست.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۶۲۰)

□ نصب امام جمعه به امامت جمعه اگر موجب وثوق و اطمینان مأموم به عدالت وی شود در صحت اقتدا به او کافی است.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۶۱۸ و ۶۱۹)

□ صرف کشف خلاف چیز یا چیزی که امام جمعه گفته، دلیل بر دروغگویی او نیست؛ زیرا ممکن است گفته‌ی او از روی اشتباه یا خطا و یا توریه باشد، و سزاوار نیست انسان به صرف توهم خروج امام جمعه از عدالت، خود را از برکات نماز جمعه محروم نماید.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۶۱۷)

□ امام جمعه در هر نقطه از جهان اسلام را باید حاکم عادل اسلامی معین کند.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۱۵۸)

□ امام جمعه‌ی منصوب در صورت نبود مانع یا معارض جایز است نماز جمعه را در غیر از مکانی که برای آنجا نصب شده اقامه نماید.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۶۱۴)

□ جایز است امام جمعه‌ی منصوب، شخصی را به عنوان جانشین موقت برای خودش انتخاب نماید، ولی بر امامت فرد نایب، احکام انتصاب از طرف ولی فقیه مترتب نمی‌شود.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۶۱۵)

□ اقامه‌ی نماز جمعه به امامت نایب امام جمعه‌ی منصوب و اقتدای امام منصوب به نایب خود اشکال ندارد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۶۳۲)

۴. بین دو نماز جمعه حداقل یک فرسخ فاصله بودن: فاصله‌ی دو نماز جمعه باید کمتر از یک فرسخ نباشد که اگر در کمتر از یک فرسخ، دو نماز جمعه خوانده شود نماز اولی صحیح و دومی باطل است و در صورتی که مقارن هم اقامه شوند هر دو باطل می‌باشند.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۶۲۳)

۳. وقت نماز جمعه

وقت نماز جمعه از اول زوال خورشید (اول ظهر) شروع می‌شود و احتیاطاً (واجب) آن است که آن را از اوایل عرفی وقت نماز ظهر در حدود یکی دو ساعت به تأخیر نیندازند.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۶۳۰ و استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۱۵۹)

۴. کیفیت نماز جمعه

۱. نماز جمعه دو رکعت است مانند نماز صبح، ولی دو خطبه دارد که توسط امام جمعه قبل از نماز ایراد می‌شود.

۲. مستحب است قرائت نماز جمعه بلند، و در رکعت اول سوره‌ی جمعه و در رکعت دوم، سوره‌ی منافقون خوانده شود، و همچنین مستحب است خواندن دو قنوت یکی در رکعت اول پیش از رکوع و دیگری در رکعت دوم پس از رکوع.

توجه

□ هرگاه کسی به خطبه‌های نماز جمعه نرسد و در نماز شرکت کند نماز او صحیح است حتی اگر امام را در رکوع رکعت آخر نماز جمعه درک نماید.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۶۲۹)

□ عنوان ائمه مسلمین (که در خطبه‌ی دوم نماز جمعه، امام جمعه بر آنها درود می‌فرستد) شامل حضرت زهرا (س) نمی‌شود و ذکر نام مبارک آن حضرت در خطبه‌ی نماز جمعه واجب نیست، ولی تبرک جستن به ذکر نام شریف آن حضرت اشکال ندارد بلکه امری پسندیده و موجب اجر و ثواب است.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۶۲۶)

□ خطبه‌های نماز جمعه را می‌توانند قبل از ظهر ایراد کنند، گرچه احتیاط (مستحب) آن است که قسمتی از آن در وقت ظهر باشد و احوط (احتیاط بیشتر) آن است که تماماً بعد از دخول وقت ایراد شود.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۶۲۸ و استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۱۶۰)

چند نکته در ارتباط با نماز جمعه

□ انجام هر گونه کاری که منجر به بروز اختلاف بین مؤمنین و پراکندگی صفوف آنان شود جایز نیست، چه رسد به مثل نماز جمعه که از شعایر اسلامی و از مظاهر وحدت صفوف مسلمانان است.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۶۲۲)

□ اقتدا در نماز عصر روز جمعه به غیر امام جمعه اشکال ندارد.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۶۱۱)

□ اقتدا به امام جمعه در نماز جمعه برای خواندن نماز واجب دیگر از نظر صحت، محل اشکال است.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۶۲۷)

تمرین ۳

۱. معنای وجوب تخییری در مسأله‌ی نماز جمعه چیست؟
۲. آیا اقامه‌ی نماز جماعت ظهر همزمان با اقامه‌ی نماز جمعه در مکان دیگری نزدیک محل اقامه‌ی نماز جمعه جایز است؟
۳. در صورت شک در عدالت امام جمعه و یا یقین به عدم آن، آیا اعاده‌ی نمازهایی که پشت سر او خوانده شده است واجب است؟
۴. آیا انتصاب امام جمعه به امامت جمعه برای اثبات عدالت وی کافی است؟
۵. آیا اگر کسی به خطبه‌های نماز جمعه نرسد، بلکه فقط هنگام نماز حاضر شود و به امام جمعه اقتدا نماید نمازش صحیح و مجزی است؟
۶. آیا خواندن خطبه‌های نماز جمعه قبل از ظهر شرعی صحیح است؟



نمازهای یومیه (۱۷)

نماز مسافر «۱»

۱۴. نماز مسافر

۱. وجوب قصر در سفر

در سفر باید نماز چهار رکعتی را با شرایطی که ذکر خواهد شد قصر (دو رکعت) خواند.

(استفتا از دفتر معظم له، باب نماز، م ۱۵۲)

توجه

□ وجوب قصر فقط در خصوص نمازهای چهار رکعتی است که عبارت از نمازهای ظهر و عصر و عشا است، و نماز صبح و مغرب قصر نمی‌شود.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۶۳۹)

۲. شرایط نماز مسافر

مسافر با هشت شرط باید نمازهای چهار رکعتی را دو رکعت به جا آورد:

۱. شرط اول: سفر او به مقدار مسافت شرعی باشد یعنی رفتن یا برگشتن و یا رفت و برگشت او روی هم هشت فرسخ باشد مشروط به این که رفتن او کمتر از چهار فرسخ نباشد.
۲. شرط دوم: از اول مسافرت قصد پیمودن هشت فرسخ را نداشته باشد، بنابراین اگر از ابتدا قصد پیمودن هشت فرسخ را نداشته و یا قصد پیمودن کمتر از آن را داشته باشد و بعد از رسیدن به مقصد تصمیم بگیرد به جایی برود که فاصله‌ی آن با مکان اول کمتر از مسافت شرعی است، ولی از منزل تا آنجا به اندازه‌ی مسافت شرعی است، باید نمازش را تمام بخواند.
۳. شرط سوم: در بین راه از قصد خود مبنی بر پیمودن مسافت شرعی برنگردد، بنابر این اگر در بین راه، پیش از رسیدن به چهار فرسخ از قصد خود برگردد یا مردد شود، حکم سفر بعد از آن بر او جاری نمی‌شود، هر چند نمازهایی که قبل از عدول از قصد خود به صورت شکسته خوانده، صحیح است.
۴. شرط چهارم: قصد قطع سفر در اثنای پیمودن مسافت شرعی با عبور از وطن خود یا جایی که

می‌خواهد ده روز یا بیشتر در آن جا بماند نداشته باشد.

۵. شرط پنجم: سفر از نظر شرعی برای او جایز باشد، بنابراین اگر سفر او معصیت و حرام باشد، اعم از این که خود سفر حرام باشد، مثل فرار از جنگ یا هدف از سفر، کار حرامی باشد، مثل سفر برای راهزنی، حکم سفر را ندارد و نماز تمام است.

۶. شرط ششم: مسافر از کسانی که خانه به دوش هستند، نباشد، مانند بعضی از صحرائشینان که محل زندگی ثابتی ندارند، بلکه در بیابانها گردش می‌کنند و هر جا آب و علف و چراگاه پیدا کنند، می‌مانند.

۷. شرط هفتم: مسافرت را شغل خود قرار نداده باشد، مانند باربر، راننده و ملوان و غیره، و کسی که شغل او در سفر است، ملحق به اینها است.

۸. شرط هشتم: به حد ترخص برسد و منظور از حد ترخص، مکانی است که در آنجا اذان شهر شنیده نمی‌شود و دیوارهای شهر هم دیده نمی‌شود. هر چند بعید نیست که شنیده نشدن اذان برای حد ترخص کافی باشد.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۶۴۰)

۱. مسافت شرعی (هشت فرسخ):

۱. کسی که رفتن او کمتر از چهار فرسخ باشد، و مسیر بازگشتش هم به مقدار مسافت شرعی نباشد نمازش تمام است، بنابراین مأمورین غیر محلی اگر فاصله‌ی بین وطن و محل کار آنها به مقدار مسافت شرعی ولو تلفیقاً نباشد احکام مسافر را ندارند.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۶۶۲ و ۶۷۲)

۲. اگر انسان به قصد رفتن به مکان معینی از شهر خود خارج شود و در آنجا به گردش بپردازد، این گردش در مقصد جزو مسافتی که از منزل پیموده محسوب نمی‌شود.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۶۶۴)

۳. برای حساب مسافت ۸ فرسخ باید از آخر شهر حساب کرد، و تعیین آخر شهر موکول به نظر عرف است؛ اگر در نظر عرف، کارخانه‌ها و شهرکهای پراکنده‌ی اطراف شهر جزو شهر نباشد، مسافت را باید از آخر خانه‌های شهر حساب نمود.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۶۷۸)

۲. قصد مسافت شرعی:

۱. مسافری که قصد رفتن به سه فرسخی را دارد ولی از ابتدا در نظر دارد که در بین راه از راه فرعی برای انجام کار معینی به یک فرسخی برود و سپس داخل مسیر اصلی شود و به سفر خود ادامه دهد حکم مسافر را ندارد، و ضمیمه کردن مقدار راهی که با خروج از مسیر اصلی و بازگشت به آن پیموده برای تکمیل مسافت شرعی کافی نیست.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۶۶۱)

۲. کسی که از محل سکونت خود به محل دیگری که کمتر از مسافت شرعی است سفر کند و در خلال ایام هفته چندین بار از آن محل به محله‌های دیگر برود، به طوری که مجموع مسافت بیش از هشت فرسخ شود، اگر هنگام خارج شدن از منزل قصد پیمودن مسافت شرعی را نداشته و فاصله‌ی بین مقصد اول و محله‌های دیگر هم به مقدار مسافت شرعی نباشد، حکم مسافر را ندارد.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۶۶۳)

۵. سفر معصیت:

۱. کسی که بدون قصد معصیت، مسافرت کند ولی در بین راه برای ادامه و تکمیل سفر، قصد ارتکاب معصیت نماید واجب است از زمانی که قصد استمرار سفر به خاطر معصیت کرده نمازش را تمام بخواند و نمازهایی را که پس از تصمیم به ادامه‌ی سفر به قصد ارتکاب گناه، شکسته خوانده باید اعاده کند و تمام بخواند.
(اجوبه الاستفتاءات، س ۶۸۰)

۲. اگر انسان بداند در سفری که می‌خواهد برود مرتکب معاصی و محرّمات خواهد شد مادامی که سفر او به خاطر ترک واجب یا فعل حرامی نباشد نماز او مانند سایر مسافران شکسته است.
(اجوبه الاستفتاءات، س ۶۷۹)

۳. اگر بداند که در مسافرت مبتلا به ترک بعضی از واجبات نماز می‌شود احتیاط (واجب) این است که به آن سفر نرود، مگر آن که برای او ضرر یا مشقت داشته باشد. در هر صورت جایز نیست نماز را در هیچ حالی ترک نماید.
(اجوبه الاستفتاءات، س ۶۸۱)

۷. سفر شغلی:

۱. کسی که سفر، شغل اوست (یعنی قوام شغل و کار او به سفر است)، مانند راننده، خلبان، کشتیان، ساربان، چوپان و مانند آنها در سفر سوم باید نماز را تمام بخواند ولی در سفر اول و دوم نمازش شکسته است.
(اجوبه الاستفتاءات، س ۶۴۱ و ۶۴۲ و ۶۴۳)

توجه

□ کسی که شغلش، سفر نیست ولی سفر، مقدمه‌ی شغل او است، مانند معلم و کارگر و کارمند و سربازی که خودش ساکن شهری است و به مدت دو سه ماه هر ده روز حداقل یک‌بار برای کار به محل کارش سفر می‌کند، حکم کسی را دارد که سفر، شغل اوست. (اجوبه الاستفتاءات، س ۶۴۰ و ۶۴۱ و ۶۴۲ و ۶۵۲)

□ دانشجویی، شغل و کار محسوب نمی‌شود، از این رو دانشجویانی که برای تحصیل علم به طور هفتگی یا روزانه سفر می‌کنند نمازشان مبنی بر احتیاط است. بلی اگر مأمور به تحصیل باشند، مثل معلمان شاغلی که در کنار تدریس، مأمور به تحصیل هستند، نمازشان تمام خواهد بود.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۶۵۲ و ۶۵۳)

□ زیارت، شغل به حساب نمی‌آید، بنابراین کسی که هر هفته برای زیارت حضرت معصومه (ع) و انجام اعمال مسجد جمکران به شهر قم سفر می‌کند، در این سفر، حکم سایر مسافرین را دارد و نمازش قصر (شکسته) است.
(اجوبه الاستفتاءات، س ۶۶۸)

□ کسی که رانندگی، شغل ثابت و دائمی او نیست، ولی برای مدت کوتاهی وظیفه‌ی رانندگی به او محول می‌شود، مثل سربازانی که وظیفه‌ی رانندگی را در پاسگاهها و غیر آن بر عهده می‌گیرند، اگر از نظر عرف، رانندگی در آن مدت موقت حداقل دو سه ماه شغل آنها محسوب شود حکم سایر رانندگان را خواهند داشت.
(اجوبه الاستفتاءات، س ۶۵۰)

□ رفت و برگشت اگر در نظر عرف، یک سفر محسوب شود، مثل استادی که از وطن برای تدریس، به شهری سفر کرده و هنگام عصر یا فردای آن روز به مبدأ بر می‌گردد، در این صورت، رفت و برگشت، سفر اول محسوب می‌شود و اگر عرفاً یک سفر محسوب نشود، مثل راننده‌یی که برای حمل کالا به مقصدی حرکت کرده و از آنجا به مکان دیگری برای حمل مسافر یا کالای جدید سفر نماید و سپس به وطن مراجعت می‌کند در این صورت، سفر اول با رسیدن به مقصد، تمام می‌شود.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۶۴۹)

۲. کسی که شغلش مسافرت است، اگر برای کار دیگری غیر از شغل خود مسافرت کند، باید مانند سایر مسافران نماز را شکسته بخواند، ولی اگر سفر به خاطر شغلی که در محل کار دارد باشد و در ضمن آن، اعمال خاصی از قبیل دیدن اقوام و دوستان را هم انجام می‌دهد و گاهی یک یا چند شب هم در آنجا می‌ماند، باعث تغییر حکم سفر شغلی نمی‌شود و نماز تمام است. همچنان که انجام کارهای خصوصی و شخصی در سفر شغلی اداری بعد از پایان کار اداری حکم سفر شغلی را تغییر نمی‌دهد.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۶۴۵ و ۶۴۶)

توجه

□ تبلیغ و ارشاد یا امر به معروف و نهی از منکر اگر عرفاً شغل و کار یک مبلغ دینی محسوب شود، در سفر برای انجام آن کارها حکم مسافری را دارد که به خاطر شغل و کارش سفر می‌کند، و اگر زمانی برای کاری غیر از ارشاد و تبلیغ مسافرت کرد، در آن سفر مانند سایر مسافران نمازش شکسته است.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۶۵۴)

۳. کسی که شغلش مسافرت است، اگر ده روز یا بیشتر در محلی بماند، خواه وطن او باشد یا نه، باید در سفر اولی که بعد از اقامت ده روزه برای کار کردن می‌رود نمازش را شکسته بخواند.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۶۵۲)

۸. حد ترخص:

۱. برای تعیین حد ترخص، شنیده نشدن اذان شهر کافی است، هر چند احتیاط (مستحب) رعایت هر دو علامت (نشنیدن اذان شهر و ندیدن دیوارهای شهر) است.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۶۷۶)

۲. معیار حد ترخص، شنیدن اذان آخر شهر از طرفی است که مسافر از آن خارج و یا داخل می‌شود (نه شنیدن اذان وسط شهر).

(اجوبة الاستفتاءات، س ۶۷۷)

تمرین ۳

۱. شرایط هشتگانه‌ی نماز مسافر را ذکر نمایید؟
۲. منظور از سفر حرام چیست؟
۳. آخر شهر در حساب مسافت هشت فرسخ کجاست؟
۴. منظور از کسی که شغل او مسافرت است کیست؟ مثال بزنید؟
۵. آیا مقصود از سفر اول همان شروع حرکت از وطن تا بازگشت به آن است یا با رسیدن به مقصد، سفر اول تمام می‌شود؟
۶. آیا اگر یکی از دو علامت حد ترخص (نشیندن اذان شهر و ندیدن دیوارهای شهر) حاصل شود کافی است؟



نمازهای یومیه (۱۸)

نماز مسافر «۲»

۳. چیزهایی که سفر را قطع می‌کند

- | | |
|--------------------------|-------------|
| ۱. رسیدن به وطن. | } قواطع سفر |
| ۲. قصد اقامت ده روز. | |
| ۳. توقف یک‌ماه بدون قصد. | |

(اجوبة الاستفتاءات، س ۶۴۰ و ۶۷۳)

توجه

- به چیزهایی که سفر را قطع می‌کند «قواطع سفر» می‌گویند.
- اگر مسافر بعد از خروج از وطن، از راهی عبور کند که صدای اذان وطن خود را بشنود و یا دیوار خانه‌های آن را ببیند، تا از وطن خود عبور نکرده ضرری به مسافت شرعی نمی‌رساند و مسافرتش قطع نمی‌شود، ولی تا در داخل محدوده‌ی بین وطن و حد ترخص آن هست، حکم مسافر بر او جاری نمی‌گردد.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۶۵۸)

۴. وطن

۱. اقسام وطن: وطن از یک نظر بر دو قسم است:

۱. وطن اصلی: جایی که انسان در آن متولد شده و مدتی در آن بوده و رشد و نمو پیدا کرده است.
۲. وطن اتخاذی (وطن جدید، وطن دوم): جایی که مکلف آن را برای سکونت و زندگی لااقل هفت یا هشت سال، برگزیده است.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۶۹۵)

توجه

- صرف تولد در شهری باعث نمی‌شود که آنجا وطن اصلی او شود، بلکه لازم است مدتی در آنجا بوده رشد و نمو پیدا کرده باشد، مثلاً کسی که در تهران به دنیا آمده و بعد از تولد، در آنجا رشد و نمو نکرده، تهران وطن اصلی او محسوب نمی‌شود، بلکه وطن وی همان وطن پدر و مادر است که بعد از تولد به آنجا برده شده و با آنها زندگی می‌کند. بلی اگر زایشگاه (محل تولد) در

وطن پدر و مادر که در آن زندگی می‌کنند قرار داشته باشد همانجا وطن اصلی کودک هم خواهد بود.

(اجوبۃ الاستفتاءات، س ۶۸۸ و ۶۹۶)

۲. **شرایط وطن اتخاذی:** برای این که جایی، وطن دوم محسوب شود سه شرط لازم است:

۱. باید قصد قطعی بر توطن در آن جا داشته باشد، بنابراین تا وقتی که قصد قطعی بر توطن در جایی نداشته باشد، و به عبارت دیگر تا زمانی که جایی را برای ماندن همیشگی انتخاب نکرده، وطن او محسوب نمی‌شود مگر این که بدون قصد آن قدر بماند که عرفاً وطن او محسوب شود، و احراز نظر عرف به عهده‌ی مکلف است، بنابراین کسانی که مدت غیر معینی مسافرت می‌کنند، مانند طلاب علوم دینی که برای درس خواندن به حوزه‌ی علمیه می‌روند و یا کارمندان دولت که برای کار به مدت غیر معینی به شهری اعزام می‌شوند، بر محل تحصیل یا کار، حکم وطن مترتب نیست، مگر آن که آن قدر آنجا بمانند که عرفاً وطن آنها محسوب شود. (مدت مثلاً ۸ سال برای صدق وطن کافی است). همچنین کسی که سالهای زیادی در سرزمینی که وطن او نیست زندگی می‌کند و در حال حاضر ممنوع الورد به وطن خود است، ولی یقین دارد که روزی به آن باز خواهد گشت حکم سایر مسافری را دارد.

۲. باید قصد توطن در آبادی و شهر خاص و معین داشته باشد، بنابراین نمی‌توان یک کشور، مثلاً ایران را وطن قرار داد.

۳. باید سکونت در محل به مدتی که عرفاً اهل آنجا به حساب‌اید داشته باشد. بلی لازم نیست شش ماه به طور مستمر در آنجا بماند، بلکه بعد از این که آنجا را به عنوان وطن جدید انتخاب نمود و با این قصد، مدتی (اگر چه فقط شبها) آنجا سکونت نمود، وطن او محسوب می‌شود.

(اجوبۃ الاستفتاءات، س ۶۸۵ و ۶۹۰)

توجه

□ در وطن جدید، تملک خانه و غیر آن شرط نیست.

(اجوبۃ الاستفتاءات، س ۶۹۰)

۳. **تعدد وطن:** ممکن است انسان دارای دو وطن و حتی سه وطن باشد، بنابراین قبیله‌هایی که قصد نقل و انتقال همیشگی از بیلاق به قشلاق و بر عکس را دارند تا روزهایی از سال را در یکی و روزهایی را در دیگری بگذرانند و هر دو مکان را برای زندگی دایمی خود انتخاب کرده باشند، هر یک از آن دو مکان، وطن آنان محسوب می‌شود و بر آنان در آن دو مکان حکم وطن جاری می‌گردد، و اگر فاصله‌ی بین آن دو به مقدار مسافت شرعی باشد، در راه سفر از یکی به دیگری، حکم سایر مسافری را دارند، و یا کسی که چند سال از عمر خود را در روستای محل تولد و چند سال را در شهری گذرانده و در حال حاضر به شهر دیگر آمده در صورتی که از روستای محل تولد اعراض نکرده برای او حکم وطن را دارد و شهری هم که چند سال در آن ساکن بوده اگر آن را به عنوان وطن برگزید، تا از آن اعراض نکرده حکم وطن را برای او دارد و شهر فعلی هم اگر در آن قصد توطن کند و به مدتی که عرفاً آنجا وطن محسوب شود بماند وطن او خواهد بود.

(اجوبۃ الاستفتاءات، س ۶۴۴ و ۶۸۷ و ۷۰۳)

۴. اعراض از وطن:

۱. مراد از اعراض، خروج از وطن با تصمیم بر عدم بازگشت به آن برای سکونت است.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۶۹۴)

۲. تا زمانی که انسان از وطن خود اعراض نکرده است آنجا برای او حکم وطن را دارد و نماز وی در آنجا تمام است، اما بعد از آن که از وطن خود اعراض کرد دیگر حکم وطن در آنجا بر او جاری نمی‌شود مگر آن که دوباره برای زندگی به آنجا برگشته و با قصد زندگی دائم مدتی در آنجا اقامت کند، بنابراین شخصی از اهالی روستا که محل کار و سکونت فعلی وی در تهران است و پدر و مادر او در روستا زندگی می‌کنند و در آن ملک و آب دارند و هر از چند گاهی برای دیدار و کمک به آنجا می‌رود و تمایلی به بازگشت به آنجا برای سکونت ندارد اگر قصد مراجعت به آن روستا برای سکونت و زندگی ندارد، بلکه تصمیم بر عدم مراجعت دارد، حکم وطن بر او در آنجا جاری نمی‌شود.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۶۸۶ و ۶۹۷ و ۶۹۸ و ۷۰۰)

۵. تبعیت زن و فرزند در وطن و اعراض از آن:

۱. صرف زوجیت، موجب تبعیت قهری نمی‌شود و زن می‌تواند در انتخاب وطن و اعراض از آن تابع شوهر خود نباشد، بنابراین صرف این که مکانی وطن شوهر است باعث نمی‌گردد که وطن زن هم باشد و بر زن در آنجا احکام وطن جاری شود، بدین ترتیب اگر شخصی، وطنی داشته باشد که در حال حاضر در آن سکونت نمی‌کند ولی گاهی با همسرش به آنجا می‌رود، همسر او باید در آنجا نمازش را شکسته بخواند، و همچنین صرف ازدواج زن و رفتن وی به خانه‌ی شوهر در شهر دیگر مستلزم اعراض از وطن اصلی‌اش نیست، بنابراین جوانی که با زنی از شهری دیگر ازدواج کرده است، هنگامی که این زن به خانه‌ی پدرش می‌رود، تا زمانی که از آنجا (وطن اصلی خود) اعراض نکرده، نمازش در آنجا تمام است. بلی اگر زن در انتخاب وطن و اعراض از آن تابع اراده‌ی همسرش باشد، قصد شوهرش برای او کافی است و شهری که همسرش با او برای زندگی دائم و به قصد توطن به آنجا رفته است، وطن وی هم محسوب می‌شود، و همچنین اعراض شوهر او از وطن مشترکشان با خروج از آن و رفتن به جای دیگر، اعراض او از وطن هم محسوب می‌گردد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۶۹۲ و ۶۹۴ و ۷۰۴ و ۷۰۵)

۲. فرزندان اگر در تصمیم‌گیری و زندگی، مستقل نباشند یعنی بر حسب طبیعت و ارتکازشان تابع اراده‌ی پدر باشند، در اعراض از وطن سابق و اتخاذ وطن جدید که پدر با آنها برای زندگی دائمی به آنجا رفته است تابع وی هستند و در غیر این صورت تابع نخواهند بود، بنابراین کسی که قبل از بلوغ از محل تولد خود به تبعیت از پدرش به شهر دیگری مهاجرت کند و پدر وی قصد عدم بازگشت به آنجا را برای زندگی داشته باشد آن مکان، دیگر برای او حکم وطن را ندارد بلکه وطن جدید پدر، وطن اوست.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۶۸۲ و ۶۸۶ و ۶۸۷ و ۷۰۶)

تمرین ۳

۱. قواطع سفر کدامند؟
۲. وطن اصلی و اتخاذی (دوم) چه فرقی دارند؟
۳. شرایط وطن اتخاذی را برشمرد؟
۴. آیا ممکن است انسان بیش از یک وطن داشته باشد؟ با ذکر مثال توضیح دهید؟
۵. مراد از اعراض از وطن چیست؟
۶. جوانی با زنی از شهری دیگر ازدواج کرده است، هنگامی که این زن به خانه‌ی پدرش می‌رود، نمازش قصر است یا تمام؟



نمازهای یومیه (۱۹)

نماز مسافر «۳»

۵. قصد اقامت ده روز

۱. هرگاه مسافری بخواهد حداقل ده روز پشت سر هم در محلی بماند یا بداند که اجباراً این مدت را در آن جا توقف خواهد کرد باید نماز را تمام بخواند (و این را در اصطلاح فقهی «قصد اقامه» می‌گویند)، اما اگر قصد اقامت کمتر از ده روز را داشته باشد حکم سایر مسافرین را خواهد داشت، بنابراین سربازان یا نیروهای کادری که در استخدام ارتش یا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هستند، اگر قصد اقامت ده روز یا بیشتر را در مکانی (مثل پادگان، مناطق مرزی و ...) دارند و یا می‌دانند - هر چند به طور اجباری - ده روز یا بیشتر در آنجا خواهند ماند، واجب است که نماز خود را تمام بخوانند.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۶۴۲ و ۶۴۷ و ۶۴۸ و ۶۸۳)

توجه

□ کسی که می‌داند در جایی ده روز نمی‌ماند، قصد اقامت ده روز معنا و اثری ندارد و باید در آنجا نمازش را شکسته بخواند، مثلاً اگر فردی برای زیارت حرم امام رضا(ع) مسافرت کند و با آن که می‌داند کمتر از ده روز در آنجا خواهد ماند ولی برای این که نمازش تمام باشد قصد اقامت ده روز می‌کند نمازش در آنجا شکسته است.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۶۷۱)

۲. قصد اقامه باید در یک محل (شهر یا روستا و ...) باشد، و در دو محل نمی‌توان قصد اقامه کرد، بنابراین کسی که در دو مکان تبلیغ می‌کند اگر عرفاً دو محل محسوب شود، باید در یکی از آن دو، قصد اقامه کند و قصد اقامه در هر دو به این صورت که بخواهد چند روز را در یکی و چند روز هم در دیگری بماند که مجموعاً ده روز شود اقامه محقق نشده و باید نماز را در هر دو محل شکسته بخواند.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۶۷۴)

توجه

□ اگر مسافری در محله‌یی از شهر قصد اقامه کند رفتن به محله‌های دیگر شهر، هر چند با محله‌ی قصد اقامت به مقدار مسافت شرعی فاصله داشته باشد، به قصد اقامه و حکم آن ضرر نمی‌رساند.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۶۵۷)

۳. مسافری که می‌خواهد ده روز یا بیشتر در محلی بماند، اگر از ابتدا قصد داشته باشد که در خلال ده روز به اطراف آنجا (در محدوده‌ی باغها و مزرعه‌های محل اقامت) برود، اشکالی ندارد و قصد اقامه‌ی او درست و نمازش تمام است. همچنین قصد خروج از محل اقامت، به اندازه‌ی کمتر از مسافت شرعی اگر به صدق اقامه‌ی ده روز ضرر نزند یعنی اگر بیرون رفتن از آنجا به مدت چند ساعت از روز یا شب برای یک بار یا چند بار باشد به شرطی که مجموع ساعات خروج شش هفت ساعت بیشتر نشود، در این صورت، قصد خروج به قصد اقامه لطمه نمی‌زند و نمازش تمام است، اما بیشتر از این، مانع تحقق اقامه است و نمازش شکسته خواهد بود. (اجوبه الاستفتاءات، س ۶۵۶ و ۶۵۹ و ۶۶۵)

۴. اگر مسافر هنگام قصد اقامه، تصمیم داشته باشد در خلال ده روز- هر چند یک بار آن هم به مدت چند دقیقه- به چهار فرسخی و یا بیشتر برود اقامه تحقق پیدا نمی‌کند و باید نماز را شکسته بخواند. (اجوبه الاستفتاءات، س ۶۵۶ و ۶۵۹ و ۶۶۵)

۵. اگر مسافر در محلی قصد اقامه کند و قبل از خواندن یک نماز چهار رکعتی (ظهر یا عصر و یا عشا) از اقامه منصرف یا مردد شود، اقامه تحقق نیافته و تا وقتی که در آنجا هست باید نماز را شکسته بخواند، اما بعد از قصد اقامه، اگر حداقل یک نماز چهار رکعتی خوانده باشد، اقامه تحقق یافته و پس از آن، انصراف از اقامه یا تردید در آن هیچ اثری ندارد، بنابراین تا وقتی که در آنجا هست و سفر جدیدی را شروع نکرده، باید نماز را تمام بخواند (هر چند پس از تحقق اقامه، فقط یک روز بماند). (اجوبه الاستفتاءات، س ۶۵۷ و ۶۵۹ و ۶۸۹)

۱. قصد اقامه و خواندن یک نماز چهار رکعتی. }
 ۲. قصد اقامه و توقف ده روز متوالی در یک محل (هر چند اصلاً در این مدت نماز نخوانده باشد). }
 ۶. اقامه با دو چیز تحقق پیدا می‌کند

(اجوبه الاستفتاءات، س ۶۵۷ و ۶۵۹ و ۶۸۹)

۷. پس از تحقق اقامه، خارج شدن به مقدار کمتر از مسافت شرعی- هر چند به طور مکرر و مدت طولانی- اشکال ندارد و نماز تمام است، ولی اگر به مقدار مسافت شرعی خارج شود، حکم سایر مسافرین را خواهد داشت، بنابراین اگر پس از قصد اقامت در شهری به شهر دیگری که با شهر محل اقامت به مقدار مسافت شرعی فاصله دارد برود، قصد اقامه‌ی قبلی وی به هم می‌خورد و بعد از برگشت به محل اقامه، باید دوباره قصد نماید. (اجوبه الاستفتاءات، س ۶۵۷ و ۶۵۹ و ۶۸۹)

۸. آنچه در مورد تبعیت زن و فرزند درباره‌ی «وطن» گفتیم در مورد «قصد اقامه» نیز جاری است. (اجوبه الاستفتاءات، س ۷۰۴ و ۷۰۶)

۶. توقف یک ماه بدون قصد

هرگاه مسافر، بعد از پیمودن مسافت شرعی (هشت فرسخ) در محلی توقف کند، و نداند مدت توقفش

چند روز است (ده روز یا کمتر) تا وقتی این حالت را دارد باید نماز را شکسته بخواند، اما بعد از گذشتن سی روز باید نماز را تمام بخواند، هر چند در همان روز بخواند برگردد.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۶۷۳)

۷. بلاد کبیره

در احکام مسافر و قصد توطن و قصد اقامت ده روز، فرقی میان بلاد کبیره (شهرهای بزرگ) و معمولی نیست و حتی با قصد توطن در یک شهر بزرگ و مدتی در آنجا ماندن، بدون معین کردن محله‌ی خاصی از آن، تمام آن شهر حکم وطن را درباره‌ی او پیدا خواهد کرد. همچنین اگر قصد اقامت ده روز در مانند این شهر کند بدون این که محله‌ی خاصی از آن را قصد نماید، حکم تمام بودن نماز در مورد او در تمام محله‌های آن شهر جاری خواهد بود.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۷۰۷)

۸. احکام نماز مسافر

تمرین

۱. نماز سربازانی که می‌دانند بیش از ده روز در مکانی می‌مانند ولی اختیاری ندارند چه حکمی دارد؟
۲. اگر فردی برای زیارت حرم امام رضا(ع) مسافرت نماید و با آن که می‌داند کمتر از ده روز در آنجا خواهد ماند، ولی برای این که نمازش تمام باشد قصد اقامت ده روز می‌کند، این کار او چه حکمی دارد؟
۳. آیا هنگام قصد اقامت، جایز است نیت خروج از محل اقامت به محل دیگری را که کمتر از چهار فرسخ با آن فاصله دارد کرد؟
۴. اقامه با چند چیز محقق می‌شود؟ توضیح دهید؟
۵. کسی که به جایی مسافرت کرده و نمی‌داند چه مقداری در آنجا خواهد ماند ده روز یا کمتر، چگونه باید نماز بخواند؟
۶. چه تفاوتی میان بلاد کبیره و معمولی در احکام مسافر وجود دارد؟



نمازهای یومیه (۲۰)

[نماز قضا - نماز استیجاری]

نماز قضای پدر و مادر

۱۵. نماز قضا

۱. هر کس نماز واجب را در وقت آن ترک کند باید قضای آن را به جا آورد، هر چند در تمام وقت نماز خواب بوده یا به واسطه‌ی بیماری یا مستی، نماز را نخوانده باشد، اما کسی که در تمام وقت بی‌هوش بوده و بی‌هوشی به اختیار او نبوده، قضا بر او واجب نیست، همچنین کافری که مسلمان شده و زنی که در حال حیض یا نفاس بوده.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۵۲۵ و ۵۲۷ و ۵۲۲ و ۵۲۵ و ۵۲۶ و ۵۳۸ و ۵۳۹)

۲. هرگاه بعد از وقت نماز بفهمد نمازی را که خوانده باطل بوده باید آن را قضا کند، مثل شخصی که بر اثر جهل به حکم شرعی، غسل را به نحوی انجام داده که شرعاً باطل است، بر وی قضای نمازهایی که در این حالت با حدث اکبر خوانده واجب است.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۵۲۴ و ۵۲۵ و ۵۲۹)

۳. قضای نمازهایی واجب است که یقین به ترک یا باطل بودن آنها دارد، اما اگر شک یا گمان دارد بعضی از نمازهای گذشته را ترک کرده یا باطل خوانده واجب نیست که قضای آن را به جا آورد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۵۲۵ و ۵۲۷ و ۵۳۳ و ۵۳۸)

۴. در نماز قضا ترتیب واجب نیست جز در میان قضای ظهر و عصر و مغرب و عشا از یک روز، همچنین دوره کردن نماز به معنای تکرار نماز برای احراز ترتیب لزومی ندارد، بنابراین کسی که قصد دارد نماز قضای یک‌سال را بخواند می‌تواند آنها را به ترتیب زیر به جا آورد: ابتدا مثلاً بیست بار نماز صبح، بعد بیست بار هر یک از نماز ظهر و عصر و سپس بیست بار هر یک از نماز مغرب و عشا و تا یک‌سال به همین صورت ادامه دهد، همانطور که می‌تواند با یکی از نمازها شروع کند و به ترتیبی که نمازهای پنجگانه‌ی یومیه را می‌خواند آن را ادامه دهد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۵۳۰ و ۵۳۱ و ۵۳۳ و ۷۱۰)

۵. کسی که چند نماز او قضا شده و شماره‌ی آنها را نمی‌داند، مثلاً نمی‌داند دو نماز بوده یا سه نماز، کافی است مقدار کمتر را بخواند (یعنی همان مقداری که یقین به قضا شدن آن دارد).

(اجوبة الاستفتاءات، س ۵۲۵ و ۵۲۷ و ۵۲۳)

۶. اگر شخصی سه بار غسل جنابت کند، مثلاً در روزهای بیستم، بیست و پنجم و بیست و هفتم ماه و بعد یقین کند که یکی از آن غسلها باطل بوده است بنا بر احتیاط واجب باید نمازها را به طوری که یقین به فراغت ذمه پیدا کند قضا نماید.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۵۲۸)

۷. نوافل و نمازهای مستحب به جای نماز قضا محسوب نمی‌شود و کسی که نماز قضا بر عهده‌ی او باشد، واجب است آن را به نیت نماز قضا بخواند.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۵۲۶)

۸. افرادی که در حال حاضر قادر به قضای همه نمازهای فوت شده نیستند واجب است به هر مقدار که قدرت دارند، قضا و هر مقداری که قادر نیستند وصیت نمایند.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۵۳۶)

۱۶. نماز استیجاری

۱. هیچ کس نمی‌تواند نماز قضای دیگری را که در حال حیات است به جا آورد، هر چند او از خواندن نماز قضا عاجز باشد، اما بعد از مردن مانعی ندارد، و شخص مکلف تا زنده است باید نمازهای واجبش را خودش، به هر نحو که می‌تواند انجام دهد و نماز نایب چه با اجرت و چه بدون اجرت برای او مجزی نیست.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۵۵۰ و ۷۰۹ و ۷۱۰)

۲. در نماز استیجاری ذکر خصوصیات میت لازم نیست، و رعایت ترتیب فقط بین نمازهای ظهر و عصر و مغرب و عشا شرط است، و هرگاه در عقد اجاره، کیفیت خاصی بر اجیر شرط نشده باشد (مثلاً نگفته باشند نماز را باید در مسجد یا فلان ساعت بخواند) و کیفیت معهودی که اطلاق عقد اجاره به آن انصراف پیدا کند هم وجود نداشته باشد، بر اجیر لازم است که نماز را با مستحباتی که انجام آن متعارف است بخواند، ولی واجب نیست که برای هر نمازی اذان بگوید.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۷۱۰)

۱۷. نماز قضای پدر و مادر

۱. بر پسر بزرگتر واجب است که نمازهایی که از پدر و مادرش فوت شده و از روی طغیان و نافرمانی نبوده، بعد از مرگ آنها به جا آورد، بلکه اگر از روی طغیان و نافرمانی هم ترک کرده باشد بنا بر احتیاط مستحب باید به همین طور عمل کند.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۵۴۲ و ۵۴۸)

۲. اگر پدر یا مادری اصلاً نماز نخوانده باشد بنا بر احتیاط واجب در این صورت هم قضای نمازها بر پسر بزرگتر واجب است.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۵۴۷)

۳. منظور از پسر بزرگتر، بزرگترین پسری که بعد از مرگ پدر و مادر در حال حیات است می‌باشد، بنابراین اگر پسر بزرگ - چه بالغ باشد یا غیر بالغ - قبل از پدر و مادر فوت کند تکلیف قضای نماز پدر و مادر بر پسر بزرگی واجب است که هنگام وفات آنها زنده باشد.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۵۴۳)

۴. ملاک واجب بودن قضای نماز پدر و مادر این است که فرزند مذکر از دیگر اولاد میت - اگر میت

اولاد ذکور داشته باشد - بزرگتر باشد، بنابراین اگر فرزند بزرگ میت، دختر و فرزند دوم او پسر باشد قضای نمازهای پدر و مادر بر پسر که فرزند دوم است واجب است.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۵۴۲)

۵. هرگاه شخص دیگری نمازهای پدر و مادر را قضا کند از پسر بزرگتر ساقط می‌شود.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۵۴۱ و ۵۴۵)

۶. بر پسر بزرگتر واجب است آن مقدار از نمازهایی را که یقین دارد از پدر و مادرش فوت شده است قضا کند و اگر نمی‌داند که از پدر یا مادرش نماز قضا شده یا نه، چیزی بر او واجب نیست و تفحص و جستجو نیز لازم نمی‌باشد.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۵۴۱ و ۵۴۴)

۷. بر پسر بزرگتر واجب است که نمازهای پدر و مادرش را به هر صورتی که امکان دارد قضا کند و اگر از انجام آن حتی از اجیر گرفتن برای انجام آن هم عاجز باشد معذور است.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۵۴۱)

۸. کسی که خودش نماز قضا دارد و نماز پدر و مادر نیز بر او واجب شده، در انجام هر یک مخیر است و به عبارت دیگر هر کدام را اول به جا آورد صحیح است.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۵۴۹)

۹. اگر پسر بزرگتر پس از فوت پدر و مادر از دنیا برود بر دیگران تکلیفی نیست، بنابراین قضای نمازهای پدر و مادر بر پسر و یا برادر پسر بزرگتر واجب نمی‌شود.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۵۴۶)

تمرین

۱. کافری پس از مدتی اسلام آورده است، آیا قضای نمازهایی که انجام نداده واجب است؟
۲. کسی که نماز قضا دارد، اگر نماز مستحبی بخواند، آیا به عنوان نماز قضای او محسوب می‌شود؟
۳. آیا در نماز استیجاری، ذکر خصوصیات میت شرط است؟
۴. اگر پدری اصلاً نماز نخوانده باشد آیا قضای همه‌ی نمازها بر پسر بزرگتر او واجب است؟
۵. منظور از پسر بزرگتر کیست؟
۶. اگر پسر بزرگتر خودش نماز قضا دارد و نماز پدر و مادر نیز به آن اضافه گردد، کدامیک مقدم است؟



نماز آیات – نماز عید فطر و قربان

۱۸. نماز آیات

۱. اسباب شرعی وجوب نماز آیات

نماز آیات در چهار صورت واجب می‌شود:

۱. خسوف خورشید، اگرچه مقدار کمی از آن گرفته شود.
۲. خسوف ماه، اگرچه مقدار کمی از آن گرفته شود.
۳. زلزله.

۴. هر حادثه‌ای غیر عادی که باعث ترس بیشتر مردم شود، مانند بادهای سیاه و یا زرد که غیر عادی باشند، تاریکی شدید، فرو رفتن زمین و ریختن کوه، صیحه‌ی آسمانی و آتشی که گاهی در آسمان ظاهر می‌شود.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۷۱۱)

توجه

□ در غیر از خسوف و خسوف و زلزله باید آن حادثه، موجب ترس و وحشت بیشتر مردم شود، و حادثه‌یی که ترس‌آور نباشد و یا موجب ترس و وحشت افراد نادری گردد، اعتبار ندارد.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۷۱۱)

□ وجوب نماز آیات مختص کسانی است که در شهر وقوع حادثه هستند و کسی هم که در شهر متصل به شهری که حادثه در آن رخ داده، به طوری که مانند یک شهر محسوب شوند، زندگی می‌کند حکم آنها را دارد.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۷۱۳)

□ اگر مرکز زلزله نگاری، وقوع لرزه‌های خفیف زمین را با ذکر تعداد آن در منطقه‌یی اعلام نماید، ولی فردی که در آنجا زندگی می‌کند هنگام وقوع زلزله و یا در زمان متصل به آن اصلاً آنها را احساس نکند، نماز آیات بر او واجب نیست.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۷۱۶)

□ هر زلزله‌یی چه شدید و چه خفیف - حتی پس لرزه - اگر زلزله‌ی مستقلی محسوب شود، نماز آیات جداگانه‌یی دارد.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۷۱۵)

۲. کیفیت نماز آیات

نماز آیات دو رکعت است که هر رکعت آن پنج رکوع و دو سجده دارد و به چند صورت می‌توان آن را به جا آورد:

۱. **صورت اول:** بعد از نیت و تکبیرة الاحرام، حمد و سوره خوانده شود و به رکوع برود، سپس سر از رکوع برداشته و دوباره حمد و سوره را بخواند و به رکوع رود و باز سر از رکوع بردارد و حمد و سوره بخواند و به رکوع رود و سپس سر از رکوع بردارد و همین طور ادامه دهد تا یک رکعت پنج رکوعی که قبل از هر رکوعی حمد و سوره خوانده است انجام دهد، سپس به سجده رفته و دو سجده نماید و بعد برای رکعت دوم قیام کند و مانند رکعت اول انجام دهد و دو سجده را به جا آورد و بعد از آن تشهد بخواند و سلام دهد.

۲. **صورت دوم:** بعد از نیت و تکبیرة الاحرام، حمد و یک آیه یا کمتر از آن از سوره‌یی را قرائت کرده و رکوع کند، سپس سر از رکوع بردارد و آیه‌ی دیگری از آن سوره را بخواند و به رکوع رود، و بعد سر از رکوع برداشته و آیه‌ی دیگری از همان سوره را قرائت نماید و همین طور تا رکوع پنجم ادامه دهد تا سوره‌یی که پیش از هر رکوع، یک آیه از آن را قرائت کرده، قبل از رکوع آخر تمام شود، سپس رکوع پنجم را به جا آورد و به سجده رود و پس از اتمام دو سجده، برای رکعت دوم قیام نماید و حمد و آیه‌یی از یک سوره را بخواند و به رکوع برود و همین طور مانند رکعت اول ادامه دهد تا تشهد بخواند و سلام دهد و چنانچه بخواهد برای هر رکوعی به یک آیه از سوره‌یی اکتفا کند، نباید سوره‌ی حمد را بیش از یک مرتبه در اول آن رکعت بخواند.

توجه

بنابر احتیاط واجب «بسم الله الرحمن الرحيم» را نمی‌توان یک قسمت از سوره به حساب آورد و با آن رکوع کرد.

۳. **صورت سوم:** یکی از رکعتها را به یکی از دو صورت و رکعت دیگر را به نحو دیگر به جا آورد.

۴. **صورت چهارم:** سوره‌یی را که آیه‌یی از آن در قیام پیش از رکوع اول خوانده، در قیام پیش از رکوع دوم یا سوم یا چهارم تکمیل نماید که در این صورت واجب است بعد از سر برداشتن از رکوع، سوره‌ی حمد را در قیام بعدی اعاده نموده و یک سوره یا آیه‌یی از آن را اگر پیش از رکوع سوم یا چهارم است، قرائت کند و در این صورت واجب است که آن سوره را تا قبل از رکوع پنجم به آخر برساند.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۷۱۲)

۱۹. نماز عید فطر و قربان

۱. نماز عید فطر و قربان در عصر حاضر (که زمان غیبت کبری است) واجب نیست، بلکه مستحب است.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۶۲۳)

۲. نماز عید فطر و قربان دو رکعت است، در رکعت اول بعد از خواندن حمد و سوره باید پنج تکبیر بگوید و بعد از هر تکبیر یک قنوت بخواند و بعد از قنوت پنجم تکبیر دیگری بگوید و به رکوع رود، بعد دو سجده به جا آورد و برخیزد و در رکعت دوم چهار تکبیر بگوید و بعد از هر تکبیر قنوت بخواند و تکبیر پنجم را بگوید و به رکوع رود و بعد از رکوع دو سجده به جا آورد و تشهد بخواند و سلام گوید.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۶۳۴)

۳. کوتاه یا طولانی خواندن قنوت‌های نماز عید اشکالی ندارد و موجب بطلان نماز نمی‌شود، ولی کم یا زیاد کردن تعداد آنها جایز نیست.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۶۳۴)

۴. نماز عید اقامه ندارد و اگر امام جماعت برای نماز عید اقامه به جا آورد به صحت نماز او و مامومین ضرری نمی‌رساند.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۶۳۷ و ۶۳۸)

۵. جایز است نمایندگان ولی فقیه که از طرف وی مجاز در اقامه‌ی نماز عید هستند و همچنین ائمه‌ی جمعه‌ی منصوب از طرف او نماز عید را در عصر حاضر (که امام‌عج غایب است) به صورت جماعت اقامه نمایند، ولی احوط (و جوبی) این است که غیر آنان نماز عید را فرادی بخوانند و به جماعت خواندن آن به قصد رجا نه به قصد ورود اشکال ندارد. بلی اگر مصلحت اقتضا کند که یک نماز عید در شهر برگزار شود بهتر است که غیر از امام جمعه‌ی منصوب از طرف ولی فقیه کسی متصدی اقامه‌ی آن نشود.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۶۳۵)

(اجوبة الاستفتاءات، س ۶۳۶)

۶. نماز عید قضا ندارد.

۷. تکرار نماز جماعت به خاطر مأمومین دیگر در نماز عید اشکال دارد.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۵۶۹)

تمرین ۳

۱. نماز آیات در چند صورت واجب است؟ توضیح دهید؟
۲. بعد از وقوع زلزله در منطقه‌ی غالباً در مدت کمی دهها پس‌لرزه رخ می‌دهد حکم نماز آیات در این موارد چیست؟
۳. نماز آیات چگونه باید خوانده شود؟
۴. حکم نماز عید فطر و قربان در زمان غیبت چیست؟
۵. آیا در حال حاضر اقامه‌ی نماز عید و قربان توسط ائمه‌ی جماعت جایز است؟
۶. آیا نماز عید فطر قضا دارد؟



نماز جماعت (۱)

مشروعیت و اهمیت نماز جماعت

۲۰. مشروعیت و اهمیت نماز جماعت

۱. نماز جماعت از مهمترین مستحبات و از بزرگترین شعایر اسلامی است و دست کم با دو نفر (یک امام و یک مأموم) منعقد می‌شود.
(اجوبۃ الاستفتاءات، س ۵۵۳ و ۵۶۴)
۲. اگر امام جماعت بدون قصد امامت، مشغول نماز شود، نماز وی و اقتدای دیگران به او اشکال ندارد، و به عبارت دیگر در تحقق جماعت، فقط کافی است که مأموم نیت اقتدا داشته باشد و نیت امامت برای امام، معتبر نیست، هر چند درک فضیلت نماز جماعت برای امام در صورتی است که قصد امامت و جماعت کند.
(اجوبۃ الاستفتاءات، س ۵۵۱)
۳. امامت به نیت نماز قضای احتیاطی صحیح نیست، بنابراین فردی که می‌خواهد یک نماز را در مکان‌های به عنوان امام جماعت اقامه کند نمی‌تواند آنها را به نیت نماز قضای احتیاطی به جا آورد.
(اجوبۃ الاستفتاءات، س ۵۸۰)
۴. رضایت امام جماعت شرط صحت اقتدا نیست، بنابراین اقتدا کردن به کسی که راضی به این کار نیست اشکال ندارد.
(اجوبۃ الاستفتاءات، س ۵۷۳)
۵. اقتدا به مأموم تا وقتی که نمازش را به جماعت ادامه می‌دهد صحیح نیست، ولی زمانی که انسان نداند که او مأموم است و به وی اقتدا کند، اگر در رکوع و سجود به وظیفه‌ی نمازگزار منفرد عمل کرده، بدین معنی که رکنی را عمداً و یا سهواً کم یا زیاد نکرده باشد، نمازش صحیح است.
(اجوبۃ الاستفتاءات، س ۵۷۳ و ۵۷۴)
۶. تکرار نماز جماعت برای یک‌بار به خاطر مأمومین دیگر در نمازهای یومیه جایز و بلکه مستحب است، اما بیش از یک‌بار جایز نیست، بنابراین یک امام جماعت می‌تواند در دو مسجد اقامه‌ی جماعت کرده و نماز را دوباره بخواند.
(اجوبۃ الاستفتاءات، س ۵۶۹)
۷. در نمازهای یومیه هر نمازی را می‌توان با هر نماز اقتدا کرد، مثلاً کسی که قصد خواندن نماز عشا

دارد می‌تواند به کسی که نماز مغرب می‌خواند اقتدا کند. (اجوبه الاستفتاءات، س ۵۷۵)

۸. حضور و شرکت زنان در نماز جماعت اشکال ندارد و ثواب جماعت دارد. (اجوبه الاستفتاءات، س ۵۹۵ و ۵۹۷)

۹. شرکت در نماز جماعتی که از نظر مأموم واجد شرایط اقتدا و جماعت است اشکال ندارد، هر چند نزدیک مسجدی باشد که در همان زمان در آن نماز جماعت برگزار می‌شود. بلی مناسب است که مؤمنین در یک مکان اجتماع کرده و همگی در یک نماز جماعت شرکت کنند تا بر عظمت مراسم دینی نماز جماعت افزوده شود و سزاوار است که اقامه‌ی نماز جماعت وسیله‌ی وحدت و انس باشد نه باعث ایجاد جو اختلاف و تفرقه، و اگر نماز جماعت نزدیک مسجد باعث اختلاف و پراکندگی شود جایز نیست.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۵۵۴ و ۵۵۶ و ۵۸۱)

۱۰. اگر موقعی به جماعت رسد که امام مشغول خواندن تشهد آخر نماز است، چنانچه بخواهد به ثواب نماز جماعت برسد باید نیت کند و تکبیرة الاحرام بگوید و بعد بنشیند و تشهد نماز را با امام بخواند، ولی سلام نگوید و کمی صبر کند تا امام سلام نماز را بگوید، بعد بایستد و نماز را ادامه بدهد یعنی حمد و سوره را بخواند و آن را رکعت اول نماز خود حساب کند. (این طریق مختص تشهد آخر نماز جماعت و برای درک ثواب جماعت است و نمی‌توان آن را در تشهد رکعت دوم نمازهای سه رکعتی و چهار رکعتی انجام داد).

(اجوبه الاستفتاءات، س ۵۶۷)

۱۱. اختلاف در تقلید مانع از صحت اقتدا نیست، بنابراین کسی که در نماز مسافر مقلد مجتهدی است می‌تواند به امام جماعتی که در آن مسأله مقلد مرجع دیگری است اقتدا نماید، ولی اقتدا در نمازی که طبق فتوای مرجع تقلید مأموم، قصر است و طبق فتوای مرجع تقلید امام جماعت تمام است یا بالعکس صحیح نیست.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۵۸۳)

توجه

□ افرادی که هنگام برپایی نماز جماعت، اقدام به خواندن نماز فرادی می‌کنند، اگر این عمل تضعیف نماز جماعت و اهانت و بی‌احترامی به امام جماعتی که مردم اعتماد به عدالت او دارند محسوب شود جایز نیست. (اجوبه الاستفتاءات، س ۵۵۵)

□ شرکت ظاهری در نماز جماعت برای یک غرض عقلائی، مثل دفع تهمت اشکال ندارد، ولی آهسته خواندن حمد و سوره در قرائت نمازی که باید بلند خوانده شود، مثل نماز مغرب و عشا برای اظهار اقتدا به امام جماعت، صحیح و مجزی نیست. (اجوبه الاستفتاءات، س ۵۸۸ و ۵۹۱)

□ انجام کارهای مستحبی، مثل نماز مستحب یا دعای توسل و یا سایر دعاها یا طولانی که قبل یا بعد از نماز جماعت و یا در اثنای آن در نمازخانه‌ی ادارات دولتی برگزار می‌شود و بیشتر از جماعت طول می‌کشد اگر منجر به تزییع وقت اداری و تأخیر در انجام کارهای واجب شود اشکال دارد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۵۵۳)

□ جایز نیست امام جماعت برای نماز اجرت بگیرد، مگر آن که برای مقدمات حضور در جماعت باشد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۵۶۸)

□ در نماز جماعت بعد از سلام، قرائت آیه^۱ و ذکر صلوات بر پیامبر(ص) و آل(ع) نه تنها اشکال ندارد بلکه مطلوب بوده و ثواب دارد. همچنین مواظبت بر شعارهای اسلامی و شعار انقلاب اسلامی (تکبیر و ملحقات آن) که یادآور رسالت و اهداف بلند انقلاب اسلامی است هم مطلوب است. (اجوبه الاستفتاءات، س ۵۷۱)

□ بهتر است برای درک فضیلت نماز اول وقت و جماعت، کارهای اداری به گونه‌ی تنظیم شود که کارکنان اماکن نظامی، ادارات و مانند آن بتوانند این فریضه‌ی الهی را به صورت جماعت و در کمترین مدت بخوانند.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۵۵۲)

تمرین

۱. نماز جماعت دست کم با چند نفر منعقد می‌شود؟
۲. آیا جایز است امام جماعت در دو مسجد اقامه‌ی جماعت کرده و نماز را دوباره بخواند؟
۳. کسی که قصد خواندن نماز عشا را دارد آیا می‌تواند به کسی که نماز مغرب می‌خواند اقتدا نماید؟
۴. آیا اقامه‌ی نماز جماعت دوم در نزدیکی مکانی که نماز جماعت در آن جا با حضور تعداد زیادی از نمازگزاران اقامه می‌شود و صدای اذان و اقامه‌ی آن شنیده می‌شود صحیح است؟
۵. بعضی از افراد هنگام برپایی نماز جماعت، اقدام به خواندن نماز فرادی می‌کنند، این کار چه حکمی دارد؟
۶. آیا جایز است امام جماعت برای نماز اجرت بگیرد؟

^۱ آیه ۵۶ سوره احزاب



نماز جماعت (۲)

مسائل متفرقه‌ی نماز

۲۱. شرایط نماز جماعت

- | | | |
|--|---|------------------|
| ۱. نبودن حایل.
۲. بلندتر نبودن جای ایستادن امام از مأوموم.
۳. نبودن فاصله میان امام و مأوموم.
۴. جلوتر نایستادن مأوموم از امام. | } | شرایط نماز جماعت |
|--|---|------------------|

۱. نبودن حایل

۱. اگر یکی از صفهای نماز جماعت به طور کامل از افرادی تشکیل شده باشد که نمازشان قصر است و نماز همه‌ی افراد صف بعدی تمام باشد، اگر افراد صف جلو بعد از خواندن دو رکعت نماز فوراً برای خواندن دو رکعت بعدی اقتدا کنند، مانعی برای ادامه جماعت نخواهد بود. (اجوبۃ الاستفتاءات، س ۵۷۷)

۲. اگر تعدادی از افراد غیر بالغ بعد از صف سوم یا چهارم نماز جماعت ایستاده باشند و بعد از آنها تعدادی از افراد مکلف ایستاده باشند، نماز مکلفین صفهای بعدی اشکال ندارد. (اجوبۃ الاستفتاءات، س ۵۸۵)

توجه

□ زنان اگر پشت سر مردان ولو بدون فاصله بایستند احتیاجی به حایل و پرده نیست، ولی اگر در کنار مردان بایستند سزاوار است که حایلی بین آنها باشد تا کراهت کنار هم ایستادن مردان و زنان در نماز بر طرف شود، و این که وجود حایل بین زنان و مردان در نماز موجب تحقیر و توهین به شأن و کرامت زنان می‌شود توهم و خیالی بیش نیست و اساسی ندارد. (اجوبۃ الاستفتاءات، س ۵۹۷)

۲. بلندتر نبودن جای ایستادن امام و مأوموم

اگر بلندی جایگاه امام نسبت به جایگاه مأومومین بیشتر از حدی باشد که شرعاً مجاز است، موجب بطلان نماز جماعت می‌شود. (اجوبۃ الاستفتاءات، س ۵۷۶)

۳. نبودن فاصله میان امام و مأوم

اگر مأوم در آخر یکی از دو طرف صف اول نماز ایستاده باشد، چنانچه مأومینی که بین او و امام ایستاده‌اند بعد از این که امام جماعت شروع به نماز کرد به طور کامل آماده‌ی اقتدا کردن باشند می‌تواند به نیت جماعت وارد نماز شود.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۵۷۸)

۲۲. احکام نماز جماعت

۱. قرائت حمد و سوره برای مأوم در نمازهای ظهر و عصر جایز نیست، حتی اگر برای تمرکز ذهن باشد.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۵۶۵)

۲. اگر امام جماعت در رکعت سوم یا چهارم نماز عشا باشد و مأوم در رکعت دوم، بر مأوم واجب است که حمد و سوره را آهسته بخواند.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۵۷۰)

۳. اگر شخصی در رکعت دوم نماز جماعت برسد و بر اثر جهل به مسأله، تشهد و قنوت را در رکعت بعد به‌جا نیاورد نمازش صحیح است ولی بنا بر احتیاط قضای تشهد بر او واجب است و نیز بر او واجب است دو سجده سهو به‌جا آورد.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۵۷۲)

۴. کسی که به رکعت سوم نماز جماعت برسد و به خیال این که امام در رکعت اول است چیزی نخواند، اگر قبل از رکوع متوجه شود واجب است حمد و سوره را قرائت کند، ولی اگر بعد از این که داخل رکوع شد متوجه شود نماز او صحیح است و چیزی بر او واجب نیست، هر چند احتیاط مستحب این است که دو سجده‌ی سهو برای ترک سهوی قرائت به‌جا آورد.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۵۷۹)

۵. اگر امام جماعت سهواً بعد از تکبیرة الاحرام به رکوع برود چنانچه مأوم بعد از داخل شدن در نماز جماعت و پیش از رفتن به رکوع متوجه شود واجب است که نیت فرادی نموده و حمد و سوره را قرائت کند.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۵۸۴)

۶. اگر امام جماعت در اثنای نماز در کیفیت تلفظ کلمه پس از ادای آن شک کند و بعد از فراغت از نماز علم پیدا کند که در تلفظ آن کلمه اشتباه کرده است نماز او و مأومین محکوم به صحت است.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۵۹۰)

۷. اقتدا به اهل سنت برای رعایت وحدت اسلامی جایز است و اگر حفظ وحدت، مقتضی انجام کارهایی باشد که آنها انجام می‌دهند نماز صحیح و مجزی است، حتی اگر سجده بر فرش و مانند آن باشد، ولی تکتف (دست بسته نماز خواندن) در نماز جایز نیست، مگر این که ضرورت آن را اقتضا کند.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۵۹۹ و ۶۰۰ و ۶۰۱ و ۶۰۳ و ۶۰۵)

۲۳. شرایط امام جماعت

- شرایط امام جماعت
۱. بالغ بودن.
 ۲. عاقل بودن.
 ۳. عادل بودن.
 ۴. حلال زاده بودن.
 ۵. شیعه‌ی دوازده امامی بودن.
 ۶. نماز را صحیح خواندن.
 ۷. مرد بودن (البته در صورتی که مأموم مرد باشد).

۳. عادل بودن^۱

۱. اگر امام جماعت سخنی بگوید و یا مزاحی کند که خوشایند و مناسب شأن عالم دینی نباشد، در صورتی که مخالف شرع نباشد، ضرری به عدالت نمی‌زند. (اجوبه الاستفتاءات، س ۵۵۸)
۲. صرف ترک امر به معروف و نهی از منکر که ممکن است بر اثر عذر مقبولی نزد مکلف باشد، به عدالت وی ضرر نمی‌زند و مانع اقتدا به او نیست. (اجوبه الاستفتاءات، س ۵۶۱)
۳. شخصی که اعتقاد به عدالت امام جماعتی دارد و در عین حال معتقد است وی در مواردی به او ظلم کرده است تا برایش احراز نشود که عمل آن امام جماعت که او آن را ظلم می‌شمارد با علم و اختیار و بدون مجوز شرعی بوده مجاز نیست که حکم به فسق او نماید. (اجوبه الاستفتاءات، س ۵۶۰)

توجه

□ در اقتدا به امام جماعت، شناخت واقعی او شرط نیست بلکه همین که عدالت امام نزد مأموم به هر طریقی ثابت باشد، اقتدا به او جایز و نماز جماعت صحیح است. (اجوبه الاستفتاءات، س ۵۵۹)

۶. نماز را صحیح خواندن

۱. اگر قرائت مکلف صحیح نباشد و قدرت بر یادگیری هم نداشته باشد، نماز او صحیح است، ولی دیگران نمی‌توانند به وی اقتدا کنند. (اجوبه الاستفتاءات، س ۵۸۷)
۲. اگر قرائت امام جماعت از نظر مأموم، صحیح نباشد و در نتیجه نماز او را صحیح نداند، نمی‌تواند به او اقتدا کند و در صورت اقتدا، نماز او صحیح نیست و اعاده‌ی آن واجب است. (اجوبه الاستفتاءات، س ۵۸۸ و ۵۸۹ و ۵۹۱)

۱ در مورد معنای «عدالت» و «عادل» به «شرایط مرجع تقلید» رجوع کنید.

۷. مرد بودن

امامت زن در نماز جماعت فقط برای زنان جایز است.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۵۹۶)

چند نکته در ارتباط با شرایط امام جماعت

□ با دسترسی به روحانی، از اقتدا به غیر روحانی اجتناب شود.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۵۶۳)

□ اگر امام جماعت، استقرار و آرامش در قیام به صورت طبیعی داشته باشد و بتواند آن را در حال قرائت حمد و سوره و ذکرهای نماز و انجام افعال آن حفظ کند و قدرت بر رکوع و سجده داشته باشد و بتواند وضوی صحیح بگیرد، اقتدای دیگران به او در نماز بعد از احراز سایر شرایط امامت جماعت صحیح است و در قطع کامل دست یا پا و یا فلج بودن آنها امامت محل اشکال است ولی در قطع انگشت ابهام (شست) پا، امامت صحیح است.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۵۹۲)

□

(اجوبة الاستفتاءات، س ۵۹۴)

□ فردی که شرعاً از انجام غسل معذور باشد می‌تواند با تیمم بدل از غسل، امام جماعت شود و اقتدا به او اشکال ندارد.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۵۸۶)

□ نماز مأمومینی که در گذشته بر اثر جهل به حکم شرعی به فردی اقتدا کرده‌اند که اقتدا به او صحیح نبوده، مثل فردی که دست راست نداشته است، محکوم به صحت است و اعاده و قضا بر آنان واجب نیست.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۵۹۳)

۲۴. مسایل متفرقه‌ی نماز

۱. در رابطه با بیدار کردن افراد خانواده برای خواندن نماز صبح، کیفیت خاصی وجود ندارد.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۷۲۳)

۲. مستحب است ولیّ اطفال، احکام شرعی و عبادات را پس از رسیدن آنان به سن تمییز به ایشان یاد دهد.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۷۲۶)

۳. منظور از این که شارب خمر تا چهل روز نمازش، نماز نیست این است که شرب خمر، مانع از قبول نماز است نه این که با شرب خمر، وجوب ادای نماز ساقط شود و قضا واجب گردد یا جمع بین ادا و قضا لازم شود.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۷۲۸)

۴. مصافحه بعد از سلام و فراغت از نماز اشکال ندارد و به طور کلی مصافحه‌ی مؤمنین با هم مستحب است.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۷۳۰)

۵. اگر انسان مشاهده کند فردی بعضی از افعال نمازش را اشتباه انجام می‌دهد، در این مورد چیزی بر او واجب نیست، مگر این که اشتباه ناشی از جهل او به حکم آن باشد که در این صورت احتیاط (واجب)

ارشاد و راهنمایی وی است.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۷۲۹)

❓ تمرین

۱. آیا در حالی که زنان پشت سر مردان برای نماز جماعت ایستاده‌اند احتیاج به پرده و ساتر است؟
۲. آیا برای مأموم جایز است در نماز جماعت ظهر و عصر، حمد و سوره را برای تمرکز ذهن قرائت کند؟
۳. اگر امام جماعت سهواً بعد از تکبیرة الاحرام به رکوع رود وظیفه‌ی مأموم چیست؟
۴. اگر امام جماعت سخنی بگوید و یا مزاحی کند که خوشایند و مناسب شأن عالم دینی نباشد، آیا با این کار از عدالت ساقط می‌شود؟
۵. آیا در صحت قرائت، بین نماز فرادی و نماز مأموم یا امام تفاوت وجود دارد، یا این که صحت قرائت در هر حالی مسأله‌ی واحدی است؟
۶. آیا زن می‌تواند برای زنها امامت کند؟



روزه



روزه (۱)

معنای روزه - انواع روزه - روزه‌های واجب - شرایط
وجوب روزه - شرایط صحت روزه

۱. معنای روزه

«روزه» در شرع مقدس اسلام آن است که انسان در تمام روز (از طلوع فجر تا غروب آفتاب) با قصد اطاعت از فرمان خداوند از خوردن و آشامیدن و چیزهای دیگری که به تفصیل گفته خواهد شد خودداری کند.
(استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۱)

توجه

- معیار شرعی در مورد وقت روزه، فجر صادق است نه کاذب، و احراز آن موکول به تشخیص مکلف است.
(اجوبه الاستفتاءات، س ۳۵۱)
- در طلوع فجر (وقت وجوب امساک برای روزه گرفتن) فرقی بین شبهای مهتابی و غیر مهتابی نیست.
(اجوبه الاستفتاءات، س ۳۵۴)
- مقتضی است که مؤمنین محترم «أَيَّدَهُمُ اللَّهُ تَعَالَى» جهت رعایت احتیاط در امساک روزه، همزمان با شروع اذان صبح از رسانه‌ها برای روزه امساک نمایند.
(اجوبه الاستفتاءات، س ۳۶۲)
- هرگاه برای روزه‌دار اطمینان حاصل شود که اذان از هنگام داخل شدن وقت شروع شده جایز است به صرف شروع اذان، افطار نماید و صبر کردن تا پایان اذان لازم نیست.
(اجوبه الاستفتاءات، س ۳۶۰)

۲. انواع روزه

- | | | |
|--|---|--------------------------------------|
| <ul style="list-style-type: none"> ۱. روزهی واجب، مثل روزهی ماه مبارک رمضان. ۲. روزهی مستحب، مثل روزهی ماه رجب و شعبان. ۳. روزهی مکروه، مثل روزهی روز عاشورا. ۴. روزهی حرام مثل روزهی عید فطر (اول ماه شوال) و قربان (دهم ماه ذی‌الحجه). | } | روزه از یک نظر
بر چهار نوع
است |
|--|---|--------------------------------------|

(اجوبه الاستفتاءات، س ۷۳۱ و ۷۵۱ و ۷۵۵ و ۷۵۷ و استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۲)

توجه

□ کسی که می‌داند روزه برای او ضرر دارد یا خوف ضرر داشته باشد باید روزه را ترک کند و اگر روزه بگیرد صحیح نیست بلکه حرام است، خواه این یقین و خوف از تجربه‌ی شخصی حاصل شده باشد یا از گفته‌ی پزشک امین یا از منشأ عقلایی دیگر.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۷۵۱ و ۷۵۲ و ۷۵۵)

□ ملاک تأثیر روزه در ایجاد بیماری یا تشدید آن و عدم قدرت بر روزه گرفتن، تشخیص خود روزه‌دار نسبت به خودش است، بنابراین اگر پزشک بگوید روزه ضرر دارد، اما او با تجربه دریافته است که ضرر ندارد باید روزه بگیرد، همچنین اگر پزشک بگوید روزه ضرر ندارد ولی او بداند روزه برایش ضرر دارد یا خوف ضرر داشته باشد نباید روزه بگیرد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۷۵۳)

□ هرگاه عقیده‌اش این بود که روزه برای او ضرر ندارد و روزه گرفت و بعد فهمید روزه برای او ضرر داشته باید قضای آن را به جا آورد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۷۵۱)

□ پزشکانی که بیماران را از روزه گرفتن به دلیل ضرر داشتن منع می‌کنند گفته‌ی ایشان در صورتی معتبر است که اطمینان آور باشد یا باعث خوف ضرر شود و در غیر این صورت اعتباری ندارد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۷۴۸ و ۷۵۴ و ۷۵۵ و ۸۲۳)

۳. روزه‌های واجب

۱. روزه‌ی ماه مبارک رمضان.
۲. روزه‌ی قضا.
۳. روزه‌ی کفار.
۴. روزه‌ی قضای پدر و مادر.
۵. روزه‌ی مستحبی که به واسطه‌ی نذر و عهد و قسم واجب شده است.
۶. روزه‌ی روز سوم از ایام اعتکاف.
۷. روزه‌ی بدل از قربانی در حج تمتع^۱.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۷۳۱ و ۷۳۲ و ۷۳۳ و ۷۳۴ و ۷۴۴ و ۷۵۰ و ۷۵۴ و ۸۳۳)

۱) اگر حاجی در حج، قدرت بر قربانی نداشته و نتواند قرض کند باید به جای آن ده روز روزه بگیرد که سه روز آن را در سفر حج و هفت روز آن را در وطنش می‌گیرد.

۴. شرایط وجوب روزه

- | | |
|----------------------|-----------------|
| ۱. بلوغ. | شرایط وجوب روزه |
| ۲. عقل. | |
| ۳. قدرت. | |
| ۴. بی هوش نبودن. | |
| ۵. مسافر نبودن. | |
| ۶. حیض و نفسا نبودن. | |
| ۷. ضرری نبودن روزه. | |
| ۸. حرجی نبودن روزه. | |

توجه

□ روزه بر افرادی واجب است که واجد شرایط فوق باشند، بنابراین روزه بر کودک نابالغ، دیوانه، بیهوش، فردی که توانایی گرفتن روزه ندارد، مسافر، زن حیض و نفسا، کسی که روزه برای او ضرر یا حرج (مشقت زیاد) دارد واجب نیست. (توضیح بیشتر در درسهای بعدی خواهد آمد).

(اجوبه الاستفتاءات، س ۳۵۷ و ۷۲۲ و ۷۳۵ و ۷۳۶ و ۷۳۹ و ۷۴۲ و ۷۴۵ و ۷۴۷ و ۷۴۸ و ۷۴۹ و ۷۵۱ و ۷۵۲ و ۷۵۳ و ۷۵۴ و ۷۵۵ و ۷۵۶ و ۷۵۷)

□ انسان نمی‌تواند به خاطر ضعف روزه را بخورد، ولی اگر به قدری ضعف پیدا کند که تحمل آن بسیار مشکل شود می‌تواند روزه را بخورد، و همچنین اگر برای او ضرر یا خوف ضرر داشته باشد، بنابراین دخترانی که به سن بلوغ - که بنا به نظر مشهور همان تکمیل نه سال قمری است - می‌رسند واجب است روزه بگیرند و ترک آن به صرف دشواری، ضعف جسمانی و مانند آن جایز نیست. بلی اگر برای آنها ضرر داشته و تحمل آن برای ایشان همراه مشقت زیاد باشد می‌تواند افطار کنند.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۷۳۱ و ۷۳۲ و استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۲۴)

۵. شرایط صحت روزه

- | | |
|---|----------------|
| ۱. اسلام. | شرایط صحت روزه |
| ۲. ایمان. | |
| ۳. عقل. | |
| ۴. بی هوش نبودن. | |
| ۵. مسافر نبودن. | |
| ۶. حیض و نفسا نبودن. | |
| ۷. ضرری نبودن. | |
| ۸. داشتن نیت. | |
| ۹. ترک مفطرات. | |
| ۱۰. روزهی قضا نداشتن (البته این شرط برای کسی است که می‌خواهد روزهی مستحبی بگیرد). | |

توجه

□ روزه از افرادی صحیح است که واجد شرایط فوق باشند، بنابراین روزه‌ی کافر، دیوانه، بی‌هوش، مسافر، حیض و نفسا، روزه‌یی که برای فرد ضرر دارد، یا در آن نیت روزه نکرده یا یکی از مفطرات را عمداً انجام داده باطل است، همچنین روزه‌ی مستحبی کسی که روزه‌ی قضا دارد صحیح نیست.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۷۳۸ و ۷۴۰ و ۷۴۲ و ۷۴۳ و ۷۴۶ و ۷۵۱ و ۷۵۲ و ۷۵۳ و ۷۵۵ و ۷۵۷ و ۷۵۸ و ۷۷۲ و ۷۷۳ و ۷۷۴ و ۷۷۴ و ۸۲۴ و ۸۳۳)

تمرین ۳

۱. روزه یعنی چه؟
۲. روزه‌های واجب را برشمرد؟
۳. اگر پزشک شخصی را از روزه گرفتن منع کند، آیا عمل به گفته‌ی او واجب است؟
۴. شرایط وجوب روزه را ذکر نمایید؟
۵. دخترانی که تازه به سن تکلیف رسیده‌اند و روزه گرفتن بر آنها مقداری مشکل است، چه حکمی دارند؟
۶. شرایط صحت روزه چیست؟



روزه (۲) نیت روزه

۶. نیت روزه

۱. معنی و لزوم نیت

روزه مانند همه‌ی عبادت‌های دیگر باید با نیت همراه باشد، بدین معنی که خودداری انسان از خوردن و آشامیدن و سایر چیزهای باطل‌کننده‌ی روزه، به خاطر دستور خداوند باشد و همین که چنین عزمی در او باشد کافی است و لازم نیست آن را بر زبان بیاورد.

(استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۳)

۲. زمان نیت

روزه‌های مستحبی: از اول شب تا موقعی که به اندازه‌ی نیت کردن به مغرب وقت مانده باشد.

تا قبل از طلوع فجر: صحیح است.

تا قبل از زوال } از روی عمد: صحیح نیست.

از روی فراموشی یا بی اطلاع: بنا بر احتیاط واجب نیت روزه کند و روزه بگیرد و بعداً نیز روزه‌ی آن روز را قضا نماید.

بعد از زوال: کافی نیست.

روژه‌های واجب

واجب معین، مثل روزه‌ی ماه رمضان

واجب غیرمعین، مثل روزه‌ی قضا‌ی ماه رمضان

تا قبل از زوال: صحیح است.

بعد از زوال: صحیح نیست.

۱. از آن جا که شروع روزه از اول فجر است، نیت آن هم باید از آن لحظه به تأخیر نیفتد، و بهتر آن است پیش از فرا رسیدن فجر، نیت روزه کند.

(استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۴)

۲. اگر اول شب نیت کرد که فردا روز بگیرد و پس از آن به خواب رفت و تا بعد از اذان صبح بیدار نشد یا سرگرم کاری بود و از فرا رسیدن صبح غافل بود، و پس از آن توجه یافت، روزه‌ی او صحیح است. (استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۵)

۳. کسی که در ماه رمضان، هنگام فرا رسیدن اذان صبح، عمداً نیت روزه نمی‌کند، اگر در اثنای روز نیت روزه کند، روزه‌اش باطل است و در عین حال باید تا غروب آن روز از همه‌ی چیزهای باطل کننده‌ی روزه اجتناب کند و بعد از ماه رمضان هم قضای آن روز را به جا آورد.

(استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۶)

۴. کسی که در ماه رمضان از روی فراموشی یا بی‌اطلاعی، نیت روزه نکرده و در اثنای روز ملتفت شود، در صورتی که کاری که روزه را باطل می‌کند انجام داده باشد، روزه‌ی آن روز باطل است ولی تا غروب از کارهای باطل کننده‌ی روزه خودداری کند، اما چنانچه تا هنگامی که ملتفت روزه می‌شود کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد اگر بعد از ظهر است روزه باطل است، و اگر پیش از ظهر است بنابر احتیاط واجب باید نیت روزه کند و روزه بگیرد و بعداً نیز روزه‌ی آن روز را قضا کند.

(استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۷)

۵. اگر برای روزه‌ی واجب غیر ماه رمضان، مانند روزه‌ی کفاره یا قضا تا نزدیک ظهر نیت نکند، چنانچه تا آن وقت کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد، می‌تواند نیت کند و روزه‌ی او صحیح است. (استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۸)

۶. روزه‌ی مستحبی را در هر وقت از روز که به فکر روزه بیفتد می‌تواند نیت روزه کند و روزه‌ی او صحیح است، مشروط بر این که تا آن لحظه کاری که موجب باطل شدن روزه است از او سر نزده باشد. (استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۹)

۷. کسی که روزه‌ی قضای ماه رمضان بر او واجب است نمی‌تواند روزه‌ی مستحبی بگیرد حتی اگر زمانی که وقت نیت روزه‌ی واجب تمام شده است (یعنی بعد از ظهر) هم نیت روزه‌ی مستحبی کند صحیح نیست، و چنانچه فراموش کند و روزه‌ی مستحبی بگیرد در صورتی که در اثنای روز (چه پیش از ظهر باشد یا بعد از ظهر) یادش بیاید روزه‌ی مستحبی او باطل می‌شود، حال اگر پیش از ظهر باشد می‌تواند نیت روزه‌ی قضای ماه رمضان کند و روزه‌اش درست است.

((اجوبة الاستفتاءات، س ۷۴۳ و استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۱۰))

توجه

□ کسی که روزه‌ی قضای ماه رمضان بر ذمه دارد اگر به نیت استحباب روزه بگیرد، به جای روزه‌ی قضایی که بر عهده‌اش هست محسوب نمی‌شود. (اجوبة الاستفتاءات، س ۸۱۶)

□ کسی که نمی‌داند روزه‌ی قضا بر عهده دارد یا نه، اگر به نیت آنچه که شرعاً مأمور به آن است اعم از روزه‌ی قضا یا مستحبی، روزه بگیرد و در واقع روزه‌ی قضا بر عهده‌اش باشد به عنوان روزه‌ی قضا محسوب می‌شود. (اجوبة الاستفتاءات، س ۸۱۵)

۸. اگر مریض در اثنای روز ماه رمضان خوب شود، واجب نیست که نیت روزه کند و آن روز را روزه بگیرد، ولی اگر پیش از ظهر باشد و کاری که روزه را باطل می‌کند از او سر نزده باشد احتیاطاً مستحب آن است که نیت روزه کند و روزه بگیرد و پس از ماه رمضان باید آن روز را قضا کند.

(استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۱۱)

۳. نیت در یوم الشک

روزی که انسان شک دارد که آخر شعبان است یا اول ماه رمضان (یوم الشک) واجب نیست روزه بگیرد، و اگر بخواهد روزه بگیرد نمی‌تواند نیت روزه‌ی رمضان کند، بلکه می‌تواند قصد روزه‌ی مستحبی آخر شعبان یا روزه‌ی قضا و مانند آن کند و اگر بعداً معلوم شود که رمضان بوده از رمضان حساب می‌شود و قضای آن روز لازم نیست، و اگر در اثنای روز بفهمد که ماه رمضان است باید از همان لحظه نیت روزه‌ی رمضان کند.

(استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۱۲ و ۱۳)

۴. استمرار در نیت

۱. در روزه، واجب است نیت، استمرار داشته باشد.

۱. نیت قطع روزه (یعنی در اثنای روز از نیت روزه گرفتن برگردد به طوری که قصد ادامه‌ی روزه نداشته باشد): روزه‌اش باطل می‌شود و قصد دوباره‌ی او برای ادامه‌ی روزه فایده ندارد. البته تا اذان مغرب باید از کاری که روزه را باطل میکند، خودداری کند.

۲. آنچه استمرار در

نیت را به هم می‌زند

۲. تردید در ادامه‌ی روزه (به این معنی که هنوز تصمیم نگرفته

است روزه را هم باطل کند)

در این دو صورت، احتیاطاً واجب آن است که روزه را تمام کند و بعداً هم آن را قضا نماید.

۳. نیت قاطع (یعنی تصمیم بگیرد

کاری را که موجب باطل

شدن روزه است صورت دهد و

هنوز آن را انجام نداده است)

(اجوبة الاستفتاءات، س ۷۵۸ و استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۱۴)

توجه

□ آنچه گفتیم در ارتباط با روزه‌ی واجب معین از قبیل روزه‌ی ماه رمضان و نذر معین و مانند آن است، اما در روزه‌های مستحب و نیز روزه‌های واجب غیر معین که وجوب آن مخصوص به روز معینی نیست اگر تصمیم بر قطع روزه بگیرد ولی کاری که روزه را باطل می‌کند از او سر نزند و بعداً دوباره تا پیش از ظهر - و در مستحب تا غروب - نیت روزه کند روزه‌ی او صحیح است.

(استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۱۴ و ۱۵)

تمرین

۱. آیا روزه‌ی کسی که اول شب نیت کند که فردا روزه بگیرد و پس از آن به خواب رود و تا بعد از اذان صبح بیدار نشود صحیح است؟
۲. روزه‌ی مستحبی را تا چه زمانی می‌توان نیت کرد؟
۳. کسی که نمی‌داند روزه‌ی قضا دارد چنانچه روزه‌ی مستحبی بگیرد و بعد بفهمد روزه‌ی قضا داشته آیا به عنوان روزه‌ی قضا حساب می‌شود؟
۴. حکم یوم الشک را بیان نمایید؟
۵. نیت قطع با نیت قاطع چه فرقی دارد؟
۶. کسی که در روزه‌ی ماه رمضان تصمیم می‌گیرد روزه‌اش را باطل کند، ولی قبل از این که عملی که روزه را باطل می‌کند انجام دهد از تصمیم خود منصرف شود حکم روزه‌اش چیست؟



روزه (۳)

مفطرات «۱»

۷. مفطرات

۱. خوردن و آشامیدن.
۲. جماع (آمیزش جنسی).
۳. استمناء (خودارضایی جنسی).
۴. دروغ بستن به خدا و پیامبران و معصومین (ع) (بنابر احتیاط واجب).
۵. رساندن غبار غلیظ به حلق (بنابر احتیاط واجب).
۶. فرو بردن تمام سر در آب (بنابر احتیاط واجب).
۷. باقی ماندن بر جنابت و حیض و نفاس تا اذان صبح.
۸. اماله (تنقیه) کردن با مایعات.
۹. قی کردن عمدی.

مفطرات روزه

(استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۱۶)

توجه

□ به کارهایی که روزه را باطل می‌کند «مفطرات روزه» می‌گویند.

۱. خوردن و آشامیدن

۱. اگر روزه‌دار عمداً و آگاهانه چیزی بخورد یا بیاشامد روزه‌ی او باطل می‌شود، خواه آن چیز از خوراکیها و آشامیدنیهای معمول باشد و خواه از چیزهای غیر خوراکی مانند کاغذ یا پارچه و امثال آن، و خواه زیاد باشد یا کم، مانند قطره‌های بسیار کوچک آب یا خرده‌ی کوچکی از نان.

(استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۱۷)

۲. اگر روزه‌دار چیزی را که لای دندان مانده است عمداً فرو ببرد، روزه‌اش باطل می‌شود، اما اگر علم به وجود باقیمانده‌ی غذا در لای دندانها و یا علم به رسیدن آن به حلق نداشته و یا فرو رفتن آن عمدی و با التفات نبوده روزه باطل نمی‌شود. (اجوبه الاستفتاءات، س ۷۶۴ و استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۱۸)

۳. خوردن و آشامیدن از روی سهو و فراموشی روزه را باطل نمی‌کند و تفاوتی هم بین اقسام روزه از واجب و مستحب نیست.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۷۶۴ و ۷۹۷ و استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۲۳)

۴. فرو بردن آب دهان روزه را باطل نمی‌کند.

(استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۱۹)

۵. احتیاط واجب آن است که روزه‌دار از استعمال آمپولهای مقوی یا مغذی، یا آمپولهایی که به رگ تزریق می‌شود و نیز انواع سرم‌ها خودداری کند، ولی تزریق آمپول در عضله یا برای بی حس کردن و نیز دارو گذاشتن در زخمها و جراحتها اشکال ندارد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۷۶۷ و استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۲۰)

۶. احتیاط واجب آن است که روزه‌دار از مواد مخدری که از راه بینی یا زیر زبان جذب می‌شود خودداری کند.

(استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۲۱)

۷. اگر موقعی که مشغول خوردن غذا است بفهمد صبح شده، باید لقمه را از دهان بیرون بیاورد، و اگر عمداً آن را فرو ببرد روزه‌اش باطل است. (وظیفه‌ی کسی که عمداً روزه را باطل کرده است بعداً گفته خواهد شد).

(استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۲۲)

۸. فرو بردن اخلاط سر و سینه تا به فضای دهان نرسیده روزه را باطل نمی‌کند، اما اگر داخل فضای دهان شود احتیاط واجب آن است که آن را فرو نبرد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۷۹۹)

۹. هرگاه خوردن قرص در حال روزه برای درمان فشار خون ضروری باشد اشکال ندارد، ولی با خوردن آن، روزه باطل می‌شود. (بر استفاده از قرص جهت درمان، عنوان خوردن صدق می‌کند).

(اجوبه الاستفتاءات، س ۷۶۸ و ۷۶۹)

۱۰. خونی که از لثه بیرون می‌آید تا آن را فرو نبرده است روزه باطل نمی‌شود و چنانچه در آب دهان مستهلک شود (و از بین برود) محکوم به طهارت است و بلعیدن آن اشکال ندارد و مبطل روزه نخواهد بود، و همچنین در صورت شک در همراه بودن آب دهان با خون، فرو بردن آن اشکال ندارد و به صحت روزه ضرر نخواهد زد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۷۶۳ و ۷۶۵)

توجه

□ به صرف بیرون آمدن خون از دهان، روزه باطل نمی‌شود، ولی واجب است از رسیدن آن به حلق جلوگیری کند.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۷۵۹)

۲. جماع (آمیزش جنسی)

۱. آمیزش جنسی روزه را باطل می‌کند، هر چند منی بیرون نیاید.

(استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۲۵)

۲. اگر فراموش کند که روزه است و آمیزش جنسی کند، روزه‌ی او باطل نمی‌شود، ولی هر لحظه که یادش آمد باید فوراً از حال آمیزش خارج شود وگرنه روزه‌اش باطل است.

(استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۲۶)

۳. استمناء (خودارضایی جنسی)

۱. اگر روزه‌دار عمداً کاری کند که منی از او بیرون بیاید روزه‌اش باطل می‌شود.

(استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۲۷)

۲. محتلم شدن در روز (خروج منی در حال خواب) روزه را باطل نمی‌کند، و هرگاه روزه‌دار بدانند که اگر در روز بخوابد محتلم می‌شود، لازم نیست از خواب خود جلوگیری کند.

(استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۲۸)

۳. اگر روزه‌دار در حال بیرون آمدن منی از خواب بیدار شود واجب نیست از آن جلوگیری کند.

(استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۲۹)

۴. دروغ بستن به خدا و پیامبران و معصومین

۱. دروغ بستن به خدا و پیامبران و معصومین (ع) بنا بر احتیاط (واجب) موجب باطل شدن روزه می‌شود، هر چند بعداً توبه کند و بگوید که دروغ بسته است.

(استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۳۰)

۲. نقل روایاتی که در کتب آمده است و انسان نمی‌داند که دروغ باشد، اشکال ندارد، هر چند احتیاط (مستحب) آن است که آنها را با نسبت به آن کتاب نقل کند (مثلاً بگوید: در فلان کتاب چنان نوشته شده است که پیامبر (ص) فرمود...).

(استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۳۱)

توجه



(اجوبه الاستفتاءات، س ۸۲۹)

۵. رساندن غبار غلیظ به حلق

۱. روزه‌دار بنا بر احتیاط واجب باید غبار غلیظ را، مانند غباری که از جارو کردن زمین خاکی بر می‌خیزد فرو ندهد، ولی صرف داخل شدن غبار در دهان و بینی بدون این که به حلق برسد روزه را باطل نمی‌کند، همچنین دود سیگار و دیگر دخانیات بنا بر احتیاط واجب روزه را باطل می‌کند.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۸۰۰ و استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۳۲)

۲. هرگاه روزه‌دار مبتلا به تنگی نفس شدید، ماده‌یی را به کار ببرد که از هوای فشرده همراه با دارویی هر چند به صورت گاز یا پودر تشکیل شده و وارد حلق می‌شود، روزه اشکال ندارد. (اجوبه الاستفتاءات، س ۷۶۲)

تمرین

۱. مفطرات روزه را بر شمرید؟
۲. تزریق آمپول و سایر تزریقات در حال روزه چه حکمی دارد؟
۳. آیا خوردن قرص فشار خون در حال روزه جایز است و به روزه ضرر نمی‌زند؟
۴. آیا احتلام در روز، روزه را باطل می‌کند؟
۵. آیا نقل روایاتی که در کتب آمده و انسان نمی‌داند دروغ است در حال روزه جایز است؟
۶. حکم استعمال دخانیات، مانند سیگار در حال روزه چیست؟



روزه (۴)

مفطرات «۲»

۶. فرو بردن سر در آب

۱. اگر روزه‌دار عمداً تمام سر را در آب فرو ببرد، بنا بر احتیاط واجب روزه‌اش باطل است و باید روزه‌ی آن روز را قضا کند.

(استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۳۳)

۲. در حکم مسأله‌ی قبل فرقی نیست میان این که در هنگام فرو بردن سر در آب، بدن او نیز در آب باشد یا این که بدن او در بیرون باشد و فقط سر را در آب فرو ببرد.

(استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۳۴)

۳. اگر نصف سر را در آب فرو ببرد و سپس بیرون بیاورد و نصف دیگر سر را در آب فرو کند روزه‌اش باطل نمی‌شود.

(استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۳۵)

۴. اگر تمام سر زیر آب برود ولی مقداری از موها بیرون بماند روزه باطل می‌شود.

(استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۳۶)

۵. اگر شک کند که تمام سر زیر آب رفته یا نه، روزه‌اش صحیح است.

(استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۳۷)

۶. اگر روزه‌دار بی‌اختیار در آب بیفتد و تمام سر او را آب بگیرد روزه‌اش باطل نمی‌شود، ولی باید فوراً سر را از زیر آب خارج کند، همچنین اگر فراموش کند که روزه است و سر در آب فرو ببرد روزه‌ی او باطل نمی‌شود، ولی هرگاه یادش آمد باید فوراً سر را بیرون بیاورد.

(استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۳۸)

۷. کسی که با پوشیدن لباس مخصوص (مانند لباس غواصی) بدون این که بدنش خیس شود در آب فرو رود، اگر لباس به سر او چسبیده باشد، صحت روزه‌اش محل اشکال است و بنا بر احتیاط واجب قضای آن لازم است.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۷۴۱)

۸. آب ریختن روی سر توسط ظرف و مانند آن به صحت روزه ضرر نمی‌رساند.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۷۶۵)

۷. باقی ماندن بر جنابت و حیض و نفاس تا اذان صبح

۱. کسی که در شب ماه رمضان دچار جنابت است باید تا پیش از اذان صبح غسل کند و اگر عمداً تا

آن هنگام غسل نکند روزه‌اش باطل است. این حکم در مورد روزه‌ی قضای ماه رمضان نیز جاری است.
(استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۳۹)

توجه

□ اگر در شب ماه رمضان جنب شود و بدون تعمد تا اذان صبح غسل نکند، مثل این که در خواب جنب شود و خواب او تا بعد از اذان صبح ادامه یابد روزه‌اش صحیح است. (استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۴۰)
□ باطل شدن روزه به خاطر بقای بر جنابت، مخصوص روزه‌ی ماه رمضان و قضای آن است و در روزه‌های دیگر به خصوص روزه‌ی مستحبی موجب بطلان نمی‌شود. (اجوبه الاستفتاءات، س ۷۷۴)

۲. اگر جنب در روزه‌ی ماه رمضان غسل جنابت را در شب تا طلوع فجر فراموش کند و با حالت جنابت صبح نماید روزه‌اش باطل است و احتیاط (واجب) این است که قضای روزه‌ی ماه رمضان هم در این حکم به آن ملحق شود، ولی در سایر روزه‌ها، روزه بر اثر آن باطل نمی‌شود.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۷۸۳)

۳. اگر شخصی در حال جنابت چند روز روزه بگیرد و نداند که طهارت از جنابت شرط صحت روزه است، روزه‌هایی که در این چند روز گرفته باطل است و باید آنها را قضا نماید. (اجوبه الاستفتاءات، س ۷۷۳)

۴. اگر شخصی در ماه مبارک رمضان با آب نجس غسل کند و بعد از چند روز متوجه شود که آن آب نجس بوده است، روزه‌های او محکوم به صحت است. (اجوبه الاستفتاءات، س ۷۸۰)

۵. کسی که در شب ماه رمضان وظیفه دارد غسل کند، اگر به دلیل تنگی وقت یا مضر بودن آب و امثال آن نتواند غسل کند، باید تیمم بدل از غسل به جا آورد. (استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۴۲)

توجه

□ کسی که وظیفه‌ی او تیمم است جایز است عمداً خود را در شبهای ماه مبارک رمضان جنب کند به شرط این که بعد از جنب شدن، وقت کافی برای تیمم داشته باشد. (اجوبه الاستفتاءات، س ۷۷۴)

□ هرگاه کسی قبل از اذان صبح، غسل جنابت و یا تیمم بدل از آن را انجام دهد روزه‌ی او صحیح است، هر چند بعد از اذان صبح بدون اختیار از او منی خارج شود. (اجوبه الاستفتاءات، س ۷۸۱)

۶. اگر در حال روزه در خواب جنب شود روزه باطل نمی‌شود، بنابراین اگر قبل از اذان صبح یا بعد از آن بخوابد و در خواب جنب شده و بعد از اذان بیدار شود، جنابت به روزه‌ی آن روز او ضرر نمی‌زند. بلی واجب است که برای نماز غسل کند و می‌تواند غسل را تا وقت نماز به تأخیر بیندازد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۷۸۲ و استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۴۳)

توجه

□ اگر روزه‌دار در روز ماه رمضان و سایر ایام که روزه است در حال خواب جنب شده، پس از بیدار شدن واجب نیست فوراً غسل کند. (استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۴۴)

۷. کسی که در بیداری جنب شده یا پس از جنب شدن در حال خواب، بیدار شده و می‌داند که اگر به خواب رود، تا پیش از اذان صبح برای غسل بیدار نخواهد شد، جایز نیست قبل از غسل کردن بخوابد،

و اگر خوابید و پیش از اذان، غسل نکرد روزه‌اش باطل است، ولی اگر احتمال می‌دهد که پیش از اذان صبح برای غسل بیدار خواهد شد و تصمیم بر غسل داشته باشد ولی بیدار نشود روزه‌اش صحیح است، ولی اگر دوباره خوابید و تا صبح بیدار نشد باید قضای آن روز را به جا آورد. (اجوبۃ الاستفتاءات، س ۷۷۸ و استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۴۱)

توجه

□ هرگاه در شب ماه رمضان قبل از فجر شک کند که محتلم شده یا نه، ولی به شک خود اعتنا نکند و دوباره بخوابد و بعد از اذان صبح بیدار شود و متوجه گردد که قبل از طلوع فجر محتلم شده است، چنانچه بعد از بیداری اول، اثری از احتلام در خود مشاهده نکند بلکه فقط احتمال آن را بدهد و چیزی بر او کشف نشود و تا بعد از اذان بخوابد روزه‌اش صحیح است، هر چند بعد از آن معلوم شود که احتلام او مربوط به قبل از اذان صبح است، همچنین اگر قبل از اذان صبح متوجه احتلام خود نشود و دوباره بخوابد و بعد از اذان صبح بیدار شود و متوجه گردد که قبل از اذان صبح محتلم شده است روزه‌اش صحیح است. (اجوبۃ الاستفتاءات، س ۷۷۷ و ۷۷۹)

۸. زنی که از عادت ماهانه پاک شده و باید غسل کند، و همچنین زنی که از نفاس (خونریزی زایمان) پاک شده و غسل بر او واجب است، اگر غسل را تا اذان صبح روز ماه رمضان تأخیر اندازد روزه‌اش باطل است. (استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۴۵)

۹. زن روزه‌دار اگر در اثنای روز خون حیض یا نفاس ببیند روزه‌اش باطل می‌شود، اگر چه نزدیک مغرب باشد. (اجوبۃ الاستفتاءات، س ۷۴۰)

توجه

□ اگر زنی در حال روزه‌ی نذری معین حیض شود روزه‌اش باطل می‌شود و قضای آن بعد از طهارت واجب است. (اجوبۃ الاستفتاءات، س ۸۲۴)

۸. اماله کردن با مایعات

۱. اماله کردن با چیز روان، اگر چه از روی ناچاری و برای معالجه باشد، روزه را باطل می‌کند.

(استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۴۷)

۲. داروهای مخصوصی برای معالجه‌ی بعضی از بیماریهای زنان وجود دارد (شیافهای روغنی) که در داخل بدن گذاشته می‌شود، استفاده از این داروها به روزه ضرر نمی‌رساند. (اجوبۃ الاستفتاءات، س ۷۶۶)

۹. قی کردن عمدی

۱. هرگاه روزه‌دار عمداً قی کند اگر چه به واسطه‌ی بیماری و مانند آن ناچار به این کار باشد، روزه‌اش باطل می‌شود، ولی اگر سهواً یا بی‌اختیار قی کند اشکال ندارد. (استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۴۸)

۲. اگر در هنگام آروغ زدن، چیزی در دهانش بیاید باید آن را بیرون بریزد و اگر بی‌اختیار فرو رود روزه‌اش صحیح است. (استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۴۹)

چند نکته در ارتباط با مفطرات روزه

□ هرگاه روزه‌دار عمداً و از روی اختیار کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد روزه‌ی او باطل می‌شود و چنانچه از روی عمد نباشد، مثل این که پایش بلغزد و در آب فرو رود، یا از روی فراموشی غذا بخورد، یا به زور چیزی در گلوئی او بریزند روزه‌اش، باطل نمی‌شود و تفاوتی هم بین اقسام روزه از واجب، مستحب، ماه رمضان و غیره نیست.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۷۳۵ و ۷۹۷ و ۸۲۲ و استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۵۰)

توجه

□ هرگاه روزه‌دار خودش بر اثر اکراه دیگری مرتکب مفطری شود (و به عبارت دیگر مجبورش کنند که خودش افطار کند، مثلاً به او بگویند اگر غذا نخوری ضرر جانی یا مالی به تو می‌زنیم و او خودش برای جلوگیری از ضرر، غذا بخورد) روزه‌اش باطل می‌شود.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۷۹۷)

□ اگر روزه‌دار سهواً یکی از کارهایی را بکند که موجب باطل شدن روزه است و سپس به خیال این که روزه‌اش باطل شده، عمداً بار دیگر یکی از آن کارها را انجام دهد، روزه‌ی او باطل می‌شود.

(استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۵۲)

□ هرگاه کسی شک کند مفطری انجام داده است یا نه، مثلاً غبار غلیظی که وارد دهان شده آن را فروبرده است یا نه، یا آبی که داخل دهان کرده بیرون ریخته یا نه، روزه‌اش صحیح است.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۸۲۸)

تمرین ۴

۱. کسی که با پوشیدن لباس مخصوص (مانند لباس غواصی) بدون این که بدنش خیس شود در آب فرو رود روزه‌اش چه حکمی دارد؟
۲. آیا زیر دوش رفتن یا ریختن آب بر روی سر توسط ظرف و مانند آن، روزه را باطل می‌کند؟
۳. آیا جایز است شخص جنب بعد از طلوع آفتاب غسل جنابت نماید و روزه‌ی قضا یا مستحب بگیرد؟
۴. اگر جنب در روزه‌ی ماه رمضان یا روزه‌های دیگر غسل جنابت را در شب تا طلوع فجر فراموش کند و در اثنای روز به یادش بیفتد چه حکمی دارد؟
۵. اگر مکلف در شب ماه رمضان قبل از اذان صبح بیدار شود و ببیند محتلم شده است و دوباره پیش از اذان صبح به امید این که برای غسل کردن بیدار می‌شود بخوابد و تا بعد از اذان در خواب بماند روزه‌اش چه حکمی دارد؟
۶. اگر روزه‌دار در هنگام آروغ زدن، چیزی در دهانش بیاید وظیفه‌اش چیست؟



روزه (۵)

کفاره‌ی افطار عمدی روزه‌ی ماه مبارک رمضان

۸. کفاره‌ی افطار عمدی روزه‌ی ماه مبارک رمضان

۱. وجوب کفاره و موارد آن

۱. هرگاه در ماه مبارک رمضان کارهایی که روزه را باطل می‌کند را از روی عمد و اختیار و بدون عذر شرعی انجام دهد، علاوه بر این که روزه‌ی او باطل می‌شود و قضا دارد کفاره نیز بر او واجب است اعم از این که هنگام انجام مفطر، عالم به وجوب کفاره باشد یا نه.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۷۵۰ و ۸۲۲ و استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۵۳)

توجه

□ اگر فردی به خاطر عذری احتمال دهد که روزه‌ی ماه مبارک رمضان بر او واجب نیست و به همین دلیل روزه نگیرد ولی بعداً معلوم شود که روزه بر او واجب بوده، علاوه بر قضا، کفاره هم بر او واجب است. (صرف احتمال عدم وجوب روزه‌ی ماه مبارک رمضان برای افطار کافی نیست). بلی اگر افطار به علت ترس از ضرر باشد و ترس هم منشأ عقلایی داشته باشد کفاره ندارد، ولی قضا بر او واجب است.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۷۳۵)

□ اگر به سبب بی‌اطلاعی از حکم شرعی، کاری را انجام دهد که روزه را باطل می‌کند، مثل این که نمی‌داند سر زیر آب کردن روزه را باطل می‌کند و سر زیر آب کرد، روزه‌اش باطل است و باید آن را قضا کند، ولی کفاره بر او واجب نیست.

(استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۵۵)

□ اگر به جهتی باطل کردن روزه برای او جایز یا واجب شود، مانند این که او را مجبور کنند کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد، یا برای نجات جان غریق خود را در آب بیندازد، در این صورت، کفاره بر او واجب نیست، ولی باید قضای آن روز را به جا آورد.

(استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۵۶)

۲.

(استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۵۴)

۳. اگر چیزی از اندرون روزه‌دار به دهان او برگردد، نباید آن را دوباره فرو برد، و اگر عمداً فرو ببرد قضا و کفاره بر او واجب است.

(استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۶۵)

۴. اگر روزه‌دار به گفته‌ی کسی که می‌گوید مغرب شده و اعتماد به گفته‌ی او نیست، افطار کند و سپس بفهمد که مغرب نبوده، قضا و کفاره بر او واجب می‌شود.

(استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۶۷)

۵. هرگاه روزه‌دار در ماه رمضان با همسر خود که روزه‌دار است جماع کند و زن نیز به آن راضی باشد بر هر یک از آنان حکم افطار عمدی جاری است و علاوه بر قضا، کفاره هم بر هر دو واجب است.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۷۷۰)

نمودار

(اجوبه الاستفتاءات، س ۷۵۸ و ۷۷۱ و ۷۸۶ و ۷۹۳)

۲. مقدار کفاره و کیفیت آن

۱. کفاره‌ی افطار عمدی روزه‌ی ماه مبارک رمضان در شرع اسلام یکی از سه چیز است
۱. آزاد کردن یک برده.
۲. دو ماه (شصت روز) روزه گرفتن.
۳. شصت فقیر را غذا دادن.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۷۸۴ و ۸۱۴ و استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۵۷)

توجه

□ از آن جایی که در این دوران ظاهراً برده‌یی وجود ندارد که بتوان آزاد کرد مکلف باید یکی از آن دو کار دیگر را انجام دهد.

(استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۵۷)

□ در مقدار کفاره تفاوتی نیست بین آن که روزه‌دار، به چیز حلال روزه‌ی خود را باطل کند یا به چیز حرام، مثل زنا یا استمنا یا خوردن و آشامیدن حرام، گر چه احتیاط مستحب در افطار به چیز حرام آن است که کفاره‌ی جمع بپردازد یعنی هم یک برده آزاد کند و هم دو ماه روزه بگیرد و هم شصت فقیر را غذا دهد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۷۸۴ و ۷۸۵ و استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۶۳)

□ هرگاه هیچ یک از این سه کار ممکن نشود باید به هر تعداد فقیر که قادر است غذا بدهد و احتیاط (واجب) آن است که استغفار نیز بکند و اگر به هیچ وجه قادر به دادن غذا به فقرا نیست فقط کافی است که استغفار کند یعنی با دل و زبان بگوید: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ» (از خداوند بخشایش می‌طلبم).

(اجوبه الاستفتاءات، س ۸۱۱ و ۸۱۲ و استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۵۹)

□ کسی که به خاطر عدم توانایی بر روزه و غذا دادن به فقیر، وظیفه‌اش استغفار است، اگر بعدها تمکن کرد که روزه بگیرد یا به فقرا غذا دهد، لازم نیست این کار را بکند، گر چه موافق احتیاط مستحبی است.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۸۱۲ و استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۶۰)

۲. کسی که می‌خواهد دو ماه کفاره‌ی روزه‌ی ماه رمضان را بگیرد باید یک ماه تمام و حداقل یک

روز از ماه دوم را پی‌درپی بگیرد و اگر بقیه‌ی ماه دوم پی‌درپی نباشد اشکال ندارد.

(استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۶۱)

۳. زنی که می‌خواهد شصت روز روزه‌ی کفاره بگیرد و در اثنای روز به روزهای عادت ماهانه و امثال آن برسد پس از پایان آن روزها می‌تواند بقیه‌ی روزه‌ها را بگیرد و لازم نیست آنها را از سر بگیرد.

(استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۶۲)

۴. غذا دادن به شصت فقیر را می‌توان به دو صورت انجام داد

۱. این که با غذای آماده آنان را سیر کند.
۲. این که به هر نفر به اندازه‌ی ۷۵۰ گرم (یک مد) گندم یا آرد یا نان یا برنج یا امثال آن بدهد.

(استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۵۸)

۵. کسی که برای کفاره‌ی روزه می‌خواهد به شصت فقیر غذا دهد (به شرحی که در مسأله‌ی قبل گفتیم) اگر به شصت فقیر دسترسی دارد نمی‌تواند سهم دو نفر یا بیشتر را به یک نفر بدهد، بلکه لازم است به تمام شصت نفر به اندازه‌ی سهم هر یک غذا بدهد. البته می‌تواند به عدد افراد خانواده‌ی شخص فقیر مقدار سهم آنان را به او واگذار کند و او آن را مصرف آنان نماید.

(استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۷۱)

توجه

□ در فقیر، تفاوتی میان بچه و بزرگ و زن و مرد نیست.

(استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۷۱)

۳. احکام کفاره

۱. اگر روزه‌دار در یک روز بیش از یک‌بار کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد فقط یک کفاره بر او واجب می‌شود. بلی اگر این کار، آمیزش جنسی یا استمناء باشد احتیاط واجب آن است که به عدد دفعات آمیزش جنسی یا استمناء کفاره بدهد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۷۹۴ و استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۶۴)

۲. کسی که عمداً روزه‌ی خود را باطل کرده، اگر پس از آن به سفر برود کفاره از او ساقط نمی‌شود، بنابراین اگر با حالت جنابت از خواب بیدار شود و علم به جنب بودن خود داشته باشد و قبل از فجر اقدام به غسل یا تیمم نکند و برای فرار از روزه تصمیم بگیرد بعد از طلوع فجر مسافرت کند و این کار را نیز انجام دهد، صرف تصمیم و قصد سفر در شب و رفتن به مسافرت در روز برای سقوط کفاره از او کافی نیست.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۷۷۵ و استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۶۸)

۳. کسی که کفاره بر او واجب شده، لازم نیست که آن را فوراً بدهد، ولی نباید آن را به قدری تأخیر بیندازد که کوتاهی در ادای واجب شمرده شود.

(استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۶۹)

۴. کفاره‌ی واجب را اگر چند سال بگذرد و ندهد، چیزی بر آن اضافه نمی‌شود.

(استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۷۰)

(اجوبة الاستفتاءات، س ۸۰۷)

۵. در کفاره‌ی روزه، بین قضا و کفاره، ترتیب واجب نیست.

تمرین

۱. هرگاه کسی به واسطه‌ی بی‌اطلاعی و ندانستن مسأله کاری را انجام دهد که می‌داند حرام است ولی نمی‌داندسته که روزه را باطل می‌کند، آیا قضای روزه‌های آن روزها کافی است؟
۲. اگر مردی با همسر خود در ماه رمضان جماع کند و زن نیز راضی به آن باشد چه حکمی دارد؟
- ۳.
۴. مقدار کفاره‌ی افطار عمدی ماه مبارک رمضان را بیان نمایید؟
۵. حکم کسی که با آمیزش جنسی حرام یا استمنا یا خوردن و نوشیدن حرام روزه‌ی خود را در ماه رمضان باطل نموده چیست؟
۶. اگر روزه‌دار در یک روز بیش از یک‌بار کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد چه وظیفه‌ی دارد؟
۶. آیا کفاره‌ی واجب را اگر چند سال بگذرد و ندهد چیزی بر آن اضافه می‌شود؟



روزه (۶)

کفاره‌ی افطار قضای ماه رمضان - کفاره‌ی تأخیر - فدیة

۹. کفاره‌ی افطار قضای ماه رمضان

۱. وجوب کفاره و موارد آن

کسی که قضای روزه‌ی ماه رمضان را گرفته جایز نیست بعد از ظهر روزه را باطل کند و اگر عمداً چنین کاری را انجام دهد باید کفاره بپردازد.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۸۰۵)

توجه

□ کسی که روزه‌ی قضای ماه رمضان را به جا می‌آورد می‌تواند پیش از ظهر روزه را افطار کند، به شرط این که وقت برای قضای روزه تنگ نباشد، اما اگر وقت، تنگ باشد مثلاً پنج روز قضا به دمه دارد و پنج روز هم بیشتر به ماه رمضان باقی نمانده افطار پیش از ظهر (همچون افطار بعد از ظهر) برای او به احتیاط (واجب) جایز نیست، هر چند اگر افطار کند کفاره ندارد.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۸۰۵ و استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۸۷)

□ اگر کسی برای گرفتن روزه‌ی قضای ماه رمضان اجیر شود و بعد از زوال افطار کند کفاره بر او واجب نیست.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۸۰۹)

۲. مقدار کفاره

کفاره‌ی افطار قضای ماه رمضان عبارت است از غذا دادن به ده فقیر و اگر نمی‌تواند واجب است سه روز روزه بنابر اتیاط واجب پی در پی بگیرد.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۸۰۵ و استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۷۲)

۱۰. کفاره‌ی تأخیر

۱. وجوب کفاره و مورد آن

کسی که روزه‌ی ماه رمضان را به واسطه‌ی عذری نگیرد و تا رمضان آینده هم به خاطر سهل‌انگاری و بدون عذر قضای آن را به جا نیاورد باید بعداً روزه را قضا کند و برای هر روز کفاره‌ی تأخیر بدهد، اما اگر قضای روزه‌ی ماه رمضان را به علت استمرار عذری که مانع روزه گرفتن است، مانند مسافرت تا ماه رمضان سال آینده به تأخیر اندازد قضای روزه‌هایی که از او فوت شده کافی است و واجب نیست کفاره بدهد، هر چند احتیاط (مستحب) در جمع بین قضا و کفاره است. ناگفته نماند در خصوص بیماری، توضیحی وجود دارد که خواهد آمد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۷۳۶ و ۸۰۳ و ۸۱۰ و استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۸۹ و ۹۰)

توجه

□ کفاره‌ی تأخیر قضای روزه تا ماه رمضان سال بعد، بر اثر جهل به وجوب آن ساقط نمی‌شود، بنابراین اگر شخصی به خاطر جهل به وجوب قضای روزه تا قبل از ماه رمضان سال آینده قضای روزه‌هایش را به تأخیر اندازد باید برای هر روز کفاره‌ی تأخیر بدهد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۸۱۳)

□ کفاره‌ی تأخیر قضای روزه‌ی ماه رمضان - هر چند به مدت چند سال هم به تأخیر افتاده باشد - یکبار واجب است و با گذشت سالها متعدد نمی‌شود، بنابراین اگر قضای روزه‌ی ماه رمضان را چند سال به تأخیر اندازد باید قضا را به جا آورد و برای هر روز یک کفاره‌ی تأخیر بدهد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۸۰۳ و استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۹۱)

۲. مقدار کفاره

کفاره‌ی تأخیر عبارت است از یک مد طعام که بایستی به فقیر داده شود.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۸۰۳ و ۸۱۰)

توجه

□ کسی که باید برای هر روز یک مد طعام بدهد می‌تواند کفاره‌ی چند روز را به یک فقیر بدهد.

(استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۹۲)

۱۱. فدیة

۱. موارد فدیة

۱. مرد و زن پیر که روزه گرفتن برای آنها مشقت دارد.
۲. کسی که مبتلا به بیماری استسقا است یعنی زیاد تشنه می‌شود و روزه برای او مشقت دارد.
۳. زن باردار که وضع حمل او نزدیک است و روزه برای حملش ضرر دارد.
۴. زن شیرده که شیر او کم است و روزه برای بچه‌ی که شیر می‌دهد ضرر دارد.

۱- ۵. فرد بیمار که روزه برای او ضرر دارد و بیماری او تا ماه رمضان سال بعد ادامه پیدا کند. زن بارداری که خوف از ضرر روزه بر جنین خود دارد و خوف وی هم دارای منشاء عقلایی باشد، باید روزه‌اش را افطار کند و برای هر روزی فدیة بدهد و قضای روزه را هم بعداً به‌جا آورد. (اجوبه

الاستفتاءات، س ۸۰۳ و ۸۰۶)

۲. زن شیردهی که به دلیل کم یا خشک شدن شیرش بر اثر روزه، خوف ضرر بر طفل خود دارد باید روزه‌اش را افطار کند و برای هر روزی فدیة بدهد و قضای روزه را هم بعداً به‌جا آورد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۷۴۷)

۳. بیماری که به واسطه‌ی بیماری، روزه‌ی ماه رمضان را نگرفته و بیماریش تا ماه رمضان سال بعد ادامه پیدا کرده است، قضای روزه‌هایی را که نگرفته واجب نیست، فقط باید برای هر روزی فدیة بپردازد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۷۴۹ و ۷۵۲ و استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۸۸)

توجه

□ زنی که به علت بیماری از روزه گرفتن معذور است و به جهت ادامه‌ی بیماری قادر بر قضا کردن آنها تا ماه رمضان سال آینده هم نیست فدیة بر خود او واجب است و چیزی بر عهده‌ی شوهرش نیست.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۸۰۴)

□ زنی که در دو سال متوالی به دلیل عذر شرعی، روزه‌ی ماه رمضان را نگرفته، اگر عذر او در خوردن روزه، خوف از ضرر روزه بر جنین یا کودکش بوده باید علاوه بر قضا، برای هر روزی فدیة هم بپردازد و چنانچه قضا را بعد از رمضان، تا ماه رمضان سال بعد بدون عذر شرعی به تأخیر انداخته علاوه بر قضا و فدیة، کفاره‌ی تأخیر هم بر او واجب است و اگر روزه برای خودش ضرر داشته و به جهت ضرر داشتن قادر بر قضای روزه تا ماه رمضان سال بعد نبوده، فقط باید برای هر روزی فدیة بپردازد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۸۰۶)

۲. مقدار فدیة

مقدار فدیة همان مقدار کفاره‌ی تأخیر است یعنی یک مد طعام که بایستی به فقیر داده شود.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۷۴۷ و ۷۵۲ و ۸۰۶)

یک نکته در ارتباط با کفاره

□ اگر نذر کند که روز معینی را روزه بگیرد، چنانچه در آن روز عمداً روزه نگیرد یا روزه‌اش را باطل کند باید کفاره بدهد.

(استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۶۶)

توجه

□ کفاره‌ی نذر همان کفاره‌ی قسم است که در جای خود گفته خواهد شد.

(استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۶۶)

تمرین ۳

۱. مورد و مقدار کفاره‌ی افطار قضای ماه رمضان را بیان نمایید؟
۲. مورد و مقدار کفاره‌ی تأخیر چیست؟
۳. آیا کفاره‌ی تأخیر بر کسی که بر اثر جهل به وجوب قضای روزه تا قبل از ماه رمضان سال آینده، قضای روزه‌هایش را به تأخیر انداخته واجب است؟
۴. موارد فدیة کدامند؟
۵. زنی به علت بیماری از روزه گرفتن معذور است و قادر بر قضا کردن آنها تا ماه رمضان سال آینده هم نیست، در این صورت آیا کفاره بر او واجب است یا بر شوهرش؟
۶. زنی در دو سال متوالی در ماه مبارک رمضان حامله بوده و قدرت روزه گرفتن در آن ایام را نداشته است، ولی در حال حاضر توانایی روزه گرفتن را دارد حکم او چیست؟



روزه (۷)

جاهایی که قضا واجب است ولی کفاره واجب نیست - احکام قضای روزه -
احکام روزهی پدر و مادر - احکام روزهی مسافر

۱۲. جاهایی که قضا واجب است ولی کفاره واجب نیست

۱. کسی که در روز ماه رمضان نیت روزه نمی‌کند، یا از روی ریا روزه می‌گیرد ولی هیچیک از کارهایی را که موجب باطل شدن روزه است انجام نمی‌دهد قضای آن روز بر او واجب است، ولی کفاره واجب نیست.
(استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۷۳)
۲. کسی که در ماه رمضان غسل جنابت را فراموش کرده و با حال جنابت یک یا چند روز، روزه بگیرد قضای آن روزها بر او واجب است.
(استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۷۴)
۳. اگر در سحر ماه رمضان بدون این که تحقیق کند صبح شده یا نه، کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد، سپس معلوم شود که در آن هنگام صبح شده بوده است، باید قضای آن روز را بگیرد، ولی اگر تحقیق کند و بداند که صبح نشده و چیزی بخورد، و بعد معلوم شود که صبح بوده است قضای آن روز بر او واجب نیست.
(استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۷۵)
۴. اگر در روز ماه رمضان به خاطر تاریکی هوا یقین کند که مغرب شده یا کسانی که خبر آنها شرعاً حجت است بگویند مغرب شده، و افطار کند سپس معلوم شود که هنوز در آن هنگام مغرب نبوده است باید قضای آن روز را به جا آورد.
(استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۷۶)
۵. اگر بر اثر ابر گمان کند که مغرب شده و افطار کند، بعد معلوم شود که مغرب نبوده است، قضای آن روز بر او واجب نیست.
(استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۷۷)
۶. در سحر ماه رمضان تا وقتی یقین به طلوع فجر نکرده است می‌تواند کارهایی را که موجب باطل شدن روزه است انجام دهد، ولی اگر بعداً معلوم شد که در آن هنگام صبح شده بوده است حکم آن در مسأله‌ی «۳» گفته شد.
(استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۷۸)
۷. در روز ماه رمضان تا وقتی یقین به فرارسیدن مغرب نکرده باشد نمی‌تواند افطار کند، و اگر با یقین

به مغرب افطار کرد و بعد معلوم شد که مغرب نشده بوده است حکم آن در مسأله‌ی «۴ و ۵» گفته شد.

(استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۷۹)

۸. اگر روزه دار در هنگام وضو که مستحب است قدری آب در دهان بگرداند و مضمضه کند، این کار را کرد و آب بی اختیار فرو داده شد روزه‌اش صحیح است و قضا بر او واجب نیست، ولی اگر این کار را نه برای وضو بلکه برای خنک شدن و امثال آن انجام داد و آب بی اختیار به حلق او فرو رفت، باید قضای آن روز را به جا آورد.

(استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۸۰)

۱۳. احکام قضای روزه

۱. کسی که یک یا چند روز بی‌هوش و در حال اغما بوده و روزه‌ی واجب از او فوت شده، لازم نیست قضای روزه آن روزها را به جا آورد.

(استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۸۱)

۲. کسی که به خاطر مستی، روزه از او فوت شده، مانند این که بر اثر مستی نیت روزه نکرده هر چند همه روز را امساک کرده باشد، قضای روزه‌ی بی‌هوشی که از او فوت شده واجب است. (استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۸۲)

۳. کسی که نیت روزه کرده ولی سپس مست شده و همه یا بخشی از روز را با حال مستی گذرانیده بنا به احتیاط (واجب) باید روزه‌ی آن روز را قضا کند، مخصوصاً در مستی‌های شدید که موجب زایل شدن عقل است.

(استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۸۳)

توجه

□ در این مسأله و مسأله‌ی قبل فرقی نیست میان این که صرف ماده‌ی سکرآور برای او حرام باشد یا به خاطر بیماری یا بی‌اطلاعی از موضوع، حلال بوده باشد.

(استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۸۳)

۴. زن باید ایامی را که به خاطر عادت ماهیانه و یا زایمان روزه نگرفته پس از ماه رمضان قضا کند.

(استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۸۴)

۵. کسی که چند روز از ماه رمضان را به خاطر عذری روزه نگرفته، و تعداد آن روزها را نمی‌داند، مثلاً نمی‌داند که آیا در روز بیست و پنجم ماه رمضان به سفر رفته تا روزه‌هایی که از او فوت شده مثلاً شش روز باشد یا در روز بیست و ششم رفته که پنج روز باشد می‌تواند مقدار کمتر را قضا کند و اما در صورتی که هنگام شروع عذر (مثلاً سفر) را می‌داند، مثلاً می‌داند که در روز پنجم ماه به سفر رفته ولی نمی‌داند که در شب دهم برگشته تا پنج روز فوت شده باشد یا شب یازدهم برگشته تا شش روز فوت شده باشد، در این صورت احتیاط (واجب) آن است که مقدار بیشتر را قضا کند.

(استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۸۵)

۶. اگر از چند ماه رمضان روزه‌ی قضا داشته باشد، قضای هر کدام را که اول بگیرد مانع ندارد، ولی اگر وقت قضای آخرین ماه رمضان تنگ باشد، مثلاً پنج روز از رمضان آخر قضا داشته باشد و پنج روز هم به ماه رمضان مانده باشد، در این صورت احتیاط (واجب) آن است که قضای رمضان آخر را بگیرد.

(استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۸۶)

۷. کسی که روزهی قضای ماه رمضان را به جا می آورد می تواند به پیش از ظهر روزه را افطار کند به شرط این که وقت برای قضای روزه، تنگ نباشد، ولی بعد از ظهر جایز نیست. (اجوبۃ الاستفتاءات، س ۸۰۵)

۸. هرگاه به واسطه ی بیماری، روزهی ماه رمضان را نگیرد و بیماری او تا ماه رمضان سال بعد طولانی شود قضای روزههایی را که نگرفته واجب نیست، ولی اگر به واسطه ی عذر دیگری (مثلاً به خاطر مسافرت) روزه نگرفته باشد و عذر او تا رمضان بعد باقی بماند واجب است روزههایی را که نگرفته بعد از ماه رمضان قضا کند، همچنین اگر ترک روزه به خاطر بیماری بوده، بعد بیماری رفع شده و عذر دیگری مانند مسافرت پیش آمده است. (اجوبۃ الاستفتاءات، س ۷۳۶ و ۷۴۹ و ۷۵۲ و ۸۱۰)

یک نکته در ارتباط با قضای روزه

□ ناتوانی از گرفتن روزه و قضای آن به صرف ضعف و عدم قدرت موجب سقوط قضای روزه نمی شود، بنابراین دختری که به سن تکلیف رسیده، ولی به علت ضعف جسمانی، توانایی روزه گرفتن ندارد و تا ماه رمضان آینده هم نمی تواند قضای آن را به جا آورد واجب است روزههایی که از او فوت شده را قضا کند، همچنین فردی که چند سال روزه نگرفته و فعلاً توبه کرده و به سوی خدا بازگشته و تصمیم بر جبران آنها دارد، واجب است تمام روزههای فوت شده را قضا کند و چنانچه نتواند، قضای روزهها از او ساقط نمی شود و بر عهده اش می ماند. (اجوبۃ الاستفتاءات، س ۷۳۶ و ۷۴۹ و ۷۵۲ و ۸۱۰ و ۸۱۱)

۱۴. احکام روزهی قضای پدر و مادر

۱. اگر پدر و نیز بنا به احتیاط واجب، مادر روزههای خود را به خاطر عذری غیر از سفر به جا نیاورده و با این که می توانسته آن را قضا کند، قضا نیز نکرده است بر پسر بزرگتر آنان واجب است که پس از مرگ آنان، خودش یا به وسیله ی اجیر قضای آن روزه را به جا بیاورد، و اما آنچه به خاطر سفر به جا نیاورده اند واجب است حتی در صورتی که فرصت و امکان قضا را هم نیافته اند، آن را قضا کند.

(استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۹۳)

۲. روزههایی را که پدر یا مادر عمداً به جا نیاورده اند بنا بر احتیاط (واجب) باید به وسیله ی پسر بزرگتر - شخصاً یا با گرفتن اجیر - قضا شود. (استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۹۴)

۳. در نماز و روزه قضای پدر و مادر، ترجیحی بین نماز و روزه نیست و هر یک را می توان بر دیگری مقدم داشت. (اجوبۃ الاستفتاءات، س ۵۳۷)

۱۵. احکام روزهی مسافر

۱. کسی که در ماه رمضان مسافرت می کند در هر مورد که نماز را باید شکسته بخواند نباید روزه بگیرد، و در هر مورد که باید نماز چهار رکعتی (تمام) بخواند، مانند مسافری که ده روز در یک محل قصد ماندن می کند یا این که مسافرت شغل اوست واجب است روزه را نیز به جا بیاورد. (مگر در مواردی که

استثنا شده است).

(استثنا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۹۵)

۲. هرگاه روزه‌دار بعد از ظهر مسافرت نماید باید روزه‌ی خود را تمام کند، اما اگر پیش از ظهر مسافرت نماید روزه‌اش باطل است، ولی قبل از آن که به حد ترخیص برسد نمی‌تواند روزه را افطار کند و اگر پیش از آن افطار کند بنا بر احتیاط کفاره‌ی (افطار عمدی روزه‌ی ماه رمضان) بر او واجب است. البته اگر از حکم مسأله غافل بوده کفاره ندارد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۷۹۸)

۳. هرگاه مسافر پیش از ظهر وارد وطن شود یا به جایی برسد که قصد ده روز توقف دارد، چنانچه کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد باید روزه بگیرد و اگر انجام داده باشد بعداً قضا کند، ولی اگر بعد از ظهر وارد شود نمی‌تواند روزه بگیرد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۷۳۸)

۴. مسافرت در ماه رمضان هر چند برای فرار از روزه باشد جایز است. البته بهتر است به سفر نرود مگر این که سفر برای کار نیکو یا لازمی باشد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۷۴۲ و استفتا از دفتر معظم له، باب روزه، م ۹۶)

یک نکته در ارتباط با روزه‌ی مسافر

□ مسافری که تصمیم به اعتکاف در مسجد الحرام دارد اگر قصد اقامت ده روز در مکه‌ی مکرمه نماید و یا نذر کرده باشد که در سفر روزه بگیرد بر او واجب است بعد از این که دو روز روزه گرفت، اعتکاف خود را با روزه‌ی روز سوم کامل کند، ولی اگر قصد اقامت و یا نذر روزه در سفر نکرده باشد، روزه‌ی او در سفر صحیح نیست و با عدم صحت روزه، اعتکاف هم صحیح نیست.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۸۳۳)

تمرین ۳

۱. اگر روزه‌دار قدری آب در دهان بگرداند و بی‌اختیار فرو رود روزه‌اش باطل می‌شود؟
۲. کسی که از چند ماه رمضان روزه‌ی قضا داشته باشد چگونه باید روزه‌ها را قضا کند؟
۳. دختر نه ساله‌یی که روزه بر او واجب شده و به دلیل دشواری، روزه‌اش را افطار کرده، آیا قضا بر او واجب است؟
۴. حکم روزه‌ی قضای پدر و مادر را توضیح دهید؟
۵. اگر شخصی بخواهد قبل از زوال به محل اقامتش برسد ولی در راه به خاطر پیشامد حادثه‌یی نتواند در زمان معین به مقصد برسد، آیا روزه‌ی او اشکال دارد؟
۶. آیا مسافرت عمدی در ماه رمضان به قصد افطار و فرار از روزه جایز است؟



روزه (۸)

راههای ثابت شده اول ماه – مسایل متفرقه‌ی روزه

۱۶. راههای ثابت شدن اول ماه

- | | |
|----------------------------|---------------------------|
| ۱. رؤیت شخص مکلف. | } راههای ثابت شدن اول ماه |
| ۲. شهادت دو فرد عادل. | |
| ۳. شهرتی که مفید علم باشد. | |
| ۴. گذشت سی روز. | |
| ۵. حکم حاکم. | |

(اجوبة الاستفتاءات، س ۸۴۸)

۱. رؤیت هلال برای اثبات حلول ماه قمری از شبی که پس از رویت است کفایت میکند.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۸۳۴)

توجه

□ رؤیت با وسیله، فرقی با رؤیت به طریق عادی ندارد و معتبر است. ملاک آن است که عنوان رؤیت محفوظ باشد، پس رؤیت با چشم و با عینک و با تلسکوپ محکوم به حکم واحدند. بلی رؤیت تصویر هلال از طریق انعکاس به رایانه که در آن صدق عنوان رؤیت معلوم نیست محل اشکال است.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۸۳۵)

□ استهلال (دیدن هلال) فی نفسه واجب شرعی نیست.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۸۴۷)

□ صرف کوچکی و پایین بودن هلال یا بزرگی و بالا بودن و یا پهن یا باریک بودن آن و مانند آن، دلیل شرعی شب اول یا دوم بودن نیست، ولی اگر مکلف از آن علم به چیزی پیدا کند باید به مقتضای علم خود در این زمینه عمل نماید.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۸۴۵ و ۸۴۶)

□ اول ماه به وسیله‌ی تقویمها و محاسبات علمی منجمین ثابت نمی‌شود مگر این که از گفته‌ی آنها یقین حاصل شود.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۸۳۴ و ۸۴۸)

۲. اگر در شهری اول ماه ثابت شود برای شهرهای دیگر در افق با هم متحد هستند کفایت میکند.

توجه

□ منظور از اتحاد افق، شهرهایی است که از جهت احتمال رویت و عدم احتمال رویت هلال یکسان باشند.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۸۳۷ و ۸۳۹ و ۸۴۰)

۳. تا حاکم حکم به رویت هلال نکند، صرف ثبوت هلال نزد او، برای تبعیت دیگران از وی کافی نیست، مگر آن که اطمینان به ثبوت هلال حاصل نمایند.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۸۴۳)

توجه

□ اگر شخصی هلال ماه را ببیند و بداند که رویت هلال برای حاکم شرع شهر او به هر علتی ممکن نیست، واجب نیست رویت هلال را به حاکم اطلاع دهد مگر آن که ترک آن مفسده داشته باشد.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۸۴۲)

□ اگر حاکم حکم نماید که فردا عید است و این حکم، شامل همه‌ی کشور باشد حکم او شرعاً برای همه‌ی شهرها معتبر است.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۸۴۴)

□ در تبعیت از اعلام رویت هلال توسط یک حکومت، اسلامی بودن آن حکومت شرط نیست، بلکه ملاک در این مورد، حصول اطمینان به رویت در منطقه‌ی است که نسبت به مکلف کافی محسوب می‌شود.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۸۴۹)

□ اگر هلال ماه در شهری دیده نشود ولی تلویزیون و رادیو از حلول آن خبر دهند، در صورتی که مفید اطمینان به ثبوت هلال گردد یا صدور حکم به هلال از طرف ولی فقیه باشد کافی است و نیازی به تحقیق نیست.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۸۳۶)

۴. اگر اول ماه از طریق رویت هلال حتی در افق شهرهای مجاوری که یک افق دارند و یا از طریق شهادت دو فرد عادل و یا از طریق حکم حاکم ثابت نشود باید احتیاط کرد تا اول ماه ثابت شود.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۸۳۷)

۵. اگر اول ماه رمضان ثابت نشود روزه واجب نیست، ولی اگر بعداً ثابت شود که آن روزی را که روزه نگرفته اول ماه بوده باید آن را قضا کند.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۸۴۶)

۶. روزی که انسان شک دارد آخر رمضان است یا اول شوال باید روزه بگیرد، اما اگر در اثنای روز ثابت شود که اول شوال است باید افطار کند، هر چند نزدیک مغرب باشد.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۸۴۶)

۱۷. مسایل متفرقه‌ی روزه

۱. در جایی که بیشتر مردم در شبهای ماه مبارک رمضان برای قرائت قرآن و خواندن دعا و شرکت در مراسم دینی و امثال آن بیدار هستند، پخش برنامه‌های خاص سحرهای این ماه از بلندگوی مسجد

جهت شنیدن همگان اشکال ندارد، ولی اگر سبب اذیت همسایگان مسجد شود جایز نیست.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۴۵۳)

۲. قرائت دعاهاى مخصوص ماه رمضان که به صورت دعای روز اول و روز دوم تا آخر ماه وارد شده است، اگر به قصد ثواب و مطلوبیت باشد اشکال ندارد.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۸۳۱)

۳. هرگاه کسی روزهی مستحبی بگیرد واجب نیست آن را به آخر برساند و هر موقع بخواهد می‌تواند روزهی خود را بخورد، بلکه اگر برادر مؤمنی او را به غذا دعوت کند مستحب است دعوت او را قبول کرده در اثنای روز افطار نماید. خوردن غذا به دعوت برادر مؤمن هر چند روزه را باطل می‌کند ولی او را از اجر و ثواب روزه محروم نمی‌سازد.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۸۳۰)

۴. در کتاب وجود نداشت لذا حذف گردید

(اجوبة الاستفتاءات، س ۸۲۷)

۵. اگر روزه‌داری هنگام غروب در سرزمینی افطار کرده باشد و سپس به جایی مسافرت کند که خورشید در آن هنوز غروب نکرده است روزهی او صحیح است و تناول مفطرات در آن مکان قبل از غروب خورشید با فرض این که در وقت غروب در سرزمین خود افطار کرده برای او جایز است.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۸۲۶)

۶. اگر شخصی از اول ماه رمضان تا بیست و هفتم آن در وطن خود روزه بگیرد و در صبح روز بیست و هشتم به مکانی مسافرت کند و در روز بیست و نهم به آنجا برسد و متوجه شود که در آنجا عید اعلام شده است در صورتی که اعلان عید در روز بیست و نهم در آن مکان، به نحو شرعی و صحیح باشد قضای آن روز بر او واجب نیست، ولی این کشف می‌کند که یک روز روزه در اول ماه از او فوت شده، لذا واجب است قضای روزهی را که یقین به فوت آن دارد را به جا آورد.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۸۲۵)

تمرین

۱. راههای ثابت شدن اول ماه را ذکر نمایید؟
۲. مقصود از اتحاد افق چیست؟
۳. آیا صرف ثبوت هلال نزد حاکم، برای تبعیت دیگران از وی کافی است؟
۴. روزی که انسان شک دارد آخر رمضان است یا اول شوال وظیفه‌اش چیست؟
۵. دعاهاى مخصوص ماه رمضان به صورت دعای روز اول و روز دوم تا آخر ماه وارد شده است، قرائت آنها در صورت شک در صحتشان چه حکمی دارد؟
۶. اگر روزه‌داری هنگام غروب در سرزمینی افطار کرده باشد سپس به جایی مسافرت کند که خورشید در آن هنوز غروب نکرده است، روزهی آن روز چه حکمی دارد؟ آیا تناول مفطرات برای او در آنجا قبل از غروب خورشید جایز است؟



خمس



خمس

معنای خمس - وجوب خمس - منابع هفتگانه‌ی خمس - بخشی از آثار سوء عدم پرداخت خمس

۱. معنای خمس

خمس در لغت به معنی یک پنجم است، و در اصطلاح یکی از واجبات مهم مالی در دین اسلام به شمار می‌رود، و عبارت است از مالی که هر فرد واجد شرایط به نسبت یک پنجم طبق ضوابط خاصی باید بپردازد.

توجه

□ مالیاتی که حکومت جمهوری اسلامی بر اساس قوانین و مقررات وضع می‌کند، هر چند پرداخت آن بر کسانی که قانون شامل آنان می‌شود واجب است، و مالیات پرداختی هر سال از مؤونه‌ی همان سال محسوب است، ولی از خمس (سه‌مین مبارکین) محسوب نمی‌شود، بلکه بر آنان دادن خمس درآمد سالانه‌شان در زاید بر مؤونه‌ی سال به طور مستقل واجب است.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۳۱)

۲. وجوب خمس

وجوب خمس از ضروریات اسلام است و انکار آن اگر به انکار رسالت یا تکذیب پیامبر اکرم اسلام (ص) یا وارد کردن نقصی به شریعت منجر شود باعث کفر و ارتداد است.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۳۲۶)

توجه

□ صرف عدم توانایی یا دشواری پرداخت خمس، موجب فراغت ذمه و سقوط تکلیف نمی‌شود، بنابراین افرادی که خمس بر آنها واجب است ولی تاکنون آن را نپرداخته‌اند و در حال حاضر هم توانایی پرداخت آن را ندارند و یا بر آنها دشوار است واجب است هر زمانی که توانایی پرداخت بدهی بابت خمس داشتند آن را بپردازند. این افراد می‌توانند با دست‌گردان مبالغ بدهی خود با ولی امر خمس یا وکیل او، آن را به تدریج بر حسب استطاعت خودشان از جهت مقدار و زمان ادا نمایند.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۹۲۵ و ۱۰۳۵)

□ تأخیر پرداخت خمس از سال خمسی به سال دیگر جایز نیست، هر چند هر وقت آن را بپردازد ادای بدهی حاصل می‌شود.
(اجوبة الاستفتاءات، س ۹۷۶)

□ هرگاه به مال شخص غیر بالغ خمس تعلق بگیرد (مثل این که معدن یا حلال مخلوط به حرام باشد) بر ولی شرعی او پرداخت آن واجب است، مگر خمس سود حاصل از تجارت با اموال او یا منافع کسبش که پرداخت آن بر ولی واجب نیست، بلکه بنابر احتیاط (واجب) در صورتی که سود به دست آمده باقی بماند ادای خمس آن بر خود طفل بعد از رسیدن به سن تکلیف واجب است.
(اجوبة الاستفتاءات، س ۹۷۱ و ۱۰۲۷)

□ خمس فقط بر شخصیت‌های حقیقی (شخص یا اشخاص) واجب است، و بر شخصیت‌های حقوقی از قبیل دولتها و حکومتها، مؤسسه‌ها و بانکها و مانند آن واجب نیست، بنابراین اگر مؤسسه‌یی منفعتی ببرد لازم نیست بعد از کسری مخارج سالانه، خمس منافع را بپردازد. بله، اگر انواع آن شخصیت حقوقی ملک اشخاص حقیقی بوده باید خمس آن منفعت را بپردازد.
(اجوبة الاستفتاءات، س ۸۹۳ و ۹۴۴ و ۱۰۲۳)

۳. منابع هفتگانه خمس

- | | |
|--|---------------------------|
| ۱. درآمد (منافع کسب و کار). | } خمس در هفت چیز واجب است |
| ۲. معدن. | |
| ۳. گنج. | |
| ۴. مال حلال مخلوط به حرام. | |
| ۵. جواهراتی که با غواصی از دریا به دست می‌آید. | |
| ۶. غنایم جنگی. | |
| ۷. زمینی که کافر ذمی از مسلمانان می‌خرد. | |

۴. بخشی از آثار سوء عدم پرداخت خمس

۱. پرداخت نکردن خمس بدون عذر حرام است
۲. اگر میت وصیت کند که مقداری از دارایی او به عنوان خمس پرداخت شود یا ورثه یقین پیدا کنند که وی مقداری خمس بدهکار است تا وصیت میت و یا خمسی را که بر عهده دارد از ماترک او ادا نکنند نمی‌توانند در ترکه‌ی او تصرف نمایند، و تصرفات آنان قبل از عمل به وصیت وی یا پرداخت دین او نسبت به مقدار وصیت یا دین در حکم غصب است و نسبت به تصرفات قبلی نیز ضامن هستند.
(اجوبة الاستفتاءات، س ۸۶۴)

تمرین

۱. آیا پرداخت مالیاتی که حکومت جمهوری اسلامی بر اساس قوانین و مقررات وضع می‌کند کفایت

از خمس می‌کند؟

۲. افرادی هستند که خمس بر آنها واجب است، ولی تا کنون آن را نپرداخته‌اند و در حال حاضر هم

توانایی پرداخت آن را ندارند و یا بر آنها دشوار است، حکم آنان در این باره چیست؟

۳. منابع خمس را ذکر نمایید؟

۴. اگر فردی چند سال درآمد سالانه‌ی خود را محاسبه نکند تا این که اموالش نقد و سرمایه‌اش زیاد

شود و بعد از آن، خمس غیر از سرمایه قبلی‌اش را بپردازد، آیا این کار اشکال دارد؟



خمس درآمد (۱)

معنای درآمد - انواع درآمد - نمونه‌هایی از
موارد عدم انطباق درآمد

توجه

□ بر هر فرد واجد شرایط واجب است خمس درآمد مازاد بر مؤونه‌ی خود را پرداخت کند.

۱. معنای درآمد

منظور از درآمد در این جا، مال و ثروتی است که از راه فعالیت‌های اقتصادی به دست می‌آید، و به اصطلاح عنوان کسب در آن دخالت دارد.

۲. انواع درآمد

- | | |
|--|--------------------|
| <p>۱. درآمد کشاورزی که از راه فعالیت‌های کشاورزی به دست می‌آید.</p> <p>۲. درآمد بازرگانی که از راه فعالیت‌های تجاری و بازرگانی به دست می‌آید.</p> <p>۳. درآمد املاک که از راه اجاره‌ی اعیان به دست می‌آید، مثل درآمدی که از راه اجاره‌ی سرمایه‌های مستغلاتی از قبیل خانه، اتومبیل و مانند آن یا تولیدی از قبیل دستگاه تراش فلزات، ماشین جوراب بافی و مانند آن به دست می‌آید.</p> <p>۴. درآمد حقوقی که افراد از راه اجاره‌ی نفس (خدمات) دریافت می‌دارند، مثل حقوق و مزدی که استاد با تدریس یا مهندس با فعالیت‌های فنی یا کارگر با کارهای ساده دریافت می‌دارد، و همچنین هر فرد دیگری که نیروی انسانی خود را در اختیار دیگری می‌گذارد و در برابرش مزد و حقوق می‌گیرد.</p> | <p>انواع درآمد</p> |
|--|--------------------|

۳. نمونه‌هایی از موارد عدم انطباق درآمد

۱. میراث

۱. ارث و پول فروش آن خمس ندارد، هر چند قیمت آن افزایش یافته باشد، مگر این که آنرا به قصد تجارت و زیاد شدن قیمت نگهداری کند که در این صورت، پس از فروش بنابر احتیاط واجب باید خمس ارزش افزوده آن پرداخت شود.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۸۵۹)

۲. ارثی که به فرزندان صغیر می‌رسد خمس ندارد ولی از سود حاصل از ارث، آن مقدار که تا زمان رسیدن به بلوغ شرعی در ملک آنان باقی می‌ماند بنابر احتیاط بر هر یک از آنان واجب است که بعد از رسیدن به سن تکلیف، خمس آن را بپردازند.

۲. مهریه

مهریه خمس ندارد و در عدم وجوب خمس آن، فرقی بین مهریه مدت‌دار و بدون مدت و بین پول نقد و کالا وجود ندارد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۸۶۲)

۳. هبه و هدیه

۱. هبه و هدیه خمس ندارد، هر چند احتیاط (مستحب) این است که اگر از مخارج سال زیاد بیاید، خمس آن پرداخت شود.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۸۵۱ و ۸۵۲)

۲. تحقق عنوان هبه و هدیه تابع قصد دهنده است، بنابراین نفقه‌یی که انسان از طرف پدر یا برادر یا یکی از اقوام دریافت می‌کند در صورتی هبه و هدیه محسوب می‌شود که پرداخت کننده، آن دو را قصد کرده باشد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۸۵۴)

۳.

۳. وسایلی که از طرف پدر و مادر و یا دیگران به شخص اهدا می‌شود خمس به آن تعلق نمی‌گیرد، هر چند این وسایل مورد نیاز او یا مناسب شأن عرفی او نباشد. بله، اگر هدیه دادن چنین اشپایی خارج از شأن پدر و مادر باشد، مؤونه‌ی آنان محسوب نمی‌شود و باید خمس آن را بپردازد.

۴. پدری که به دخترش یک واحد مسکونی به عنوان جهیزیه‌ی عروسی‌اش بخشیده، اگر هبه‌ی واحد مسکونی به دختر، عرفاً مطابق شأن پدر محسوب شود و در بین سال خمس بخشیده باشد دادن خمس آن واجب نیست.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۸۵۵)

۵. چیزی که بنیاد شهید به خانواده‌های عزیز شهدا هدیه می‌کند خمس ندارد ولی در سود حاصل از آن اگر از مؤونه‌ی سال زیاد بیاید خمس واجب است، همچنین آنچه به فرزندان عزیز شهدا توسط بنیاد مذکور اهدا می‌شود خمس ندارد ولی از سود حاصل از آن، آن مقداری که تا زمان رسیدن به

بلوغ شرعی در ملک آنان باقی می‌ماند بنا بر احتیاط بر هر یک از آنان واجب است که بعد از رسیدن به سن تکلیف خمس آن را بپردازند.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۸۵۳ و ۹۵۰)

۶. بخشش صوری و به قصد فرار از خمس است، خمس دارد، بنابراین زن و شوهری که پیش از رسیدن سال خمسی، اقدام به هدیه کردن سود سالانه‌ی خود به یکدیگر می‌کنند تا خمس به اموال آنها تعلق نگیرد بایستی خمس آنچه به همدیگر می‌بخشند را بپردازند. (با این کار، خمس واجب از آنان ساقط نمی‌شود).

(اجوبه الاستفتاءات، س ۸۵۷)

۷. پول فروش هبه و هدیه خمس ندارد، هر چند قیمت آن افزایش یافته باشد مگر این که آن را به قصد تجارت و زیاد شدن قیمت نگهداری کند که در این صورت، پس از فروش بنا بر احتیاط واجب باید خمس ارزش افزوده آن پرداخت شود.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۸۵۹)

۸. عیدی کارمندان (آنچه از پول نقد و اجناس که دولت در ایام عید به کارمندان خود به عنوان عیدی می‌دهد) خمس ندارد، هر چند تا سر سال باقی بماند. بلی اگر اجناس به قیمت کمتری در اختیار کارمندان قرار گیرد، از آن جا که در واقع قسمتی از اجناس از سوی دولت مجانی و قسمتی در برابر پول، داده شده، فلذا از کالای باقیمانده به نسبت مقداری که پول در برابر آن پرداخت شده واجب است که خمس آن پول را بپردازند.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۸۶۳)

۴. جایزه

جایزه‌هایی که توسط بانکها و صندوق‌های قرض الحسنه و مانند آن به افراد پرداخت می‌شود خمس ندارد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۸۵۲)

۵. وقف

اعیان موقوفه (مثل زمین وقفی) مطلقاً خمس ندارد، حتی اگر وقف خاص باشد. ثمره و نمای آن هم مطلقاً خمس ندارد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۹۷۰)

۶. حقوق شرعی

حقوق شرعی (مثل خمس و زکات) که از طریق مراجع به طلاب محترمی اهدا می‌شود که مشغول تحصیل در حوزه‌های علوم دینی هستند خمس ندارد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۲۷)

۷. هزینه‌ی درآمد

آنچه را که انسان از درآمد سال برای به دست آوردن درآمد از کارهای تجاری و غیر آن مصرف می‌کند از قبیل هزینه‌های انبارداری، حمل و نقل، وزن کردن، واسطه‌ی معامله و مانند آن، از درآمد همان سال استثنا می‌شود و خمس ندارد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۹۵۱)

۸. مال مخمس

مالی که یکبار خمس آن داده شود دیگر خمس به آن تعلق نمی‌گیرد، بنابراین اگر در سال جدید مصرف نشود و باقی بماند دوباره خمس ندارد.
(اجوبه الاستفتاءات، س ۹۵۵ و ۹۵۹ و ۱۰۲۶)

۹. بیمه

پولی که شرکتهای بیمه بر اساس قرارداد برای جبران خسارت یا هزینه‌ی درمان و مانند آن به فرد بیمه شده پرداخت می‌کنند خمس ندارد.
(اجوبه الاستفتاءات، س ۸۶۰ و ۸۷۶)

۱۰. کمک هزینه‌ی تحصیلی

کمک هزینه‌ی تحصیلی که به دانشجویان از طرف وزارت آموزش عالی پرداخت می‌شود خمس ندارد، بلکه کسانی که بورسیه شده‌اند و از همان دوران دانشجویی حقوق می‌گیرند، به حقوق آنها خمس تعلق می‌گیرد.
(اجوبه الاستفتاءات، س ۹۷۵)

۱۱. قرض

مالی که قرض گرفته می‌شود خمس ندارد، مگر آن مقدار که اقساط آن تا سر سال خمسی از منفعت کسب پرداخت شده است، بنابراین اگر شخصی مبلغی را قرض بگیرد و نتواند آن را قبل از آن سال ادا کند لازم نیست خمس آن را بدهد، ولی اگر از درآمد سال خود قسطهای آن را بپردازد و عین مالی که قرض گرفته هنگام رسیدن سال خمسی نزد او باقی باشد واجب است که خمس آن را به میزان اقساطی که پرداخت نموده بپردازد.
(اجوبه الاستفتاءات، س ۸۶۶ و ۸۶۷ و ۸۶۸ و ۸۷۱ و ۹۵۶ و ۹۶۶)

تمرین

۱. منظور از «درآمد» در خمس درآمد چیست؟
۲. حکم خمس میراث را بیان نمایید؟
۳. آیا هبه و عیدی خمس دارد؟
۴. زن و شوهری برای این که خمس به اموال آنها تعلق نگیرد، قبل از رسیدن سال خمسی‌شان اقدام به هدیه کردن سود سالانه‌ی خود به یکدیگر می‌کند. آیا با این کار، خمس از آنها ساقط می‌شود؟
۵. آیا به جایزه‌هایی که توسط بانکها و صندوق‌های قرض الحسنه به افراد پرداخت می‌شود خمس تعلق می‌گیرد؟
۶. آیا به مالی که شرکتهای بیمه بر اساس قرارداد برای جبران خسارت به بیمه شده پرداخت می‌کنند خمس تعلق می‌گیرد؟



خمس درآمد (۲)

معنای مؤونه - حدود مؤونه - مؤونه‌یی که از نیاز
خارج شده - پول فروش مؤونه

توجه

□ همانطوری که قبلاً گفتیم در خمس درآمد، مؤونه استثنا می‌شود و خمس ندارد.

۴. معنای مؤونه

منظور از مؤونه در این جا هزینه‌ی سالانه است (نه هزینه‌ی درآمد) و عبارت است از مخارجی که فرد برای اصلاح امر معاش و معاد خود و خانواده تحت تکفل خویش مصرف می‌کند، مثل مخارج و هزینه‌های خوراک، پوشاک، مسکن، اثاث خانه، وسیله‌ی نقلیه، کتاب، مسافرت‌های متداول، صدقات، جوایز، نذورات، کفارات، مهمانیها و غیره.

۵. حدود مؤونه

- | | |
|-------------------|--------------|
| ۱. نیاز. | } حدود مؤونه |
| ۲. مخارج سالانه. | |
| ۳. اتحاد در سال. | |
| ۴. تناسب با شوون. | |
| ۵. فعلیت در مصرف. | |

۱. نیاز

هر نوع مخارجی را مؤونه نمی‌گویند، بلکه مخارجی که در اصلاح امر معاش و معاد به آن نیاز است، بنابراین هزینه‌ی اشیا و کالاهایی که مورد نیاز نیست را نمی‌توان مؤونه قلمداد کرد، و از این قبیل است پولی که هزینه‌ی خرید وسایل حرام، مثل انگشتر طلای مردانه، آلات لهو و لعب، ابزار قمار و مانند آن

می‌شود.

۲. مخارج سالانه

منظور از مؤونه، مخارج روزانه یا ماهانه‌ی شخص نیست، بلکه مخارج سالانه است، لذا خمس درآمدی محاسبه می‌شود که زائد بر احتیاجات سالانه‌ی زندگی شخص باشد.

۳. اتحاد در سال

میزان در مؤونه، مخارجی است که در طی سال از درآمد همان سال کسر شده به مصرف می‌رسد نه سال قبل و بعد، بنابراین اگر در یک سال درآمدی عاید نشد نمی‌تواند مؤونه‌ی آن سال را از درآمدهای سال قبل و بعد کسر کند.

۴. تناسب با شوون

معیار در مؤونه، هزینه‌ی متعارفی است که افراد نسبت به شرایط خویش دارند، بنابراین از یک سو محدود به لوازم ضروری و احتیاجات اولیه نیست و از سوی دیگر شامل مخارجی که ولخرجی، اسراف و تبذیر یا اضافه بر شوون است از قبیل جهازه‌ها و خرجهای تشریفاتی در مجالس عروسی و سوگواری و مهمانی و مانند آن نمی‌شود.

۵. فعلیت در مصرف

مقصود از مؤونه، مخارجی است کم یا زیاد که فرد برای خود و خانواده تحت تکفل خویش مصرف می‌کند و شامل مخارجی که فعلاً مصرف نکرده نمی‌شود هر چند اگر مصرف می‌کرد اضافه بر شوون عرفی و اجتماعی او نمی‌بود، بنابراین فردی که زندگی را بر خود سخت گرفته و آنچه که متناسب با شوون خود و خانواده‌اش است را تهیه نمی‌کند مجاز نیست آن مقداری که می‌توانست خرج کند و نکرده را مؤونه به حساب آورد.

توجه

طلائی که شوهر برای همسرش می‌خرد اگر به مقدار متعارف و مناسب شأن او (شوهر) باشد، از مؤونه محسوب می‌شود و خمس ندارد. (اجوبه الاستفتاءات، س ۹۰۱)

اگر شخصی برای آینده‌ی فرزندانش با این که خودش در طبقه‌ی اول زندگی می‌کند اقدام به ساختن طبقه‌ی دوم کند در صورتی که ساختن طبقه‌ی دوم برای آینده‌ی فرزندانش در حال حاضر از مخارج متناسب با شأن عرفی وی محسوب شود آنچه به مصرف رسانده است خمس ندارد و در صورتی که این چنین نباشد و در حال حاضر هم، نه خودش و نه فرزندانش به آن نیاز ندارند، پرداخت خمس آن واجب است. (اجوبه الاستفتاءات، س ۹۱۵)

اگر شخصی ملکی را به قیمت بالایی بخرد و مبلغ زیادی هم خرج اصلاح و تعمیر آن کند و بعد آن را

به فرزند غیر بالغ خود هبه و به طور رسمی به اسم او نماید، در صورتی که آنچه را برای خرید ملک و اصلاح و تعمیر آن صرف کرده از درآمدهای سال باشد و بخشش آن ملک به فرزندش در همان سال و متناسب با شأن عرفی او باشد خمس ندارد و در غیر این صورت واجب است خمس آن را بدهد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۰۸)

□ مبالغی را که انسان برای امور خیریه، مانند کمک به مدارس، آسیب دیدگان از سیل و مانند آن انفاق می‌کند، از مخارج سال انفاق محسوب می‌شود و خمس ندارد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۹۱۹)

۶. مؤونه‌یی که از نیاز خارج شده

۱. از درآمد سال یا درآمدی که خمس ندارد یا خمس آن پرداخت شده تهیه گردیده: خمس ندارد.

۲. از محل درآمدی که خمس به آن تعلق گرفته و پرداخت نشده تهیه گردیده: باید خمس پولی که در تهیهی آن هزینه شده را بدهد.

مؤونه‌یی که از نیاز خارج شده، مثل خانه ای که شخص آن را برای سکونت ساخته یا خریده و بعد به علت سکونت در ساختمان‌های دولتی به آن نیاز ندارد

(اجوبه الاستفتاءات، س ۸۸۰ و ۸۸۱ و ۸۸۲ و ۸۸۵ و ۸۸۸ و ۸۹۰ و ۹۸۷ و ۹۹۰)

۷. پول فروش مؤونه و سود حاصل از افزایش قیمت آن

آنچه در مورد «مؤونه‌یی که از نیاز خارج شده» گفتیم در مورد «فروش مؤونه» نیز جاری است، بنابراین خانه، ماشین و لوازم مورد نیاز انسان و خانواده‌ی او که از درآمد بین سال یا با پولی که خمس آن داده شده یا خمس نداشته (مثل ارث و هبه) تهیه شده است و بر اثر ضرورت و یا به منظور تبدیل به جنس بهتر یا هر علت دیگر فروخته شده، پول فروش آن و همچنین سود حاصل از افزایش قیمت آن خمس ندارد. بلی اگر لوازم را از محل درآمدی که خمس به آن تعلق گرفته ولی پرداخت نشده تهیه کرده باید خمس پولی که در تهیهی آن هزینه شده را بدهد، هر چند آن لوازم را نفروشد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۸۸۰ و ۸۸۱ و ۸۸۲ و ۸۸۵ و ۸۸۸ و ۸۸۹ و ۸۹۰ و ۹۸۷ و ۹۹۰)

توجه

اگر وسیله‌ی نقلیه او جزو مؤونه بوده (یعنی برای استفاده‌ی شخصی و رفع نیازهای زندگی و جزو احتیاجات مناسب با شأن عرفی شخص بوده): پول فروش آن حکم پول فروش مؤونه را دارد که قبلاً گفته شد.

□ فردی که وسیله‌ی نقلیه‌ی خود را می‌فروشد

و اگر برای کار کردن بوده و در صورتی که آن را با عین درآمدی که خمس به آن تعلق گرفته ولی پرداخت نشده خریده: باید خمس تمام پول فروش را بپردازد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۸۸۷ و ۹۲۴)

تمرین

۱. مؤونه یعنی چه؟
۲. حدود مؤونه را توضیح دهید؟
۳. آیا به طلایی که شوهر برای همسرش می‌خرد خمس تعلق می‌گیرد؟
۴. حکم مؤونه‌یی که از نیاز خارج شده است چیست؟
۵. اگر شخصی خانه‌ی خود را فروخته و پول آن را برای استفاده از سود آن در بانک بگذارد و سپس سال خمس‌اش فرا رسد چه حکمی دارد؟ اگر این پول را برای خرید خانه، پس انداز نماید چه حکمی دارد؟
۶. اگر وسایل و چیزهای مورد نیاز زندگی مانند ماشین، موتور، فرش که خمس آن داده نشده است فروخته شود، آیا پس از فروش باید خمس آنها فوراً پرداخت شود؟



خمس درآمد (۳)

نمونه‌هایی از موارد عدم انطباق مؤونه

۸. نمونه‌هایی از موارد عدم انطباق مؤونه

۱. سرمایه

۱. سرمایه‌یی که با کسب و کار (اعم از حقوق و غیره) به دست آمده، خمس دارد، بنابراین کسی که مالی را به عنوان سرمایه‌ی مضاربه به دیگری می‌دهد واجب است خمس آن را بپردازد، همچنین سود حاصل از تجارت با سرمایه، هر مقدار که صرف مؤونه‌ی زندگی شود خمس ندارد و آنچه از مخارج سال زیاد بیاید خمس دارد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۸۹۵ و ۹۵۲)

توجه

□ فردی که قطعه‌ی زمینی را از درآمد سال خود خریده تا آن را بفروشد و پولش را صرف ساخت خانه کند واجب است خمس آن را بپردازد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۹۱۶)

□ فردی که خانه‌ی چند طبقه ساخته یا تهیه کرده تا بعضی از طبقات آن را اجاره دهد و اجاره‌ی آن را صرف هزینه‌های زندگی کند، باید خمس درآمدی که در طبقات اضافی صرف نموده، بپردازد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۹۶۱)

□ زمین مواتی که به قصد تبدیل آن به باغ میوه احیا شده است، آنچه که از درآمد در آن هزینه شده، خمس آن باید پرداخت شود.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۹۶۸)

۱. واجب است هر یک از شرکا، خمس سهام خود را بپردازد، بنابراین افرادی که اقدام به تأسیس مدرسه‌ی خصوصی (غیر انتفاعی) می‌کنند بر هر یک از آنها واجب است خمس آنچه که به عنوان سرمایه‌ی شرکت می‌پردازند را پرداخت نمایند، همچنین واجب است هنگامی که سود حاصل از سرمایه‌ی مشترک را دریافت می‌کنند خمس مازاد بر مؤونه از سهم خود را سر سال خمسی بپردازند.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۹۲۱ و ۹۴۰ و ۹۴۱)

□ در شراکت

۲. پرداخت خمس سرمایه‌ی شرکت و سود حاصل از آن، تکلیف هر یک از اعضا نسبت به سهم خود از مجموع دارایی شرکت است، و انجام این کار توسط مسؤول هیأت اداری آن، متوقف بر کسب اجازه و وکالت از سهامداران شرکت است.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۹۴۲)

۳. پس از آن که هر یک از اعضا، خمس سهم خود از سرمایه‌ی شرکت را پرداخت کرد دیگر مجموعه‌ی سرمایه، دوباره خمس ندارد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۹۲۱)

۱. اگر هر یک از افراد سهامدار آن علاوه بر مبلغی که در ابتدای تشکیل صندوق پرداخته بایستی هر ماه برای افزایش موجودی صندوق مبلغی را بپردازد، چنانچه هر یک از آنها سهم شراکت خود را از منفعت کسب یا از حقوق خود بعد از پایان سال خمسی پرداخته باشد واجب است خمس آن را بپردازد، ولی اگر آن را در بین سال داده است در صورتی که دریافت آن برای او در پایان سال خمسی وی ممکن باشد باید خمس آن را در پایان سال بدهد و در غیر این صورت هر وقت آن را دریافت کرد باید خمس آن را پرداخت کند.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۹۴۳)

□ در صندوق
قرض الحسنه

۲. اگر سرمایه‌ی آن، ملک شخصی اشخاص به نحو اشتراک باشد، سود حاصل از آن نسبت به سهم هر یک از اعضا، ملک شخصی او خواهد بود و باید خمس آن را در زاید بر مؤونه‌ی سالش بپردازد، ولی اگر سرمایه‌ی صندوق ملک شخص یا اشخاص نباشد، مثل این که از مال وقف عام و مانند آن باشد سود حاصل از آن خمس ندارد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۹۴۴)

۲. محل تجاری جزو سرمایه است و واجب است خمس آن پرداخت شود و کسی که توان پرداخت آن را ندارد می‌تواند بعد از دستگردان با ولی امر خمس یا وکیل او به تدریج بپردازد. (اجوبه الاستفتاءات، س ۹۲۶)

۳. سرفلی جزو سرمایه است و از این رو خمس دارد. (اجوبه الاستفتاءات، س ۹۶۷)

۲. ابزار و آلات کار

ابزار و آلات کار حکم سرمایه دارد که اگر از درآمد کسب تهیه شود خمس دارد، بنابراین ماشینی که برای انجام امور مربوط به کار و کسب تهیه شده واجب است خمس آن پرداخت شود.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۸۸۷ و ۹۲۴ و ۹۷۲)

۳. رشد و نمو سرمایه

۱. کالایی که افزایش قیمت پیدا کرده و کسی هست که در طول سال آن را بخرد ولی فرد برای این که سود بیشتری ببرد آن را تا پایان سال نفروخته است باید با رسیدن سال خمسی، خمس افزایش قیمت آن را بپردازد، ولی کالایی که تا سر سال فروخته نشده و مشتری برای خرید آن پیدا نشده است، در حال حاضر پرداخت خمس افزایش قیمت آن واجب نیست بلکه افزایش قیمت جزء درآمد سالی است که امکان فروش فراهم شود.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۹۶۰)

۲. اگر کالایی را با مال مخمس به قصد فروش بخرد و بعد از مدتی آن را بفروشد، آن مقدار که بیشتر از قیمت خرید است جزو منفعت کسب محسوب می‌شود که بایستی خمسی زاید بر مؤونه‌ی سال را بپردازد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۹۶۴)

۴. پس انداز

۱. درآمدی که پس انداز می‌شود سر سال خمسی، خمس دارد مگر این که تهیه‌ی لوازم ضروری زندگی متوقف بر پس انداز در آمد سال باشد و بنا داشته باشد پس اندازها را در آینده‌ی نزدیک مثلاً چند روز پس از سال خمسی، صرف موارد مذکور کند که در این صورت خمس ندارد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۸۸۶ و ۹۰۹ و ۹۷۸)

توجه

□ کسی که نیاز به تهیه‌ی مایحتاج زندگی مانند یخچال دارد و استطاعت خرید آن را یکجا ندارد و ماهیانه پولی را پس انداز می‌کند تا وقتی که پول به حد لازم رسید آن را خریداری نماید، اگر پول پس انداز شده جهت تهیه‌ی مایحتاج زندگی در آینده‌ی نزدیک نیاز باشد خمس ندارد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۹۸۸)

۲. هر مقدار که از منفعت کسب، پس انداز می‌شود یک‌بار به آن خمس، تعلق می‌گیرد و پس انداز آن در بانک به صورت قرض الحسنه موجب سقوط خمس آن نمی‌شود.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۹۵۵)

۵. مطالبات

۱. طلبهایی که شخص بابت فروش نسبیه کالا یا اجرت کار دارد اگر سر سال خمسی قابل دریافت باشد- هر چند هنوز آن را نگرفته باشد- پرداخت خمس آن سر سال واجب است و در غیر این صورت جزو درآمدهای سال دریافت محسوب می‌شود، بنابراین:

۱. حقوق ماهیانه‌ی کارمندان که پرداخت آن توسط دولت چند سال به تأخیر افتاده هنگام دریافت، جزو درآمدهای سال دریافت محسوب می‌شود نه سال انجام کار و در مقدار زائد بر مخارج سال دریافت خمس واجب است.

۲. کارمندی که سر سال خمسی آنها در پایان ماه اسفند است و حقوق خود را چند روز زودتر از سر سال خمسی می‌گیرند، اگر حقوق را تا آخر سال خمسی در مؤونه مصرف نکنند بایستی خمس آن مقدار که در مقابل آن کار انجام داده اند، بپردازند.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۸۹۹ و ۹۲۲ و ۹۷۴ و ۹۷۹ و ۹۸۲ و ۹۹۱)

۲. شخصی که مبلغی را قرض می‌دهد، اگر مال قرضی را از درآمد سالیانه کارش و قبل از پرداخت خمس آن قرض داده است در صورتی که بتواند تا آخر سال قرضش را از بدهکار بگیرد واجب است که هنگام رسیدن سال خمسی اش خمس آن را بپردازد و اگر نتواند قرض خود را تا پایان سال بگیرد فعلاً پرداخت خمس آن واجب نیست لیکن هر وقت آن را وصول کرد باید خمس آن را بدهد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۸۷۱ و ۸۹۵ و ۹۵۵ و ۹۷۷ و ۹۸۹)

۶. طلای مسکوک

طلای مسکوک در صورتی که جزو منفعت کسب محسوب شود حکم سایر درآمدهای کسب را در وجوب خمس دارد.
(اجوبۃ الاستفتاءات، س ۹۵۳)

۷. حقوق بازنشستگی

حقوق بازنشستگی در صورتی که از مخارج سال اضافه بیاید پرداخت خمس آن واجب است.

۸. کفن

فردی که کفنی را خریده و چند سال مانده بایستی خمس قیمت خرید آن را بپردازد.

تمرین

۱. اگر شرکای شخصی حساب سال خمسی نداشته باشند تکلیف او چیست؟
۲. آیا به سرمایه‌ی صندوق قرض‌الحسنه خمس تعلق می‌گیرد؟ به سود حاصل از آن چگونه؟
۳. آیا به ابزاری که در کار و کسب استفاده می‌شود خمس تعلق می‌گیرد؟
۴. آیا به اموالی که به تدریج برای خرید خانه یا سایر مایحتاج زندگی پس‌انداز می‌شود خمس تعلق می‌گیرد؟
۵. اگر کارمندی حقوق سال خمسی خود را بعد از رسیدن آن دریافت کند، آیا دادن خمس بر او واجب است؟
۶. اگر کسی قبل از سال خمسی‌اش، مقداری از درآمد خود را به کسی قرض دهد و بعد از گذشت چند ماه از سر سال خمسی خود آن را دریافت کند، این مبلغ چه حکمی دارد؟



خمس درآمد (۴)

نمونه‌هایی از موارد انطباق مؤونه

۹. نمونه‌هایی از موارد انطباق مؤونه

۱. کالاهای مصرفی بی دوام و با دوام

کالاهای مصرفی بی دوام از قبیل قند، شکر، برنج، روغن، و مانند آن که در احتیاجات روزانه‌ی زندگی مصرف می‌شود اگر از درآمد سال به منظور مصرف سالانه خریداری کند و به مصرف برساند مؤونه به حساب می‌آید و خمس ندارد و هر مقدار از آن را که در انتهای سال مصرف نکند مؤونه نیست و بایستی خمس آن را بپردازد، و اما کالاهای مصرفی با دوام از قبیل خانه‌ی مسکونی، لوازم خانگی، اتومبیل شخصی، زیور آلات زنانه و مانند آن که هنگام استفاده عین آنها باقی می‌ماند (و به عبارت دیگر بهره‌دهی آن مدت‌دار است) و به عنوان نیاز زندگی از درآمد خریداری و استفاده می‌شود مؤونه است و خمس ندارد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۹۱۲ و ۹۲۳)

توجه

□ ملاک عدم وجوب خمس در کالاهای مصرفی با دوام، صدق عنوان نیاز به آنها مطابق با شأن عرفی مناسب با انسان است، هر چند در طول سال از آنها استفاده نشود، بنابراین اگر فرش و ظروف اتفاقاً در طول سال مورد استفاده قرار نگیرد ولی برای استفاده‌ی میهمان به آنها نیاز باشد خمس ندارد، ولی معیار در کالاهای مصرفی بی‌دوام، مصرف است که هر چه از مصرف سالانه‌ی آنها زیاد بیاید خمس دارد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۹۰۴ و ۹۰۵ و ۹۲۳)

□ کتابی که از چندین جلد تشکیل شده (مانند وسائل الشیعه) اگر مجموع آن مورد نیاز باشد و یا خرید جلدی که به آن احتیاج است متوقف بر خرید دوره‌ی کامل آن باشد خمس ندارد و در غیر این صورت باید خمس مجلداتی که الآن مورد نیاز نیست پرداخت شود، و صرف خواندن یک صفحه از هر جلد کتاب، برای ساقط شدن خمس کافی نیست.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۹۰۷)

□ خانه‌ی مسکونی مورد نیاز مؤونه است، بنابراین ساختمان سه طبقه‌ی صاحب آن در یک طبقه، خودش و در دو طبقه‌ی دیگر فرزندانش زندگی می‌کنند خمس ندارد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۹۱۱)

□ اتومبیلی که از درآمد بین سال جهت استفاده‌ی شخصی و رفع نیازهای زندگی تهیه شده و جزو احتیاجات مناسب با شأن عرفی شخص باشد مؤونه است و خمس ندارد. بلی اگر برای کسب و کار باشد، مثل تاکسی، وانت، مینی‌بوس، اتوبوس حکم ابزار کار را در وجوب خمس خواهد داشت.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۸۸۷ و ۹۲۴)

□ داروهایی که از درآمد بین سال خرید شده و بدون فاسد شدن تا سر سال خمسی باقی مانده است، اگر خرید آنها جهت استفاده در مواقع نیاز باشد و در معرض احتیاج هم باشد مؤونه است و خمس ندارد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۹۰۸)

۲. مایحتاجی که از درآمد تدریجی تهیه می‌شود

مایحتاجی از قبیل لوازم خانگی، جهیزیه، ساختمان مسکونی و مانند آن که شخص نمی‌تواند هنگام نیاز یکباره خریداری کند مگر آن که از درآمد سنوات بعد به تدریج تهیه و برای زمان احتیاج نگهداری نماید، آن مقدار که هر سال به اندازه‌ی شأن عرفی خود تهیه می‌کند مؤونه است و خمس ندارد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۹۰۶ و ۹۱۸)

توجه

□ اگر در منطقه‌ی رسم بر این باشد که خانواده‌ی داماد اقدام به تهیه و تأمین اثاثیه و لوازم خانه کنند و به مرور زمان و به تدریج به تهیه‌ی آن لوازم بپردازند و سال بر آنها بگذرد، در صورتی که تهیه‌ی اثاث و لوازم زندگی برای آینده عرفاً جزو مؤونه محسوب شود خمس ندارد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۹۰۶)

□ شخصی که خانه‌ی برای سکونت ندارد ولی مالک قطعه‌ی زمینی است که یک سال یا بیشتر بر آن گذشته و نمی‌تواند آن را بسازد، در صورتی که زمین را برای ساخت مسکن مورد نیاز در آن، از درآمد بین سال خرید شده باشد تا آن را نفروخته است، خمس آن واجب نیست، ولی اگر آن را از درآمد سال به قصد فروش و مصرف پول آن برای ساخت خانه خرید شده باشد پرداخت خمس آن واجب است.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۹۱۶ و ۹۱۳)

□ در عدم وجوب خمس در زمینی که برای ساخت مسکن بدان نیاز دارد، فرقی بین این که یک قطعه باشد یا چند قطعه، و یا یک مسکن باشد یا چند مسکن وجود ندارد، بلکه ملاک، صدق عنوان نیاز به آن به مقتضای موقعیت و شأن عرفی وی و همچنین وضع مالی شخص برای ساخت تدریجی آن است.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۹۰۳)

□ فردی که خانه‌ی ملکی برای سکونت ندارد و از درآمد بین سال زمینی خریده تا در آن خانه‌ی برای خودش بسازد چنانچه شروع به ساختن کند ولی قبل از اتمام آن، سال خمسی برسد آنچه در مصالح ساختمان مصرف کرده، خمس ندارد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۹۱۴)

۳. پرداخت بدهی

بدهی پرداخت نشده - چه بدون مدت باشد و چه مدت‌دار، چه بر اثر قرض گرفتن باشد و یا بر اثر خرید نسپه‌ی کالا - از درآمد سالانه استثنا نمی‌شود مگر این که برای تأمین هزینه‌های سال درآمد باشد که از درآمد سال مقداری را که می‌خواهد صرف بدهی خود کند استثنا می‌شود و به معادل آن از درآمد سالانه، خمس تعلق نمی‌گیرد، ولی اگر برای بدهی‌های سالهای قبل باشد، هر چند صرف درآمد سالانه برای پرداخت آن جایز است ولی اگر تا پایان سال پرداخت نشود از درآمد سالانه استثنا نمی‌شود، بنابراین: ۱. بر کارمندانی که گاهی مقداری مال از مخارج سالانه‌ی آنها زیاد می‌آید خمس تمام درآمد باقیمانده واجب است، هر چند بدهی‌های نقدی و قسطی داشته باشند. بلی اگر بدهی بر اثر قرض کردن در طول سال برای مخارج همان سال یا خرید بعضی از مایحتاج سال به صورت نسپه باشد در صورتی که بخواهند دین خود را از منافع همان سال ادا نمایند مقدار دین از باقیمانده‌ی درآمد آن سال استثنا می‌شود.

۲. اقساط بدهی مسکن و مانند آن را هر چند می‌توان از درآمد کسب همان سال پرداخت کرد، ولی در صورت عدم پرداخت، از درآمد آن سال استثنا نمی‌شود بلکه به باقیمانده‌ی درآمد سر سال خمسی، خمس تعلق می‌گیرد.

۳. بدهی که جهت غیر مؤونه (مثل بدهکاری بابت کفارات) بوده، هر چند صرف درآمد سالانه برای پرداخت آن جایز است، ولی اگر تا پایان سال پرداخت نشود از منفعت کسب سالی که در آن بدهی حاصل شده استثنا نمی‌شود و پرداخت خمس درآمد سالانه کسب که از مخارج آن سال زیاد آمده واجب است.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۸۶۵ و ۸۶۹ و ۸۷۴ و ۸۷۵ و ۸۷۷ و ۸۷۸)

۴. پیش پول اجاره و مانند آن

۱. پول پیشی که مستأجر به موجر می‌دهد، اگر از منفعت کسب مستأجر باشد بعد از گذشت سال خمس دارد و هر وقت مستأجر بتواند آن را از موجر بگیرد باید خمس آن را بپردازد

(اجوبه الاستفتاءات، س ۹۷۳)

۲. مبلغی که در حال حاضر افرادی که قصد تشریف به حج یا عمره را دارند باید برای حفظ نوبت، مطابق قرارداد مضاربه به بانک بسپارند و سودی نیز به آن تعلق می‌گیرد و زمانی که پس از حدود سه سال نوبت تشریف آنها فرا رسد اصل پول و سود آن را دریافت کرده به سازمان حج و زیارت

می‌سپارند و به عمره و حج مشرف می‌شوند، اگر در همان سال خمسی سپرده گذاری به حج بروند خمس ندارد ولی اگر نوبت حج آنها پس از آن سال خمسی است به اصل سپرده اگر از درآمد کسب غیر مخمس بوده خمس تعلق می‌گیرد اما سود حاصله اگر پیش از سال عزیمت به سفر حج قابل وصول نباشد جزو درآمد سال وصول محسوب می‌شود که اگر در همان سال هزینه شود خمس ندارد. ۳. پولی که برای خرید کتاب از نمایشگاه بین المللی کتاب در تهران قبل از تحویل آن پرداخت شده، ولی هنوز کتابها ارسال نشده است خمس ندارد به شرطی که کتابهای مزبور، مورد نیاز و به مقدار متناسب با شأن عرفی شخص بوده باشد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۹۰۲)

تمرین ۳

۱. آیا ملاک عدم وجوب خمس در مؤونه، استفاده‌ی از آن در طول سال است یا این که نیاز به آن در طی سال کافی است، هر چند موردی برای استفاده از آن پیش نیاید؟
۲. داروهایی که از درآمد میان سال خریده شده، اگر بدون فاسد شدن تا سر سال خمسی باقی بماند، خمس به آن تعلق می‌گیرد؟
۳. شخصی خانه‌ی ملکی برای سکونت ندارد، لذا زمینی خریده تا در آن خانه‌ی برای خودش بسازد، ولی چون پول کافی برای ساخت نداشته، سال بر آن گذشته و آن را به فروش هم نرسانده است، آیا خمس آن واجب است؟
۴. آیا بر کارمندانی که گاهی مقداری مال از مخارج سالانه‌ی آنها زیاد می‌آید با توجه به این که بدهی‌های نقدی و قسطی دارند خمس واجب است؟
۵. معمول است که برای اجاره‌ی خانه مقداری پول پیش پرداخت می‌کنند، اگر این پول از منافع کسب باشد، و چند سال در نزد صاحبخانه بماند، آیا پس از دریافت، بلافاصله باید خمس آن پرداخت شود؟ و در صورتی که بخواهد با همان پول در جای دیگر منزل اجاره کند، چطور؟
۶. آیا پولی که برای ثبت نام حج پرداخته می‌شود و چند سال بر آن می‌گذرد خمس دارد؟



خمس درآمد (۵)

نحوه‌ی محاسبه‌ی خمس درآمد و پرداخت آن «۱»

۱۰. نحوه‌ی محاسبه‌ی خمس درآمد و پرداخت آن

۱. زمان تعلق خمس

زمان تعلق خمس درآمد، همان وقتی است که درآمد به دست می‌آید ولی پرداخت خمس تا یک سال مهلت داده شده است، از این رو مالک مجاز است خمس خود را قبل از پایان سال بپردازد، همچنین می‌تواند سال خمسی خود را با اجازه ولی امر خمس، جلو یا عقب بیندازد به شرطی که مدت گذشته را حساب کند و این کار موجب ضرر وارد شدن به صاحبان خمس نشود. (اجوبه‌ الاستفتاءات، س ۹۶۵ و ۹۸۶ و ۱۰۰۱)

توجه

□ اگر شخصی سکه طلا به قصد فروش خریداری نماید، قیمت خرید و همچنین ترقی قیمت آن در سر سال خمسی متعلق خمس می‌شود ولو نفروخته باشد و اگر به قصد فروش نخریده باشد، فقط قیمت خرید خمس دارد. (اجوبه‌ الاستفتاءات، س ۹۹۲)

۲. کسر هزینه‌ی درآمد

آنچه را که از درآمد سال در راه به دست آمدن سود و در بین فعالیت اقتصادی هزینه می‌کند، از قبیل مخارج حمل و نقل، خسارات وارده، کرایه‌ی مغازه و ابزار و آلات، اجرت دلال و کارگر، مالیات و مانند آن، از درآمد همان سال استثنای می‌شود و خمس ندارد. (اجوبه‌ الاستفتاءات، س ۹۵۱)

۳. عدم تعلق خمس درآمد به مؤونه (هزینه‌ی سالانه)

خمس درآمد به مؤونه تعلق نمی‌گیرد یعنی آنچه از درآمد، در بین سال صرف احتیاجات و لوازم

زندگی می‌شود خمس ندارد و تنها آنچه در پایان سال اضافه می‌ماند خمس دارد و باید مورد محاسبه قرار گیرد.
(اجوبه الاستفتاءات، س ۹۰۱ و ۹۰۶ و ۹۱۸)

۴. کسر مؤونه‌ی سال از درآمد همان سال

مؤونه‌ی هر سال از درآمد همان سال کسر شده (به مصرف می‌رسد) نه سال قبل و بعد، بنابراین اگر در یک سال درآمدی عاید او نشد نمی‌تواند مؤونه‌ی آن سال را از درآمدهای حاصل از سال قبل و بعد کسر کند.
(اجوبه الاستفتاءات، س ۹۷۴ و ۹۷۹)

۵. عدم اشتراط صرف مؤونه از درآمد به نداشتن مال دیگر

در صرف مؤونه از درآمد شرط نیست شخص، مال دیگری غیر از درآمد نداشته باشد، بلکه اگر مالی غیر از درآمد داشته باشد که خمس به آن تعلق نمی‌گیرد و یا در صورت تعلق پرداخت شده می‌تواند مؤونه‌ی خود را از درآمد بردارد و به مصرف برساند. بلی اگر درآمد سال به طور مشترک با مال مخمس در مؤونه مصرف شود واجب است که خمس باقیمانده را در پایان سال به نسبت غیر مخمس به مخمس بپردازد و مجاز نیست چیزی از درآمد سال را جای مال مخمسی که مصرف کرده استثنا کند، مثلاً برنجی را که خمس آن را پرداخته اگر مصرف کند نمی‌تواند معادل آن از برنج جدید را از خمس استثنا کند، بنابراین آنچه را که از برنج جدید مصرف مؤونه‌ی سال خود کرده خمس ندارد و آنچه که از آن تا سر سال خمسی باقی مانده خمس دارد.
(اجوبه الاستفتاءات، س ۹۶۲ و ۹۸۰ و ۱۰۲۶ و ۱۰۲۸)

۶. داشتن حساب سال خمسی

افرادی که درآمد شخصی هر چند به مقدار کم داشته باشند - خواه مجرد یا متأهل - واجب است که سال خمسی داشته و درآمد سالانه‌ی خود را محاسبه نمایند تا در صورتی که چیزی از درآمد تا پایان سال باقی ماند خمس آن را بپردازند. البته حساب سر سال خمسی و محاسبه‌ی درآمد سالانه واجب مستقلاً نیست، بلکه راهی برای شناخت مقدار خمس است و وقتی واجب می‌شود که انسان بدانند خمسی به او تعلق گرفته ولی مقدار آن را نمی‌دانند، اما اگر از منفعت کسب چیزی نزد او نماند و همه‌ی آن در مؤونه‌ی زندگی مصرف شود خمسی به وی تعلق نمی‌گیرد تا آن را حساب کند.
(اجوبه الاستفتاءات، س ۹۶۹ و ۹۹۴ و ۹۹۷)

توجه

□ زن و شوهری که حقوق خود را به طور مشترک در امور منزل مصرف می‌کنند واجب است هر یک از آنها سال خمسی مستقلی به حساب درآمد خودش داشته و هر کدام خمس باقیمانده‌ی حقوق و درآمد سالانه‌ی خود را در پایان سال خمسی بپردازد، همچنین خانم خانه‌داری که همسرش سال خمسی دارد که در آن هنگام خمس اموال خود را می‌پردازد و وی نیز گاهی درآمدی دارد واجب است بر او که زمان دستیابی به اولین درآمد سال را، ابتدای سال خمسی خود قرار دهد و هر چه را در طول سال از منفعت کسب خرج مصارف شخصی خود، مثل زیارت، هدیه و مانند آن می‌کند خمس ندارد و هر چه از منفعت

کسب سال، از مؤونه‌ی سالانه‌اش تا سر سال زیاد بیاید واجب است که خمس آن را بپردازد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۹۹۸ و ۹۹۹)

□ انسان می‌تواند خودش خمس مالش را حساب نموده و سپس آنچه را بر او واجب است را به ولی امر خمس یا وکیلش بپردازد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۰۲)

۷. تعیین مبدأ سال خمسی

شروع سال خمسی نیاز به تعیین از سوی خود مکلف ندارد (و به عبارت دیگر ابتدای سال خمسی با تعیین از جانب مکلف مشخص نمی‌شود) بلکه یک امر واقعی است که خود به خود بر اساس چگونگی حصول درآمد سالانه متعین می‌شود، بنابراین ابتدای سال خمسی امثال کارگران و کارمندان از اولین روز امکان دریافت اولین درآمد از درآمدهای کار و کارمندی است، و سال خمسی تجار و مغازه‌داران از تاریخ شروع به خرید و فروش، و سال خمسی امثال کشاورزان از تاریخ برداشت اولین محصول کشاورزی شروع می‌شود.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۹۸۶ و ۹۹۴ و ۹۹۶ و ۹۹۷ و ۹۹۹)

توجه

□ همانطور که در بالا گفتیم شروع سال خمسی حقوق بگیران اعم از کارگران و کارمندان و غیره همان روز اولی است که مزد یا حقوق خود را دریافت می‌کند و یا می‌توانند دریافت نمایند نه روز شروع به کار.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۹۹۵)

۸. آزادی در انتخاب سال خمسی

سال خمسی را می‌توان قمری یا شمسی قرار داد و مکلف در انتخاب آن آزاد است. (اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۰۰)

تمرین

۱. آیا تقدیم و تأخیر سال خمسی جایز است؟
۲. فردی ملکی (خانه یا زمین) دارد که خمس به آن تعلق گرفته است، آیا می‌تواند خمس آن را از درآمد سال بپردازد؟ و آیا واجب است خمس درآمد سال را نیز پرداخت کند؟
۳. شخصی در پایان سال خمسی، به طور مثال صد هزار تومان زاید بر مؤونه دارد که خمس آن را داده است، اگر در سال بعد مقدار آن به صد و پنجاه هزار تومان برسد، آیا در سال جدید باید خمس پنجاه هزار تومان را بپردازد یا این که باید دوباره خمس صد و پنجاه هزار تومان را بدهد؟
۴. آیا تعیین سال خمسی بر جوانان مجردی که با پدر و مادر خود زندگی می‌کنند واجب است؟
۵. آیا انسان می‌تواند خودش خمس مالش را حساب نموده و سپس آنچه را بر او واجب است را به ولی امر خمس یا وکیلش بپردازد؟
۶. تعیین ابتدای سال برای پرداخت خمس چگونه است؟



خمس درآمد (۶)

نحوه‌ی محاسبه‌ی خمس درآمد و پرداخت آن «۲»

۱۱. نحوه‌ی محاسبه‌ی خمس سرمایه و پرداخت آن

برای محاسبه‌ی خمس سرمایه، ابتدا هر چه کالا و پول نقد وجود دارد را در سر سال خمس حساب، و قیمت‌گذاری کرده خمس آن را می‌پردازند، سپس در سال بعد مجموعه‌ی آن را با سرمایه‌ی اصلی می‌سنجند اگر چیزی اضافه بر سرمایه موجود باشد سود محسوب می‌شود و به آن خمس تعلق می‌گیرد و اگر چیزی اضافه بر سرمایه‌ی اولیه افزوده نشده باشد پرداخت خمس واجب نیست، مثلاً فردی که سرمایه‌اش نود و هشت رأس گوسفند و مقداری پول نقد بوده که خمس آنها را پرداخت کرده، اگر سر سال خمس مجموع قیمت گوسفندهای موجود با اموال نقدی که دارد بیشتر از مجموع قیمت نود و هشت رأس گوسفند با پول نقدی باشد که قبلاً خمس آن را پرداخته، مقدار زائد خمس دارد.

(اجوبه‌ی الاستفتاءات، س ۹۴۸ و ۹۸۲ و ۹۸۵)

توجه

واجب است در محاسبه‌ی خمس سرمایه، کالاها و اجناس (سرمایه‌ی غیر نقدی) را به هر صورت ممکن هر چند با تخمین، تعیین قیمت کرد و ترک این کار به دلیل مشکل بودن جایز نیست.

(اجوبه‌ی الاستفتاءات، س ۹۸۳)

اگر مالی که خمس ندارد از قبیل جایزه و مانند آن با سرمایه مخلوط شود، در پایان سال خمس جایز است که آن را از سرمایه استثنا کرد و سپس خمس بقیه‌ی اموال را پرداخت. مگر آنکه سرمایه او به گونه‌ای باشد که مؤونه خود را از آن برمی‌دارد مانند مغازه دار، در این صورت هر مقدار که از سرمایه برای هزینه خود برداشته بدون اینکه نیست برداشت از سرمایه داشته باشد، به نسبت میان مال خمس و غیر خمس توزیع می‌شود.

(اجوبه‌ی الاستفتاءات، س ۹۸۱)

۱۲. شک در صحت محاسبه‌ی خمس درآمد

کسی که در صحت حساب خمس درآمد سالهای گذشته شک دارد به آن اعتنا نکند و پرداخت مجدد

خمس بر او واجب نیست. بلی اگر در درآمد شک داشته باشد که آیا جزو درآمد سالهای قبل است که خمس آن پرداخت شده یا جزو درآمد امسال است که خمس آن داده نشده بر وی واجب است که احتیاطاً خمس آن را بپردازد، مگر این که احراز کند که خمس آن را قبلاً پرداخته است. (اجوبه الاستفتاءات، س ۹۶۳)

۱۳. شک در پرداخت خمس

کسی که شک دارد خمس چیزی را داده است یا نه، اگر مشکوک از چیزهایی باشد که خمس به آن تعلق گرفته واجب است یقین به پرداخت خمس پیدا نماید. (اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۳۴)

۱۴. مصالحه

در مواردی که افراد نمی‌دانند خمس به درآمد آنها تعلق گرفته است یا نه، مثل این که یقین دارند خانه‌ی مسکونی خود را با درآمد کسب خریده‌اند ولی نمی‌دانند که آیا درآمد کسب را در بین سال صرف خرید آن کرده‌اند یا پس از پایان سال پیش از پرداخت خمس، واجب است با ولی امر خمس یا وکیل او مصالحه نمایند. (اجوبه الاستفتاءات، س ۹۲۸ و ۹۳۵)

توجه

□ خمس قطعی قابل مصالحه نیست. (مصالحه در موارد مشکوک صورت می‌پذیرد). (اجوبه الاستفتاءات، س ۹۵۸)

۱۵. دستگردان

در مواردی که خمس بر افراد واجب است و در حال حاضر توان پرداخت آن را ندارند باید خمسی که بر عهده دارند را با ولی امر خمس یا وکیل او دستگردان کنند تا بعداً آن را به تدریج بر حسب استطاعت خودشان از جهت مقدار و زمان بپردازند. (اجوبه الاستفتاءات، س ۹۲۵ و ۹۲۷ و ۱۰۳۵)

توجه

□ فردی که مبلغی را به عنوان خمس مالی که متعلق خمس نبوده پرداخته است، اگر آن مبلغ در مصارف شرعی آن مصرف شده، بابت خمس مالی که فعلاً بدهکار است حساب نمی‌شود. بلی اگر عین آن موجود باشد می‌تواند آن را مطالبه کند. (اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۳۶)

□ تحویل خمس و سایر حقوق شرعی از طریق بانک اشکال ندارد، بنابراین فردی که انتقال عین خمس به ولی امر خمس یا وکیل او برایش مشکل است می‌تواند آن را از طریق بانک حواله کند، هر چند مالی که از بانک گرفته می‌شود عین مالی که به بانک پرداخت شده نیست. (اجوبه الاستفتاءات، س ۹۳۶)

❗ تمرین

۱. نحوه‌ی محاسبه‌ی خمس سرمایه و پرداخت آن را ذکر نمایید؟
۲. اگر مالی که خمس ندارد از قبیل جایزه و مانند آن با سرمایه مخلوط شود، آیا در پایان سال خمسی جایز است که آن را از سرمایه استثنا کرد و سپس خمس بقیه‌ی اموال را پرداخت؟

۳. کسی که در صحت محاسبه‌ی خمس اموال گذشته‌ی خود شک می‌کند وظیفه‌اش چیست؟
۴. موارد مصالحه کدام است؟
۵. در چه مواردی دستگردان انجام می‌گیرد؟
۶. آیا مبلغی را که انسان به عنوان خمس مالی که متعلق خمس نبوده پرداخته است می‌تواند بابت خمس مالی که فعلاً بدهکار است حساب کند؟



خمس معدن - گنج - مال حلال مخلوط به حرام - مصرف خمس - مسایل متفرقه‌ی خمس

۱. خمس معدن

معادنی که توسط شخص خاصی یا با مشارکت اشخاص با یکدیگر استخراج می‌شود خمس در آن واجب است، مشروط بر این که آنچه آن شخص استخراج کرده و یا سهم هر یک از اشخاص که با مشارکت با یکدیگر اقدام به استخراج کرده‌اند بعد از کم کردن هزینه‌های استخراج و تصفیه، به مقدار بیست دینار طلا یا دویست درهم نقره یا معادل قیمت یکی از آن دو باشد. (اجوبه الاستفتاءات، س ۸۹۳)

توجه

□ از شرایط وجوب خمس در معادن این است که شخص یا اشخاصی با مشارکت با یکدیگر آن را استخراج کنند، مشروط بر این که سهم هر یک به حد نصاب برسد و آنچه استخراج شده، ملک آنها شود، و معادنی که دولت استخراج می‌کند، نظر به این که ملک خاص شخص یا اشخاص نیست، بلکه ملک جهت است لذا شرط وجوب خمس را دارا نیست و در نتیجه جایی برای وجوب خمس بر دولت و حکومت باقی نمی‌ماند. (اجوبه الاستفتاءات، س ۸۹۳)

۲. گنج

میزان درباره‌ی گنجی که افراد در زمینی که مالک آن هستند پیدا می‌کنند، مقررات نظام جمهوری اسلامی است، بنابراین اگر مقداری سکه‌ی نقره که تاریخ آن به حدود صد سال پیش بر می‌گردد از زیر خاک ساختمان ملکی شخصی پیدا شود بایستی در این مورد به مقررات جمهوری اسلامی رجوع کنند. (اجوبه الاستفتاءات، س ۸۹۱ و ۸۹۲)

۳. مال حلال مخلوط به حرام

فردی که یقین به وجود مال حرام در اموالش دارد در صورتی که مقدار دقیق آن را نداند و صاحب آن را هم نشناسد، راه حلال کردن آن اموال این است که خمس آن را بپردازد، ولی اگر شک در مخلوط شدن مال حرام با اموال خود داشته باشد چیزی بر عهده‌ی او نیست.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۸۹۴)

توجه

□ فردی که با خانواده‌ی زندگی می‌کند که اهل خمس و زکات نیستند و اموالشان مخلوط با رباست تا یقین به حرمت این اموال پیدا نکرده می‌تواند از آن استفاده کند. (درست است که یقین دارد که اهل خمس و زکات نیستند و اموالشان مخلوط با رباست، ولی لازمه‌اش یقین به حرمت اموالی که او در آن تصرف می‌کند نیست). البته اگر یقین به حرام بودن آنچه از اموال که او مصرف می‌کند داشته باشد استفاده از آن برای او جایز نیست مگر آن که جدایی از خانواده و قطع رابطه با آنان برایش حرجی باشد که در این صورت استفاده از اموال مخلوط به حرام آنان اشکال ندارد ولی ضامن خمس مال دیگران که در اموال مورد مصرف او وجود دارد می‌باشد.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۹۲۹)

۴. مصرف خمس۱. سهم مبارک امام (ع) و سهم سادات

۱. خمس به دو قسمت مساوی تقسیم می‌شود: یک قسمت آن سهم مبارک امام (ع) است و قسمت دیگر سهم سادات.

۲. منظور از امام (ع)، امام معصوم هر عصر است که در زمان ما پیشوای دوازدهم امام مهدی حضرت صاحب الامر (عج) هستند. منظور از سادات هم کسانی‌اند که از طرف پدر انتساب به جناب هاشم جد پیامبر (ص) داشته باشند. (توضیح بیشتر خواهد آمد).

۳. سهم مبارک امام (ع) در زمان ما که دسترسی به آن بزرگوار (عج) نیست به طور کلی در اختیار ولی امر مسلمین است تا در مصارفی که مورد رضای امام (ع) است از مصالح مسلمین و مخصوصاً اداره‌ی حوزه‌های علمیه و مانند آن مصرف کند. اختیار سهم سادات نیز مانند سهم مبارک امام (ع) مربوط به ولی امر مسلمین است، بنابراین کسی که بر عهده‌ی او و یا در مال وی مقداری حق امام (ع) یا سهم سادات باشد باید آن را به ولی امر خمس یا وکیلی که از طرف او اجازه دارد تحویل دهد و اگر می‌خواهد آن را در یکی از موارد مقرر از قبیل تهیه و توزیع کتابهای مفید و لازم دینی، از دواج سادات نیازمند، پرداخت قبض آب و برق ایشان و مانند آن مصرف کند باید ابتدا راجع به آن اجازه بگیرد.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۱۰۰۴ و ۱۰۰۵ و ۱۰۱۳ و ۱۰۱۴ و ۱۰۱۸ و ۱۰۱۹ و ۱۰۲۰ و ۱۰۲۳)

۴. مقلدین هر یک از مراجع محترم تقلید «دامت برکاتهم» اگر در پرداخت سهمین مبارکین به استناد فتوای مرجع تقلید خود عمل کنند موجب براءت ذمه می‌شود. (اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۰۳)

توجه

- سهم مبارک امام(ع) و سهم سادات قابل بخشش نیست. (اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۲۴)
- تجارت با حقوق شرعی (از قبیل خمس و زکات) که واجب است به مصرف موارد مقرر شرعی آن برسد و خودداری از مصرف آن، هر چند به قصد استفاده از منافع آن در یک مؤسسه‌ی فرهنگی باشد بدون اجازه‌ی ولی امر خمس اشکال دارد و در صورتی که با آن تجارت شود سود حاصل تابع سرمایه است که باید در همان موارد مصرف سرمایه صرف شود و خمس ندارد؛ (اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۲۳)
- کسی که در اجازه‌ی فردی که مدعی اجازه (از طرف ولی امر خمس) است شک دارد می‌تواند به صورت محترمانه از آن فرد بخواهد که اجازه‌ی خطی خود را به او نشان دهد و یا از او قبض رسید را که مهر ولی امر خمس بر آن خورده درخواست کند چنانچه او طبق اجازه‌ی که از طرف ولی امر خمس دارد عمل کرده عملش مورد تأیید است. (اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۰۷)
- گرفتن سهم امام(ع) و سهم سادات برای کسی که شرعاً مستحق نبوده و مشمول مقررات شهریه‌ی حوزه هم نباشد، جایز نیست. (اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۱۶)

۲. شرایط کسانی که می‌شود به آنان سهم سادات داد

- | | |
|---|---|
| <ol style="list-style-type: none"> ۱. سیادت (سید بودن). ۲. ایمان (شیعه‌ی دوازده امامی بودن). ۳. فقر (فقیر بودن). ۴. واجب النفقہ نبودن. ۵. در راه معصیت صرف نکردن. ۶. اهل معصیت به طور آشکارا نبودن. | } شرایط کسانی که می‌شود به آنان سهم سادات داد |
|---|---|

۱. سیادت:

۱. سیدی جایز است از سهم سادات استفاده کند که از طرف پدر انتساب به جناب هاشم پیامبر(ص) داشته باشد، بنابراین همه‌ی سادات علوی و عقیلی و عباسی که هاشمی هستند حق استفاده از مزایای خاص سادات هاشمی دارند. (اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۱۰)
۲. کسی که از طرف پدر به عباس بن علی بن ابی طالب(ع) منسوب است سید علوی می‌باشد. (اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۱۰)
۳. گرچه منتسبین به پیامبر اکرم(ص) از طرف مادر هم از اولاد رسول اکرم(ص) محسوب می‌شوند، ولی ملاک ترتیب آثار و احکام شرعی سیادت با انتساب از طرف پدر است. (اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۰۹)

۳. فقر:

۱. ساداتی که دارای شغل و کسبی هستند، اگر درآمد آنان برای زندگی‌شان به طور متعارف و مناسب با شأن عرفی‌شان کافی باشد، مستحق خمس نیستند. (اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۲۱)

۲. خانواده‌ی ساداتی که پدرشان در پرداخت نفقه‌ی آنان کوتاهی می‌کند اگر نمی‌توانند نفقه‌ی خود را از پدر خود بگیرند جایز است به مقدار نفقه از سهم سادات به آنان داده شود. (اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۱۷)

۳. سادات نیازمند اگر علاوه بر خوراک و پوشاک، به چیز دیگری که مناسب حالشان است نیاز داشته باشند جایز است به مقدار رفع نیاز از سهم سادات به آنان پرداخت شود. (اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۱۷)

۴. زن سیده‌یی که شوهرش بر اثر فقر نتواند نفقه‌ی او را بدهد و او هم شرعاً فقیر باشد می‌تواند برای رفع نیازش سهم سادات بگیرد و آن را برای خود و فرزندان و حتی شوهرش مصرف کند. (اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۱۵)

۴. واجب النفقه نبودن:

به کسی که واجب النفقه است نمی‌توان خمس داد، مثلاً انسان نمی‌تواند به پدر و مادر فقیرش که توانایی کمک به آنان را دارد خمس خود را بدهد. (اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۲۲)

۵. مسایلی متفرقه‌ی خمس

۱. تصرف در مالی که شک دارد خمس به آن تعلق گرفته یا نه اشکال ندارد.

۲. خوردن غذای کسی که اهل خمس نیست اشکال ندارد.

۳. اگر صاحب مغازه نداند مشتری که با او معامله می‌کند خمس مالش را پرداخته است یا نه، چیزی بر عهده‌ی او نیست و تحقیق هم لزومی ندارد. (اجوبه الاستفتاءات، س ۹۳۳ و ۹۳۴ و ۹۳۹)

۴. معاشرت با مسلمانانی که به امور دینی به خصوص نماز و خمس پایبند نیستند، اگر مستلزم تأیید ایشان در عدم التزام به امور دینی نباشد اشکال ندارد مگر آن که ترک معاشرت با آنان مؤثر در اهتمام ایشان به امور دینی باشد که در این صورت واجب است که معاشرت به طور موقت از باب نهی از منکر ترک شود. (اجوبه الاستفتاءات، س ۹۳۳)

۵. اگر شخصی اموال خود را طبق اجازه‌ی کسی که واجب بوده حقوق شرعی خود را به او تسلیم نماید به نیت پرداخت حقوق شرعی که بر عهده داشت برای تأسیس مدرسه و مانند آن به مصرف رسانده است حق پس گرفتن و تصرف مالکانه در آن ندارد. (اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۳۸)

۶. شخصی که برای رفتن به حج استجبایی مبلغی را به حساب سازمان حج واریز کرده، ولی قبل از تشریف به زیارت خانه‌ی خدا، از دنیا رفته است، فیش حجی که در قبال مبلغی که به حساب سازمان حج واریز کرده، دریافت نموده، به قیمت فعلی‌اش از ترکیه‌ی او محسوب می‌شود، و اگر حج بر ذمه ندارد و

وصیت به حج هم نکرده صرف آن در حج نیابی برای وی واجب نیست، و پرداخت خمس مبلغ پرداختی بابت آن فیش اگر از پولی که خمس به آن تعلق گرفته ولی پرداخت نشده باشد، واجب است.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۸۵۸)

تمرین ۳

۱. مقدار نصاب معدن چیست؟
۲. تکلیف فردی که در خانواده‌بی زندگی می‌کند که اهل خمس و زکات نیستند و اموالشان مخلوط با ریاست چیست؟
۳. منظور از امام(ع) و سادات در «سهمین مبارکین» کیست؟
۴. بعضی از اشخاص، خود اقدام به پرداخت قبض آب و برق سادات می‌کنند، آیا احتساب آن از خمس جایز است یا خیر؟
۵. آیا ساداتی که دارای شغل و کسبی هستند استحقاق خمس دارند یا خیر؟
۶. آیا جایز است سهم سادات به علویه‌ی فقیری که ازدواج کرده و فرزندی دارد، ولی شوهرش غیر علوی و فقیر است داده شود؟ و آیا او می‌تواند آن را صرف فرزندان و شوهر نماید؟



انفال



انفال

معنای انفال – منابع انفال

۱. معنای انفال

انفال یعنی اموال عمومی که در اختیار پیامبر(ص) و جانشینان معصوم او(ع) قرار دارد و در زمان غیبت، اختیار آن با ولی امر مسلمین است (تحت تصرف حکومت اسلامی است) و از آن باید در مصالح عمومی جامعه و به سود همگان بهره برداری شود. (اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۴۴ و ۱۰۴۵ و ۱۰۴۶)

۲. منابع انفال

۱. فیء (آنچه بدون لشکرکشی و جنگ به دست مسلمانان افتاده است، خواه زمین یا غیر آن).
۲. زمینهای موات که جز با احیا و آباد کردن قابل استفاده نیست.
۳. شهرها و روستاهایی که صاحبانش آنها ترک گفته و از آنجا رفته‌اند.
۴. سواحل دریاها و رودخانه‌های بزرگ.
۵. جنگلها و نیزارهای طبیعی و دره‌ها و بلندی کوهها.
۶. اموال برگزیده و گرانبهای شاهان که در جنگها به دست مسلمانان می‌افتد.
۷. غنایم برجسته، مانند اسب عالی، لباس گرانبها.
۸. غنایمی که به وسیله‌ی جنگهایی که بدون اذن پیشوای مسلمانان است به دست می‌آید.
۹. اموال کسانی که از دنیا می‌روند و وارث ندارند.
۱۰. معادن.

منابع انفال

(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۲۹ و ۱۰۴۰ و ۱۰۴۱ و ۱۰۴۳ و ۱۰۴۴ و ۱۰۴۵ و ۱۰۴۶)

توجه

□ زمینی که در کنار کارخانه‌های آجرسازی برای استفاده از فروش خاک آن خریداری می‌شود در صورتی که آباد و ملک خاص شرعی فروشنده باشد، گرچه با خرید آن، ملک خاص خریدار می‌شود و جزو انفال محسوب نیست، لیکن پرداخت مالیات درآمد حاصل از فروش خاک آن، اگر مستند به قانون مصوب مجلس شورای اسلامی (در ایران) و مورد تأیید شورای نگهبان قانون اساسی باشد لازم است و دولت حق مطالبه‌ی آن را دارد. (اجوبه‌ی الاستفتاءات، س ۱۰۴۰)

□ بهره‌برداری اختصاصی از ماسه‌ها و شن‌های کف رودخانه‌ها برای آبادانی و احداث شهر و غیر آن برای شهرداری‌ها جایز است و ادعاهای مالکیت خصوصی کف و بستر رودهای بزرگ و عمومی از سوی اشخاص پذیرفته نیست. (اجوبه‌ی الاستفتاءات، س ۱۰۴۱)

□ چراگاههای طبیعی که کسی نسبت به آنها سابقه‌ی ملکیت اختصاصی ندارد از انفال و اموال عمومی است که اختیار آن با ولی امر مسلمین است و خرید و فروش آن در هیچ حالی صحیح نیست، همچنین سابقه‌ی تردد عشایر در آنجا موجب مالکیت آنان نمی‌شود. (اجوبه‌ی الاستفتاءات، س ۱۰۴۴ و ۱۰۴۵)

□ علف‌های چراگاههای عمومی طبیعی که سابقه‌ی ملکیت خصوصی ندارد، ملک اختصاصی کسی نیست و فروش آن از سوی کسی جایز نیست ولی کسی که از طرف دولت، مسؤول امور روستاست، می‌تواند مبلغی را برای مصالح عمومی روستا از کسانی که اجازه‌ی چراندن چهار پایان در آن مراتع را دارند بگیرد. (اجوبه‌ی الاستفتاءات، س ۱۰۴۳)

□ صرف داشتن اجازه‌ی چراندن حیوانات در چراگاههای مجاور املاک اشخاص، برای جواز ورود در ملک غیر و استفاده از آب ملکی آن کافی نیست و این کار برای آنان بدون رضایت مالک آن جایز نمی‌باشد. (اجوبه‌ی الاستفتاءات، س ۱۰۴۷)

□ از آن جایی که شرعاً صحت وقف، متوقف بر سابقه‌ی مالکیت شرعی است، همانگونه که انتقال از طریق ارث هم متوقف بر مالکیت شرعی مورث است، لذا جنگلها و چراگاههای طبیعی که تا به حال ملک کسی نبوده است و هیچگونه سابقه‌ی احیا و آبادکردن در آنها وجود ندارد، ملک اختصاصی کسی محسوب نمی‌شود تا وقفیت آن صحیح باشد یا از طریق ارث انتقال یابد. به هر حال هر مقدار از جنگل که به صورت مزرعه یا مسکن و مانند با اجازه شرعی و قانونی آن احیا شده و ملک شرعی گردیده، اگر وقف باشد، حق تصرف در آن با متولی شرعی آن است و اگر وقف نباشد حق تصرف در آن با مالک آن است، و اما آن مقدار از جنگل و مراتع که به صورت جنگل طبیعی باقی مانده است، از انفال و اموال عمومی است و اختیار آن بر اساس مقررات قانونی، با دولت اسلامی است. (اجوبه‌ی الاستفتاءات، س ۱۰۴۶)

تمرین ۳

۱. انفال یعنی چه؟
۲. منابع انفال کدامند؟
۳. اگر شخصی زمینی را در کنار کارخانه‌های آجرسازی برای استفاده از فروش خاک آن بخرد، آیا از انفال محسوب می‌شود؟ بر فرض این که از انفال نباشد، با توجه به این که به نسبت ده درصد به شهرداری داده می‌شود، آیا دولت حق مطالبه‌ی مالیات برای خاک آن دارد؟
۳. آیا شهرداری، حق بهره‌برداری اختصاصی از ماسه‌ها و شن‌های کف رودخانه‌ها برای آبادانی و احداث شهر و غیر آن را دارد؟ و در صورتی که این حق را داشته باشد اگر شخصی غیر از شهرداری مدعی مالکیت آن باشد آیا دعوای او مسموع است یا خیر؟
۵. خرید و فروش چراگاه‌های عشایری در چه زمان صحیح است؟
۶. دامدارانی که اجازه‌ی چراندن حیوانات خود را دارند، آیا جایز است که وارد مزرعه‌های خصوصی کنار چراگاه شده تا خود و چهارپایان آنان از آب مزرعه، بدون رضایت مالک آن بنوشند؟



جهاد



جهاد

معنای اجهاد - وجوب جهاد - اقسام جهاد

۱. معنای جهاد

جهاد در این جا به معنی تلاش و مبارزه‌یی است که برای دعوت به اسلام و بسط و گسترش آن و یا به عنوان دفاع از تجاوز دشمن انجام می‌گیرد.

۲. وجوب جهاد

جهاد یکی از مهمترین ارکان دینی است و وجوب آن از ضروریات دین مبین اسلام به شمار می‌رود.

۳. اقسام جهاد

جهاد بر دو قسم است:

۱. ابتدا ایی: آن است که برای برداشتن موانع دعوت به اسلام انجام شود و سپاه اسلام بدون آن که حمله‌یی از سوی دشمن شده باشد با هدف از بین بردن موانع تبلیغ اسلام و برداشتن موانع مسلمان شدن سرزمین‌های دیگر و گسترش اسلام و اعلای کلمه‌ی حق و برپایی شعائر دینی و هدایت کفار و مشرکان و برانداختن شرک و بت‌پرستی به جنگ و جهاد پردازند. (در حقیقت هدف از جهاد ابتدایی کشور گشایی نیست، بلکه دفاع از حقوق فطری ملت‌هایی است که به توسط قدرتهای کفر و شرک و استکبار از خدا پرستی و توحید و عدالت محروم شده‌اند).
۲. دفاعی: آن است که به عنوان دفاع و جلوگیری از تجاوز دشمن انجام گیرد، و زمانی است که دشمن به سرزمین‌های مسلمانان و مرز و بوم آنها هجوم آورد و قصد تسلط سیاسی یا نظامی یا فرهنگی یا اقتصادی نسبت به آنان داشته باشد.

۱. جهاد ابتدایی

۱. جهاد ابتدایی اختصاص به زمان پیامبر(ص) و امام معصوم(ع) ندارد و فقیه جامع‌الشرائطی که متصدی ولایت امر مسلمین است در صورت وجود مصلحت می‌تواند حکم به جهاد ابتدایی کند.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۴۸)

۲. اهل کتاب (مانند یهودیها و مسیحیها و زرتشتیها) تا زمانی که مطیع قوانین و مقررات دولت اسلامی که در حمایت آن زندگی می‌کنند باشند و کاری که منافی با امان است، انجام ندهند حکم مُعاهد را دارند (یعنی باید جان و مال و آبروی آنان حفظ شود و حقوق مشروع و قانونی آنها مراعات گردد).

(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۵۰)

۳. هرگاه کفار به سرزمین اسلامی حمله کنند و کسانی از آنان به دست مسلمین اسیر شود، سرنوشت اسیران جنگی در دست حاکم اسلامی است و آحاد مسلمانان حق تعیین سرنوشت اسرا را ندارند، بنابراین جایز نیست که یکی از مسلمانان یک کافر کتابی یا غیر کتابی، اعم از زن یا مرد را در سرزمین کفر یا سرزمین مسلمانان به تملک خود درآورد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۵۱)

۲. جهاد دفاعی

۱. دفاع از اسلام و مسلمین واجب است و متوقف بر اذن والدین نیست، ولی در عین حال سزاوار است که انسان تا می‌تواند رضایت آنان را جلب کند.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۴۹ و ۱۰۵۲)

۲. اگر حفظ نفس محترمه و جلوگیری از وقوع قتل مستلزم دخالت فوری و مستقیم باشد، این کار جایز بلکه شرعاً از باب وجوب حفظ جان نفس محترمه واجب است، و از جهت ثبوتی متوقف بر کسب اجازه از حاکم و یا وجود امر به آن نیست، مگر آن که دفاع از نفس محترمه متوقف بر قتل مهاجم باشد که صورتهای متعددی دارد که احکام آنها هم ممکن است متفاوت باشد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۵۶)

تمرین ۳

۱. جهاد یعنی چه؟
۲. اقسام جهاد را توضیح دهید؟
۳. هدف از جهاد ابتدایی چیست؟
۴. جهاد ابتدایی در زمان غیبت امام معصوم(ع) چه حکمی دارد؟ آیا جایز است که فقیه جامع الشرائط مبسوط الید (ولی امر مسلمین) حکم به آن کند؟
۵. آیا جایز است که یکی از مسلمانان، یک کافر کتابی یا غیر کتابی، اعم از زن یا مرد را در سرزمین کفر یا سرزمین مسلمانان به تملک خود درآورد؟
۶. اقدام به دفاع از اسلام هنگام تشخیص خطر برای اسلام بدون رضایت والدین حکمش چیست؟



امر به معروف و نهی از منکر



امر به معروف و نهی از منکر (۱)

معنای امر به معروف و نهی از منکر - وجوب امر به معروف و نهی از منکر - محدوددهی امر به معروف و نهی از منکر - شرایط امر به معروف و نهی از منکر

۱. معنای امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر یعنی مردم را به کار نیک واداشتن و از کار زشت بازداشتن.

۲. وجوب امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر از واجبات و فرایض بسیار مهم و بزرگ اسلامی به شمار می‌رود، و افرادی که این فریضه‌ی بزرگ الهی را ترک می‌کنند یا در برابر آن بی‌تفاوتند گناهکار خواهند بود و کیفری سخت و سنگین در انتظار آنهاست. امر به معروف و نهی از منکر نه تنها به اتفاق فقهای اسلام واجب است، بلکه اصل وجوب آن جزو ضروریات دین مبین اسلام به شمار می‌آید.

توجه

□ امر به معروف و نهی از منکر با رعایت شرایط آن یک تکلیف شرعی عمومی برای حفظ احکام اسلام و سلامت جامعه است، و صرف توهم این که موجب بدبینی فاعل منکر یا بعضی از مردم نسبت به اسلام می‌گردد باعث نمی‌شود که این وظیفه‌ی بسیار مهم ترک شود. (اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۶۲)

□ افرادی که از تخلفات قانونی مثل اختلاس از بیت المال مطلع می‌شوند وظیفه دارند با رعایت شرایط و ضوابط شرعی نهی از منکر کنند، و توسل به رشوه و راههای غیر قانونی برای هر عملی هر چند به منظور جلوگیری از فساد، جایز نیست. بلی اگر شرایط امر به معروف و نهی از منکر وجود نداشته باشد تکلیفی نخواهند داشت، مثلاً اگر خوف داشته باشند که در صورت مبادرت به این فریضه، ضرری از طرف مسؤولین بالاتر متوجه آنان می‌شود تکلیف از آنها ساقط می‌شود. البته این حکم در مواردی است که حکومت اسلامی حاکم نباشد، ولی با وجود حکومت اسلامی که اهتمام به اجرای فریضه‌ی امر به معروف

و نهی از منکر دارد بر کسی که قادر بر این فریضه نیست واجب است که نهادهای ذیربط را که از طرف حکومت برای این کار اختصاص یافته‌اند مطلع نماید و تا کنده شدن ریشه‌های فاسد که فسادآور هم هستند موضوع را پیگیری کند.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۸۲ و ۱۰۸۳)

□ منکرات از این جهت که منکر هستند فرقی بین آنها نیست، ولی در عین حال ممکن است که بعضی از آنها در مقایسه با منکرات دیگر دارای حرمت شدیدتری باشد. به هر حال نهی از منکر برای کسی که شرایط آن را احراز کرده یک وظیفه‌ی شرعی است و ترک آن جایز نیست، و در این حکم بین منکرات و محیطهای دانشگاهی و غیر دانشگاهی تفاوتی وجود ندارد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۸۴)

□ بر مسؤولین ذیربط واجب است که به متخصصین بیگانه که گاهی در بعضی از مؤسسات کشور اسلامی کار می‌کنند دستور دهند که از تظاهر به اموری مثل شرابخواری، خوردن گوشت‌های حرام خودداری کنند و آنان را از خوردن علنی آنها منع نمایند، ولی اموری که با عفت عمومی منافات دارد به هیچ وجه نباید به آنان اجازه‌ی انجام آن داده شود. به هر حال، از طرف مسؤولین ذیربط باید تدابیر مناسبی در این باره اتخاذ شود.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۸۵)

□ بر جوانان مؤمن واجب است در دانشگاههای مختلط در برابر مفاسدی که در بعضی از آن مکانها مشاهده می‌کنند ضمن دوری جستن از ابتلا به مفاسد، در صورت تمکن و تحقق شرایط امر به معروف و نهی از منکر مبادرت به انجام این فریضه کنند.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۸۷)

□ امر به معروف و نهی از منکر زنانی که حجاب کامل ندارند متوقف بر نگاه با ریه به آنها نیست، از این رو واجب است. بلی بر هر مکلفی واجب است که از حرام اجتناب کند به خصوص زمانی که مبادرت به انجام فریضه‌ی نهی از منکر می‌کند.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۶۸)

۳. محدوده‌ی امر به معروف و نهی از منکر

محدوده‌ی امر به معروف و نهی از منکر منحصر به قشر و صنف خاصی از مردم نیست و تمام اقشار و اصناف واجد شرایط را در بر می‌گیرد حتی بر زن و فرزند واجب است که هنگام مشاهده‌ی ترک معروف یا انجام حرام توسط پدر و مادر یا شوهر، به امر به معروف و نهی از منکر در صورت تحقق شرایط آن مبادرت کنند.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۶۹)

توجه

□ هرگاه موضوع و شرایط امر به معروف و نهی از منکر محقق باشد، تکلیف شرعی و وظیفه‌ی واجب اجتماعی و انسانی همه‌ی مکلفین است، و حالت‌های مختلف مکلف مانند مجرد یا متأهل بودن در آن تأثیر ندارد و به صرف این که مکلف مجرد است تکلیف از او ساقط نمی‌شود.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۶۰)

۴. شرایط امر به معروف و نهی از منکر

- | | | |
|--|---|----------------------------------|
| ۱. علم به معروف و منکر.
۲. احتمال تأثیر.
۳. اصرار بر گناه.
۴. نداشتن مفسده. | } | شرایط امر به معروف و نهی از منکر |
|--|---|----------------------------------|

(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۵۷)

۱. علم به معروف و منکر

شرط اول امر به معروف و نهی از منکر، علم به معروف و منکر است یعنی امر و نهی کننده باید معروف و منکر را بشناسد و در غیر این صورت موظف نیست امر به معروف و نهی از منکر کند، بلکه نباید چنین کاری بکند؛ زیرا ممکن است در اثر جهل و نادانی امر به منکر و نهی از معروف کند، بنابراین نهی از منکر کردن کسی که نمی دانیم کارش حرام است یا نه (مثلاً معلوم نیست موسیقی که گوش می دهد از نوع مبتذل و حرام آن است یا حلال) واجب بلکه جایز نیست. (اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۵۷ و ۱۰۵۹ و ۱۰۶۷)

۲. احتمال تأثیر

شرط دوم امر به معروف و نهی از منکر، احتمال تأثیر است یعنی امر و نهی کننده باید احتمال بدهد که امر و نهی او اثر و نتیجه یی ولو در آینده دارد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۵۷)

توجه

□ اگر برای مسؤولین به طور قطعی ثابت شود که بعضی از کارمندان ادارات در خواندن نماز کوتاهی کرده و یا اصلاً نماز نمی خوانند و نصیحت و راهنمایی هم تأثیری نداشته باشد واجب است از تأثیر مداومت بر امر به معروف و نهی از منکر با رعایت شرایط آن غفلت نکنند، و در صورت ناامیدی از تأثیر امر به معروف نسبت به آنان، اگر بر حسب مقررات قانونی محروم ساختن این گونه افراد از مزایای شغلی مجاز باشد باید در مورد آنان اجرا شود و به آنان تذکر هم داده شود که این محرومیت بر اثر سستی و کوتاهی شان در انجام این فریضه ی الهی اتخاذ شده است.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۷۶)

۳. اصرار بر گناه

شرط سوم امر به معروف و نهی از منکر اصرار بر گناه است یعنی باید شخص گناهکار بر استمرار گناه، اصرار و سماجت داشته باشد و چنانچه معلوم شود که وی بدون این که امر و نهی شود خود از خطا دست بر می دارد یعنی معروف را به جا می آورد و منکر را ترک می کند امر و نهی او واجب نیست.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۵۷)

۴. نداشتن مفسده

شرط چهارم امر به معروف و نهی از منکر، نداشتن مفسده است یعنی باید امر و نهی مفسده نداشته باشد، بدین ترتیب اگر امر و نهی موجب شود به شخص امر و نهی کننده و یا به مسلمان دیگر مفسده‌یی از قبیل ضرر جانی و یا آبرویی و یا مالی برسد، در این جا امر و نهی واجب نیست. البته مکلف موظف است ملاحظه‌ی اهمیت را بکند یعنی باید در تمام معروف و منکرها بین مفسده‌ی امر و نهی و مفسده‌ی ترک امر و نهی مقایسه کند و سپس به آنچه مهمتر است عمل نماید.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۵۷)

توجه

□ کسی که می‌ترسد در صورت اقدام به امر به معروف و نهی از منکر در مورد کسی که دارای نفوذ و موقعیت اجتماعی خاصی است از ناحیه‌ی او ضرر قابل توجهی ببیند، واجب نیست او را امر و نهی کند به شرطی که منشأ ترسش، عقلایی باشد، ولی سزاوار نیست کسی به صرف ملاحظه‌ی مقام کسی که واجب را ترک کرده و یا مرتکب فعل حرام شده و یا به صرف احتمال وارد شدن ضرر کمی از طرف او، تذکر و موعظه به برادر مؤمن خود را ترک کند به هر حال رعایت اهم و مهم لازم است.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۵۹ و ۱۰۶۱)

چند نکته در ارتباط با شرایط امر به معروف و نهی از منکر

□ امر به معروف و نهی از منکر در صورتی واجب است که واجد شرایط چهارگانه باشد، بنابراین اگر امر و نهی یکی از آن شرایط را نداشته باشد، مثلاً مفسده داشته باشد در این صورت، امر و نهی واجب نیست، هر چند شرایط دیگر را دارا باشد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۵۷)

□ در امر به معروف و نهی از منکر شرط نیست که امر و نهی کننده به آنچه امر می‌کند عمل نماید و از آنچه نهی می‌کند اجتناب ورزد یعنی امر و نهی بر شخص گناهکار هم واجب است و او نمی‌تواند به عذر این که گناه می‌کند خود را از این وظیفه‌ی بزرگ تبرئه سازد. (این که در منابع دینی از افرادی که خود عمل نمی‌کنند و دیگران را به عمل وامی‌دارند و یا خود گناه می‌کنند و دیگران را از گناه باز می‌دارند مذمت و نکوهش بسیار شده برای این است که چرا خود عمل به وظیفه نکرده‌اند نه برای این که چرا امر و نهی کرده‌اند).

(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۵۳)

□ در امر به معروف و نهی از منکر شرط نیست که امر و نهی موجب بی‌آبرویی یا کاسته شدن احترام کسی که واجب را ترک کرده و یا فعل حرام را به جا آورده باشد نشود، بنابراین اگر در امر به معروف و نهی از منکر شرایط و آداب آن رعایت شود و از حدود آن تجاوز نشود و در عین حال مستلزم بی‌آبرویی یا کاسته شدن احترام کسی که مرتکب خلاف شده شود اشکال ندارد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۵۳)

تمرین ۳

۱. معنای امر به معروف و نهی از منکر و حکم آن چیست؟
۲. اگر کارکنان ادارات و مؤسسات در محل کار خود، ارتکاب تخلفات اداری و شرعی را توسط مسؤولین مافوق مشاهده کنند چه وظیفه‌یی دارند؟
۳. اگر در بعضی از محیطهای دانشگاهی معروف ترک شود و معصیت رواج پیدا کند و شرایط امر به معروف و نهی از منکر هم وجود داشته باشد و امرکننده‌ی به معروف و نهی‌کننده‌ی از منکر شخص مجرد باشد که هنوز ازدواج نکرده است، آیا به خاطر مجرد بودن، امر به معروف و نهی از منکر از او ساقط می‌شود یا خیر؟
۴. شرایط امر به معروف و نهی از منکر را ذکر کنید؟
۵. نهی از منکر کردن کسی که نمی‌دانیم کارش حرام است یا نه حکمش چیست؟
۶. اگر امر به معروف و نهی از منکر مستلزم بی‌آبرویی یا کاسته شدن احترام کسی که واجب را ترک کرده و یا فعل حرام را به‌جا آورده باشد چه حکمی دارد؟



امر به معروف و نهی از منکر (۲)

مراحل و مراتب امر به معروف و نهی از منکر - مسایل
متفرقه‌ی امر به معروف و نهی از منکر

۵. مراحل و مراتب امر معروف و نهی از منکر

- | | | |
|--|---|--|
| <p>۱. امر و نهی قلبی.
۲. امر و نهی لسانی (زبانی).
۳. امر و نهی عملی.</p> | } | مراحل و مراتب امر به معروف و نهی از منکر |
|--|---|--|

توجه

□ رعایت مراحل و مراتب امر به معروف و نهی از منکر واجب است یعنی تا به مرحله‌ی پایین‌تر مقصود حاصل می‌شود نباید وارد مرحله‌ی بالاتر شد.

۱. امر و نهی قلبی

۱. مرحله‌ی اول امر به معروف و نهی از منکر، امر و نهی قلبی یا امر و نهی با قلب است. مقصود از امر و نهی قلبی، اظهار رضایت یا کراهت قلبی است یعنی مکلف باید رضایت قلبی خود را نسبت به معروف و تنفر و انزجار درونی خود را نسبت به منکر آشکار سازد و از این راه فردی که معروفی را ترک می‌کند و یا منکری را به جا می‌آورد را به انجام معروف و ترک منکر وارد سازد.

(اجوبۃ الاستفتاءات، ص ۱۰۷۱)

۲. امر و نهی قلبی (اظهار رضایت و تنفر) درجاتی دارد که تا با پایین‌ترین درجه و سبک‌ترین راه می‌توان امر و نهی کرد و به مقصود دست یافت نباید متوسل به درجه‌ی بالاتر شد. این درجات بر حسب شدت و ضعف و بر حسب انواعی که دارند بسیارند. برخی از آنها عبارتند از: با تبسم و لبخند و روی گشاده برخورد کردن، چشم فرو بستن، خیره شدن، به روی دست زدن، دندان به لب گرفتن، با دست یا سر اشاره کردن، سلام نکردن، رو گرداندن، پشت گرداندن، صحبت را قطع کردن، قهر و

ترک معاشرت کردن.

۲. امر و نهی لسانی

۱. مرحله‌ی دوم امر به معروف و نهی از منکر، امر و نهی لسانی (زبانی) یا امر و نهی با زبان است. مقصود از امر و نهی زبانی این است که مکلف باید با گفتن از طرف بخواهد از منکر دست بردارد و معروف را انجام دهد.

۲. امر و نهی لسانی، درجاتی دارد که تا با پایین‌ترین درجه و آرام‌ترین لحن می‌توان به مقصود رسید نباید اقدام به درجه‌ی بالاتر کرد. این درجات بر حسب شدت و ضعف و بر حسب انواعی که دارند بسیارند. برخی از آنها عبارتند از: ارشاد کردن، تذکر دادن، موعظه کردن، پند و اندرز دادن، مصالح و مفاسد و سود و زیانها را بر شمردن، بحث و مناظره کردن، استدلالی سخن گفتن، با غلظت و درشتی حرف زدن، با تهدید صحبت کردن.

۳. امر و نهی عملی

۱. مرحله سوم امر به معروف و نهی از منکر، امر و نهی با دست (کنایه از اعمال قدرت و به کار بردن جبر و زور) است. مقصود از امر و نهی عملی این است که مکلف باید با اعمال قدرت و به کار بردن جبر و زور، طرف را از انجام منکر و ترک معروف باز دارد.

۲. امر و نهی درجاتی دارد که تا با پایین‌ترین درجه و آسانترین روش می‌توان نتیجه گرفت نباید به درجه‌ی شدیدتر پرداخت. این درجات بر حسب شدت و ضعف و بر حسب نوعی که دارند بسیارند. برخی از آنها عبارتند از: حایل شدن و جلوی فرد را گرفتن، حربه از دست گرفتن، وسایل گناه را از دسترس او خارج ساختن، عقب‌راندن، دست طرف را محکم نگه‌داشتن، حبس کردن، سختگیری کردن، کتک‌زدن، به درد آوردن، مجروح و زخمی کردن، شکستن عضو، از کار انداختن، ناقص کردن، کشتن.

توجه

□ با توجه به این که در زمان حاکمیت و اقتدار حکومت اسلامی می‌توان مراتب بعد از مرحله‌ی امر و نهی زبانی را به نیروهای امنیتی داخل (پلیس) و قوه‌ی قضاییه واگذار کرد، به خصوص در مواردی که برای جلوگیری از ارتکاب معصیت چاره‌ی جز اعمال قدرت از طریق تصرف در اموال کسی که فعل حرام انجام می‌دهد یا تعزیر و حبس او و مانند آن نیست، در چنین زمانی با حاکمیت و اقتدار چنین حکومت اسلامی، واجب است مکلفین در امر به معروف و نهی از منکر به امر و نهی (قلبی و) زبانی اکتفا کنند، و در صورت نیاز به توسل به زور، موضوع را به مسؤولین ذیربط در نیروی انتظامی و قوه قضاییه ارجاع دهند، ولی در زمان و مکانی که حاکمیت و اقتدار با حکومت اسلامی نیست، بر مکلفین واجب است که در صورت وجود شرایط، جمیع مراتب امر به معروف و نهی از منکر را با رعایت ترتیب آنها تا تحقق غرض انجام دهند.

□ این که وظیفه‌ی مردم در امر به معروف و نهی از منکر در نظام جمهوری اسلامی، اکتفا به امر به معروف و نهی از منکر قلبی و زبانی است و مراتب دیگر آن بر عهده‌ی مسؤولین است فتوای فقهی است (نه حکمی از طرف دولت).

(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۵۴)

چند نکته در ارتباط با مراحل و مراتب امر به معروف و نهی از منکر

□ جواب سلام مسلمان شرعاً واجب است، ولی اگر بر خودداری از جواب سلام کسی که فعل حرام انجام می‌دهد به قصد نهی از منکر، عرفاً نهی و منع از منکر صدق کند، این کار جایز است.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۷۵)

□ اگر مأمورانی که از طرف دولت وظیفه‌ی جلوگیری از فساد را بر عهده دارند در انجام وظیفه‌ی خود کوتاهی کنند دخالت اشخاص دیگر در اموری که از وظایف نیروهای امنیتی و قضایی محسوب می‌شود جایز نیست، ولی مبادرت مردم به معروف و نهی از منکر با رعایت حدود و شرایط آن، اشکال ندارد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۶۳)

□ کسی که با رانندگانی مواجه می‌شود که از نوارهای موسیقی غنا و حرام استفاده می‌کنند وظیفه دارد با تحقق شرایط نهی از منکر، نهی از منکر کند، منتها بر او بیشتر از نهی از منکر زبانی واجب نیست و در صورتی که مؤثر واقع نشود واجب است که از گوش دادن به غنا و موسیقی حرام اجتناب کند و اگر به طور غیر ارادی صدای موسیقی حرام و غنا به گوش او برسد چیزی بر او نیست.

□ فردی که در بیمارستان به کار مقدس پرستاری مشغول است و گاهی در بعضی از قسمت‌های محل کار خود ملاحظه می‌کند که تعدادی از بیماران، نوارهای موسیقی مبتذل و حرام گوش می‌دهند و نصیحت نیز در آنها بی‌اثر است، چنانچه بخواهد محتویات باطل نوار را برای جلوگیری از استفاده‌ی حرام از آن پاک کند جایز است ولی بایستی برای این کار از مالک یا حاکم شرع اجازه بگیرد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۶۶)

□ تعرض به داخل خانه‌های مردم به منظور امر به معروف و نهی از منکر جایز نیست، بنابراین هرگاه صدای بلند موسیقی از بعضی از منازل باعث اذیت و آزار مؤمنین شود نباید متعرض داخل منازل شد. (بلکه باید با رعایت شرایط امر به معروف و نهی از منکر و رعایت مراتب آن، نهی از منکر قلبی و زبانی کرد و در صورت عدم تأثیر به نیروهای انتظامی اطلاع داد).

(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۶۷)

□ هرگاه یکی از اقوام انسان مبادرت به ارتکاب معصیت کند و نسبت به آن لایبالی باشد، باید از اعمال خلاف شرع وی اظهار تنفر کرد و او را به هر روش برادرانه‌یی که مفید و مؤثر است پند و اندرز داد، ولی قطع رحم جایز نیست. بلی چنانچه احتمال داده شود که ترک معاشرت با او موقتاً موجب خودداری او از ارتکاب معصیت می‌شود به عنوان امر به معروف و نهی از منکر واجب است.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۵۸ و ۱۰۷۱)

توجه

□ بر هر مکلفی واجب است شرایط و مراتب امر به معروف و نهی از منکر و موارد وجوب و عدم وجوب آن را یاد بگیرد تا مبدا در امر و نهی خود دچار عمل خلاف و منکر شود.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۷۴)

۶. مسایل متفرقه‌ی امر به معروف و نهی از منکر

۱. معیار در رابطه با اشخاصی که در گذشته مرتکب اعمال حرامی مانند شرب خمر شده‌اند، وضعیت فعلی آنهاست، اگر از آنچه انجام داده‌اند توبه کرده باشند، معاشرت با آنان، مانند معاشرت با سایر مؤمنین است، ولی کسی که در حال حاضر هم مرتکب حرام می‌شود باید او را از طریق نهی از منکر از آن کار منع کرد، و اگر از انجام فعل حرام اجتناب نمی‌کند مگر با دوری جستن از او، قطع رابطه و ترک معاشرت با وی از باب نهی از منکر واجب می‌شود. (اجوبه الاستفتائات، س ۱۰۷۲)

۲. پوشیدن طلا یا آویختن آن به گردن بر مردان مطلقاً حرام است، و پوشیدن لباسهایی که از نظر دوخت یا رنگ یا غیر آن تقلید و ترویج فرهنگ مهاجم غیرمسلمانان در نظر عرف محسوب می‌شود، جایز نیست، همچنین استفاده از زیورآلاتی که استعمال آن تقلید از فرهنگ تهاجمی دشمنان اسلام و مسلمین محسوب شود، جایز نیست و بر دیگران واجب است که در برابر این گونه مظاهر فرهنگی تقلیدی از بیگانگان مبادرت به نهی از منکر زبانی کنند. (اجوبه الاستفتائات، س ۱۰۷۳)

۳. فردی که مجبور به صحبت و معاشرت با کسی است که نماز نمی‌خواند و گاهی او را در بعضی از کارها کمک می‌کند، موظف است بر امر او به معروف و نهی از منکر در صورت تحقق شرایط آن مداومت ورزد و جز این وظیفه‌ی دیگری ندارد، و یاری کردن و معاشرت با او اگر سبب تشویق بیشتر او بر ترک نماز نباشد اشکال ندارد. (اجوبه الاستفتائات، ص ۱۰۷۷)

۴. خانمی که همسرش به مسایل دینی اهمیت چندانی نمی‌دهد، مثلاً نماز نمی‌خواند وظیفه دارد زمینه‌ی اصلاح او را به هر وسیله‌ی ممکن فراهم آورد و باید از هرگونه خشونت که حاکی از بداخلاقی و ناسازگاری او باشد خودداری کند و اطمینان داشته باشد که شرکت در مجالس دینی و رفت و آمد با خانواده‌های متدین تأثیر بسیار زیادی در اصلاح او دارد. (اجوبه الاستفتائات، س ۱۰۷۹)

۵. مرد مسلمانی که با استناد به قرآینی اطلاع پیدا کند که همسرش به طور پنهانی مرتکب اعمال خلاف عفت می‌شود واجب است از سوء ظن و استناد به قرآین و شواهد ظنی اجتناب کند و در صورت احراز ارتکاب فعلی که شرعاً حرام است، جلوگیری از آن از طریق تذکر و نصیحت و نهی از منکر واجب است، و اگر نهی از منکر مؤثر نباشد در صورت وجود دلایل اثبات‌کننده می‌تواند به مراجع قضایی مراجعه نماید. (اجوبه الاستفتائات، س ۱۰۸۰)

۶. دختر می‌تواند پسر جوانی را راهنمایی کرده و با رعایت موازین اسلامی به او در درس و غیر آن کمک کند، ولی باید از فریب و وسوسه‌های شیطانی جداً پرهیز شود و احکام شرع در این رابطه مانند خلوت نکردن با اجنبی مراعات گردد. (اجوبه الاستفتائات، س ۱۰۸۱)

۷. رفت و آمد و معاشرت علمای اعلام با ظالمین و سلاطین جور در صورتی که برای ایشان ثابت شود که ارتباط با ظالم منجر به منع ظلم او می‌شود و در نهی از منکر مؤثر است و یا مسأله‌ی مهمی مستلزم اهتمام و پیگیری آن نزد ظالم باشد اشکال ندارد. (اجوبه الاستفتائات، س ۱۰۷۸)

تمرین ۳

۱. مراحل و مراتب امر به معروف و نهی از منکر را نام ببرید؟
۲. آیا جواب ندادن به سلام کسی که فعل حرام انجام می‌دهد، جایز است؟
۳. اگر مأمورانی که از طرف دولت وظیفه‌ی جلوگیری از فساد را بر عهده دارند در انجام وظیفه‌ی خود کوتاهی کنند آیا خود مردم می‌توانند اقدام به این کار کنند؟
۴. اگر یکی از اقوام انسان مبادرت به ارتکاب معصیت کند و نسبت به آن لایبالی باشد تکلیف ما نسبت به رابطه با او چیست؟
۵. رابطه با اشخاصی که در گذشته مرتکب اعمال حرامی مانند شرب خمر شده‌اند، چگونه باید باشد؟
۶. وظیفه‌ی زن در برابر همسرش که به مسایل دینی از جمله نماز اهمیت نمی‌دهد چیست؟

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
-------	------

فصل اول - تقلید (۹)

درس ۱- تقلید (۱).....	۱۰
۱. مقدمه	۱۰
۲. راههای شناخت احکام.....	۱۱
۳. اقسام تقلید.....	۱۲
۴. اعمال بدون تقلید	۱۲
درس ۲ - تقلید (۲).....	۱۴
۵. شرایط مرجع تقلید	۱۴
۶. تبعیض در تقلید	۱۶
درس ۳ - تقلید (۳).....	۱۷
۷. راههای شناخت مجتهد جامع الشرائط	۱۷
۸. راههای به دست آوردن فتوای مجتهد	۱۷
۹. احکام عدول	۱۸
۱۰. مسایل متفرقه‌ی تقلید	۱۸
درس ۴- ولایت فقیه و رهبری.....	۲۰
۱. معنای ولایت فقیه	۲۰
۲. ضرورت ولایت فقیه	۲۰
۳. قلمرو ولایت فقیه	۲۱
۴. اختلاف نظر ولی فقیه با نظر مرجع تقلید	۲۲

فصل دوم - طهارت (۲۳)

درس ۵ - آبها.....	۲۴
۱. اقسام آبها.....	۲۴
۲. آب مضاف (آب ناخالص و عصاره‌یی).....	۲۴

- ۲۵..... ۳. آب مطلق (آب خالص).....
- ۲۶..... ۴. احکام اقسام آبهای مطلق.....
- ۲۷..... ۵. احکام شک در آب.....
- ۲۸..... درس ۶- تخلی.....
- ۲۸..... ۱. احکام تخلی (بول و غایط کردن).....
- ۲۸..... ۲. استبرا.....
- ۲۹..... ۳. استنجا (تطهیر مخرج بول و غایط).....
- ۳۱..... درس ۷ - نجاسات (۱).....
- ۳۱..... ۱. نجاسات.....
- ۳۵..... درس ۸- نجاسات (۲).....
- ۳۸..... درس ۹ - نجاسات (۳).....
- ۳۸..... ۲. راههای ثابت شدن نجاست.....
- ۳۸..... ۳. چگونگی نجس شدن چیزهای پاک.....
- ۳۹..... ۴. احکام نجاسات.....
- ۳۹..... ۵. وسواس و درمان آن.....
- ۴۱..... درس ۱۰ - مطهرات (۱).....
- ۴۱..... ۱. مطهرات.....
- ۴۴..... درس ۱۱ - مطهرات (۲).....
- ۴۷..... درس ۱۲ - مطهرات (۳).....
- ۴۷..... ۲. راههای ثابت شدن طهارت.....
- ۴۷..... ۳. اصل طهارت.....
- ۴۹..... ۴. احکام ظرفها.....
- ۵۰..... درس ۱۳ - وضو (۱).....
- ۵۰..... ۱. معنای وضو.....
- ۵۰..... ۲. کیفیت وضو.....
- ۵۴..... درس ۱۴ - وضو (۲).....
- ۵۴..... ۳. شرایط وضو.....
- ۵۷..... درس ۱۵ - وضو (۳).....
- ۶۰..... درس ۱۶ - وضو (۴).....
- ۶۰..... ۴. وضوی ارتماسی.....
- ۶۰..... ۵. وضوی جبیره‌یی.....

۶. مبطلات وضو ۶۱
۷. احکام وضو ۶۱
- درس ۱۷ - وضو (۵) ۶۳
۸. غایات وضو (کارهایی که باید برای آن وضو گرفت) ۶۳
- درس ۱۸ - غسل (۱) ۶۷
۱. معنای غسل ۶۷
۲. اقسام غسل ۶۷
۳. کیفیت غسل ۶۸
۴. غسل جیره‌یی ۶۹
- درس ۱۹ - غسل (۲) ۷۰
۵. شرایط غسل ۷۰
۶. احکام غسل ۷۰
- درس ۲۰ - غسل (۳) ۷۲
۷. غسل جنابت ۷۲
- درس ۲۱ - غسل (۴) ۷۵
۸. غسل‌های مخصوص بانوان ۷۵
- درس ۲۲ - احکام درگذشتگان (۱) ۷۸
۱. غسل مس میت ۷۸
۲. احکام محتضر (کسی که در حال جان دادن است) ۷۹
۳. واجبات پس از مرگ ۷۹
- درس ۲۳ - احکام درگذشتگان (۲) ۸۱
۴. غسل میت ۸۱
۵. حنوط ۸۲
۶. کفن ۸۲
- درس ۲۴ - احکام درگذشتگان (۳) ۸۴
۷. نماز میت ۸۴
۸. دفن ۸۵
۹. احکام نیش قبر ۸۶
۱۰. احکام شهید ۸۶
۱۱. احکام اعدامی ۸۶
- درس ۲۵ - تیمم (۱) ۸۸

۱. موارد تیمم ۸۸
۲. چیزهایی که تیمم بر آن صحیح است ۸۹
۳. کیفیت تیمم ۹۰
۴. تیمم جیره‌یی ۹۰
- درس ۲۶ - تیمم (۲) ۹۲
۵. شرایط تیمم ۹۲
۶. احکام تیمم ۹۳

فصل سوم - نماز (۹۵)

- درس ۲۷ - اقسام نمازها ۹۶
۱. نمازهای واجب و مستحب ۹۶
۲. نوافل یومیه ۹۶
- درس ۲۸ - لباس نمازگزار (۱) ۹۹
۱. مقدار پوشش در نماز ۹۹
۲. شرایط لباس نمازگزار ۹۹
- درس ۲۹ - لباس نمازگزار (۲) ۱۰۳
۳. مواردی که لازم نیست بدن یا لباس نمازگزار پاک باشد ۱۰۴
- درس ۳۰ - مکان نمازگزار (۱) ۱۰۶
۱. شرایط مکان نمازگزار ۱۰۶
- درس ۳۱ - مکان نمازگزار (۲) ۱۰۹
- درس ۳۲ - احکام مسجد (۱) ۱۱۲
۱. احکام حرام مساجد ۱۱۲
- درس ۳۳ - احکام مسجد (۲) ۱۱۶
۲. احکام مستحب مساجد ۱۱۶
- درس ۳۴ - قبله ۱۱۸
۱. احکام قبله ۱۱۸
- درس ۳۵ - نمازهای یومیه (۱) ۱۲۰
۱. اهمیت نمازهای یومیه ۱۲۰
۲. تعداد نمازهای یومیه ۱۲۰
۳. اوقات نمازهای یومیه ۱۲۱
- درس ۳۶ - نمازهای یومیه (۲) ۱۲۳

۱۲۳.....	۴. احکام اوقات نماز.....
۱۲۴.....	۵. ترتیب در بین نمازها.....
۱۲۶.....	درس ۳۷- نمازهای یومیه (۳).....
۱۲۶.....	۶. اذان و اقامه.....
۱۲۸.....	درس ۳۸- نمازهای یومیه (۴).....
۱۲۸.....	۷. واجبات نماز.....
۱۳۱.....	درس ۳۹- نمازهای یومیه (۵).....
۱۳۵.....	درس ۴۰- نمازهای یومیه (۶).....
۱۳۸.....	درس ۴۱- نمازهای یومیه (۷).....
۱۴۲.....	درس ۴۲- نمازهای یومیه (۸).....
۱۴۶.....	درس ۴۳- نمازهای یومیه (۹).....
۱۵۱.....	درس ۴۴- نمازهای یومیه (۱۰).....
۱۵۵.....	درس ۴۵- نمازهای یومیه (۱۱).....
۱۵۸.....	درس ۴۶- نمازهای یومیه (۱۲).....
۱۵۹.....	۸. قنوت.....
۱۵۹.....	۹. تعقیب.....
۱۶۱.....	درس ۴۷- نمازهای یومیه (۱۳).....
۱۶۱.....	۱۰. ترجمه‌ی نماز.....
۱۶۴.....	درس ۴۸- نمازهای یومیه (۱۴).....
۱۶۴.....	۱۱. مبطلات نماز.....
۱۶۷.....	درس ۴۹- نمازهای یومیه (۱۵).....
۱۶۷.....	۱۲. شکایات نماز.....
۱۷۰.....	درس ۵۰- نمازهای یومیه (۱۶).....
۱۷۰.....	۱۳. نماز جمعه.....
۱۷۵.....	درس ۵۱- نمازهای یومیه (۱۷).....
۱۷۵.....	۱۴. نماز مسافر.....
۱۸۰.....	درس ۵۲- نمازهای یومیه (۱۸).....
۱۸۴.....	درس ۵۳- نمازهای یومیه (۱۹).....
۱۸۷.....	درس ۵۴- نمازهای یومیه (۲۰) - نماز قضای پدر و مادر.....
۱۸۷.....	۱۵. نماز قضا.....
۱۸۸.....	۱۶. نماز استیجاری.....

۱۷. نماز قضای پدر و مادر ۱۸۸
- درس ۵۵- نماز آیات - نماز عید فطر و قربان ۱۹۰
۱۸. نماز آیات ۱۹۰
۱۹. نماز عید فطر و قربان ۱۹۱
- درس ۵۶- نماز جماعت (۱) ۱۹۳
۲۰. مشروعیت و اهمیت نماز جماعت ۱۹۳
- درس ۵۷- نماز جماعت (۲) ۱۹۶
۲۱. شرایط نماز جماعت ۱۹۶
۲۲. احکام نماز جماعت ۱۹۷
۲۳. شرایط امام جماعت ۱۹۸
۲۴. مسایل متفرقه‌ی نماز ۱۹۹

فصل چهارم - روزه (۲۰۱)

- درس ۵۸- روزه (۱) ۲۰۲
۱. معنای روزه ۲۰۲
۲. انواع روزه ۲۰۲
۳. روزه‌های واجب ۲۰۳
۴. شرایط وجوب روزه ۲۰۴
۵. شرایط صحت روزه ۲۰۴
- درس ۵۹- روزه (۲) ۲۰۶
۶. نیت روزه ۲۰۶
- درس ۶۰- روزه (۳) ۲۱۰
۷. مفطرات ۲۱۰
- درس ۶۱- روزه (۴) ۲۱۴
- درس ۶۲- روزه (۵) ۲۱۹
۸. کفاره‌ی افطار عمدی روزه‌ی ماه مبارک رمضان ۲۱۹
- درس ۶۳- روزه (۶) ۲۲۳
۹. کفاره‌ی افطار قضای ماه رمضان ۲۲۳
۱۰. کفاره‌ی تأخیر ۲۲۴
۱۱. فدیة ۲۲۴
- درس ۶۴- روزه (۷) ۲۲۷

۱۲. جاهایی که قضا واجب است ولی کفارہ واجب نیست..... ۲۲۷
۱۳. احکام قضای روزه..... ۲۲۸
۱۴. احکام روزهی قضای پدر و مادر..... ۲۲۹
۱۵. احکام روزهی مسافر..... ۲۲۹
- درس ۶۵- روزه (۸)..... ۲۳۲
۱۶. راههای ثابت شدن اول ماه..... ۲۳۲
۱۷. مسایل متفرقهی روزه..... ۲۳۳

فصل پنجم - خمس (۲۳۵)

- درس ۶۶ - خمس..... ۲۳۶
۱. معنای خمس..... ۲۳۶
۲. وجوب خمس..... ۲۳۶
۳. منابع هفتگانه خمس..... ۲۳۷
۴. بخشی از آثار سوء عدم پرداخت خمس..... ۲۳۷
- درس ۶۷ - خمس درآمد (۱)..... ۲۳۹
۱. معنای درآمد..... ۲۳۹
۲. انواع درآمد..... ۲۳۹
۳. نمونه‌هایی از موارد عدم انطباق درآمد..... ۲۴۰
- درس ۶۸ - خمس درآمد (۲)..... ۲۴۳
۴. معنای مؤونه..... ۲۴۳
۵. حدود مؤونه..... ۲۴۳
- درس ۶۹ - خمس درآمد (۳)..... ۲۴۷
۸. نمونه‌هایی از موارد عدم انطباق مؤونه..... ۲۴۷
۶. طلای مسکوک..... ۲۵۱
۷. حقوق بازنشستگی..... ۲۵۱
۸. کفن..... ۲۵۱
- درس ۷۰ - خمس درآمد (۴)..... ۲۵۳
۹. نمونه‌هایی از موارد انطباق مؤونه..... ۲۵۳
- درس ۷۱ - خمس درآمد (۵)..... ۲۵۷
۱۰. نحوه‌ی محاسبه‌ی خمس درآمد و پرداخت آن..... ۲۵۷
- درس ۷۲ - خمس درآمد (۶)..... ۲۶۱

- درس ۷۳ - خمس معدن - گنج - مال حلال مخلوط به حرام - مصرف خمس - مسایل متفرقه‌ی خمس ۲۶۴
۱. خمس معدن ۲۶۴
۲. گنج ۲۶۴
۳. مال حلال مخلوط به حرام ۲۶۵
۴. مصرف خمس ۲۶۵
۵. مسایل متفرقه‌ی خمس ۲۶۷

فصل نهم - انفال (۲۶۹)

- درس ۷۴ - انفال ۲۷۰
۱. معنای انفال ۲۷۰
۲. منابع انفال ۲۷۰

فصل دهم - جهاد (۲۷۳)

- درس ۷۵ - جهاد ۲۷۴
۱. معنای جهاد ۲۷۴
۲. وجوب جهاد ۲۷۴
۳. اقسام جهاد ۲۷۴

فصل یازدهم - امر به معروف و نهی از منکر (۲۷۷)

- درس ۷۶ - به معروف و نهی از منکر (۱) ۲۷۸
۱. معنای امر به معروف و نهی از منکر ۲۷۸
۲. وجوب امر به معروف و نهی از منکر ۲۷۸
۳. محدوده‌ی امر به معروف و نهی از منکر ۲۷۹
۴. شرایط امر به معروف و نهی از منکر ۲۸۰
- درس ۷۷ - به معروف و نهی از منکر (۲) ۲۸۳
۵. مراحل و مراتب امر به معروف و نهی از منکر ۲۸۳
۶. مسایل متفرقه‌ی امر به معروف و نهی از منکر ۲۸۶